

# فُلْه بِرَائِي نَعْرَب نَشْبَنَان

عبدالهادي محمد تقى الحكيم

وفق فتاوى

سماحة آية الله العظمى

السيد علي الحسيني السيستاني

دام ظله الوارف





# فُلْه بِرَائِي نَعْرَب نَشْبَنَان

عبدالهادي محمد تقى الحكيم

وفق فتاوى  
سماحة آية الله العظمى  
السيد علي الحسيني السيستاني  
دام ظله الوارف

## مقدمه مترجم

یک مسلمان متعهد و متقدی باید در داخل حدود و مرزهای الهی زیست کند و این حدود و مرزهای، همان حلال و حرام و روا و نارواست و وظیفه یک فقیه تعیین آنها بر اساس کتاب و سنت دیگر ادله شرعی و عقلی است. حوزه فقاهت، بسیار گسترده و فراگیر می باشد و هیچ کردار و رفتار و گفتاری بدون حکمی از احکام پنجگانه نیست. ولذا انسان در هر کجا زندگی کند، در شرق، غرب، بلاد اسلامی و یا خارج آنها، باید حیات خود را در همان چهار چوب بگنجاید و اگر او فردی هوشیار و متعبد باشد هیچ مشکلی برایش پیش نخواهد آمد، زیرا فقهای ما بر پایه سماحت و سهولت شریعت مقدس اسلام برای همه زمینه ها و در همه شرایط و اوضاع و احوال، راه حل مشروع و معقول ارائه می دهند و هرگز انسان را در بن بست قرار نداده و بلا تکلیف رها نمی کنند.

هجرت مسلمانان از بلاد اسلامی به کشورهای غربی، اروپا و آمریکا و غیره در قرن اخیر شتاب بیشتری گرفته است. آنان در اثر عواملی که مجال بحث از آنها نیست تنها و یا فوج زادگاهش را ترک گفته و در آن بلاد

اقامت و سکنی گزیده اند و ویژگی آن محیط ها و حاکمیت شرایط خاص برای مسلمانان مسائلی پدید آورده که مکرر سؤالاتی را موجب شده که پاسخ می طلبند.

نویسنده این سطور که چندین سفر تبلیغی به برخی کشورهای اروپایی داشتم و با مسلمانان مهاجر عرب، ترک، آذری، افغانی، ایرانی و غیر هم دیدارها داشتم با انبوهی از آن سلسله مسائل مواجه بودم و حتی در برخی موارد به سبب اختلافی بودن مسأله، از برخی مراجع تقليد استفتا به عمل آورده و پاسخ متناسب دریافت می کردم و آنها را منتقل می نمودم.

سال گذشته بعد از مسافرت تبلیغی و تجدید دیدار، به زیارت برادر بزرگوارم حجۃ الاسلام و المسلمین آقای سید جواد شهرستانی صهر آیت الله العظمی سید علی سیستانی (دام ظله العالی) شرفیاب شدم و در محضر ایشان کتاب الفقه للمغتربين را دیدم و نسخه ای گرفتم. پس از مطالعه ملاحظه کردم که غالب مندرجات آن رساله، سؤالاتی بود که در طول چندین سفر از من هم کرده بودند و احياناً پاسخهای کلی می دادم و به لحاظ عدم اطلاع از فتواهای مراجع، در برخی موارد احتیاج به استفتاء احساس می شد. این کتاب علاوه بر آنکه آن سلسله مسائل مورد ابتلاء و پرسش را دارد با فتاویٰ مرجع تقليد شيعيان حضرت آیة الله العظمی سیستانی هم تطابق داشت.

تصمیم گرفتم برای تعمیم فایده، کتاب را به فارسی برگردانم تا همه از  
برکات رساله مزبور بهره مند گردند.

خدا را سپاس که در عرض چند ماه این نیت جامه عمل پوشید و  
ترجمه کامل آماده طبع شد. از خدای متعال مسئلت دارم که آن را به کرمش  
قبول فرماید و ذخیره آخرت قرار دهد.

در خاتمه سخن، از همکاری و همیاری سرکار خانم حاجی حسینی  
که در سامان دادن این کار، مرا یاری رساندند و در تسریع ترجمه و تنظیم  
کتاب، نقش سازنده داشتند تشکر می کنم و برای ایشان نیز مزید توفیق و  
اجر، مسئلت دارم، آنے نعم المجبوب. تهران - سید ابراهیم سید علوی

۱۳۷۸/۸/۵

رجب المجبوب

## مقدمه نویسنده کتاب

بسیار خوشحالم که کتاب فقه برای غرب نشیان را که با فتاوای حضرت آیت الله العظمی سید علی سیستانی — مدظله العالی — برابر است تقدیم خوانندگان گرامی کنم.

این کتاب کوششی است آغازین در زمینه بیان برخی احکام فقهی برای مردمانی که پیش آمده تا میهن خود را ترک نموده و از علایق و وابستگی های وطن مالوف، بریده و در کشورهای غیر اسلامی و در زیر حاکمیت قوانین، آداب عادات و رسوم نظامهای احیاناً نا مأнос و مغایر با شیوه های شناخته شده در بلاد اسلامی، زندگی کنند و همین امر، ناسازگاری ها و شکافهایی را در زندگی آنان به وجود آورده و مشکلات خاصی را آفریده است و پاسخهایی مناسب می طلبد.

این رویداد، نیاز به نگارش کتابی را می رساند که به مسائل حیاتی مسلمانان مهاجر به مغرب زمین، پاسخ دهد، بنابر این کتاب حاضر خط مشی ویژه ای دارد و اهداف خود را در یک مقدمه و دو باب و هر کدام دارای چندین فصل پی می گیرد و مسائلی را مطرح می کند که احیاناً نا آشنایند و قضایایی را دنبال می نماید که کاملاً تازه اند و در رساله ها و کتب فقهی معمولی، کمتر آنها را نمی توان یافت. مباحث این کتاب، روزنه هایی را برای خوانندگان باز می کند و احیاناً ممکن است استفتائات و سؤالاتی تازه پیش آورد. و مایه خوشحالی است که خوانندگان با فضیلت، آنها را به

آدرس ما بفرستند تا همراه پاسخ آنها، در چاپ های بعدی کتاب، منتشر شود.

این کتاب (فقه برای غرب نشینان) در واقع سومین کوشش ماست به دنبال دو تلاش قبلی تحت عنوانیں: فتاوی آسان و منتخبی از مسایل برگزیده. نگارنده در هر سه کتاب کوشیده است تا طالبان را به فقه و احکام اسلامی پیوند دهد و آن معلومات را برای کسانی که در آن رشته تخصص ندارند دوست داشتند کنند. اگر به این هدف رسیده باشم خدا را سپاس فراوان می گوییم و الا تنها کوششی است در انجام وظیفه. و توفیق از خداوند است و بس.

نگارنده توانست فصولی از کتاب حاضر را به سمع و نظر والد گرامی که به قصد معالجه، مدتی در لندن اقامت داشت برساند و از نظرات معظم له بهره ببرد. خدا این عمل از ما بپذیرد.

ضمناً از کلیه کسانی که مرا در تکمیل و بهسازی این کتاب یاری کرده اند سپاسگزارم و به ویژه از حضرت آیت الله العظمی سیستانی — مدظله العالی — که قبول زحمت فرموده برخی استفتاء‌ها را ملاحظه کردند و همچنین از دفاتر معظم له در نجف اشرف، قم و لندن که یاری‌ها کردند و محبت‌ها مبذول داشتند و در تطبیق و مقابله فتاوا زحمت کشیدند، نهایت تشکر را دارم.

خدا همه ما را به سوی آنچه رضا و خشنودی اش در آن است هدایت فرماید و به توفیق آنچه که شایسته است نایل آورد. آمين. ...ربنا لا تؤاخذنا

آن نسينا او اخطأنا ربنا و لا تحمل علينا اصرأً كما حملته على الذين من قبلنا،  
ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عننا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا  
فانصرنا على القوم الكافرين

**عبدالهادى محمد تقي حكيم**

١٤١٨/رمضان ٢٧

## طرح مؤلف و تمهید

در صبح یک روز آفتابی زمستان رجب سال ۱۴۱۶ برابر دسامبر ۱۹۹۵  
هوایپما به سوی لندن پایتخت انگلستان به پرواز در آمد.

هوایپما از شرق به سوی غرب و از میهن آفتاد به پایتخت ابرها پرواز  
می‌کرد، گرمای خورشید که از شیشه‌های هوایپما به درون می‌آمد چیزی  
بود که دیگر با آن وداع می‌گفت همچون وطن و میهن خودم که آن را هم  
با یک حرارت معنی داری ترک می‌نمود.

هوایپما در وسط آسمان قرار گرفت و پروازش آرام و خوش بود،  
همانند آن بود که چیزی روی قطب استوار، قرار گیرد. ترجیح دادم که با  
خواندن برخی سوره‌ها از روی قرآن کوچکی که از زمان کودکی همراه  
دارم اندکی وقت را پر کنم.

من در خانه بزرگمان در نجف اشرف چشم خود را گشوده و جدم را  
دیده بودم که صبح هر روز و بعد از ظهر و عصر و به هنگام سفر و دیگر  
اوقات قرآن می‌خواند و همچنین پدرم را می‌دیدم که همیشه در جیب خود  
قرآنی داشت و در سفر و حضور از آن جدا نبود. قرآن را گشودم و آیاتی را  
با صدایی آهسته و آرام تلاوت می‌کردم تا بدان وسیله روح و روان و درون  
و خونم را شستشو دهم و دهانم را از آلودگی‌های مادی و از بدی‌ها، پاک  
کنم و از خدای — عزوجل — یاری بطلبم که این پاره آهنی را که در میان  
آسمان و زمین معلق است از رخداد سوء حفظ فرماید.

ظهر نزدیک شده بود و کم کم وقت نماز فرامی‌رسید. از روی صندلی خود بلند شدم و به سوی دستشویی راه افتادم، تجدید وضو کرده، شانه از جیب خود در آوردم، موی سر و صورت را مرتب کردم و با شیشه کوچک عطر، خود را خوشبو کردم که چنان عادت داشتم زیرا خوانده بودم که معطر بودن و بوی خوش به کار بردن مستحب است و پیامبر اکرم محمد (ص) عطر را دوست می‌داشت و نیز خوانده بودم که نماز با عطر و بوی خوش برابر هفتاد نماز است. پس از آنکه از وضو، شانه کردن مو و استعمال عطر فراغت جستم درب دستشویی را باز کردم و بیرون آمدم و دوباره بر روی صندلی خود نشستم.

تا نشستم شروع کردم آیه‌هایی را که از کودکی حفظ داشتم تلاوت کردم و می‌اندیشیدم کجا باید نماز بخوانم و چگونه سمت قبله را بشناسم و آیا ایستاده نماز بخوانم و یا نشسته؟! این افکار مرا به خود مشغول کرد. به حافظه ام رجوع کردم و از اطلاعات دینی ام کمک گرفتم و سخن فقهاء، به یاد آمد که انسان تا می‌تواند باید ایستاده نماز گزارد و اگر ناتوان بود و ممکن نشد می‌تواند نشسته نماز بخواند. و همینطور از حکمی به حکمی دیگر و از مرتبه ای به مرتبه دیگر بر حسب قدرت و استطاعت پیش می‌رفتم چون می‌دانستم نماز به هیچ وجه ساقط نمی‌شود.

وقتی به این نتیجه رسیدم چشم خود را در هوایما گراندم تا جایی را بیابم که ممکن است در آنجا ایستاده، نماز گزارد. در گوشه ای جایی دیدم که می‌شد آنجا نماز خواند، در دل خود گفتم جا آماده شد باید سمت قبله

را بشناسم و تا زمانی که هواپیما آرام و مثل ایستاده است، فریضه را به جا

آورم، به نظرم رسید که از خدمه هواپیما بپرسم تا قبله را بشناسم.

مهمندار چای آورد و آن را روی میز کوچک صندلی که در جلو هر

مسافر قرار دارد گذاشت. از فرصت استفاده کرده با انگلیسی شکسته بسته

گفتم: - سؤالی دارم.

- بفرمایید.

- بی زحمت ممکن است سمت قبله را برای من بفرمایید؟

- متأسفم، خواسته شما را نفهمیدم.

- سمت قبله، سمت مکه مکرمه؟؟

- آیا شما مسلمان هستید؟

- بله، می خواهم نماز ظهر بخوانم.

- اجازه بدھید از خلبان هواپیما بپرسم.

مهمندار رفت کابین تا قبله را از خلبان بپرسد. در این فرصت به ذهنم

آمد که برای نماز زیر اندازی هم لازم دارم تا روی آن نماز بخوانم. او

برگشت و جواب سؤالم را داد، از وی خواستم پارچه ای، قطعه روزنامه ای

بیاورد که روی آن نماز بخوانم.

او ملافه ای برای من آورد، آن را روی کف هواپیما پهن کردم و نماز

ظهر و سپس نماز عصر را دو رکعت به طور قصر و شکسته خواندم، آنگاه

تسییح حضرت زهرا راسی و چهار بار الله اکبر و سی و سه بار الحمد لله و

سی و سه بار سبحان الله خواندم و شکر خدا به جا آوردم و دوباره به روی

صندلی خود نشستم ولی حالی دیگر داشتم و احساس آرامش می کردم.  
بیشتر می پنداشتم که نماز در هواپیما، کاری سخت و امری خسته کننده می باشد و مرا به زحمت خواهد انداخت و انگشت نما خواهد کرد اما اشتباه می کردم بر من آشکار شد که نماز برای من احترام ویژه ای به وجود می آورد و به من شکوه و هیبتی خاص می بخشد حتی در نظر غیر مسلمانان که همراه من سفر می کنند و از آن جمله خدمه و مهمانداران هواپیما.

غرق در این افکار بودم که بلندگوی هواپیما به صدا در آمد و اعلام کرد که می خواند غذا بدنه، فوری مهمانداران پیش آمده از مسافران می پرسیدند با ملاحظه لیست غذا، چه نوع غذا و طعامی را ترجیح می دهند.  
نوبت به من رسید یکی از خانم های مهماندار پرسید: چه غذایی را دوست می دارید: ماهی و یا مرغ؟!

من ماهی را انتخاب کردم اما نه بدان جهت که آن را بیشتر دوست دارم و آن را ب مرغ ترجیح دادم لیکن بدان سبب که مرغ را نمی توانم بخورم زیرا آن را از دست غیر مسلمان می گیرم و برای من محرز نیست که آیا آن تذکیه و ذبح شرعی، شده است یا نه؟ و این همان مشکلی است که تا در مغرب زمین هستم با این مشکل مواجه می باشم.

من در یک کشور اسلامی زاده شده ام و در آن رشد کرده و بزرگ گشته ام. من هر گاه در صحت ذبح گاو، گوسفند و یا مرغ و امثال آن شک می کردم و یا در حلال بودن ماهی که از بازار می خریدم دو دل می شدم به آن شک اعتقدنا نداشتم زیرا از بازار مسلمانان می خریدم و آن را با خاطری

جمع و آسوده، می خوردم لیکن وضع در کشور غربی کاملاً فرق می کند من نمی توانم گوشتی را که یک شخص غیر مسلمان می فروشد بخورم مگر آن که تذکیه شرعی آن را برابر فقه و شریعت اسلامی احراز کرده باشم و این، چندان کار آسانی نیست.

به هر حال مهماندار غذا را آورد و آن طعامی بود لذیذ و اشتها آور، ماهی سرخ شده با روغن آفتابگردان با اندکی سیب زمینی سرخ شده و کمی برنج و سالاد و سبزی و دو دانه زیتون سبز و چند دانه انگور و انجیر سیاه و مقداری شیرینی و لیوانی آب سرپوش دار با مختلفاتی از نمک، شکر و ادویه و دو تکه نان و قاشق، چنگال و کارد و دستمال کاغذی.

خیلی گرسنه بودم. نخست حمد و سپاس خدا گفتم، آنگاه چنگال را در دل ماهی پخته، فرو بردم تا آن را از نگاهدارم و با کارد خردش کنم و به قطعات کوچکتر در آورم تا خوردن آن آسانتر باشد ولی قبل از خوردن به یاد یک چیز دیگر افتادم.

آیا این ماهی پولک دار است؟ و آیا آن را زنده از دریا و آب، بیرون کشیده اند؟ و آیا آن، در تور ماهیگیر مرده است و آیا گیرنده و شکار کننده آن مسلمان بوده است یا کافر، نام خدا به هنگام صید برده شده یا نه؟ و آیا روغنی که ماهی را با آن تاب داده اند، روغن پاکی بوده است یا نه؟ و آیا پژنده آن مسلمان بوده یا نه؟

این فکر بسیار خسته کننده بود که در آن ساعت مرا به خود مشغول کرد و لحظه ای از خوردن ماهی خوشمزه و گرم بازداشت در حالی که من

گرسنه بودم اما مهم نبود زیرا پس از آن که ماهی پولک دار باشد و از آب زنده بیرون کشیده شود و یا در تور ماهیگیر بمیرد آن را بخورم اعم از آنکه آن را مسلمان صید کند یا کافر، بسم الله بگوید و یا نگوید. مقداری از آن ماهی را با چنگال در بشقاب خود گذاشتم و دوباره مسائل را از خاطرم گذر دادم و به یاد آوردم که رساله عملیه مرجع تقليد را وقتی که آماده سفر می شدم خواندم وئ مشکلی نبود. در دل خود گفتم روغن آفتابگردان چطور، آیا آن پاک است؟ فوری به خود پاسخ دادم آری، همه چیز برای تو پاک است تا به نجاست و آلودگی آن، علم پیدا کنی. و چون نجاست آن روغن را نمی دانم پس پاک است. وقتی روغن پاک است و ماهی پخته شده با آن حلال و پاک، پس همه اش پاک است و خوردن آن حلال می باشد. می ماند پزنده آن، که آیا او مسلمان بوده و یا از اهل کتاب بوده که پاکند و یا این که او نه مسلمان بوده و نه از اهل کتاب؟ البته این مسئله مهم است اما من نمی دانم که آیا پزنده به این غذا دست زده است یا نه؟ قاعده فقهی همه چیز برای تو پاک است تا بدانی که آن، نجس و آلوده است را یاد آوردم. مراجعه به این قاعده چنین نتیجه می دهد که خوراک ماهی هواییما پاک و خوردن آن برای ما حلال است به این نتیجه که رسیدم، نفسی عمیق کشیدم و با خیال راحت چنگال را برداشتمن و قطعات ماهی را که خرد کرده بودم خوردم و سپس سیب زمینی پخته را که با روغن، سرخ شده بود و من نجاست آن را نمی دانستم و برای من پاک بود خوردم و همین کار را بانان، سالاد، میوه و دیگر شیرینی ها کردم همه را پاک می دانستم و خوردم و آنگاه

یک لیوان آب و یک فنجان چای که همه شان برایم پاک بودند نوشیدم  
زیرا حکم شریعت اسلام در همه آن موارد همین است.

حمد و سپاس خدا به جا آوردم و در برابر نعمت‌های الهی  
شکرگزاری کردم و سپس چشمانم را بستم تا کمی استراحت کنم و اندکی  
بعد چشمان خود را گشودم و از پنجره هواپیما به بیرون نگریستم، به آسمان  
بالا نگاه کردم سبزی و رنگ آبی شفاف دیدم، به پایین نگاه کردم سبزی  
دریا را دیدم، سبزی از هر سو مرا در میان گرفته بود و در فضای خرم و بی  
انتها، شناور بودم.

هواپیما در ارتفاع سی هزار پا از سطح دریا پرواز می‌کرد و دو ساعت  
و نیم دیگر وقت داشتیم تا به فرودگاه دولتی لندن هیترو Heathrow  
بررسیم.

چشم در درون هواپیما گراندم، برخی مسافران سرگرم خواندن  
روزنامه‌های صبح بودند که مهمنداران برای ایشان آورده بودند تا کمی  
وقت خود را پر کنند و عده‌ای هم در خواب عمیقی فرو رفته بودند.  
آرام دست دراز کرده و روزنامه صبح را برداشتیم. تیترها با حروف  
درشت سیاه و رنگی چاپ شده بودند تا نظر خوانندگان را جلب کنند.  
چشمم بر روی آن تیترها می‌گذشت بی آنکه تمرکزی حاصل شود،  
در این موقع چیزی به ذهنم آمد که در روزهای گذشته همواره به آن مشغول  
بودم: من هویّت فرهنگی خود را در یک کشور بیگانه چطور باید حفظ  
کنم؟

این فکر مدت طولانی مرا به خود مشغول کرده بود که سفر اروپایی را چگونه خواهم گذراند؟ و از روزی که سفر را آغاز کردم، دلم بدان مشغول بود و هم اکنون نیز همواره مهم‌ترین فکر من همان است و در هر آن به آن می‌اندیشیدم، آنگاه که بیدار هستم و آنگاه که خواب بر من چیره می‌شود صبح، عصر و خواه ناخواه این فکر بر من غالب می‌گردد.

یکبار یکی از دوستانم که قبل از من به لندن سفر کرده بود تلفنی به من زده و توصیه‌هایی کرده بود. یکبار دیگر به کتابخانه رفتم، کتابی نظر مرا به خود جلب کرد هم این کتاب و هم آن دوست تأکید داشتند که من بر مسأله ای اهتمام و رزم که خلاصه آن این است: آثار منفی مهاجرت به غرب در این خلاصه نمی‌شود که انسان از اسلام دور می‌شود و اطلاعات مذهبی اش رو به کاستی می‌گذارد بلکه گاهی چیزهایی پیش می‌آید که به مراتب از آن مهم‌ترند و آن این که انسان مسلمان در چنان محیط‌هایی از هویت اخلاقی و اجتماعی خود دور می‌شود و از تربیت اسلامی و عادات و آداب آن فاصله می‌گیرد!

نویسنده افزوده بود: مسلمانی که وادار به مسافرت به کشورهای غربی می‌شود باید برای خود محیط‌های سالم دینی به وجود آورد که در غرب یافت نمی‌شوند. درست است که او نمی‌توانند محیط‌های عمومی را عوض کند اما او می‌تواند محیط ویژه‌ای برای خود فراهم نماید که در آن فضا زیست کند.

به وجود آوردن محیط مناسب و اسلامی در آن شرایط شیه و اکسینه شدن در برابر یک نوع بیماری است که انسان می‌خواهد از آن فرار کند و با اقداماتی معقول به پیشگیری می‌پردازد ما در عین حال که ادعا نمی‌کنیم چنان چیزی آسان است و با این تمثیلات ساده از کنار آن نمی‌توان گذشت، در عین حال این امر از اهمیت خسارت یک انسان با ایمان در زمینه تعهدات دینی که اساس هویت و شخصیت او را تشکیل می‌دهند کم نمی‌کند پس شایسته است مراقبت کنیم هر چند که چنان کاری در جنبه‌های دیگر زندگی خسارت‌ها و ضررها ای را به وجود آورد. ما همان اندازه که آثار منفی آن سفرها را در نظر می‌گیریم برای رهایی و نجات از آن ضایعات هم باید برنامه داشته باشیم. مسلمانی که برای آینده مادی و دنیایی و در جنبه‌های علمی و اقتصادی و دیگر امور خویش در کشورهای غربی، تلاش می‌کند باید حیات اخروی خود را در این مسیر از دست بدهد. او مانند هر تاجر دیگر باید شرف و انسانیت خود را در برابر مبالغی پول خسارت دهد، او همانند مريض برای امراض سلامت، و تندرستی، و تلخی دوا، درد سوزن، و داغ شدن و امثال آن را تحمل می‌کند تا مرض، او را از پا در نیاورد. پس برای هر مسلمانی که در چنین محیط‌های آلوده زندگی می‌کند لازم است که خود را در برابر عوارض و خطرات نامطلوب، نگاهدارد و برای خود محیط و جوّ دینی مناسب پدید آورد تا در حد امکان از ضرر و زیان‌های آن محیط‌های آلوده، بکاهد.<sup>۱۹</sup>

او باید برای خود و خانواده و فرزندان و حتی برادران هم کیش خود  
چنان محیط‌های سالم را به وجود آورد تا به کلام خدای تعالی عمل کره  
باشد که فرمود:

يا ايها الذين امنوا قوالنفسكم و اهليكم ناراً و قودها الناس و الحجارة  
على ها ملائكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما امرهم و يفعلون ما يؤمرون ۲ :  
ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده تان را از آتشی نگاهدارید که  
آتشگیره آن مردمان و سنگ است. بر آن فرشتگانی سر سخت و خشمگین  
مأمورند که از فرمان خدا سرپیچی نمی‌کنند و هر آنچه به ایشان امر شود،  
عمل می‌کنند.

۱. دلیل المسلم فی بلاد الغربة، ص ۲۷-۳۷.

۱. دلیل المسلم فی بلاد الغربة، ص ۳۷-۲۷.

۲. سوره تحريم، آیه ۶.

و با خدا - برتر از هر گوینده - فرمود:

المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون  
عن المنکر ۱ : مردان و زنان با ایمان، سرپرستان یکدیگرند همدیگر را به  
نیکی فرمان می‌دهند و از بدی باز می‌دارند.

و پیامبر اکرم (ص) فرمود: کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته ۲ :  
همه تان مسئول رعایای خویش هستید. و به هر حال باید فریضه امر به  
معروف و نهی از منکر مورد عمل قرار بگیرد. و به طور خلاصه ایجاد چنان  
مصطفوی در خلال چند امر میسر است.

۱— هر روز به اندازه ممکن، برخی سوره‌های قرآن کریم را با اندیشه و تدبیر تلاوت کند و یا به قرائت یک قاری گوش دهد که در آن آیات، بینش‌هایی از سوی پروردگار و هدایت و رحمتی برای مردمان با ایمان وجود دارد: بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم يؤمنون<sup>۳</sup>.

و اذا قری القرآن فاستمعوا له و انصتوا علىكم ترحمون<sup>۴</sup>: و وقتی قرآن، تلاوت شد گوش کنید و آرام باشد شاید مشمول رحمت گردید. زیرا اگر کسی با قرآن همنشین باشد بلند نمی‌شود مگر با افزونی و یا کاستی، افزونی هدایت و ارشاد و کاستی کوری و ضلالت.<sup>۵</sup> و بدانید با وجود قرآن، برای احمدی، فقر و فاقه نیست و بدون قرآن هیچ کسی دارا نیست، از او برای دردهایتان دارو بطلبید و در سختی‌ها و گرفتاری‌ها از او یاری بجویید زیرا در قرآن شفا و بهبودی از بزرگ‌ترین درد که کفر و نفاق و گمراهی و گم‌گشتگی باشد، وجود دارد و از خدا به وسیله قرآن بخواهید و به محبت قرآن به خدا رو کنید و آن را وسیله سؤال از مردم قرار می‌دهید زیرا بندگان به سوی خدا هیچ وسیله‌ای مثل قرآن ندارند و بدانید که او شفاعت کننده‌ای است که شفاعتش پذیرفته است و گوینده‌ای است که است که سخن‌ش مورد تصدیق می‌باشد و هر که در روز قیامت قرآن شفاعت کننده او باشد شفاعت آن در حق او پذیرفته است.<sup>۶</sup>

و هر کس در جوانی قرآن بخواند قرآن با گوشت و خون او

۱. سوره توبه، آیه ۷۱.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۸.

۲. سوره اعراف، آیه ۲۰۳.

۴. سوره اعراف آیه، ۲۰۴

۵ و ۶. نگاه کنید: نهج البلاغه، ص ۲۵۲

در آمیزد و خدا او را با فرشتگان بزرگوار و نیکوکار، همراه کند و  
قرآن در روز قیامت مانع او از آتش و عذاب خواهد بود.  
بهتر است او برخی تفسیرهای مختصر را که حمل آن آسان و در  
مسافت سودمند است، همراه داشته باشد.

۲— نمازهای واجب را در وقت‌های معین بخواند بلکه احياناً نمازهای  
مستحبی را که ممکن است به جا آورد، پیامبر (ص) به عبدالله بن رواحه آن  
هنگام که برای جنگ موته بیرون می‌رفت طی وصیتی فرمود: تو به سرزمینی  
می‌روی که در آنجا کمتر برای خدا سجده می‌شود، پس فراوان سجده  
کنید.<sup>۲</sup>

و زید شحام از امام صادق روایت کرد که پیامبر (ص) فرمود:  
احب الاعمال الى الله الصلوة، و هي آخر وصايا الانبياء<sup>۳</sup> : دوست  
داشتني ترين اعمال نزد خدا نماز است و آن آخرین سفارش‌های پیامبران  
است. امير مؤمنان علی (ع) هم نماز را سفارش کرده فرمود: به نماز تعهد  
داشته باشید و بر آن مراقبت و محافظت کنید و فراوان نماز گزارید و با آن  
تقرب بجویید که آن برای مؤمنان واجب وقت داری است. آیا جواب  
دوزخیان را نمی‌شنوید آن هنگام که از ایشان سؤال شد چه چیزی شما را در  
سقر و دوزخ وارد کرد؟ گفتند: ما از نماز گزاران نبودیم.

و همانا نماز گناهان را همانند برگهای درخت فرو می‌ریزد و معاصی را مانند رسیمان پوسیده، رشته، رشته متلاشی می‌کند و از بین می‌برد، و رسول خدا (ص) آن را به حمام و آب گرمی تشبيه کرد که دم در خانه آدمی باشد و او در هر روز و شب پنج بار در آن شستشو کند پس از چنین نظافت و شستشویی چه آلودگی بر او باقی می‌ماند؟

۳— خواندن قسمتی از دعاها، مناجات‌ها و ذکرها در حد توان، که چنان عملی گناهان را یاد می‌آورد و به توبه و امداد دارد و به پرهیز از کارهای بد فرامی‌خواند و توشه‌ای از حسنات و نکوکاری می‌شود. مثل دعاهاي صحيفه سجاديه امام زين العابدين (ع)، دعاهاي کميل بن زياد، دعاهاي ماي رمضان مانند دعاهاي ابو حمزه ثمالي و دعاهاي سحر و دعاهاي هفته و ديگر دعاها.

و هر مسلماني به چنین تهدیب و خود سازی نیازمند است به ویژه اگر در کشور غیر اسلامی به سر برد.

۴— به مرکزها و مؤسسه‌های اسلامی، زیاد رفت و آمد کند که در آنها در ماي رمضان و يا ديگر ماهها و زمانها در عيدهای اسلامی و مناسبات‌های مذهبی و روزهای ولادت و وفات، مجالس وعظ، ارشاد و تبلیغ تشکیل و به پا می‌شود و انگهی مسلمانان باید این مناسبات‌ها را در خانه‌های خود هم زنده نگاهدارند. آنجا که چنان مجالس و مراکز و مؤسسات عمومی وجود ندارند.

- ۵- در انجمن‌ها و کنفرانس‌های اسلامی که در کشورهای غربی احیاناً تشكیل می‌شود شرکت کند.
- ۶- کتابها، مجلات و روزنامه‌های اسلامی را برای بهره جستن از آنها بخواند و به دیگران نیز فایده برساند.
- ۷- به برخی نوارهای کاست که اساتید با تحمل زحمت و بی‌خوابی آنها را فراهم کرده‌اند و در مجالس به عنوان سخنرانی آنها را القاء کرده‌اند گوش کند که در آنها موعظه و تذکر فراوان خواهد یافت.
- ۸- از رفتن به جاهای فساد و لهو از دیدن برنامه‌های بد تلویزیونی به ویژه بعضی کانالها که برنامه‌هایشان با عقاید دینی و ارزش‌های مذهبی و منش و تمدن اسلامی سازگاری ندارند خودداری کند.
- ۹- دوستان صالح در راه خدا به دست آورد که او آنان را ارشاد کند و ایشان هم او را ارشاد کنند. او آنان را از کثری و انحراف باز دارد. و ایشان هم او را، و اوقات فراغت را با کارهای مفید همراه ایشان بگذارند و بدان وسیله از رفیقان ناباب و از انزوا و تنها یی و آثار سوء آنها خلاصی یابد.
- امام صادق (ع) از پدرانش، از پیامبر (ص) روایت کرد که فرمود: مسلمانان پس از فایده اسلام، فایده‌ای مثل برادر دینی و خدایی به دست نیاورده است.

میسر گفت: امام ابو جعفر صادق (ع) به من فرمود: آیا خلوت می‌کنید و صحبت می‌کنید و از هر بابی سخن می‌گویید؟ گفتم: بله به خدا سوگند خلوت می‌کنیم و با یکدیگر به گفتگو می‌نشینیم و آنچه گفتنی است می-

گوییم. امام فرمود: به خدا سوگند دوست می دارم در برخی از این اوقات با شما باشم. آگاه باشید به خدا قسم من بوی شما، روحهای شما را دوست می دارم و شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید پس با ورع و کوشش، یاری برسانید.<sup>۱</sup>

۱۰- انسان همه روزه از خود حساب کشی بکشد و یا هر هفته عملکرد های خود را محاسبه کند اگر کار نیک انجام داده خدا را شکر گزارد و افزون کند و اگر عملکردش بد بوده استغفار نموده

و توبه کند و تصمیم بگیرد که بار دیگر آن کار بد را نکند. پیامبر بزرگوار به ابوذر چنین وصیت کرد: ای اباذر، پیش از آنکه به حساب تو رسیدگی شود خود به حسابت برس چنین کاری برای حساب پس دادن فردا، بهتر است و خود ت را قبل از آنکه سنجیده شوی بسنج. و برای عرضه داشت بزرگ در روزی که بر خدا هیچ امر پنهانی، پوشیده نمی ماند، آماده باش.

ای اباذر، هیچ انسانی پارسا و متقی نمی شود مگر آنکه خود را سخت تر از آنچه شریک، از شریک خود حساب می خواهد، محاسبه کند او باید بداند که از کجا می خورد و چه می پوشد آیا از حلال است و یا از حرام؟<sup>۲</sup> و امام کاظم فرمود:

لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فان عمل حسنہ استزاد اللہ تعالیٰ و آن عمل سیئہ استغفر اللہ منها و تاب

هر روز محاسبه نکند اگر کار نیک انجام داده از خدا فزونی بطلبد و اگر کار بد کرده توبه کند و از خدا آمرزش بخواهد.

۱۱- به لغت و زبان عربی که زبان قرآن و تعداد زیادی از کتب و منابع شریعت اسلامی است اهتمام بورزد علاوه آنکه آن، زبان انبوی عظیم از مسلمانان و بزرگان دین است و آن را در میان خانواده رواج دهد و اگر دانشجویان در کشورهای غیر اسلامی به آموزش زبان اجنبي مشغولند همزمان به آموزش زبان عربی هم همت بگمارند تا بدان وسیله به دین و ارزش‌های مذهبی و تاریخ تمدنشان دست یابند.

۱۲— به تریت نسل جدید اهتمام بورزد و آن را از طریق تریت فرزندان پسر و دختر بر محبت کتاب خدا علاقه به تلاوت آن با تشکیل مسابقه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، پی بگیرد.

کودکان را با ورزیده کردن بر عبادتها و آراستگی به اخلاق فاضله مانند راستی، شجاعت، وفاء به عهد و دوست داشتن دیگران، آماده کند و همراه خود آنان را به مراکز اسلامی و مؤسسه‌های دینی ببرد و عادتشان دهد. او دشمنان

اسلام را به ایشان بشناساند و روح اخوت و برادری را در میان آنان تقویت کند و دست آنها را در شرکت کردن در مناسبات‌ها، عیدها و عزایها بگیرد. او کار کردن و کوشش و فعالیت را برای کودکان دوست داشتنی کند تا بدان وسیله اسلام را بهتر بفهمند و بر پایه ارزش‌های دینی در حیات دنیوی نیز رفتاری متناسب داشته باشند.

فکر خود را در اینجا نگاه داشتم و به آسمان نگریستم در جلو چشم  
خود انبوهی از ابرهای سفید را مشاهده کردم که از اینجا و آنجا جمع شده و  
مانند پنبه حلاجی شده که بر روی محملی سبز نهاده شده باشد، جلوه گر  
بودند، منظره خیلی دلربا بود آن قدر نگریستم تا چشمم سیر شد. پارههای ابر  
در حرکت بودند، جمع می‌شدند، توی هم می‌رفتند، یکی می‌شدند، از هم  
 جدا می‌شدند، به یکدیگر راه می‌دادند، ذوب می‌شدند و از بین می‌رفتند.

باری دیگر سؤال برای من تکرار شد در کشورهای غربی چگونه باید  
زیست کنم؟ چطور باید رفتار کنم که ویژگی شخصیتی خود را حفظ کنم  
بدون آنکه در فرهنگ دیگران ذوب و یا فانی شوم و بی آنکه به بن بست  
افتم و گرفتار آیم چه باید کنم؟ آنگاه از خود پرسیدم اگر در میان عده ای  
زندگی کنم چگونه درباره من داوری خواهند کرد؟ من در کشور و شهر  
خود که دائمًا زایران و جهانگردان، در رفت و آمد بودند چنین عادت داشتم  
که با نوع رفتار مردم به فرهنگ ملتستان پی می‌بردم. اگر کسی رفتار خوبی  
داشت می‌گفتم مردمان همشهری او مردمان خوبی هستند و اگر مسافر و  
جهانگردی بد عمل می‌کرد می‌گفتم اصولاً فرنگ اهل آن شهر چنین است  
و روی این اصل مردم مغرب زمین هم از نوع رفتار من قضاوت خواهند کرد  
که مسلمان یعنی همین و آن رفتار را بر عموم مسلمانان تعمیم خواهند داد.  
من اگر راستگو و درست کردار باشم، وفا به عهد کنم، امانتدار باشم، خلق  
خوش نشان بدهم و برابر قوانین اجتماعی نظام رفتار نمایم، نیازمندان را یاری  
کنم، با همسایگان خوش رفتار باشم و در نوع رفتار به محمد (ص) تأسی

کنم و تعالیم او را اجرا نمایم که به طور کلی دین در حسن رفتار خلاصه می شود، اگر چنین باشم در معاشرت با مردمان غیر مسلمان، قضاؤتشان چنین خواهد بود که دین اسلام دین مکارم اخلاق است.

و اما اگر دروغ بگویم، خلف وعده کنم و با خلق و خوی بد اطرافیانم را به وحشت اندازم و نظم جامعه را در هم بریزم، با همسایگان بدی کنم و در معامله فریبکاری و در امانت خیانت روابدارم، آنان که با من معاشرت می کنند خواهند گفت: اسلام دینی نیست که بتواند به پیروانش خلق های نیکو بیاموزد!

در اینجا صدای خلبان هوایپما افکار مرا برید و گفت: ما الآن روی کشور آلمان و به سوی شهر لندن در حرکت هستیم، کیفم را گشودم و از آن کتابی بیرون آوردم تا از آن یاری بطلبم و پنج روایت از امام صادق (ع) مرا نگاه داشتند.

۱- امام به شیعیان و پیروان خود فرمود:

کونوا لنا زينا و لا تكونوا علينا شيئا. حبونا الى الناس و لا تبغضونا اليهم: برای ما زینت و آبرو باشید. بر ما عیب و ننگ و عار مباشد ما را به مردم دوست داشتنی کنید نه طوری کنید که آنان به وسیله شما ما را دشمن بدارند.

۲- کونوا من السابقين بالخيرات ... : از کسانی باشید که با کارهای خیر سبقت می جویند، شاخه ای بی خار باشید که پیشینیان شما شاخ و برگ باشم. به سوی پروردگار تان بخوانید و مردم را به اسلام وارد کنید نه آنکه از

اسلام بیرون برده باشید پیشینیان چنین بودند که مردم را به اسلام راغب و به آن وارد می کردند نه آنکه آنان را از اسلام بیزار و از آن خارج کرده باشند.

۳— در این روایت پس از آنکه به عمل کنندگان به حدیث، سلام می فرستد می گوید: شما را به تقوای خدا عزوجل توصیه می کنم و این که در دینتان با پروا باشید و برای خدا کوشش کنید، راستگو، امانتدار باشید سجده های طولانی کنید، همسایه خوبی باشید محمد (ص) چنین آیینی آورده است. نسبت به کسی که امانت به شما سپرده نیکو کار باشد یا بد کار، امین باشید. رسول خدا (ص) می فرمود: حتی سوزن و نخ آن را هم پس بدھید، با خویشاوندان پیوند داشته باشید. و بر جنازه های آنها حاضر شوید و بیمارها یشان را عیادت کنید و حقوق ایشان را بپردازید زیرا اگر کسی از شما در دین خود پروا داشت و راستگو و امین بود با مردم خوش اخلاقی کرد گفته می شود: این شخص جعفری است و من از این بابت شاد می شوم و گویند تربیت جعفر چنین است.

اما اگر جز این باشید ننگ و عار و گرفتاری عمل شما دامنگیر من می شود و گویند تعلیم و تربیت جعفر اینگونه است!

به خدا قسم پدرم حدیث کرد که گاهی شخص در میان قبیله ای از شیعیان علی (ع) مایه آبرو است امانتدارترین و در انجام حقوق و وظائف فعالترین و در سخن گفتن راستگو ترین بوده و مردم وصیت هایشان را به وی می کردند و امانت هایشان را نزد او می سپردند و وقتی شما از آن قبیله راجع

به او سؤال می کردید، می گفتند مانند فلانی یافت نشود، او امانتدارترین و راستگو ترین ما می باشد.

۴- علیکم بالصلوہ فی المساجد ... : بر شماست که نماز در مسجدها بخوانید و حسن همچواری داشته باشید و گواهی به پا دارید، بر جنازه ها حضور پیدا کنید و شما ناگزیرید با مردم معاشرت داشته باشید واحدی از شما در طول حیات از مردم بی نیاز نیست و اصولاً مردم به یکدیگر وابسته اند.

۵— در پاسخ پسر و هب که پرسید: شایسته است که در میان خود و با دیگران چگونه باشیم؟ فرمود: به پیشوایانتان بنگرید که مقتدایان شما هستند همان کنید که آنان می کنند به خدا سوگند آنان مرضهای ایشان را عیادت می کنند، بر جنازه هایشان حضور پیدا می کنند، بر له و علیه آنها به هنگام لزوم، شهادت و گواهی می دهند و نسبت به آنان امانتدار می باشند.<sup>۱</sup>

تا قرائت این پنج حدیث را به پایان بردم، احساس راحتی کردم که احادیث امام ششم جعفر صادق (ع) با آن وصیت و سفارشش برای شیعیان و پیروان خود بار مرا سبک کرد و برنامه عملی برای من ترسیم و اصول و قواعد صحیح رفتار را برای من مشخص فرمود و تصمیم گرفتم که در دفتر خود مسائل مهمی را که در کشور غربت برایم پیش می آید یادداشت کنم و از کتابهای فقهی و رهنمودهای موجود یاری بطلبم و اگر مسئله تازه ای پیش بیاید که جواب آن را ندانم از مرجع تقلید استفتاء کرده و جواب دریافت

بدارم با این و آن، مشکلی در کشور غربی نخواهم داشت نه اخلاقی و نه فقهی، آن شاء الله.

بدین ترتیب مسائل شرعی را یکی می نوشتم و آنجا که تحصیل پاسخ از کتب و یادداشت ها برای من مشکل می شد و از روی رساله عملیه به دست نمی آمد، استفتاء می کردم.

و خواه ناخواه کتاب و یادداشت هایم به دو بخش عبادات و معاملات تقسیم شد. در باب عبادات طی هفت فصل مسائلی را گنجاندم که برای مسلمانان غرب نشین از بقیه، مهمتر است مانند مسائل: مهاجرت و سفر به مغرب زمین، ورود به کشورهای غیر اسلامی، مسائل تقلید، طهارت و نجاست، نماز، روزه، حج و شئون میت. و هر فصل دارای یک مقدمه مختصر در آن ارتباط و طرح برخی احکام که در کشورهای غربی بدان، نیز شدید و آنگاه مهمترین استفتائات و پاسخ آنها را آوردم.

باب دوم که مخصوص معاملات است طی یازده فصل دنبال می شود بدین ترتیب: خوردنی ها و نوشیدنی ها، پوشیدنی ها، همزیستی با قوانین اجرای کشورهای مهاجرت شده، کار و گردش سرمایه، روابط اجتماعی، مسائل و شئون پزشکی، امور زنان، مسائل جوانان، احکام موسیقی و آوازا، خوانی و رقص و فصلی برای مسائل متفرقه مشتمل بر یک مقدمه کوتاه و طرح برخی احکام متناسب آن فصل و سرانجام نمونه هایی از استفتائات مربوطه، می باشد. و در نهایت سه ضمیمه داریم:

یک — نمونه هایی از زیراکس استفتائات و پاسخهای آیت الله العظمی سیستانی - دام ظله -

دو — لیستی از مواد خوراکی که در برخی موارد به خوراکی ها داخل و یا ضمیمه می شود و خوردن آنها بر مسلمان جایز نمی باشد.

سه — لیست نام و عنوان برخی ماهی های پولک دار که خوردن آنها برای مسلمان حلال است.

و پایانه کتاب مشتمل بر بیان منابع و مصادر کتاب و سپس فهرست تفصیلی آن.

- 
۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۷، و بنگرید باب زیارة برادران، ج ۲، ص ۱۷۵ و باب تذاکر و یاد برادران از همان کتاب ص ۱۸۶.
  ۲. جامع السعادت، ج ۳، ص ۹۴.
  ۳. امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۹.

توضیح برخی اصطلاحات فقهی که در پاسخ‌های حضرت آیت الله العظمی سیستانی - دام ظله - آمده است:

۱- احتیاط استحبابی: چیزی که مکلف می‌تواند آن را به جا نیاورد و ترک کند.

۲- احتیاط وجوبی: عملی که مکلف خود را میان فعل و ترک آن و مراجعه به مجتهد دیگر مخیر بداند الأعلم فالأعلم .

۳- احرام به نذر: احرام برای حج جز از میقات و یا محاذی آن، جائز نیست و اگر شخصی بخواهد قبل از رسیدن به میقات، احرام بیندد، می‌تواند با خواندن صیغه، نذر شرعی کند مثلاً بگوید: برای خدا بر عهده من است که در فلان جا محرم شوم.

بدین ترتیب محرم شدن از چنان جایی جایز می‌شود اگر چه آنجا، میقات و یا محاذی آن نباشد.

۴- احوط اولی: احتیاط مستحبی.

۵- احوط لزومی: احتیاط واجب. و به همین معناست جمله اشکال دارد و جمله جای تأمل است .

۶- استحاله: تغییر شکل نوعی یک چیز و دگرگونی آن، طوری که عرفاً، چیز اول نباشد. مانند تبدل گوشت به خاکستر.

۷- استصحاب: معتبر بودن حکم و یا عنوان پیشین پس از شک در آن، مثلاً می‌دانستیم که زید عادل است. بعدهاً عملی از او دیدیم اما یقین نداریم آیا آن عمل، موجب فسق او می‌شود یا نه؟

بنابر این باید او را همچنان عادل بشناسیم و عدالت‌ش را که محرز بود، استصحاب کنیم.

۸- استهلاک: ذوب شدن چیزی در چیز دیگر طوری که عین و اثری از چیز اول باقی نماند.

۹- اطراف شبهه اعلمیت: گروهی از مجتهدین که می‌دانیم یکی در میان ایشان، داناتر از بقیه است و اعلم، از آن گروه خارج نیست.

۱۰- اطمینان: گمان نیرومندی که احتمال مخالف آن بسیار ضعیف باشد طوری که عقلاآ و خردمندان در زندگی خود به آن توجه نمی‌کنند.

۱۱- آلات لهو حرام: ابزار ساخته بشری است که برای لهو حرام وضع شده‌اند.

۱۲- تدلیس: ارائه شخص و یا چیزی به غیر آن وضع و صفتی که در واقع هست به قصد ترغیب مشتری و یا بر انگیختن شخصی برای ازدواج با وی.

۱۳- تذکیه: راه حلال و پاک گشتن و پوست حیوان است با شرایط معین.

مثلاً تذکیه ماهی، زنده بیرون آوردن شدن آن است از دریا و آب و یا لااقل در داخل تور و ابزار صید مرده باشد نه در بیرون آن و در آب. و همینطور اگر چهار رگ گاو، گوسفند و مرغی را که قابل تذکیه هستند برند گوشت و پوست آنها پاک و حلال می‌شود و حتی اگر حیوان حرام گوشت قابل تذکیه باشد و چهار رگ او قطع شود پاک می‌گردد هر چند

که خوردن گوشت آن حرام است پس تذکیه ماهی، زنده از آب بیرون  
آوردن آن است و در جز ماهی با بریدن چهار رگ.

۱۴—تفصیر در نماز: دو رکعت خواندن نمازهای چهار رکعتی را در  
سفر، تقصیر می‌گویند.

۱۵—جاهل قاصر: کسی را گویند که در ندانستن حکم معذور است  
زیرا در فعل و یا ترک چیزی به دلیل و مجتی استناد داشته هر چند که خطای  
آن آشکار گردیده است.

۱۶—جاهل مقصّر: کسی را گویند که در ندانستن حکم معذور نیست  
مانند کسی که در آموختن مسائل دینی، سنتی و اهمال کرده است.

۱۷—جاهل به حکم: کسی را گویند که حکم شرعی را می‌داند اما  
انطباق آن را با موضوع معینی نمی‌داند و آن دو قسم است: اول: منشأ جهل  
گسترده‌گی دامنه موضوع است و آن را شبهه موضوعی گویند مانند کسی که  
معنای دقیق غنا را نمی‌داند ولذا در حرمت برخی موضوعات غنایی تردید  
پیدا می‌کند. دوم: آنکه حال مصدق خارجی معین را نمی‌داند مثل این که  
نمی‌داند مایع موجود در پیش روی او شراب است یا نه؟ و آن را شبهه  
مصداقیه نامند.

۱۸—جایز است با اشکال: کاری که انجام آن جایز باشد هر چند  
احتیاط مستحبی ترک آن است.

۱۹—جایز است با تأمل: همانند اصطلاح سابق است.

- ۲۰— جرم حايل: ماده اي که در رسيدن آب به پوست بدن و يا هر جسمی مانع شود.
- ۲۱— حرج: تنگنایي، مشقت و زحمت فوق العاده.
- ۲۲— حق اختصاص: حق شخصی نسبت به چيزی که ماليت و يا ملکيت آن را شارع مقدس برای احدی نپذيرفته است.
- ۲۳— ديه: مالي است که باید به فرد جنایت شده، پرداخت شود.
- ۲۴— ردّ مظالم: اتفاق بر فقرا به نيابت از سوي کسی که او بر اتفاق کننده حق مالي داشته است اما شناسايي او و دفع مال به وي، ممکن نمي باشد و حتى به کسان و وارثان شرعی او هم دسترسی ندارد.
- ۲۵— شبهه مفهومي: ندانستن انطباق عنوانی را بر يك موضوع خارجي بدین سبب که حدود موضوع را نمي دانيم، شبهه مفهومي می گويند. مثل اين که ندانيم عنوان غنا بر صدای معينی صدق می کند يا نه؟ زیرا حدود و مفهوم غنا را نمي دانيم.
- ۲۶— شرط و يا تعهد ضمنی: چيزی که در عرف عقلاء و خردمندان در داد و ستدتها مندرج است هر چند که تصریح نشود و در واقع معامله بر آن اساس واقع می شود مثل اين که قيمت و ارزش کالاهای باید به هم نزدیک باشند پس اگر خریدار و يا فروشنده بفهمند که ارزش جنس فروخته و يا خریداري شده خيلي کمتر و يا بيشتر از آن بوده که معامله روی آن انجام یافته است، او می تواند ادعای غبن کند و معامله را به هم بزنند، زیرا چنان چيزی در ارتکاز عقلاء هست که تفاوت ماليت‌ها باید زياد باشد.

- ۲۷- شک: تردید و دو دلی در امری که هر دو احتمال یکسان و مورد توجه عقلاء و خردمندان باشد و یکی را بردیگری ترجیح نباشد.
- ۲۸- شأن همسر: آنچه شایسته یک زن و مناسب با وضع شوهر است و به عکس وضع و شئون شوهر نسبت به همسر.
- ۲۹- صورت نوعیه: مالیت و شکل و وضع هر چیزی که مردم به آن سبب به آن چیز رغبت می‌کنند و در برابرش بها می‌دهند.
- ۳۰- ضرر معتد به (قابل توجه): ضرر و زیانی که عقلای بشر به اجتناب از آن، اهتمام می‌ورزند.
- ۳۱- ضرورت بر طرف کننده تکلیف: واقع شدن در تنگنای ضرر و زیان قابل توجه و افتادن در مخصوصه ای که عادتاً تحمل پذیر نیست.
- ۳۲- عِدَّة: زمانی که یک زن به سبب طلاق و یا مرگ شوهرش و یا در اثر وطی شبها، باید انتظار بکشد و جایز نیست با دیگری ازدواج کند.
- ۳۳- غساله: آبی که از شیء متنجس پس از شستن و آب کشیدن آن، جدا می‌شود.
- ۳۴- فتنه نوعی: امری که مردم را نوعاً گرفتار می‌سازد و در حرام می‌افکند.
- ۳۵- فسخ: نقض و به هم زدن معامله و داد وستدی را گویند.
- ۳۶- فی حد ذاته: یعنی قطع نظر از عناوین دیگر که چه بسا موجب حکمی مغایر حکم اصلی شود.

- ۳۷- قصد بدلیت و تعویض: کسی بخواهد چیزی را به جای چیز دیگر  
قرار دهد.
- ۳۸- کافر ذمی: آن کس که ولی امر مسلمین با او عقد ذمه می‌بندد که  
امروز وجود خارجی ندارد.
- ۳۹- کافر معاهد: آن کس که با مسلمانان و یا جمیع از ایشان پیمان  
عدم تعرض می‌بندد.
- ۴۰- کافر که مال او محترم است: آن کس که نوعی از سوی مسلمانان  
امان دارد (مستامن، ذمّی، معاهد).
- ۴۱- لحیان: دو استخوان فک که صورت را در بر گرفته و ریش بر  
آنها می‌روید.
- ۴۲- مثقال صیری: مقداری از طلا که در بازار، متعارف و شناخته  
شده است و فروشندگان طلا، اندازه آن را می‌دانند.
- ۴۳- مجھول المالک: مال و دارایی که صاحب آن شناخته نیست هر  
چند که از او گم نشده است.
- ۴۴- محاذات میقات: اگر دو خط متقاطع فرض کنیم که زاویه قائمه  
نود درجه تشکیل دهندو یکی از آن دو خط در مکه و دومی از میقات گذرد  
وقتی انسان در نقطه تقاطع رو به قبله و مکه مکرمہ بایستد او در واقع در  
محاذات و برابر میقات قرار گرفته است و اعتبار در چنین محاذاتی و برابر  
میقات قرار گرفته است و اعتبار در چنین محاذاتی، صدق عرفی است و دقت  
عقلی لازم نمی‌باشد.

- ۴۵—مشهور: یعنی حکم مزبور، احتیاط و جویی است.
- ۴۶—ملاک: مصلحت و مفسدہ ای کہ احکام بر آن اساس، تشریع شده است.
- ۴۷—موسیقی متناسب با مجالس لهو و لعب: آنچه که مردمان لا بالی در مجالس بزم و عیاشی می نوازنند و یا می خوانند.
- ۴۸—نشوز: رعایت نکردن حق دیگری و غالباً میان زوجین و زن و شوهر مطرح می شود.
- ۴۹—نیت قربت مطلق: عملی که با قصد تقرب به خدا به جا آورده می شود بدون تعیین ادا و قضا بودن آن و یا هر خصوصیت دیگر.
- ۵۰—وطی شبهه: اقدام به عمل جنسی و همخوابی با کسی که حلال نیست اما به توهمندی و بدون تعمّد گناه صورت گرفته باشد و یا وطی به خیال صحبت عقدی که در واقع باطل بوده و دارای اثر شرعی نبوده است، واقع گردیده است.
- ۵۱—ولی: کسی که امور طفل صغیر و یا شخص کوتاه فکر و سفیه و یا به طور کلی شئون جامعه ای را مطابق شریعت سرپرستی و اداره می کند.
- ۵۲—واجب می شود با اشکال: به هر حال انجام آن بر مکلف واجب و لازم است. پس فتوای وجویی است.
- ۵۳—واجب می شود به تأمل: آن نیز فتوای به وجوب شیء است.

۵۴—واجب می‌شود به کفایت: همه باید آن را انجام دهند اما با قیام جمعی از عهده دیگران ساقط می‌شود ولی اگر همه ترک کنند، سزاوار کفر شوند.

## فصل ۱

### عبدات هجرت به مغرب زمین و زندگی در بلاد غیر اسلامی

هر مسلمانی در میهن خویش زاده می‌شود و خواه و ناخواه از آموزش و ارزش‌های اسلامی سیراب می‌گردد و با آداب دینی و از هدایت‌های خاص الهی بهره مند و از راه‌های شناخته شده، حرکت می‌کند. اگر تقدیر چنان می‌شد که آن مسلمان نیز در بلاد غیر اسلامی به دنیا بیاید، تأثیرات محیط در افکار، آراء و نظرات او به طور طبیعی انعکاس می‌یافتد و قهرآبا آداب و عادات این زادگاه رشد می‌کرد مگر کسی که از سوی پروردگار مصونیت یابد.

تأثیر محیط‌های غیر اسلامی با وضوح بیشتری در آداب و رفتار نسل دوم یعنی فرزندان آشکار می‌شود و به همین جهت اسلام برای تعرّب پس از هجرت احکامی خاص و موضع گیری ویژه‌ای دارد و آن در روایات از گناهان کبیره بر شمرده شده است و حتی در برخی، از جمله هشت گناه که از بزرگ‌ترین اند، به حساب آمده است.

ابو عبدالله (ع) فرمود: هفت چیز از گناهان کبیره است: آدم کشی قصد و عمدى، شرك به خدا، نسبت زنا به یک زن عفيف و پاکدامن، رباخواری پس از بینه، فرار از میدان جنگ، تعرّب پس از هجرت (که همان بازگشت به دامن شرك و كفر (۱)). عقوق والدين و مال يتيم خورى از

روی ظلم و ستم و مفاد تعرّب و شرک، یکی است (۲). و محمد بن مسلم از امام صادق (ع) روایت کرده که گناهان هفت چیز است:

آدم کشی عمدی، نسبت زنا به انسان پاکدامن، فرار از میدان جنگ، تعرّب پس از هجرت، خوردن مال یتیم از راه حرام و ستم، رباخواری پس از ثبوت و هر آنچه خدا به انجام آن تهدید به آتش فرموده است. (۳) و عبید

بن زراره گفت: از امام ششم راجع به گناهان کبیره سؤال کردم فرمود: آنها در کتاب علی (ع) هفت چیزند: کفر، آدم کشی، عقوق والدین، رباخواری پس از ثبوت، خوردن مال یتیم از راه ظلم و ستم، فرار از میدان جنگ و تعرّب پس از هجرت، راوی در ادامه سخن گفت از امام پرسیدم: آیا گناهان کبیره همین هایند؟ فرمود: آری. (۴)

و امام رضا (ع) در حدیثی، علت قباحت تعرّب پس از هجرت را چنین بیان کرد: کسی که از دامن اسلام به کفر پناه می‌برد اینم از این نیست که دانسته‌های خود را رها کند و به جهل و جهالت رو نماید و با اهل جاھلیت همراه شود و به جمع نادانان بپیوندد. (۵)

معنای این حدیث آن نیست که ورود به بلاد کفر و کشورهای غیر اسلامی به طور کلی حرام است. به عکس، برخی روایت‌ها بدین جهت که مسلمان در آنجا به برخی آرمان‌های اسلامی می‌رسد به چنان هجرت، اجر و پاداش و عده داده شده است.

حمد سندی گوید: به امام جعفر بن محمد صادق گفتم: من به کشورهای مشرکان سفر می‌کنم و برخی دوستانم می‌گویند اگر در آنجا

بمیری با کافران محسور خواهی شد! امام در پاسخ فرمود: ای حمّاد، اگر در آنجا و در چنان کشوری به سر بری و مرام ما را رواج دهی و مردم را به سوی حق و حقیقت فراخوانی و در همانجا درگذری به تنها یی، یک امت محسور می‌شود و نور تو پیشاپیش می‌درخشد. (۶) به موجب این روایت و بر اساس ادله شرعی دیگر، فقهای ما فتاوی ذیل را صادر کرده اند:

**مسئله ۱** — مسافت به بلاد غیر اسلامی به قصد نشر احکام دینی و تبلیغ اسلامی در صورتی که نسبت به دین و ایمان خود و فرزندان خردسالش ایمن باشد، نیکوست. حضرت محمد (ص) خطاب به علی (ع) فرمود: این که خدا به وسیله تو بنده ای از بندگانش را هدایت کند برای تو بهتر از هر آن چیزی است که از شرق تا غرب، آفتاب بر آن می‌تابد. (۷)

مردی از پیامبر (ص) خواهش کرد که برای او سفارشی بفرماید. رسول خدا به او فرمود: تو را سفارش می‌کنم که برای خدا شریک قرار ندهی و... و مردم را به سوی اسلام فراخوانی و بدان که برای تو در برابر هر یک نفری که به دعوت تو به راه می‌آید و هدایت می‌یابد، ثواب آزاد کردن یک بردۀ آن هم از فرزندان یعقوب (ع) را خواهند

نوشت. (۸)**مسئله ۲** — هر مسلمانی می‌تواند به هر کشور غیر اسلامی مسافت کند اگر یقین و یا اطمینان داشته باشد که چنان سفری بر دین او و یا منسوبین وی، اثر منفی و آسیبی ندارد.

**مسئله ۳**— جایز است مسافرت به هر کشور غیر اسلامی و حتی اقامت گزیدن در آنها هر گاه چنان مسافرتی مانع از انجام مسئولیت‌های شرعی نسبت به خود و یا عائله اش پیش نیاورد چه در حال و چه در آینده.

**مسئله ۴**— حرام است مسافرت به کشورهای غیر مسلمان اعم از شرق، غرب و به هر نیت اعم از گردش و سیاحت، تجارت و بازرگانی، اقامت دائم و یا موقّت و یا جز آنها، اگر چنان مسافرتی موجب نقصان دین او باشد. (۹)

**مسئله ۵**— اگر همسر شخصی یقین کند که مسافرت به غرب به همراه شوهرش، کاستی در دین او را سبب خواهد شد، چنان سفری برای او حرام می‌باشد.

**مسئله ۶**— هر گاه فرزندان بالغ اعم از دختر و یا پسر یقین کنند که مسافرت به کشورهای خارج، همراه پدر و یا مادر، در دین آنان کاستی به وجود می‌آورد، چنان سفری حرام است.

**مسئله ۷**— مقصود فقهاء از نقص دین، ارتکاب فعل حرام اعم از گناه صغیره و یا کبیره مانند می‌خوارگی و زنا کاری، مردار خواری و نوشیدن مایعات حرام و هر کار حرام دیگر است و یا مراد از نقص دین، ترک واجبات است مثل نماز، روزه، حج و یا دیگر واجبات شرعی.

**مسئله ۸**— اگر ضرورت ایجاب کند یک مسلمان به کشورهای غیر اسلامی سفر کند و آن سفر موجب نقص دین او می‌شود چنین ضرورتی مثل نجات خود از مرگ حتمی و نظایر آن، مجوز چنان مسافرتی می‌شود و باید به حد لازم و ضرورتی اکتفا کند و زیاده بر آن روانیست.

**مسئله ۹**— مسلمانی که به کشور غیر اسلامی رفته است باید به میهن خود برگردد اگر بداند که ماندن او در کشور به نقصان دین و ایمان او و فرزندانش، کشیده می‌شود. (۱۰) (و نقصان در دین و ایمان، با ترک واجبات و ارتکاب محرمات، تحقق می‌یابد) مگر آن که برگشتن به میهن اسلامی او را در خطر مرگ و یا زحمت فوق العاده بیندازد و یا ضرورتی پیش اید که موجب رفع تکلیف شود همانند ضرورت داعی به جواز خوردن مردار برای حفظ جان از خطر مرگ.

**مسئله ۱۰**— سفری که سفر معصیت محسوب می‌شود حرام است و مسافر باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را هم در ماه رمضان بگیرد.

**مسئله ۱۱**— اگر پدر و مادر با مسافرت فرزندشان به سبب دلسوزی مخالفت کنند و آن مسافرت موجب آزار و اذیت ایشان شود و یا آنان نمی‌توانند دوری فرزندشان را تحمل کنند بدون این که فرزند هم ضرری بینند، چنان مسافرتی حرام می‌باشد.

**مسئله ۱۲**— اگر جان، مال و یا آبروی مسلمانی مورد تعدی و تجاوز واقع شود و حفظ آن و به دست آوردن حق در پرتو پناهندگی به یک سازمان رسمی میسر باشد چنین پناهندگی جایز است. ۱ و اینکه به برخی استفتائات و پاسخ‌ها در زمینه مهاجرت به کشورهای غیر اسلامی توجه کنید.

**مسئله ۱۳**— معنای تعریب پس از هجرت که از گناهان کبیره است، چیست؟

جواب: برخی فقهاء فرموده اند در این زمان معنای جمله آن است که انسان در سرزمینی اقامت کند که دین و ایمانش کاستی پذیرد. و منظور آن است که او سرزمین اسلامی را که می‌توانست معارف دینی و احکام شرعی را بیاموزد و واجبات تکالیف خود را انجام دهد و محرمات را ترک نماید رها و به کشوری برود که همه و یا بعضی آنها را نتواند به جا آورد.

**مسئله ۱۴** — مسلمانی که در اروپا، و یا امریکا و یا هر کشور غیر اسلامی سکونت دارد احساس می‌کند که از محیط دینی که در آن نشأت یافته و تربیت شده، دور می‌شود نه صدای قرآن به گوشش می‌خورد و نه آوای اذان می‌شنود و نه زیارت مشاهد برایش میسر است و به طور کلی از فضاهای روحانی و معنوی محروم می‌گردد آیا ترک چنین محیط و اوضاع و احوال و مانند آنها مثل عدم شرکت در امور خیریه و عدم توفیق شرکت در کارهای نیکو، نقصان در دین حساب می‌شود؟

جواب: ترک چنان اموری نقصان در دین محسوب نمی‌شود اما دوری از فضاهای دینی که کم به ضعف ایمان و ترک واجبات و یا انجام برخی محرمات بکشد هر چند حرام‌های کوچک، پیش آمدن چنین وضعی در اثر سفر و اقامت در بلاد کفر، موجب حرمت آن می‌شود.

**مسئله ۱۵** — برخی مسلمانانی که در اروپا و یا آمریکا سکونت دارند گاهی حرام‌هایی را مرتکب می‌شوند که اگر در کشورهای اسلامی خود می‌بودند آنها را انجام نمی‌دادند زیرا مظاهر عادی زندگی در غرب احياناً انان را به انجام آن کارها می‌کشاند هر چند که راغب نباشد آیا چنین وضعی

نقسان و کاستی در دین به حساب می‌آید و موجب حرمت سکونت در آن  
جا می‌شود؟

جواب: بله مگر آن که آن سلسله امور از گناهان صغیره باشند و  
بدون تکرار و گاهی، پیش بیایند.

**مسئله ۱۶**— معنای تعریب پس از هجرت آن شد که انسان راز کشور  
اسلامی به بلاد کفر رود و دین و دانش او را به کاستی گذارد و جهل و نا  
آگاهی اش فزونی یابد در این صورت انسان مهاجر باید مراقبت بیشتری کند  
تا به مرور زمان دین و ایمانش کاستی نیابد و جهل و نا آگاهی اش افزون  
نگردد؟

جواب: مراقبت زیاد آنگاه لازم است که ترک آن موجب نقسان  
دین و ایمان او در حدودی که بیان شد، بشود.

**مسئله ۱۷**— یک مبلغ اسلامی که علاقمند حفظ شئون دینی خویش  
هم هست اگر زمینه وقوع در گناه برایش فراهم و پیش از پیش آلدگی به  
گناه پیش آید مانند عاملهای برهنگی و فحشا و دیگر ویژگیهای شهرهای  
مغرب زمین آیا در این صورت واجب است او به میهن اسلامی خود بازگردد  
و اقامت در بلاد غرب برای او حرام می‌شود؟

جواب: اگر ارتکاب برخی گناهان صغیره احياناً برای او پیش آید  
اقامت در آنجا برایش حرام نمی‌شود به خصوص اگر اطمینان داشته باشد که  
تدریجاً به گناهان بزرگ‌تر کشیده شد.

**مسئله ۱۸** — مسلمانی که از نقصان دین و ایمان فرزندانش بیمناک

است اقامت در کشورهای غربی بر او حرام می شود؟

جواب: بلی، همانند بیم از نقصان دین و ایمان خود او.

**مسئله ۱۹** — آیا بر کسانی که در اروپا و یا آمریکا و امثال آن سکونت

دارند واجب است که زبان عربی را که لغت قرآن است به فرزندانشان یاد دهند بدین سبب که اولاً آن زبان قرآن کریم است و ثانیاً ندانستن آن سرانجام به نا آگاهی نسبت به منابع شرع می کشد و در نتیجه شناخت دینی و کم و اسلامیت رو به کاستی و ضعف می گذارد؟

جواب: آموزش زبان عربی آن مقدار که در انجام فرایض دینی، عربی بودن شرط است مثل قرائت نماز و سوره و دیگر ذکرهای نماز واجب می شود و اما بیش از آن واجب نیست در صورتی که بتواند معارف دینی و تکالیف شرعی را که لازم است بداند به زبان اجنبی بیاموزد. و مستحب است قرآن را به بچه ها بیاموزند بلکه بهتر است که زبان عربی را به طور کلی به آنان یاد بدهند به طور محکم و ریشه دار تا بتوانند از منابع شرع در زمینه معارف اسلامی به کمک لغت عربی، بهره مند شوند و مقدم بر همه آنها قرآن کریم، سنت نبودی و روایات ائمه اهل بیت (ص) می باشند.

**مسئله ۲۰** — مسلمانی که می تواند به یک کشور اسلامی برود و در

آنجا زندگی کند هر چند که از جنبه اقتصادی مشکلاتی برایش پیش می آید آیا واجب است او مهاجرت کند و بلاد مغرب زمین را ترک گوید؟

جواب: واجب نمی شود مگر زمانی که بر خویشتن از نقصان دین و ایمانش با آن بیان که توضیح دادیم در صورت سکونت در غرب زمین، ایمن نباشد.

**مسئله ۲۱**— مسلمانی که می تواند غیر مسلمانان را به اسلام فرا خواند و یا اعتقاد مسلمانان ساکن در یک کشور غیر اسلامی را محکم کند بی آنکه بر نقصان و کاستی دین و ایمان خود بیناک باشد ایا بر چنین مسلمانی تبلیغ دین واجب می شود؟

جواب: بلی، بر او و کلیه کسانی که چنان توانایی را دارند تبلیغ دینی واجب کفایی است.

**مسئله ۲۲**— آیا انسان می تواند گذرنامه شخص دیگری را بخرد و یا عکس آن را عوض کند تا بدان وسیله بتواند به یک کشور غیر اسلامی برود و سپس به مسئولین آن کشور وضع خود را اعلام کند؟

جواب: چنین کاری، مجاز نمی باشد.

**مسئله ۲۳**— در غالب کشورهای غیر اسلامی منکرات و فحشا رواج دارد و مدام در خیابان‌ها و مدرسه‌ها و صفحات تلویزیون و امثال آن به چشم می‌خورد، آیا جایز است در چنین کشورهایی اقامت گزید با این وجود که انتقال به کشور اسلامی میسر است هر چند که مشکلات اقامتی، ضرر و زیان مادی و تنگی معیشت و کاستی رفاه و آسایش پیش خواهد آمد؟

و اگر اقامت در چنان کشور غیر اسلامی جایز باشد به جبران برخی امور می‌تواند به تبلیغ دین بین مسلمانان اهتمام بورزد، واجبات را تذکر و یاد دهد و محرمات را برای ایشان بشناساند؟

جواب: اگر اقامت در آن کشورها مانع از الترام به وظایف شرعی نسبت به خود و خانواده اش در حال کنونی و یا در آینده نباشد، چنان اقامتی حرام نیست و گرنه اقامت جایز نخواهد بود هر چند که به تبلیغ دینی بپردازد و خدا داناست.

---

۱ اصلاحی است حدیثی بدین معنا که مسلمان اگر پس از مسلمانی و آشنایی با فرهنگ توحید دویاره به فرهنگ ضد توحید و ارزش‌های شرک آلود بر گردد گویا پس از هجرت از کفر باز به سوی آن برگشته.

۲ اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸۱.

۳ همان، ص ۲۷۷.

۴ اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۵ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۰.

۶ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۸۸.

۷ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۸۸.

۸ رجوع به بخش استفتائات همین فصل شود.

۹ بنگرید بخش استفتائات همین فصل.

۱۰ بنگرید بخش استفتائات همین فصل.

## فصل ۲

### تقلید

تقلید عبارت است از عمل کردن برابر فتوای یک فقیه جامع الشرایط هر چند که هنگام عمل، استناد به فتوای او نداشته باشد. پس اگر مطابق آنچه به نظر رسیده عمل کند و انچه را که لازم بوده ترک کند، رها نماید بدون بررسی، تقلید تحقق داشته است. گویا او فتوای مجتهد را همانند قلاده ای بر گردن آویخته و مسئولیت حکم را در برابر خدا به عهده او گذارده است. و از جمله شرایط یک مرجع تقلید آن است که او داناترین مردم زمان خود بوده و در استنباط احکام شرعی از منابع اسلامی، تواناترین باشد.

**مسئله ۲۴**— مکلفی که خود نمی‌تواند احکام شرعی را استنباط کند واجب است از مجتهد اعلم و قادر به استنباط، تقلید نماید. بنابر این، عمل مکلف غیر مجتهد بدون تقلید و بدون عمل به احتیاط، باطل است.

**مسئله ۲۵**— مجتهد اعلم کسی است که در میان چند مجتهد، در استخراج و فهم حکم شرعی تواناترین باشد.

**مسئله ۲۶**— هر مکلفی می‌تواند به یکی از سه راه، فتوای مرجع تقلید خود را به دست آورد:

الف - حکم و فتوا را از زبان خود مجتهد بشنود.

ب - از دو مرد عادل و یا یک شخص مورد وثوق که کلامش اطمینان آور است، بشنود.

ج - به رساله عملیه و هر آنچه در حکم رساله است با اعتماد به صحت و درستی آن، مراجعه کند.

**مسئله ۲۷** — در تعیین مجتهد اعلم باید به اهل خبره رجوع شود و از کسانی باید پرسید که تخصص دارند و رجوع به دیگران جایز نیست.

**مسئله ۲۸** — هر گاه مجتهد اعلم در مورد یک مسئله فتوا نداشته باشد و یا مقلد نتواند آن را به دست آورده باشد جایز است به هنگام نیاز با مراعات قاعده الأعلم فالا علم به مجتهد دیگر رجوع کند.

و اینک برخی استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی دام ظله در مورد تقلید:

**مسئله ۲۹** — فقهاء، تقلید اعلم را واجب می‌دانند و هنگامی که از برخی عالمان دینی در این زمینه سؤال می‌کنیم تا مجتهد اعلم را شناخته و تقلید نمائیم و راحت شویم به پاسخ قطعی و روشن نمی‌رسیم و اگر اصرار ورزیم در پاسخ ما می‌گویند ما اهل خبره نیستیم و مطالبی از این قبیل. و حتی بعضی از اهل خبره می‌گفتند تعیین اعلم، محتاج بررسی کتب و آثار فقهاست و چنان کاری، طولانی، سخت و دشوار است. پس اگر تعیین اعلم در مراکز اسلامی و حوزه‌های دینی، این اندازه سخت باشد در کشورهای دور دست مانند آمریکا و کشورهای اروپایی چگونه خواهد بود؟! ما پس از زحمت زیاد جوانان پسر و دختر را در این کشورها ارشاد کرده و با واجبات و محرمات آشنایشان می‌کنیم و به التزام عملی و ادارشان می‌نمائیم تا به این سؤال برسیم که از چه کسی تقلید کنیم در پاسخ این سؤال می‌رسیم که از

چه کسی تقلید کنیم در پاسخ این سؤال در می‌مانیم آیا این مشکل راه حلی دارد؟

جواب: اگر برخی اهل خبره به هر سببی اظهار نظر نمی‌کنند و از تعیین اعلم خودداری می‌کنند، همه آنان چنین نیستند پس از طریق آنان می‌توان مجتهد اعلم را شناخت و یا با ارتباط با حوزه‌ها و یا از رهگذر مبلغانی که به اروپا و امریکا اعزام می‌شوند می‌توان پرس و جو کرد و اعلم را شناخت پس تشخیص اعلم هر چند که آسان نیست لیکن آن قدر هم پیچیده نیست که راه حل نداشته باشد.

**مسئله ۳۰**— چگونه اهل خبره را بشناسیم تا از ایشان به تعیین اعلم بررسیم ما که از حوزه‌های علمی و به طور کلی از مشرق زمین، دور هستیم آیا راه حلی آسان در این زمینه وجود دارد؟

جواب: اهل خبره که اعلم را می‌شناسند خود مجتهد و در دانش، به او نزدیک هستند و سطح معلوماتشان طوری است که آنان را که شبهه اعلمیت دارند می‌شناسند و مهم‌ترین معیار شناخت اعلم سه چیز است:

اول: دانستن راه اثبات صدور روایت و در این راه علم رجال و علم الحديث با شاخه‌هایی که دارند مثل کتابشناسی، شناخت حدیث جعلی از غیر آن با اطلاع از انگیزه‌های جعل و تحریف و نیز تشخیص نسخه‌های مختلف و تمیز صحیح از صحیح‌تر و آنچه احیاناً پیش آمده که حدیث، با سخن خود راوی در آمیخته است، مؤثرند.

دوم: فهم نصّ حديث با تشخیص قواعد عمومی به خصوص روش امامان (علیهم السلام) در بیان احکام و نیز علم اصول و دانش‌های ادبی و آشنایی با اقوال فقهای معاصر از عame در این مورد دخالت کامل دارند.

سوم: استواری و اعتدال فکر در برگرداندن فروغ بر اصول و راه شناخت سطح معلومات کسانی که در اطراف شبهه اعلمیت قرار دارند و چنین شناختی با بحث و گفتگو با ایشان و رجوع به کتاب‌ها و یا تقریرات درسی ایشان میسر می‌گردد.

و مکلفی که از اعلم جستجو می‌کند اگر نتواند شخصاً او را بشناسد می‌تواند از طریق مردان دین و یا اشخاصی که به درایت آنان اطمینان دارد، اعلم را بشناسد. و دوری کشورها و شهرها در این عصر ارتباطات، که انواع ابزار و وسائل آسان و سریع وجود دارد، مانع به حساب نمی‌آید.

**مسئله ۳۱** — هر گاه آدمی به یک مجتهدی اطمینان خاطر پیدا کرد چنین چیزی در امر تقلید کافی است در صورتی که اهل خبره در تعیین اعلم اختلاف نظر هم دارند؟

جواب: اگر اهل خبره در تعیین اعلم اختلاف داشته باشد سخن کسی را باید سئی که کفایت و خبرویت بیشتری دارد چنانکه در دیگر موارد اختلاف نظر بین اهل خبره، حکم همین است.

**مسئله ۳۲** — زمانی که اهل خبره در تعیین اعلم اختلاف دارند و یا تقلید از چند مجتهد را کافی می‌دانند آیا در این صورت می‌توان در حکمی،

از فتوای یک مجتهد و در حکمی دیگر از مجتهد دیگری تقلید کرد تا وقتی  
که اعلم شناخته شود و از او تقلید به عمل آید؟

جواب: در اینجا چند فرض است:

اول: برخی اهل خبره تقلید از یک مجتهد را کافی می‌دانند چنین  
نظری اثر شرعی ندارد.

دوم: اهل خبره به برابری دو یا چند مجتهد در دانش و تقوی نظر  
می‌دهند در این صورت، مکلف مخیر است در همه مسائل به فتوای هر یک  
از آنان عمل کند اما احتیاط واجب آن است که در صورت امکان، جمع بین  
فتاوا کند مانند جمع میان قصر و اتمام.

سوم: برخی اهل خبره یک مجتهد را اعلم می‌شناسند و برخی دیگر  
مجتهدی دیگر را و در این فرض دو حالت وجود دارد. حالت نخست اینکه  
مکلف می‌داند یکی از این دو مجتهد اعلم است اما او را به طور معین  
نمی‌شناسند، این حالت به ندرت پیش می‌آید و حکم آن طولانی است،  
مراجعه به منهاج الصالحین شود. (۱)

حالت دوم: مکلف اعلم بودن یکی از دو مجتهد را نمی‌داند  
به این معنی که احتمالاً هر دو برابر باشند بنابر این، فرض دوم پیش  
می‌آید که یاد کردیم به شرط آن که با تقواتر بودن یکی نزد او ثابت نشود  
و گرنه تقلید او معین خواهد بود.

**مسئله ۳۳—** هر گاه مسائل تازه ای پیش آید که مکلف، فتوای مرجع  
تقلیدش را در آن باره نمی‌داند آیا واجب است او به جستجو پردازد و فتوای

مرجع تقلید خود را به دست آورد و یا از نمایندگان او بپرسد؟ و در صورتی که چنین جستجو و پرسش مثل تماسی تلفنی پر هزینه باشد می تواند فعلاً به فتوا مجتهد دیگر عمل کند؟ تا نظر مرجع تقلیدش را بفهمد آنگاه حکم عملهای گذشته او که با فتوا مرجع تقلید او متفاوت بوده چه می شود؟

جواب: لازم است فتوا مرجع تقلیدش را هر چند با ارتباط تلفنی به دست آورد مگر آن که چنان کاری برای او ضرر و زیان فوق العاده ای داشته باشد و اگر به دست آوردن فتوای او از طریق معمولی میسر نباشد می تواند به فتوا مجتهد دیگر عمل کند با مراعات الاعلم فالاعلم و فتوا مجتهد دوم برای او کافی است هر چند با فتوا مرجع تقلید اصلی متفاوت باشد.

---

۱ مسئله نهم.

## فصل ۳

### طهارت و نجاست

#### مقدمه

هر مسلمانی، همواره به پاکی تن، جامه و دیگر چیزهایی که به او ارتباط دارند، علاقه مند است او می‌خواهد ناپاکی و آلودگی از او و پیرامون دور باشد. اما زندگی در کشورهای غیر اسلامی برای برخی مسلمانان مشکل به وجود آورده و آن مشکل پرهیز از نجاست است زیرا آنان با مردم این کشورها که مسلمان نیستند در قهوه خانه‌ها، آلوده به بول است، دستشوئی‌ها و به طور کلی در اماکن عمومی، برخورد دارند و لذا نیکو است برای خوانندگان گرامی پاره‌ای از احکام طهارت و نجاست را یاد آوریم.

**مسئله ۳۴**—همه اشیا، برای ما پاک هستند مگر آنکه نجاست آنها ثابت شود و این یک قاعده کلی و شرعی است.

**مسئله ۳۵**—اهل کتاب اعم از یهودی، مسیحی و مجوس در اصل، پاکند مگر آنکه به نجاست و آلودگی آنان علم و یقین پیدا کنیم پس بر اساس طهارت اهل کتاب می‌توان با آنان معاشرت کرد.

**مسئله ۳۶**—نجاست، به واسطه رطوبت سرایت کننده، منتقل می‌شود اما اگر شیء نجس، خشک باشد و یا رطوبت سرایت کننده نباشد، نجاست انتقال نمی‌یابد بنابر این اگر دست، خشک باشد و به شیء نجس خشک باشد، بربخورد، آن، نجس و آلوده نمی‌شود.

**مسئله ۳۷** — شما هر شخصی را که ملاقات می‌کنید و با او دست می‌دهید حتی اگر دست او و یا شما مرتبط باشد او را پاک بدانید تا زمانی که نوع عقیده و دین او را ندانید و احتمال دهید که او مسلمان و یا اهل کتاب باشد هم چنانکه لازم نیست از دین و عقیده او سؤال کنید هر چند که چنان سؤالی چندان سخت نباشد و شما را در تنگنا نیندازد. (۱)

**مسئله ۳۸** — مایعاتی که بر بدن و یا جامه انسان می‌چکد و ترشح می‌کند اعم از آب و یا دیگر مایعات، پاکند مادامی که علم و یقین به نجاست آنها پیدا نکرده اید.

**مسئله ۳۹** — همه انواع الکلهاي صنعتی اعم از آنکه از رب گرفته شده باشد و یا از چیز دیگر، پاکند، پس کلیه داروهای، ادکلن‌ها و شکلات‌هایی که محتوى الکل صنعتی هستند پاکند و شما می‌توانید از آنها استفاده کنید و حتی بخورید اگر درصد الکل جداً بسیار کم، مثلاً ۲ درصد باشد.

**مسئله ۴۰** — وسایلی را که قبلًا مورد استفاده قرار گرفته اند می‌توان بدون تطهیر دباره مورد استفاده قرار داد مگر آنکه به نجاست سابقه آنها یقین داشته باشیم. (۲)

**مسئله ۴۱** — قالی، موکت و امثال آنها را اگر با نجاست جرم دار آلوده نشده و اثر عینی، روی آنها نباشد می‌توان با ریختن یک بار آب بر روی آنها به وسیله آنها به وسیله آفتابه و یا کاسه و مانند آن، تطهیر کرد به این ترتیب که آب روی قسمت متنجس می‌ریزیم به طوری که همه آن قسمت را فرا

گیرد آنگاه با دادن فشار به وسیله دست و یا ماشین برقی و یا گذراندن پارچه پاکیزه از روی آن، غساله را جدا می کنیم و این حکم در مورد همه جامه هایی که جز به بول آلوده شده اند صادق است اما لباس آلوده به بول و یا بول دختر بچه شیرخوار، حکمی دیگر دارد که خواهد آمد.

**مسئله ۴۲**—اگر بخواهیم شیء منتجسی را با آب شیر که به کر متصل است آب بکشیم و بشوییم نیازی به جدا کردن آب غساله نیست بلکه همین قدر که آب کر روی نجاست و آلودگی را فرا گرفت، آن پاک می شود.

**مسئله ۴۳**—اگر جامه، فرش، موکت، و یا امثال آنها به انواع نجاستی آلوده شوند که دارای جرم اند و اثر عینی بر روی آنها باقی مانده است مانند خون، منی، می توان آنها را به ترتیبی که در مسئله ۴۱ گذشت تطهیر کرد به شرط آنکه جرم نجاست باشتن و یا به هر وسیله بر طرف شود با این تفاوت که اگر تطهیر با آب قلیل صورت

بگیرد غساله ای که عین نجاست با آن بر طرف می شود بنابر فتوی نه احتیاط وجوبی، نجس است.

**مسئله ۴۴**—فرش، موکت و انواع لباس هایی را که با بول پسر و با دختر بچه شیرخوار آلوده شده است می توان با ریختن مقداری آب بر روی مکان منتجس، آن هم یکبار به اندازه ای که محل آلوده به بول را فرا گیرد، آب کشید به شرط آنکه بچه جز شیر چیز دیگر نخورد و در پاکی آنها جدا کردن غساله با فشار و یا هر وسیله دیگر شرط نیست.

**مسئله ۴۵**— جامه متنجس به بول را دوبار با ریختن آب قلیل از آفتابه و یا کاسه و امثال آنها می‌توان پاک کرد طوری که آب کاملاً جای متنجس را فراگیرد و سپس آن را به طریقی جدا کرد البته غساله ای که از جامه جدا می‌شود بنابر احتیاط واجب، نجس است به شرط آنکه عین نجس در آن نباشد و گرنه به حسب فتوى، نجس است.

**مسئله ۴۶**— اگر بخواهیم جامه متنجس به بول را با آب شیر که به کر متصل است بشوییم ناچار باید آن را دوبار بشوییم ناچار باید آن را دوبار بشوییم بدون نیاز به جدا کردن غساله از آن، چنانکه بدن آلوده به بول هر چند که با آب شیر و کر شسته شود باید دو بار شسته شود.

**مسئله ۴۷**— دست و لباس آلوده به شراب با یکبار شستن پاک می‌شود اما لباسی که با آب قلیل تطهیر می‌شود باید غساله از آن با فشردن و امثال آن جدا شود.

**مسئله ۴۸**— ظرف‌های آلوده به شراب و جز آن، با سه بار شستن با آب قلیل، پاک می‌شوند و اگر با آب شیر و لوله کشی که متصل به کر است تطهیر شوند بنابر احتیاط واجب نیز سه بار شسته شوند.

**مسئله ۴۹**— دست و یا جامه ای که به آب دهان سگ آلوده شده اند با یکبار تطهیر، پاک می‌شوند اما جامه را باید پس از شستن فشار داد و غساله را جدا کرد.

**مسئله ۵۰**— ظرف‌هایی که با تماس دهان سگ و آب خوردن او، آلوده شده اند با سه بار شستن پاک می‌شوند که نخستین آنها با خاک مالی توأم باشد و دو بار دیگر با آب.

و اینک نمونه‌هایی از فتاوای آیت الله العظمی سیستانی دام ظله در این باره:

**مسئله ۵۱**— زمین که از مطهرات است و کف کفش با حرکت در روی آن پاک می‌شود آیا لاستیک‌های اتومبیل‌ها هم با حرکت روی زمین پاک می‌شوند.

جواب: خیر، پاک نمی‌شوند.

**مسئله ۵۲**— اگر متنجس، شئ مایع نباشد آلودگی آن چقدر است؟  
جواب: شئ آلوده اول، به هر چه بر بخورد آن را متنجس و آلوده می‌کند و هم چنین است متنجس دوم اما چیز سومی اگر با متنجس دوم برخورد کرده و آلوده شده است با برخورد اشیای دیگر آن را نجس و آلوده نمی‌کند و در این خصوص فرقی میان مایع و غیر مایع وجود ندارد.

**مسئله ۵۳**— اگر سگ به بدنه یا جامه ما دهان زد چگونه آن را پاک کنیم؟

جواب: با یک بار شستن با آب، پاک می‌شود البته اگر با آب قلیل تطهیر شود غساله آن باید جدا شود و به همین جهت در مورد جامگان، فشار و خارج کردن غساله لازم است.

**مسئله ۵۴**—آیا سیکها هم همانند یهود و نصاری، اهل ادیان آسمانی

اند؟

جواب: سیکها از اهل کتاب، نیستند.

**مسئله ۵۵**—بودایی‌ها چطور؟

جواب: آنها نیز از اهل کتاب نیستند.

**مسئله ۵۶**—مسلمانی در یک کشور غربی، خانه‌ای مفروش با اثایه،

اجاره می‌کند آیا او باید همه چیز را پاک بداند مگر آنکه عین نجاست مشاهده کند؟

و هر گاه پیش از او مستأجر دیگری از اهل کتاب یهود و یا مسیحی و یا حتی اگر بودایی و یا ملحد و منکر خدا و انبیاء و رسول، مستأجر بوده است باز آنجا برای او پاک است؟

جواب: بلی، او می‌تواند همه چیز را پاک بداند و به طهارت هر آنچه در خانه است حکم کند مگر آنکه اطمینان داشته باشد که خانه و یا اثاث آن نجس بوده است و گمان نجاست اعتباری ندارد و کافی نیست.

**مسئله ۵۷**—بیشتر خانه‌ها و اتاق‌هایی که در کشورهای غربی اجاره

می‌دهند مفروش با موکتی است که بر کف اتاق‌ها چسبیده است طوری که بلند کردن آنها و نهادن ظرفی در زیر آن برای تطهیر، مشکل است پس تطهیر آنها در صورت آلودگی به خون و بول چگونه است، با آب قلیل و یا کثیر؟

جواب: اگر جدا کردن غساله آن، هر چند با قطعه ای پارچه و یا هر وسیله دیگر، ممکن باشد می توان آن را حتی با اب قلیل تطهیر کرد و اگر ممکن نشد تنها با آب کثیر می توان آن را آب کشید و پاک کرد.

**مسئله ۵۸**— در مغرب زمین لباسشویی های عمومی وجود دارد که مسلمان و غیر مسلمان به طور برابر لباس های پاک و ناپاکشان را در آنها می ریزند و شسته می شود آیا ما می توانیم با لباسی که در آن لباسشویی در مراحل شستشو به کر متصل بوده است و یا نه و هر چند که لباس ها تمیز می شوند آی پاک هم می شوند؟!

جواب: با لباسی که قبل از پاک بوده و یقین به نجاست آن پیدا نکرده اید می توانید نماز بخوانید هم چنین لباس هایی که اطمینان به زوال عین نجاست از آنها پیدا کرده اید اگر آب پاک مطلق، به تمام قسمت های آنها نفوذ کرده باشد با دو بار شستن حتی با آب کربنابر احتیاط واجب در صورتی آلودگی به بول و یک بار در صورت آلودگی به غیر بول پاک می شوند البته اگر با آب قلیل شسته شوند باید غساله از آن جدا گردد. و اما اگر لباس و جامه انداخته شده در آن لباسشویی عمومی قبل از نجس بوده و بعد، در طهارت و پاکی آن شک کنیم آن لباس در حکم نجس است و نماز با آن جایز نمی باشد.

**مسئله ۵۹**— جامه پاکی که با برخی شوینده های مایع، شسته می شود و آنگونه لباسشویی ها از آن غیر مسلمان است آیا مسلمان باید آن را دوباره آب بکشد؟

جواب: اگر نداند که لباسی در اثر ملاقات با نجاست، آلوده شده، آن لباس محکوم به طهارت است و پاک می‌باشد.

**مسئله ۶۰** — بر روی برخی صابون‌ها نوشته می‌شود که در آن پی و چربی خوک و یا حیوان تذکیه نشده، به کار رفته است و ما نمی‌دانیم آیا آن پی و چربی به شیء دیگر استحاله پیدا کرده است یا نه؟ آیا چنین صابونی پاک است؟

جواب: اگر بدانیم که در ساختن صابونی پی و یا چربی خوک و یا حیوان مردار و غیر مذکی به کار رفته است چنان صابونی نجس است مگر آن که استحاله آن، مسلم و قطعی باشد و استحاله پی و چربی در چنین صابونی، معلوم و مسلم نیست.

**مسئله ۶۱** — خرید و فروش و یا استعمال فرچه مساوکی که از موی خوک فراهم شده است جایز است؟

جواب: خرید و فروش و حتی استعمال آن جایز است اما دهان بدان وسیله آلوده و نجس می‌شود و با بیرون آوردن و بر طرف کردن بقایای آن فرچه، دهان نیز پاک می‌شود.

**مسئله ۶۲** — آیا خون موجود در زرد و یا سفیده تخم مرغ، آن را نجس می‌کند؟ خوردن آن چطور است و راه حل، کدام است؟

جواب: خون موجود در درون تخم مرغ، پاک است و اما خوردن آن حرام می‌باشد پس می‌توان خون را جدا کرد و از بقیه تخم مرغ استفاده نمود

مگر آن که به اندازه ای کم باشد که در کل، مستهلك شده که در این صورت تمام تخم مرغ پاک و حلال است.

### مسئله ۶۳—آیا شراب و آبجو پاکند؟

جواب: شکی در نجاست شراب نیست؛ اما آبجو بنابر احتیاط، نجس است هر چند که خوردن آن نیز حرام می‌باشد.

مسئله ۶۴—در کشورهای اروپایی، دین، رنگ و ملیت‌ها، مختلف است اگر از مغازه‌ای طعامی مرطوب بخریم که صاحب مغازه به آن دست زده و ما دین او را نشناشیم چنین طعامی پاک است؟

جواب: اگر ندانیم که دست صاحب مغازه، نجس و آلوده بوده است طعام خریداری شده پاک است.

مسئله ۶۵—پوست‌هایی که در برخی کشورهای اروپایی برای فروش عرضه می‌شود و ما نمی‌دانیم آنها را از کدام کشور آورده‌اند. می‌گویند، آنان، پوست‌هایی ارزان قیمت از برخی کشورهای اسلامی وارد می‌کنند و آنها را به شکل صنعتی در می‌آورند آیا چنین پوست‌هایی برای ما پاک است و با آنها می‌توانیم نماز بگزاریم؟ و اصولاً به چنین احتمالات ضعیف می‌توان اعتقاد کرد؟!

جواب: اگر احتمال این که آن پوست‌ها از حیوان تذکیه شده فراهم گشته است، احتمال ضعیفی باشد که عقلاً به آن ترتیب اثر نمی‌دهند مثل احتمال ۲ درصد، چنان پوستی محکوم به نجاست است و نمی‌توان در نماز، از آن استفاده کرد و اما جز در این صورت پاکند و نماز در آنها جائز است.

## فصل ۴

### نماز

#### مقدمه

در حدیث آمده است:

الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ (۱) نماز ستون دین است.

و امیر المؤمنان (علیه السلام) پس از آنکه ابن ملجم او را مضروب کرد در وصیتی به امام حسن و حسین (علیهمما السلام) فرمود: اللَّهُ أَكْبَرُ فِي الصَّلَاةِ فَانْهَا عَمُودُ دِينِكُمْ (۲): خدا را، خدا را، در نماز که آن، ستون دین شماست.

سکونی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرد که رسول الله (صلی اللہ علیہ و آله) می فرمود:

هماره شیطان از مؤمن می ترسد تا زمانی که او بر نمازهای پنجگانه اش مواظبت دارد و هر گاه آنها را ضایع کرد شیطان جرأت پیدا کرده او را به گناهان بزرگ دیگر و امی دارد. (۳)

یزید بن خلیفه گفت شنیدم ابوعبدالله (علیه السلام) می فرمود: وقتی نماز گزار به نماز می ایستد رحمت الهی از وسط آسمانها تا زمین بر او ریزش می کند و فرشتگان او را در میان می گیرد و فرشته ای ندا می کند اگر این نماز گزار می دانست که در این نماز چه ها هست آن را رها نمی کرد. (۴) از همین جا، اهمیت نماز در اسلام معلوم می شود و چون نماز نوعی ورود به محضر الهی است چنانکه در حدیث آمده، نماز خوان گویا در پیشگاه خدا

ایستاده است پس او باید دل به سوی خدا کند و چیزی از امور دنیا و شانی از شئون ناپایدار آن او را مشغول نکند.  
و خدا فرمود:

قد افلح المؤمنون الذين هم في صلوتهم خاشعون (۵):  
هر آینه، مؤمنانی که در نمازشان خاضع و خاشع اند رستگار شدند.  
و امام علی بن حسین زین العابدین (علیه السلام) وقتی به نماز می‌ایستاد همانند شاخه درختی که با وزش درختی که با وزش باد برخود می‌لرزد، اندامش می‌لرزید. (۶)

و امامان باقر و صادق (علیهمما السلام) وقتی به نماز می‌ایستادند رنگ رخسارشان گاهی سرخ و دیگر گاه زرد می‌شد و آنچنان نماز می‌گزاردند که گویا با کسی که او را می‌بینند حرف می‌زنند و صحبت می‌کنند. (۷)  
احکام نماز، بسیار زیاد است و ما به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم:

**مسئله ۶۶** — فقهاء فرموده اند: نماز به هیچ وجه ساقط نمی‌شود نه در مسافرت و نه در وطن و اگر وقت نماز تنگ شد، مسلمان باید آن را با جا آورد، در هواپیما، کشتی، اتومبیل، قطار، در حال توقف، یا در حال حرکت، در سالن انتظار، در پارک عمومی، در راه، در کارخانه و در هر جای دیگر.

**مسئله ۶۷** — اگر مسافری در هواپیما، اتومبیل، قطار و امثال آن، نتوانست ایستاده نماز گزارد نشسته نماز می‌خواند و اگر رو به قبله نتوانست بایستد به سمتی که گمان دارد قبله است می‌ایستد و نماز می‌گزارد و اگر جهتی را نتوانست ترجیح دهد به سمت و سو که خواست می‌تواند نماز

بخواند و اگر جز در حال تکبیره الاحرام نتوانست رو به قبله بایستد به همان اندازه کفایت می کند. (۸)

**مسئله ۶۸** — قبله را می توان از مهماندار هوایی پرسید که شاید او بتواند از خلبان و کاپیتان سؤال کند. و در صورت اطمینان می توان به سخن او اعتماد کرد هر چند که او کافر باشد هم چنان که می توان به قبله نما و هر وسیله ای که به صحّت و درستی آن اطمینان باشد، اعتماد کرد.

**مسئله ۶۹** — اگر مسلمان نمازگزار، نتوانست وضو بگیرد عوض آن، تیم می کند.

**مسئله ۷۰** — گاهی درازای شب و روز از شهری تا شهر دیگر فرق می کند در این صورت اگر طلوع و غروب آفتاب واضح باشد مسلمان در شناخت اوقات نماز و روزه می تواند مطابق آن عمل کند هر چند که وقت برخی نمازها به سبب کوتاه بودن روز بسیار به هم نزدیک باشد و یا زمان افطار روزه به جهت کوتاهی شب، بسیار اندک باشد.

**مسئله ۷۱** — گاهی، چند روز و یا چند ماه، خورشید در کشورهای غروب و یا طلوع نمی کند در چنین کشورهایی، مسلمانان می توانند به اوقات شرعی نزدیک ترین سرزمین به این کشورها، رجوع کنند و در هر بیست و چهار ساعت نمازهای پنجگانه را برابر اوقات کشور مجاور به نیت قربت مطلق به جا آورند.

**مسئله ۷۲** — اگر مسلمانی نتوانست اول فجر و یا وقت زوال و یا غروب آفتاب را بشناسد تا در وقت معین نماز و روزه به جا آورد اما به سخن

منجمان و مسئولان رصدہا اطمینان دارد می تواند نماز و روزہ اش را مطابق نظر آنان در تعیین اوقات، به جا آورد ہر چند کہ مسئولان آن مؤسسه‌ها مسلمان نباشند به شرط آن که به کار و نظرشان، اطمینان باشد.

**مسئله ۷۳** — مسلمان مسافر باید نمازش را شکسته بخواند یعنی نمازهای چهار رکعتی (ظہر، عصر، عشاء) را دو رکعت بخواند و سفر شرعی طی مسافت چهل و چھار کیلومتر و بیشتر است از ابتدای محل سکونت و آخرین خانه‌های شهر معمولی.

در زمینه شکسته و یا ناشکسته بودن نمازها احکام فراوانی وجود دارد که می‌توان به رساله‌های عملیه و نیز به بخش استفتائات همین فصل رجوع کرد.

**مسئله ۷۴** — نماز جمعه در صورت اجتماع شرایطی که در آن معتبر است از نماز ظہر با فضیلت تر است هم چنانکه خواندن آن از نماز کفایت می‌کند و با خواندن نماز جمعه نیازی به برگزاری نماز ظہر نمی‌باشد.

**مسئله ۷۵** — نماز جماعت از نماز انفرادی با فضیلت تر است و استحباب آن در نمازهای صبح و مغرب و عشاء بیشتر می‌باشد و در حدیث آمده است که:

نماز در پشت سر یک عالم ثواب هزار رکعت دارد و نماز در پشت سر قرشی صد برابر و هر چه تعداد مأمورین بیشتر باشد ثواب جماعت فزون‌تر می‌گردد.

اینک به نمونه ای از استفتائات و جواب‌های حضرت آیت الله العظمی سیستانی - مدظله العالی - توجه کنید:

**مسئله ۷۶** — عده ای از مردم پس از گذشت سال‌ها که نماز خوانده، روزه گرفته و حج گزارده اند متوجه می‌شوند که وضو و غسل‌شان اشتباه بوده است و هر گاه به آنان گفته شود که نماز و یا حج را دوباره باید به جا آوری، چنان کاری برای او بسیار دشوار است آیا راه حلی وجود دارد که او به همان نماز و روزه و حجی که انجام داده اکتفا کند در حالی که به صحت آنها معتقد بوده است به ویژه اگر او را به اعاده آن اعمال و ادار کنیم به طور کلی ممکن است تمرد کند و اصلاً نماز و روزه و دیگر واجبات را کنار گذارد که در کشورهای غربی چنین خطری جدّاً وجود دارد! جواب: اگر انسان، جاهل قاصر بوده باشد و به برخی شرایط خصوصیات عمل، خلل وارد کند مثلاً ترتیب شستن سر و سایر قسمت‌های بدن را در غسل و یا وضو رعایت نکند و یا با رطوبت غیر وضو مسح بکشد در این وضع، وضو و غسل او صحیح است و در نتیجه نماز و حجش هم صحیح می‌باشد.

اما اگر او جاهل مقصراً باشد و در آموختن مسائل شرعی کوتاهی کرده و یا به چیزهایی خلل وارد کند که آنها در صحت عمل شرط اند مثل این که قسمت‌هایی از بدن را که در وضو و غسل باید شست، نشوید در این وضع، راهی برای تصحیح نماز حجی که گزارده است وجود ندارد اما اگر بیم آن می‌رود که در صورت تذکر مسائل به وی، او کلّاً متمرد شده و نماز و روزه وغیره را ترک گوید لازم نیست که به او گفته شود که نماز و

عبادت‌های گذشته دیگر را قضا کند شاید خداوند پس از این، گشايشی به وجود آورد.

**مسئله ۷۷**- برخی از مردم سال‌ها نماز می‌خوانند و حج می‌گزارند در حالی که در طول این مدت اصلاً خمس مال خود را نپرداخته‌اند آیا لازم است که آنان نماز و حجشان را اعاده کنند؟

جواب: اگر نماز و یا طواف حج را با جامه‌ای خوانده و به جا آورده‌اند که به عین آن خمس تعلق گرفته بوده قضای چنان نمازها و اعاده حج لازم است. لیکن اگر فقط به جامه احرام، خمس تعلق گرفته و او نسبت به حکم و یا موضوع، جاهل بوده هر چند جاهل مقصر، حج او صحیح است و فقط نماز طواف را باید اعاده کند، هرگاه در جهل خود معذور بوده باشد و احتیاط واجب آن است که به مکه برگرد و لی اگر چنان کاری مشقت داشته و پرزمخت باشد هر جا که ممکن بود، نماز طواف را دوباره بخواند. همچنان که اگر قربانی را با پولی که به عین آن خمس تعلق گرفته، تهیه کند اعاده آن لازم است مگر آنکه با قیمت کلی خریده و خمس در ذمه او بوده باشد نه در عین مال که

غالباً چنین است و در این صورت حج و قربانی او صحیح است و اشکالی ندارد. البته او ضامن قیمت قربانی خواهد بود که آن را از مال خمس دار، پرداخته است.

و همه اینها در صورتی است که او جاهل مقصر بوده است و گرنه نماز و حج جاهل قاصر در این مسئله صحیح است.

**مسئله ۷۸**— هر گاه مسافری پس از آنکه اذان را مستقیماً شنید از شهری به شهری دیگر و یا از کشوری به کشور دیگر بدون این که نماز خوانده باشد، مسافرت کرد و پس از غروب آفتاب به مقصد رسید آیا او گناه کرده است و واجب است نماز ظهر را مثلاً قضا کند؟

جواب: بلی، او گناه کرده است زیرا از روی عمد و قصد، فریضه را نخوانده است و باید قضا کند.

**مسئله ۷۹**— آیا جوهر و مرکب خشک مانع از صحبت وضو و غسل می‌شود و یا با آن وجود وضو و غسل صحیح می‌باشد؟

جواب: اگر جوهر و مرکب دارای جرم نباشد که مانع از وصول آب به پوست بدن شوند وضو و غسل صحیح است و در صورت شک و تردید باید آن را برطرف کرد.

**مسئله ۸۰**— آیا انسان می‌تواند فیلمی را تماشا کند تا وقت نماز وارد شود و او همچنان به تماشای فیلم ادامه دهد و آنگاه که مختصری از وقت ماند، به ادای نماز پردازد؟

جواب: شایسته نیست مسلمان، نماز خود را از وقت فضیلت عقب بیندازد مگر با عذر موجه و آنچه د سؤال آمده است، عذر موجه نیست.

**مسئله ۸۱**— آیا کرمی که به پوست مالیده می‌شود مانع رسیدن آب است و به هنگام وضو و غسل، باید آن را پاک کرد؟

جواب: ظاهراً کرم پس از مالیدن بر پوست از بین می‌رود و آنچه می‌ماند مختصر چربی، بیش نیست و مانع نفوذ آب نمی‌شود.

**مسئله ۸۲**— برخی خانم‌ها ناخن‌هایشان را به قصد آرایش از حد طبیعی بلندتر می‌کنند و چون گاهی اوقات آنها می‌شکنند طبیان روکشی تجویز می‌کنند که تا پاسی از روز روی ناخن‌ها می‌ماند و با علم به این که آن روکش و یا لاک و مانیکور مانع از رسیدن آب به هنگام غسل و وضعیت به ناخنهاست آیا استفاده خانم‌ها از چنان روکش، لاک و یا مانیکور جایز است و وضعیت و غسل با آن چطور است؟

جواب: غسل و وضعیت با چنان چیزی که مانع از وصول آب می‌شود صحیح نیست و ناگزیر باید آنها را برای انجام غسل و وضعیت صحیح زایل و پاک کرد و قصد آرایش، مجوز چنان کاری نمی‌شود.

**مسئله ۸۳**— چه وقتی نماز را تمام و چه موقع شکسته باید بخوانیم؟ آیا صدق عرفی به این که انسانی در شهری مقیم است کافی است که او نماز را تمام بخواند؟

جواب: شرایط قصر نماز را در رساله‌های علمیه می‌توان خواند اما به طور کلی اگر کسی شهری را برای مدت طولانی مثلاً یک سال و نیم اقامتگاه خود قرار دهد و عرفًا هم این شهر را قرار گاه او بدانند نماز او در آنجا، تمام است اما اگر مدت اقامت کوتاه باشد و به او مسافر گفته شود نماز در آنجا شکسته است.

**مسئله ۸۴**— چگونه نیمه شب را بشناسیم آیا ساعت دوازده و نیم چنانکه در میان مردم شایع است می‌تواند علامتی باشد؟

جواب: نصف شب همان نیمه ساعات ما بین غروب تا طلوع فجر است پس اگر آفتاب مثلاً در ساعت هفت عصر غروب کند و طلوع فجر در رأس ساعت چهار باشد ساعت یازده و نیم شب، نصف شب خواهد بود و این قاعده کلی است هر چند که با اختلاف زمان و مکان فرق می‌کند.

**مسئله ۸۵**— شخصی گمان دارد که اگر بخوابد برای نماز بیدار نخواهد شد آیا بر او واجب است تا وقت نماز بیدار بماند؟ و اگر بخوابد برای نماز بیدار نشود گناه کرده است؟

جواب: او می‌تواند از کسی بخواهد که او را برای نماز بیدار کند و یا از ساعت زنگ دار استفاده کند و هرگاه چنین کاری ممکن نشد و خواهد گناه نکرده است مگر آن که این کار، نوعی سهل انگاری و بی‌اعتنایی نسبت به نماز تلقی شود.

**مسئله ۸۶**— نماز را در هواپیما که نه قبله در آن معلوم است و نه طمأنیه حاصل است چگونه باید خواند؟

جواب: سمت قبله را می‌توان از کاپیتان و یا مهماندار که پاسخ‌هایشان غالباً اطمینان بخش و ظن آور است پرسید و برابر گفته آنان عمل کرد و طمأنیه، در صورت عدم امکان آن ساقط می‌شود و به هر حال نماز را از وقت خود باید عقب انداخت و آن را با رعایت سایر شرایط، باید خواند.

**مسئله ۸۷**— در قطار و یا اتومبیل چگونه نماز بخوانیم؟ تنها خم شدن کافی است و یا بر چیزی باید سجده کرد؟

**جواب:** نماز را تا حد توان، باید آنگونه خواند که شخص مختار می‌خواند پس لازم است در همه حالات نماز، قبله و سایر شرایط را رعایت کند و در صورت عدم امکان، در تکبیره الاحرام. و اگر در آن حال هم میسر نباشد شرط رو به قبله بودن هم ساقط می‌شود هم چنان که در صورت امکان باید رکوع و سجود کامل کرد مثلاً در راهرو قطار و اتوبوس نماز گزارد و اگر میسر نشد به اندازه‌ای که اسم رکوع و سجود صدق کند خم شود کافی است و اگر آن هم ممکن نشد مختصر خم شدن کفایت می‌کند.

**مسئله ۸۸-** گاهی، وقت نماز داخل می‌شود و دانشجو در راه دانشگاه است و اگر بخواهد به دانشگاه برسد و در آنجا نماز بخواند وقت نماز سپری و قضا خواهد شد آیا او می‌تواند با وجود جاهای دیگر در اتوبوس نماز بخواند با این احتمال که اگر از اتوبوس پیاده شود و در بیرون نماز بخواند به دانشگاه دیر خواهد رسید.

**جواب:** دیر رسیدن به دانشگاه مجاز آن نمی‌شود که نماز را در اتوبوس بخواند و برخی شرایط نماز را رعایت نکند پس باید پیاده شود و نماز کامل و با شرایط بخواند اما اگر دیر رسیدن به دانشگاه، موجب خسارت و ضرر و زیانی شود که عادتاً تحمل ناپذیر است و یا سبب رنج و دشواری فوق العاده باشد می‌تواند با فقدان برخی شرایط در اتوبوس نماز بخواند.

**مسئله ۸۹-** گاهی، وقت نماز فرا می‌رسد در حالی که کارگر مسلمان در کارخانه مشغول کار است و کارش نیز مهم و لازم است. او اگر برای خواندن نماز از کار دست بکشد ممکن است او را اخراج کنند آیا او

می تواند نماز را قضا کند و یا هر چند امکان اخراج او هم در میان باشد باید  
نماز را ادا بخواند؟

جواب: اگر در آن کارخانه مجبور است کار کند و نمی تواند آنجا را  
ترک گوید هر طور که میسر است در وقت هر چند با ایما و اشاره به رکوع  
و سجود، نماز بخواند اما چنین وضعیتی، تنها یک فرض است و به ندرت  
پیش می آید پس او باید تقوی داشته باشد و از خدا بترسد و این آیه را به یاد  
داشته باشد که فرمود: **مَنْ يَتَّقَ اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا**

هر کس تقوا پیشه کند خدا برای او راه خروجی قرار می دهد و او را  
از آنجا که به گمان او نمی آمد روزی می دهد.

**مسئله ۹۰**— در برخی کشورهای غربی و جز آنها، مؤسسه‌ها و  
شرکت‌هایی وجود دارد که عده‌ای از مسلمانان به عنوان کارمند دفتری و  
غیره در آنجاها مشغول به کار هستند در حالی که وضع ملکی آن شرکت‌ها  
و مؤسسه‌ها، معلوم نیست.

اولاً: نماز خواندن در آنجاها و وضو با آب آن شرکت‌ها و مؤسسه‌ها  
چطور است؟

و ثانیاً: نماز هایی که احياناً در آنجاها خوانده شده چطور می شود؟  
جواب: انسان تا نمی داند که مکان آن شرکت‌ها و مؤسسه‌ها غصبی  
است و از شخص محترم المال تصرف عدوانی شده است. نماز در آنجاها  
صحیح و وضو هم درست است.

و نمازهای پیشین اگر پس از خوانده شدن، غصیّت آنجاها معلوم شده باشد آنها هم صحیح می‌باشند.

**مسئله ۹۱**—اگر کسی با کمربند پوستی و یا همراه داشتن کیفی که از پوست حیوان مردار و ذبح شرعی نشده، فراهم گشته نماز بخواند و در اثناء و یا پس از نماز متوجه شود چه باید کند؟

جواب: نماز با کمربند و یا کیف پوستی که به احتمال معقول از پوست حیوان تذکیه شرعی شده فراهم آمده است، صحیح است و اما اگر چنان احتمال معقول نباشد و در اثنا متوجه شود فوری آن را از خود جدا می‌کند و همچنین است اگر فراموش کرده و در اثنای نماز به یاد آورد مگر آن که

فراموشی در اثر اهمال و بی مبالاتی باشد که در این صورت به احتیاط واجب نماز را در وقت اعاده و در خارج آن، قضا می‌کند.

**مسئله ۹۲**—امروزه کت هایی به بازار آمده است به نام جیر که در کشورهای غیر اسلامی ساخته می شوند و بر آنها قطعه ای پوست دوخته شده است و ما نمی دانیم آن از پوست حیوان تذکیه شده فراهم آمده یا نه، نماز با چنین لباسی چطور است؟

جواب: جایز است.

**مسئله ۹۳**—آیا ادکلن پاک است و می توان پس از استفاده از آن نماز خواند؟

جواب: بلی، صحیح است.

**مسئله ۹۴** — آیا سجده کردن بر موزائیک و سنگ های معدنی جائز است؟

جواب: بله، صحیح است.

**مسئله ۹۵** — بر فرش هایی که از مواد و مشتقات نفت ساخته و بافته می شوند می توان سجده کرد؟

جواب: سجده کردن بر آنها جائز نمی باشد.

**مسئله ۹۶** — آیا بر کاغذهای نوشتنی و یا بر دستمال های کاغذی و امثال آن می توان سجده کرد؟ در حالی که از مواد اصلی آنها بی خبر هستیم و نمی دانیم آنها از اشیای جایز السجود فراهم شده اند یا نه؟

جواب: سجده بر اوراق و کاغذهای نوشتنی و یا بر دستمال های کاغذی جایز نیست مگر پس از حصول اطمینان به این که آنها از چیزهای جایز السجود درست شده اند و همچنین سجده بر کاغذهایی که از پنبه و یا کتان و امثال آنها ساخته می شوند جائز می باشد.

**مسئله ۹۷** — از نوار کاست، صدای قرآن پخش می شود و قاری، آیه سجده می خواند و ما هم می شنویم آیا بر ما سجده کردن واجب می شود؟

جواب: نه، سجده کردن در این صورت واجب نمی شود.

---

۱ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۵.

۲ نهج البلاغه، ص ۴۲۲.

۳ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۸.

۴ همان، ص ۳۲.

۵ سوره مؤمنون، آیه یکم.

۶ قادتنا کیف نعرفهم؟ ج ۶، ص ۱۶۴ و فصل ویژه عبادتهای امام بنگرید، همان ص ۱۶۳ -

.۱۷۲

۷ منہاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۹۳.

۸ بنگرید: بخش استفتائات ویژه این فصل.

## فصل ۵

### روزه

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآلہ) در استقبال ماه مبارک رمضان خطابه ای خواند و از جمله فرمود:

ای مردم! ماه خدا توأم با برکت، رحمت و آمرزش به سوی شمار و آورده است. این ماه نزد خدا با فضیلت ترین ماههای است. روزها، شبها و ساعت‌هاییش از همه روزها و شبها و ساعت‌ها با فضیلت تر است. این ماه، ماهی است که شما در آن، به میهمانی خدا دعوت شده اید. و در این ماه شما از اهل کرامت و بزرگوار قرار داده شده اید. نفس‌های شما در آن، ثواب تسبیح دارد و خواباتان عبادت عملکرد هایتان دران پذیرفته است و دعاها یتان در آن ماه مستجاب می‌باشد. پس خدا را با نیت‌های صادق و دلهای پاک بخواهید تا شما را به روز آن ماه و تلاوت قرآن، موفق بفرماید زیرا شقی و شور بخت کسی است که از آمرزش در این ماه بزرگ، محروم باشد.

ای مردم! درهای بهشت در این ماه به روی همه گشوده است پس، از پروردگار خود بخواهید آن درها را دوباره به روی شما نبندد. و درهای دوزخ و آتش به روی شما بسته شده است از پروردگار خود بخواهید که آنها را دوباره برای شما نگشاید.

شیطان‌ها در این ماه، به غل و زنجیر کشیده شده اند از پروردگار تان  
بخواهید تا دوباره آنها را سلطه نبخشد.

ای مردم! هر کس از شما در این ماه اخلاق خویش را زیبا کند آن،  
جوازی خواهد بود برای گذشت بر صراط که قدم‌ها در آنجا بلغزند و هر  
کس در این ماه بر زیرستان و بردگان سبک گیرد خود حساب او را سبک  
فرماید. و هر کس در آن، شر خود را از مردم، باز دارد خدا به روز دیدار او،  
غضب و خشم از اوی باز دارد. هر کس یتیمی را در آن گرامی بدارد روز  
دیدار او، اوی را گرامی می‌دارد و هر کس در آن صله رحم کند خدا در  
روز لقایش به او صله فرماید. و هر کس در آن، آیه‌ای تلاوت نماید  
پروردگار، ثواب ختم قرآن را که در دیگر ماه‌ها خوانده است به او عطا  
فرماید.

و امام علی (علیه السلام) فرمود: برخی روزه دارها هستند که جز  
تشنگی برایشان باقی نمی‌ماند و برخی قیام کنندگان و نمازگزاران، جز رنج  
و خستگی چیزی دیگر عایدشان نمی‌شود.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: روزه، تنها خودداری از خوردن و  
آشامیدن نیست هرگاه روزه گرفتید زبان‌هایتان را از دروغ نگاه دارید و  
چشم‌هایتان را از آنچه خدا حرام فرموده بینید، نزاع و کشمکش نکنید به  
یکدیگر حسد نورزید، غیبت نکنید، فحش و ناسزا مگویید، به یکدیگر ستم  
روا مدارید از بدگمانی، دشمنی، دروغ، زورگویی، غیبت، و سخن چینی

پرهیزید، نگران آخرت و منظر و عده‌های الهی باشید و برای روز دیدار خدا، توشہ بگیرید.

همواره، آرام، متین، خاضع و فروتن باشید و مانند بنده ای باشید که از مولای خویش می‌ترسد و در عین حاله به لطف و مهرش امیدوار است (۱) به جاست که من در اینجا همراه برخی استفتائات ویژه روزه، بعضی احکام آن را به یاد آورم:

**مسئله ۹۸**— خوردن و آشامیدن عمدی روزه را باطل می‌کند اما اگر از روی فراموشی باشد روزه صحیح است، و چیزی بر خورنده نیست.

**مسئله ۹۹**— باقی ماندن بر جنابت در ماه رمضان تا طلوع فجر، روزه را باطل می‌کند پس کسی که در ماه رمضان عمدتاً بدون غسل مانده و فجر طلوع کرده است، آن روز از به قصد مافی الذمه، واجب است امساك کند ولی بعداً باید روزه آن روز را باز به قصد مافی الذمه قضا نماید. اما مریضی که نتواند غسل کند تیمم می‌کند و روزه اش صحیح می‌باشد.

**مسئله ۱۰۰**— زن پس از قطع خون حیض و نفاس که می‌توانسته قبل از طلوع فجر غسل کند و روزه بگیرد اگر اهمال کرده تا طلوع فجر ناپاک بماند روزه آن روزش باطل است و همانند بقاء عمدی بر جنابت می‌باشد و آن روز را از روی ادب امساك می‌کندو بعد، قضا به جا می‌آوردم اگر غسل ممکن نباشد باید تیمم نماید.

**مسئله ۱۰۱**— بهتر است شخص روزه دار، بلغم را که به فضای دهان آمده است فرو نبرد هر چند که بلعیدن آن جایز باشد مثل آنکه با آب دهان قاطی شده باشد.

**مسئله ۱۰۲**— با محظی شدن در روز ماه مبارک رمضان، روزه باطل نمی‌شود اما او باید برای نماز ظهر و عصر، غسل کند اما به هر حال، جنابت واحتلام به روزه او ضرر ندارد.

**مسئله ۱۰۳**— شستن دهان و دندان با فرجه و خمیر، روزه باطل نمی‌کند مادام که آنچه در اثنای شستشو با آب دهان در آمیخته، وارد معده نشود اما چیزی اند کی که با آب دهان در می‌آمیزد، مانعی ندارد.

**مسئله ۱۰۴**— اگر مسلمانی در شهر و یا کشوری زندگی می‌کند که در ازای روز و شب رد آنجا، شش ماه است او باید به شهر و یا کشوری برود که بتواند روزه بگیرد و یا لااقل قضا کند و در صورت عدم امکان، باید عوض هر روز، یک چارک طعام به فقیری بدهد.

**مسئله ۱۰۵**— اگر مسلمانی در شهر و یا کشوری زندگی می‌کند که طول روز آن، بیست و سه ساعت و طول شب فقط یک ساعت است و یا به عکس، بر او واجب است در حد توان روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و اگر ممکن نشد روزه ماه رمضان، از او ساقط می‌شود اگر بعداً توانست قضا می‌کند هر چند با انتقال به یک شهر و یا کشور مجاور. و هر گاه قضا هم ممکن نشد برای روزه یک مد طعام برای فقیر بدهد. (۲) و اینکه نمونه‌هایی از فتوای آیت الله العظمی سیستانی دام ظله العالی.

**مسئله ۱۰۶**—برخی مردمان به نیت خاصی و به قصد سال‌ها اقامت برای انجام کاری به کشوری می‌روند بی آنکه از وطن اصلی خود اعراض کرده باشند و پسی از انجام آن کار از کشور بیرون می‌روند تا هر جا که بخواهند بمانند و آنجا را وطن بگیرند نماز و روزه چنین مردمانی چگونه است؟

چواب: نمازها را تمام می‌خوانند و روزه را اگر یک ماه اقامت داشته اند می‌گیرند همچنان که در وطن اصلی چنین می‌کردند.

**مسئله ۱۰۷**—آیا ما می‌توانیم به رصدهای فلکی و نظریه‌های نجومی اروپا را در شناخت ساعات فجر و ظهر، طلوع و غروب آفتاب در طول سال و حتی ثانیه‌ها را هم ملاحظه می‌کنند؟

چواب: اگر از سخن آنان اطینان حاصل شود می‌توان به آن عمل کرد با علم به این که در تعیین زمان فجر در آنجا اختلاف وجود دارد پس کوششش باید عمل آید تا به رأی و نظر صحیح عمل شود.

**مسئله ۱۰۸**—در برخی کشورها چندین روز آفتاب طلوع و یا غروب نمی‌کند نماز و روزه در این کشورها چگونه است؟

چواب: احتیاط واجب آن است که نماز را با اوقات نزدیک‌ترین کشور و یا شهری که در بیست چهار ساعت دارای شب و روز می‌باشد تطبیق دهد و نمارهای پنجگانه را برابر اوقات شرعی آنجا بخواند هر چندبا قصد قربت مطلقه.

و اما روزه را باید به کشوری برود که بتواند روزه ماه رمضان را بگیرد  
که فضیلت بسیار دارد و اگر ممکن نشد در غیر ماه رمضان چنان کند و قضا  
به جا آورد.

**مسئله ۱۰۹** — آیا یک مسلمان در ماه رمضان می‌تواند در کشور غیر  
اسلامی به غیر مسلمان اطعام کند؟

جواب: اشکالی ندارد.

**مسئله ۱۱۰** — آیا تنفس مصنوعی روزه را باطل می‌کند؟  
جواب: اگر ماده‌ای که در تنفس مصنوعی وارد بدن انسان می‌شود  
 فقط از مجرای تنفس باشد نه از راه معده، اشکال ندارد و روزه را باطل  
نمی‌کند.

**مسئله ۱۱۱** — سرم و یا آمپول خوراکی که از رگ تزریق می‌شود  
 روزه را باطل می‌کند اعم از این که مریض ناچار باشد و یا نباشد؟  
 جواب: در هر دو صورت باطل نمی‌کند.

**مسئله ۱۱۲** — آیا استمناء در روز ماه رمضان روزه را باطل می‌کند؟  
 اعم از آنکه منی بیرون بیاید یا نه و کفاره آن چیست؟ و انگهی اگر چنان  
 کاری را زنان انجا دهند حکم آن چیست؟

جواب: اگر به قصد انزال، استمنا کند و انزال هم بشود روزه باطل  
 می‌شود و بر او قضا و کفاره واجب است (روزه دو ماه پی در پی و یا اطعام  
 شصت فقیر) اما اگر استمناء کند و قصد انزال هم داشته باشد لیکن منی

خارج نشود او باید روزه آن روز را به قصد قربت مطلقه بگیرد آنگاه قضا هم بکند.

و اگر استمنا کند و قصد انزال نداشته باشد و عادت او هم چنان نبوده است که انزال بشود ولی احتمال انزال می‌داده و اتفاقاً منی هم خارج شود بر او واجب است قضا کند و کفاره واجب نمی‌شود.

و اما اگر بر خودش مطمئن بوده که منی خارج نخواهد شد از قضا منی بیرون آید نه قضا واجب می‌شود و نه کفاره و در این مسائل فرقی میان زن و مرد نیست.

### مسئله ۱۱۳— شخصی بدون آنکه بداند بقا بر جنابت روزه را باطل

می‌کند، روزه گرفته است روزه او چطور است؟

جواب: اگر نمی‌دانسته است که بقا بر جنابت روزه را باطل می‌کند و یا اصلاً به این معانی توجه نداشته است روزه او صحیح است و قضا و کفاره ندارد.

### مسئله ۱۱۴— آیا اگر هلال در خاور زمین ثابت شود در باختر، هم به ثبوت می‌رسد و یا اگر هلال در آمریکا دیده شود در اروپا هم ثابت می‌شود؟

جواب: اگر هلال در خاور زمین ثابت شود برای باختر نشینان هم ثابت می‌شود به شرط آن که فاصله دو مکان از حیث عرض جغرافیایی زیاد نباشد اما اگر هلال در باختر ثابت شود لازم نیست در خاور هم ثابت گردد هر چند از طریق ماندن هلال در مکان نخست به زمان نسبتاً طولانی که با مکان دوم از جهت وقت طلوع و غروب آفتاب متفاوت است.

**مسئله ۱۱۵**— به نظر فقهاء کسی که روزه اش را در ماه رمضان با حرام باطل کرده است بر او کفاره جمع، واجب می شود و در عصر حاضر که برده آزاد کردن میسر کردن نیست و نظام برده داری از میان رفته وظیفه چیست؟  
جواب: آزاد کردن برده در صورت عدم امکان ساقط می شود علاوه آنکه به نظر ما در صورت ابطال روزه با فعل حرام کفاره جمع، واجب نمی شود و خدا داناست.

در کتاب منهاج الصالحین آمده است که اگر هلال در یک شهر دیده شود در صورت وحدت افق در شهرهای دیگر هم ثابت می شود به این معنی که با روئیت هلال در آن شهر گویا در دیگر شهرها هم روئیت شده است و شاید ابر و کوه و امثال آن مانع روئیت بوده است و در اینجا چند سؤال پیش می آید که پاسخ می طلبد.

**مسئله ۱۱۶**— آیا با روئیت هلال در سرزمین های خاوری مثل ایران، احساء، قطیف، کشورهای خلیج، عراق، سوریه لبنان، هلال در بلاد باختری مثل انگلستان، فرانسه، آلمان اگر مانعی مثل ابر و مه نباشد، به ثبوت می رسد؟  
جواب: بلى، روئیت هلال در یک مکان که ملازم روئیت در آن مکان هایی در باختر باشد که از حیث مکان با مکان نخست برابرند و عدم روئیت فقط در اثر مانع بوده است هلال در هر دو مکان ثابت می شود مگر آن که عرض جغرافیایی آنها بسیار متفاوت باشد.

**مسئله ۱۱۷**— به فرض اینکه ثبوت روئیت هلال در شرق و خاور ملازم ثبوت آن در غرب و باختر باشد اگر هلال در نزد برخی علمای خاور

زمین ثابت شود چنان امری می‌تواند حجت باشد بر کسی که در کشورهای باختری که ساکن است هر گاه او به سبب صاف نبودن هوا نتواند هلال را رؤیت کند؟ جواب: ثبوت رؤیت هلال نزد برخی علمای خاور زمین، حجت بر مسلمانان باختری نمی‌شود مگر آنکه ثبوت هلال در خاور زمین موجب حصول اطمینان به رؤیت در دیگر جاهای شود و یا بینه‌ای بدون معارض در مورد ثبوت هلال در باختر، تحقق یابد هر چند از طریق حکم حاکم که در این صورت برابر اطمینان، عمل می‌کند.

**مسئله ۱۱۸**— در برخی بلاد شرقی به استناد سخن عده‌ای شاهد که رؤیت هلال کرده اند اول ماه نزد بعضی علمای ثابت می‌شود با این ویژگی:

۱— شهود هر چند سی تن باشند مثلاً در بلاد مختلف پراکنده مثل این که دو تن از اصفهان، سه تن از قم، دو تن از یزد چهار تن از کویت، پنج تن از بحرین، دو نفر از احساء، شش نفر از سوریه و همینطور.

۲— افق در برخی سرزمین‌های باختری هم صاف بوده و امکان رؤیت در آنجاها توسط مؤمنان، امکان داشته باشد و مانعی از رؤیت نبوده است.

۳— رصد خانه انگلستان اعلام کرده که دیدن هلال در امشب (مثلاً) در انگلستان بدون تلسکوپ و چشم مسلح ممکن نیست اما فردا شب رویت بدون وسیله میسر می‌باشد.

حکم در این مورد چیست؟ نظر مبارک را بفرمایید.

جواب: مهم آن است که انسان شخصاً به رؤیت هلال پیدا کند و یا بینه شرعی بدون معارض بر رؤیت هلال اقامه شود اما در حالات مذکور در

سؤال و امثال آنها، غالباً اطمینان حاصل نمی‌شود بلکه اطمینان به عدم رؤیت بیشتر است و حتی احتمال هست که شهادت و گواهی افراد بر پایه خیال و خطای چشم بوده باشد و خدا داناست.

---

۱ بنگرید: مفاتیح الجنان و دیگر کتب حدیثی.

۲ بنگرید: بخش فتاوی ویژه این فصل.

## فصل ٦

### حج و زیارت خانه خدا

حج از واجبات شناخته شده در شریعت اسلامی و قرآن کریم بر وجوب آن صراحت دارد. خدای - عز و جل - در کتاب کریمش فرمود: ((ولله علی الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا و من کفر فان الله غنى عن العالمين)) (۱): رای خدا بر مردم حج خانه واجب است بر کسی که راه توانای آن را دارد و هر که کفر ورزد خدا از جهانیان بی نیاز است.

خدای - جل و علا - ترک حج را با کفر قرین ساخت تا اهمیت آن مورد تأکید باشد حج یکی از ارکان پنجگانه ای است که اسلام بر آنها استوار است. در حدیث از امام باقر علیه السلام چنین روایت شده: ((بنی الاسلام علی خمسه اشیاء: علی صلوٰة والزکاٰة. الحج والصوم و الولایة)) (۲): اسلام بر پنج چیز: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت، بنashde است. امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام بر آن تأکید شده و فرموده است ((لاترکو احتج بیت ربکم فتهلکوا)) (۳): حج خانه پروردگاری را ترک نکنید که هلاک خواهد شد.

و امام صادق علیه السلام فرموده: بدانید و آگاه باشید اگر مردم حج و زیارت خانه را ترک کنند عذاب برایشان نازل شود و مهلت دلده نمی شود (۴).

همانا ترک حج با اجتماع شرایط آن، از روی تسامح و سهل انگاری گناه کبیره است

در حدیث آمده است اگر شخصی توانایی انجام حج را داشته باشد و حج نگزارد قطعاً شریعتی از شرایع الهی رها کرده است (۵). چنانکه در حدیث دیگر فرموده اند:

((من سوف الحج حتی یوموت بعثه الله يوم القيمة يهودیاً أونصرانیاً))  
(۶) هر کس امروز و فردا کند و حج را تاخیر اندازد تا بیمرد. خدا روز قیامت او را یهودی یا نصرانی بر می‌انگیزد.

اکنون مناسب است برخی احکام حج را به یاد آورم.  
مسئله ۱۱۹ — هر مسلمانی که توانایی داشته باشد حج بر او واجب است و معنای استطاعت و توانایی عبارت است از:

الف — وقت کافی برای رفت و برگشت به اماکن مقدسه و فرصت انجام اعمال واجب را داشته باشد.

ب — تقدیرستی و توانمندی بر رفتن به اماکن مقدسه و امکان ماندن در آنجاهای به اندازه ادای اعمال وجود داشته باشد.

ج — راه مکه باز وايمن باشد طوری که جان یا مال و یا آبروی او را خطری تهدید نکند.

د — هزینه لازم فراهم باشد و آن چیزی است که حاجی در راه مکه بدان نیاز دارد از خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی و دیگر نیازمندی‌های سفر و همچنین فراهم بودن وسیله نقلیه که بتواند مسافت را طی کند و خود را به مکه برساند آن هم لایق به شأن او.

ه— به سبب سفر برای حج و هزینه کردن برای آن، بیم نداشته باشد  
که پس از برگشت تهی دست شود و خود و خانواده اش درمانده گردد.  
**مسئله ۱۲۰**— حج تمتع بر ما مردمی که از مکه دور هستیم و در  
کشورها و یا شهرهای دور زندگی می‌کنیم، واجب است و از دو عبادت  
تشکیل می‌شود:

اولی به نام عمره و دومی به نام حج.

**مسئله ۱۲۱**— در عمره تمتع پنج عمل واجب است:

الف— احرام در یکی از مقیات ها و آنها جاهایی هستند که احرام از  
آنها باید بسته شود.

ب— هفت شوط طواف خانه خدا.

ج— نماز طواف.

د— سعی میان صفا و مروه، هفت شوط.

ه— تقصیر.

**مسئله ۱۲۲**— واجبات حج سیزده عمل است.

۱— احرام از مکه.

۲— وقوف در عرفات در روز نهم ماه ذی الحجه.

۳— وقوف در مزدلفه پاسی از شب عید تا طلوع آفتاب.

۴— رمی جمره عقبه (شیطان بزرگ) در منی به روز عید

۵— نحر یا قربانی در روز دهم و یا ایام تشریق در منی.

۶— تراشیدن سر و یا تقصیر مو برای مردان در منی.

پس از انجام این شش عمل، همه آنچه که بر محرم حرام شده بود،  
حلال می‌شود جز عمل زناشویی و عطر. و هم چنین شکار بنا بر احتیاط  
واجب.

۷- هفت شوط طواف زیارت پس از رجوع از منی به مکه .

۸- نماز طواف .

۹- سعی میان صفا و مروه هفت شوط .

۱۰- هفت شوط طواف نساء

۱۱- نماز طواف نسأ .

۱۲- بیتوه در منی در شباهای یازده و دوازده و احیاناً شب سیزده.

۱۳— رمی جمرات سه گانه در روزهای یازده و دوازده و گاهی هم  
روز سیزده.

و اینک به نمونه ای از استفتئات و پاسخهای حضرت آیت الله  
العظمی سیستانی دام ظله العالی توجه کنید:

**مسئله ۱۲۳** — فرودگاه زایران حج، شهر جدّه می‌باشد آیا حاجی  
می‌تواند از جدّه محرم شود؟

جواب: شهر جدّه میقات نیست و محاذی یکی از میقات‌ها هم  
نمی‌باشد پس از احرام از آنجا برای حج و یا عمره صحیح نیست اما اگر  
حجی بداند که میان شهر جدّه و حرم، جایی است که با یکی از مقیات‌ها،  
محاذی می‌باشد بعید نیست که احرام از آنجا صحیح باشد همچنانکه احتمال

دارد حاجی از محاذات جحفه که یکی از مقیات ها هست بگذرد چنان که او می تواند از جده با نذر محروم شود.

**مسئله ۱۲۴**—اگر سر حاجی به هنگام تراشیدن آن، رخمی شود و خون آید، او چه باید بکند؟ جواب: هر گاه او در این زخمی کردن و خون در آوردن متعمد نبوده است چیز بر او نیست.

**مسئله ۱۲۵**—هر چند که تکرار حج همه ساله مستحب است اما در بسیاری از کشورها و شهرهای اسلامی مؤمنان بینوایی هستند که حتی به یک لقمه طعام و اندکی لباس، نیازمندند. اگر امر دایر باشد بین این که کسی دارایی اش را در حج مستحبی و زیارت امامان معصوم صرف کند و یا احسان و انفاق به این خانواده‌ها نماید کدام مقدم است؟

جواب: البته یاری رساندن به آنگونه مردمان مؤمن و بینوا، از حج و عمره مستحبی و زیارت عتبات و عالیات مقدسه با فضیلت تراست اما گاهی حج و عمره و زیارت ائمه، با برخی امور توأم می‌شود که فضیلت آن به درجه فضیلت اتفاق بر مؤمنان تهیید است بلکه بالاتر و ثواب بیشتر می‌رسد.

**مسئله ۱۲۶**—حکومت عربستان برای حاجیان در عرفات و منی جاها را اختصاص می‌دهد و ما نمی‌دانیم آیا آنها در داخل حدود منی و عرفات هستند که حاجی باید وقوف کند یا خارج اند و آیا پرس و جو در این مورد لارم است؟

جواب: اگر حدود اعلام شده که دارای علائم نصب شده می‌باشد نسل به نسل معلوم بوده است پرس و جو لازم نیست.

**مسئله ۱۲۷** — گفته می شود که برخی قربانگاه ها بلکه همه آنها در خارج از منی قرار دارد آیا بر ما واجب است قبل از قربانی کردن در شناخت قربانگاه، تلاش و تأکید کنیم با علم به این که جستجوی مکان دیگر و پرس وجو از قربانگاه دوم در روز عید قربان چنانکه می دانید بسیار مشکل است

زیرا وقت بسیار تنگ می باشد آیاراه حلی وجود دارد؟

جواب: حتماً قربانی باید در داخل منبی ذبح شود و اگر به سبب کثرت حاجیان و تنگی وقت ذبح منحصر به روز عید نسیت و آن را تا پایان روزهای تشریع می توان عقب انداخت.

**مسئله ۱۲۸** — حاجیان با مشکل قربانی روبرویند و از این معنی رنج می برند زیرا گوشت قربانی ها ضایع و هدر می شود با اینکه در بلاد اسلامی بینوایان فراوانی وجود دارد که چندین روز طعم گوشت را نمی چشند در این صورت آیا می توانیم قربانی را در شهر خود بکشیم و آیا راه حل ردیگری را پیشنهاد می فرمائید؟

جواب: باید وظیفه شرعی را با ذبح قربانی در منی انجام داد و گاه تضییع گوشت ها اگر وجود داشته باشد بر عهده مسئولان است.

**مسئله ۱۲۹** — اگر دانشجویی در موسم حج، امتحان دانشگاهی دارد آیا او می تواند حج واجب را به سال آینده بگذارد خصوصاً اگر امتحان درسی برای او جنبه حیاتی داشته باشد و بسیار مهم است؟

جواب: اگر اطمینان داشته باشد که در سال آینده می تواند حج بگزارد چنان کاری جائز است و گرنه حج را نمی تواند تأخیر بیندازد و اگر

تأخیر امتحان درسی برای او حرجی باشد و دشوار باشد طوری که عادتاً چنان خسارت و زحمت را نمی‌توان حمل کرد در این صورت در سال جاری حج بر او واجب نمی‌شود و مستطیع به حساب نمی‌آید.

**مسئله ۱۳۰**— شخص مستطیعی در سالهای گذشته به حج نرفته است آیا او می‌تواند عمره رجیبه به جا آورد و اگر در ماه رمضان توانست چطور؟  
جواب: عمره مفرد او صحیح است اما اگر این عمره سبب شود که در سالی آتی نتواند، حج بگزارد، انجام چنان عمره جائز نمی‌باشد.

**مسئله ۱۳۱**— جوان مجردی است که اخیراً مستطیع شده است و اما به فکر ازدواج می‌باشد و اگر حج بگزارد ازدواج او عقب می‌افتد، کدامیک را مقدم بدارد؟

جواب: حج برود و ازدواج را تأخیر بیندازد مگر آنکه تأخیر ازدواج برای او دشوار بوده و زحمت فوق العاده داشته باشد که عادتاً تحمل ناپذیر است، در این صورت ازدواج را مقدم بدارد و خدا داناست.

---

۱ سوره آل عمران، آیه ۹۷

۲ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۰

۳ همان، ص ۲۳

۴ همان، ص ۲۲

۵ همان، ص ۲۸

۶ من لا يحضره الفقيه ، ج ۴، ص ۲۶۶

## فصل ۷

### احکام میت

خدای سبحانه و تعالی در کتاب کریم‌ش فرمود:

((کل نفس ذائقه الموت و انما توفون اجور کم یوم القيامة فمن  
زحر عن النار و ادخل الجنة فقد فاز و ما الحيوة الدنيا الامتناع الغرور)) (۱):  
هر انسانی چشنه مرگ است و قطعاً شما پاداش‌هایتان را در روز قیامت به  
طور کامل دریافت می‌دارید پس هر کس از آتش دور شود و وارد بهشت  
گردد رستگار شده است و زندگانی دو نیوی جز وسیله فریب چیزی بیش  
نیست .

و خدای — برتر از هر گوینده — فرمود: ((و ماتدری نفس ما ذات‌کسب  
غداً و ما تدری نفس بای ارض تموت آن الله علیم خبیر)) (۲): هیچکس  
نمی‌داند فردا چه به دست آورد و هیچ شخص نمی‌داند در کدامین سرزمین  
می‌میرد همانا خدا دانای آگاه است.

و اینک به بیان برخی احکام میت و آداب احتصار، غسل، حنوط و  
کفن و دفن به طور اختصار (۳) می‌پردازیم.

**مسئله ۱۳۲** — بنابر احتیاط واجب، مرده را به هنگام مرگ رو به قبله  
کنند یعنی او را به پشت بخوابانند طوری که پاهایش به سمت قبله باشد که  
اگر بلند شود و بنشیند رو به قبله باشد و مستحب است شهادتین و اعتراف به  
نبوٰت حضرت محمد

صلی الله علیه وآلہ و امامان به وی تلقین شود .

**مسئله ۱۳۳**— مستحب است دو چشم و دهان میُت، بسته شوند و هم چنین دو دست او کشیده باشد و ساقهای پا، خم نباشد و بهتر است او را با پارچه ای بپوشانند و نزد او قرآن تلاوت کنند و در اتاقی که جنازه در آن است چراغی روشن باشد و مکروه است میت را در اتاق، تنها بگذارند.

**مسئله ۱۳۴**— پس از آنکه اندام میت از نجاسات هایی که احیاناً به آن چسبیده مانند خون، منی و غیره، شسته شد و پاک گردیده او را سه غسل دهند:

۱- با آب سدر که مقداری در آب خالص ریخته شده است.

۲- با آب و کافور که به اندازه در آب خالص ریخته شده است.

۳- فقط با آب خالص .

و اگر سدر یافت نشد به جای آن با آب خالص، عسلی داده شود. و هرگاه کافور هم یافت نگردید احتیاط واجب آن است که به عوض آن، غسلی دیگر با آب خالص به عمل آید و با سوم به طور مستقل غسلی با آب خالص انجام دهنده در این حالت های اخیر علاوه بر آن سه غسل، تیمُمی هم صورت بگیرد.

**مسئله ۱۳۵**— غسل میُت باید به شکل ترتیبی انجام گیرد یعنی: اول سر و گردن و سپس سمت راست و بعد چپ شسته شود.

**مسئله ۱۳۶**— غسل دهنده باید هم جنس باشد یعنی مرد را مرد و زن را زن غسل دهد وزن و شوهر می توانند مرده یکدیگر را غسل دهنده و بهتر آن است که غسل از روی پارچه باشد چنانکه بنا بر احتیاط واجب اگر هم جنس

پیدا نشود هر کس می‌تواند محروم خود را اعم از سبی، نسبی و شیری مانند خواهر و برادر غسل دهد و افضل است که در این صورت، از پشت پرده، غسل داده شود اما طفل را پسر یا دختر همه کس می‌تواند غسل دهنده به شرط آنکه طفل ممیز نبوده باشد.

**مسئله ۱۳۷** - بنابر احتیاط واجب، غسل دهنده باید مؤمن باشد و اگر مسلمان اثنی عشری همانند، یافت نشد و از محروم‌های میت نیز کسی حضور نداشت، مسلمانان غیر اثنی عشری هم جنس می‌تواند غسل دهد و اگر او هم یافت نشد، یهودی یا مسیحی هم جنس در زن و مرد بودن می‌تواند اقدام به غسل میت کند به شرط آنکه خود غسل دهنده، نخست غسل کرده باشد و آنگاه میت مسلمان را غسل دهد و اگر کسی از اهل کتاب هم برای غسل دادن یافت نشود، غسل میت ساقط می‌شود و او را بدون غسل به خاک می‌سپارند.

**مسئله ۱۳۸** - واجب است میت را پس از حنوط کنند به این ترتیب که بر سجده گاههای هفتگانه اش که عبارت باشد از پیشانی، کفهای دو دست و دو زانو و انگشت‌های ابهام پا، پودر کافور تازه که هنوز بویش از بین نرفته است بمالند و افضل آن است که حنوط با دست صورت بگیرد و از پیشانی آغاز شود.

**مسئله ۱۳۹** - میت را پس از حنوط کردن در سه قطعه پارچه کفن می‌کند:

اول: به عنوان شلواری که بنابر احتیاط واجب میانه ناف و زانو را پوشاند.

دوم: پیراهنی که بنابر احتیاط واجب دو شامه تا میان ساق را بگیرد.

سوم: پارچه ای را که تمام اندام را پوشانده و احتیاط واجب آن است پارچه کفن از جهت طول و عرض و از بالا و پائین به اندازه ای بلند باشد که روی هم سوا رشود.

**مسئله ۱۴۰**- اگر میت، شش سال و یا بیشتر داشته باشد، واجب است بر او نماز خوانده شود و بنابر احتیاط واجب بر طفل ممیزی که می فهمیده است نماز چیست باید نماز خوانده شود هر چند شش ساله نشده باشد.

**مسئله ۱۴۱**- نماز میت با پنج تکبیر برگزار می شود. و افضل آن است که پس از تکبیر نخست، شهادتین را بگویند آنگاه تکبیر دوم را گفته بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام درود و صلوات بفرستد و بعد از تکبیر سوم، برای عموم مرد و زن دعا بکنند و پس از تکبیر چهارم برای میت دعای ویژه بخوانند و آنگاه که تکبیر پنجم را گفتند، نماز تمام است.

**مسئله ۱۴۲**- پس از نماز خواندن بر میت مسلمانان، واجب است او را دفن کرده و او را در دل خاک پنهانش کنند تا از تعرض حیوانات درنده محفوظ بماند و بوی آن مردم را نیازارد و او را در قبر باید به سمت راست بدنش بخواباند و رویش را به طرف قبله قرار دهند.

**مسئله ۱۴۳** - جایز نیست مسلمان را در گورستان غیر مسلمان دفن کنند مگر آن که قسمتی از آن به مسلمانان اختصاص داشته باشد هم چنانکه دفن کردن غیرمسلمانان در گورستان مسلمانان جایز نمیباشد.

**مسئله ۱۴۴** - اگر دفن مسلمان در گورستان مسلمان ممکن نشد و نقل جنازه او را به یک کشور اسلامی هم مسیر نگردید تا در آنجا در گورستان مسلمانان دفن شود او را در همان گورستان کفار میتوان به خاک سپرد

**مسئله ۱۴۵** - از پیغمبر ما محمدصلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: برای مرده:

شبی خست تراز شب اول قبر نیست پس با صدقه دادن، بر آنها رحم کنید و اگر چیزی نیافتدید برای او در رکعت نماز بگزارید که در رکعت اول پس از حمد، آیه الکرسی و در رکعت دوم بعد از قرائت حمد، ده مرتبه سوره قدر را بخوانید و بعد از سلام نماز بگوئید خدایا ثواب این نماز را به قبر فلانی برسان و نام میت را بیرید

و اینکه نمونه‌های از فتواهای حضرت آیت الله العظمی سیستانی مدظلله که در پاسخ استفتاثات فرموده اند:

**مسئله ۱۴۶** - در برخی کشورهای غربی و غیر اسلامی متداول است که مرده را در صندوقی مینهند و همانطور دفن میکنند، چه باید کرد؟  
جواب: نهادن مرده در صندوق چوبی به هنگام دفن اشکالی ندارد به شر

آنکه آداب شرعی دفن مراعات شود از جمله آن است که او را بر طرف راست رو به قبله بخوابانند.

**مسئله ۱۴۷**—اگر مسلمانی در کشور غیر اسلامی بمیرد و در آنجا گورستان ویژه مسلمین وجود نداشته باشد و از سویی، انتقال او به یک کشور اسلامی مستلزم زحمت فوق العاده و هزینه سنگینی باشد آیا همین معنی، مجوز آن‌ی شود که میت را در گورستان کفار دفن کنند؟ جواب: کفایت نمی‌کند.

**مسئله ۱۴۸**—اگر مسلمانی در یک کشور غیر اسلامی، بمیرد و در آنجا گورستان خاص مسلمانان وجود نداشته باشد و از طرفی خانواده او آن اندازه توانایی مالی ندارند که جنازه را به یک کشور اسلامی منتقل کرده و در آنجا به خاک بسپارند آیا بر مراکز اسلامی که متصدی شئون مسلمان هستند واجب است که هزینه انتقال جنازه را پردازنند؟ و آیا بر مسلمانی که در آن شهر وجود دارند پرداخت آن هزینه واجب می‌شود؟

جواب: اگر دفن مسلمان در غیر گورستان کافران و در مکان شایسته او در خود شهر و کشوری که او در آنجا در گذشته و یا در جایی دیگر، موقوف به صرف هزینه ای باشد و از او میراث و مالی که برای این کار کفایت کند، باقی نمانده و یا ولی او قادر به پرداخت چنان هزینه ای نباشد بر سایر مسلمانان واجب کفایی است که آن هزینه را پردازند و جایز است آن را از وجوده شرعی و یا احسان، حساب کنند.

## **مسئله ۱۴۹—اگر مسلمان میت در کشور غیر اسلامی ولی و**

سرپرست نداشته باشد به شئون او چه کسی باید برسد؟

جواب: اگر امکان تماس با ولی او نباشد تا از وی اجازه بگیرند، اذن ولی از اعتبار می‌افتد و بر سایر مسلمانان واجب کفایی است که به غسل و کفن و دفن او اقدام کنند.

## **مسئله ۱۵۰—اگر مسلمان مرده‌ای را ممکن نشد در گورستان شهری**

که در آنجا مرده است دفن کنند زیرا گورستان اسلامی در آنجا وجود ندارد هزینه نقل و دفن او را در یک کشور اسلامی از کجا باید تأمین کرد از دارایی میت قبل از تقسیم میراث بین وارثان، از ثلث مال و یا از طریق دیگر؟

جواب: هزینه دفن مسلمان در یک جای مناسب، از اصل دارایی او کنار گذاشته می‌شود مگر آنکه وصیت کند که از ثلث مال او هزینه کنند که در این صورت از ثلث مال صرف می‌شود.

## **مسئله ۱۵۱—مهاجرت به کشورهای غیر اسلامی هر روز بیشتر**

می‌شود آیا بر مسلمانانی که توانایی مالی دارند واجب کفایی است که گورستانی ویژه بخزنند با علم به این که برخی مسلمانان که در آن کشور از دنیا می‌روند به سبب نداشتن توانایی مالی برای انتقال جنازه به بلاد اسلامی و یا در اثر تسامح و سهل انگاری، ناگزیر در گورستان اسلامی، مدفون خواهند شد.

جواب: دفن مسلمان در گورستان غیر کفار و در جایی مناسب شأن او، بر ولی او واجب است همانند دیگر اعمال و واجب‌های مربوط به تجهیز

میت و اگر مرده مسلمان، ولی نداشته باشد و یا عاجز و ناتوان باشد بر سایر مسلمانان واجب کفایی است که به مقدمات چنان کاری از قبیل خریداری قطعه زمین و تلاش در آن مورد، اقدام به عمل آورند.

**مسئله ۱۵۲**— کدام بهتر است، دفن مسلمان در یک گورستان اسلامی واقع در یک کشور غیر اسلامی که در آنجا، مرده است و یا نقل جنازه او به یک کشور اسلامی که هزینه سنگینی را لازم دارد؟

جواب: اگر کسی هزینه انتقال جنازه را احسان کند و پردازد اعم از ورثه و یا دیگران و یا اگر ثلث مال و دارایی میت برای این کار کفایت کند به ویژه اگر وصیت برای احسان و نیکوکاری کرده باشد، با فضیلت تر آن است که او را به یکی از مشاهد مشرفه و اماکن مستحبی ببرند و خدا داناست.

**مسئله ۱۵۳**— هر گاه نقل جنازه مسلمان به یک کشور اسلامی هزینه زیادی لازم داشته باشد آیا می‌توان او را در گورستان غیر مسلمان از پیروان ادیان آسمانی، به خاک سپرد؟

جواب: دفن کردن مسلمان در گورستان کافران، جایز نیست مگر آن که گورستان منحصر به آن باشد و ضرورتی که تکلیف را بر طرف کند پیش بیاید.

---

۱ سوره آل عمران، آیه ۱۸۵.

۲ سوره لقمان، آیه ۳۴.

۳ برای اطلاع بیشتر بنگرید: منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۹۵ و بعد و مسائل منتخبه، ص ۵۰ و بعد.

## باب دوم : معاملات

### فصل ۱ - خوردنی ها و نوشیدنی ها

مسلمانان معمولاً در خانه‌ها، شهرها و روستاهای خود و در میان اعضاى خانواده و منسوبینشان انواع غذاها، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را تناول می‌کنند و به خوردن و نوشیدن آنها عادت کرده‌اند و محتواهای آنها را می‌شناسند و توجه داند که آنها خالی از هر گونه موادی هستند که دین و شریعتشان خوردن و یا نوشیدن آنها را حرام کرده است و با چیزی از ارزش‌های مورد قبول اسلامی در تضاد نمی‌باشند.

اما وقتی به یک کشور غیر اسلامی می‌روند و در آنجا اقامت می‌کنند مشکل خوردن و آشامیدن پیش می‌آید زیرا اصولاً خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، آن چیزهایی نیستند که قبلًا می‌شناختند و دوست می‌داشتند و مطابق میل و مذاقشان بود چون این محیط، غیر اسلامی است و برای خود ارزش‌هایی ویژه دارد که مردمانش با آنها خو گرفته و به طور طبیعی به شئون اسلامی در زمینه خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها تعهدی ندارند.

پس مسلمانی که در چنین شهر و کشوری بخواهد به رستورانی برود و غذا بخورد مشکل حلال و حرام بودن طعام، پاک و ناپاک بودن آن و بالاخره جواز و عدم جواز خوردن و نوشیدن پیش می‌آید که خود به خود مسائلی به وجود می‌آورد که پاسخ می‌طلبد.

و اینجا بجاست که مسلمانان، احکام برخی خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها را بدانند و از برخی فتاوای حضرت آیت الله العظمی سیستانی دام ظله مطلع شوند.

**مسئله ۱۵۴**— از آنجا که پیروان ادیان و کتاب‌های آسمانی سابق اعم از یهود، نصاری و مجوس پاکند مشکل عده خوراکی‌ها حل می‌شود و مسلمانی که در میان ایشان زندگی می‌کند می‌تواند از طعام‌های آنان بخورد هر چند که دست مرطوب به آنها زده باشند مدامی که نداند طعام ایشان در بردارنده چیزی است که خوردن آن بر ما حرام می‌باشد مثل شراب، ولی گوشت و پی و مشتقّات آنها حکمی ویژه دارند که خواهد آمد.

**مسئله ۱۵۵**— هر مسلمانی می‌تواند از غذایی که کافر غیر کتابی فراهم کرده بخورد مدام که نداند او دست مرطوب به آن غذا زده است و به شرط آنکه آن غذا محتوى چیز حرامی مانند شراب نباشد و گوشت و پی حکمی ویژه دارد که پس از این خواهد آمد.

**مسئله ۱۵۶**— هر مسلمانی می‌تواند انواع خوراکی‌ها را که هر سازنده پزندۀ ای آن را برای خوردن آماده کرده است بخورد اگر نداند که تهیه کننده آن چه دین و آیینی داشته و دارد و مواد آن خوراکی چیست؟ اعم از آنکه سازنده و پزندۀ آن دست مرطوب به غذا زده باشد و یا نه، به شرط آنکه نداند در آن طعام، چیز حرامی مثل شراب به کار رفته و گوشت و پی، حکمی ویژه دارد که خواهد آمد.

علاوه بر این بر مسلمان واجب نیست که از کفر و ایمان فراهم کننده پرس و جو کند و یا بپرسد که آیا او دست مرطوب به آن زده یا نه؟ حتی اگر چنین برسی و پرس و جویی خیلی سهل و آسان هم بوده باشد.

خلاصه، انواع گوناگون خوردنی‌ها جز گوشت و پی و مشتقات آنها برای مسلمان پاک و حلال است و او می‌تواند از آنها تناول کند هر چند که گمان برد در محتوای بری از آنها، خوردنی حرامی وجود دارد و یا او پندارد که سازنده آن دست مرطوب به آن زده است. (۱)

**مسئله ۱۵۸**— هر مسلمانی می‌تواند انواع کنسروها به استثنای کنسرو گوشتی و مشتقات آنها را بخورد حتی اگر گمان برد که در محتوای آنها چیزی هست که خوردن آن برای مسلمان جایز نمی‌باشد و یا گمان برد که سازنده و تهیه کننده آن، دست مرطوب به آن زده است.

به هر حال، واجب نیست او پرس و جو کند تا اطمینان حاصل نمایید که محتوا، خالی از شیء حرام و ناپاک است. (۲)

**مسئله ۱۵۹**— هر مسلمانی می‌تواند انواع گوشت‌هایی حلال اند هرچند که شرایط تذکیه در مذهبی تا مذهب دیگر فرق می‌کند در حال که احتمال بدھد ذبح حیوان، برابر مذهب ما صورت گرفته است. و این، درغیر رو به قبله بودن است اما درباره رو به قبله قرار گرفتن ذبیحه، رعایت نکردن آن اگر ذایح به آن عقیده نداشته و به وجوب آن معتقد نبوده است ضرری ندارد.

**مسئله ۱۶۰**— اگر مسلمانی بداندو مطمئن باشد که گوشت حیوان حلال گوشتی مثل گاو، گوسفند، و مرغ که مطابق قانون شریعت اسلام ذبح

نشده است در اختیار او قرار گرفته چنان گوشتی مردار است و مسلمان نمی‌تواند از آن بخورد هر چند که فروشنده آن مسلمان باشد هم چنان که این گوشت نجس است و هر چیزی با رطوبت به آن بخورد نجس می‌شود.

**مسئله ۱۶۱**—اگر مسلمانی، گوشتی را از کافری با خرید و یا غیره بگیرد و یا از مسلمانی بگیرد که آن مسلمان از کافری به دست آورده است و به هنگام گرفتن از تذکیه آن پرس وجو نکند چنان گوشتی حرام است یا نه، هر چند که خوردن آن حرام است اما اگر مسلمان نداند که آیا تذکیه شده است یا نه، هر چند خوردن آن حرام است لیکن نمی‌تواند آن را نجس بداند.

**مسئله ۱۶۲**—در حلیت گوشت هر ماهی دو شرط باید رعایت شود:

اول: ماهی باید پولک داشته باشد.

دوم: مسلمان بداند و یا مطمئن باشد که ماهی زنده از آب بیرون آورده شده است و یا آن، در تور ماهیگیری مرده است و در حلیت ماهی، مسلمان بودن صیادشرط نیست هم چنان که در تذکیه ماهی بسم الله گفتن لازم می‌باشد. پس اگر کافری ماهی بگیرد و آنرا زنده از آب بیرون آورد و یا در تور و سبد صید بمیرد و ماهی فلس و پولک دار باشد خوردن آن حلال است. و مسلمان می‌تواند در مورد شرط نخست، ماهی را خود، به طور مستقیم ببیند هرگاه در پیش او قرار دارد و یا اسم آن، در لیست ماهی‌های پولک دارآمده باشد. (۳)

و اما شرط دوم: ظاهر ادر همه کشورها تحقق دارد و آنگونه که می گویند همه صیادان، ماهی را زنده بیرون می آورند و یا آنها در تور ماهیگیر می میرند. بنابر این، گوشت ماهی را می توان از کافری گرفت و خورد همانگونه که می شد از مسلمانی گرفت اعم از آنکه کنسرو باشد و یا جز آن. (۴)

**مسئله ۱۶۳** — خوردن میگو اگر زنده از آب بیرون آورده شود حلال است اما خوردن انواع قورباغه‌ها، خرچنگ، لاک پشت و هر حیوان دو زیستی، قوایع (مرغ دریایی و شاه میگو، حرام اند). (۵)

**مسئله ۱۶۴** — تخم ماهی، تابع خود ماهی است پس تخم‌های ماهی‌های حلال گوشت، حلال و تخم‌های ماهی‌های حرام گوشت حرام می باشند.

**مسئله ۱۶۵** — خوردن آبجو و شراب و هر چیز مستی آور، مایع باشد و یا جامد مستی و سکر، سبک باشد و یا شدید، حرام است.

خدای سبحان و تعالی در قرآن کریم فرمود:

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَلَّاْلَامُ حَرَبٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعْلَكُمْ تُفْلِحُونَ. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَتُمْ مُتَّهِوْنَ)). (۶)

و پیامبر بزرگوار ما محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس شراب بنوشد پس از آن که خدا آن را به زبان حرام کرده است، شایسته نیست که به هنگام خواستگاری به او زن یا دختر بدھید و اگر شفاعت و

وساطت بطلب نباید برای او شفاعت و وساطت کرد و هرگاه سخن بگوید  
نباید تصدیق کرد و اصولاً نمی‌توان به امانتداری او اعتماد کرد . (۷)  
و در روایت دیگر فرمود: خدا، شراب و کشت کتنده و فشارنده و  
خورنده و خوارنده و فروشنده و خریدار، حمل کتنده آنکه به سوی او حمل  
می‌شود و خورنده بهای آن را لعن و نفرین کرده است . (۸)

**مسئله ۱۶۶** — خوردن از سفره که بر آن شراب و مسکرات، خورده  
می‌شود، حرام است و حتی بنابر احتیاط واجب، نشستن بر سر چنان سفره نیز  
حرام می‌باشد . (۹)

**مسئله ۱۶۷** — مسلمانان می‌توانند به رستوران‌هایی که همراه طعام،  
شراب می‌فروشند بروند به شرط آنکه رفتن او ترویج کار این رستوران‌ها  
نشود البته بنابر احتیاط واجب بر سر میزی که شراب نهاده شده نباید بنشینند و  
یا در آن میز بخورد.

**مسئله ۱۶۸** — در فصل طهارت و نجاست یاد آوردیم که تمام انواع  
الکل‌ها اعم از آنچه که از چوب گرفته می‌شود و یا جز آن، پاکند. بنابر این،  
خوراکی‌هایی که در داخل و درون آنها الکل می‌باشند. (رجوع به  
بخش استفتائات شود).

**مسئله ۱۶۹** — برخی متخصصان پرورش ماهی می‌گویند ماهی‌های که  
فلس و پولک ندارند غالباً نظیف کنندگان دریا هستند که فضولات دریا  
می‌خورند و آلودگی‌های آنها را بر طرف می‌سازند.

**مسئله ۱۷۰**— برخی متخصصان می‌گویند بیرون آوردن خون از حیوان به وسیله ذبح، موجب بهداشتی شدن گوشت آن می‌شود و نسبت به گوشت حیوان تذکیه نشده پاکیزه‌تر است و این، مطلب بعيدی نیست و لذا برخی مردم غیر مسلمان طالب گوشت‌های ذبح شرعی شده مسلمانان هستند زیرا از نظر بهداشتی بهتر می‌پسندند.

**مسئله ۱۷۱**— استعمال و به کار بردن هر چیزی که در حد بالایی به انسان ضرر دارد مانند خوردن زهرهای کشنده، حرام است هم چنانکه حرام است زن حامله چیزی را بخورد که موجب سقط جنین می‌شود و جز آنها آنچه که ضرر و زیانش معلوم و یا حتی مظنون و بلکه به احتمال معقول متحمل است و یا چیزی که موجب مرگ و یا از کار افتادن عضوی از اعضاء می‌شود نیز حرام می‌باشد.

آداب سفره:

**مسئله ۱۷۲**— آداب سفره و غذا خوردن فراوان است و از آن جمله است:

به هنگام خوردن و شروع به آن، نام خدا بر زبان آوردن.

با دست راست خوردن.

لقمه‌ها را کوچک گرفتن.

نشستن طولانی بر سر سفره.

خوب جویدن طعام.

بعد از خوردن حمد و ثنای خدا گفتن.

خوداری از خوردن با وجود سیری .

قبل از سیر شدن دست از طعام کشیدن و شکم را از طعام پر نکردن  
به هنگام خوردن، به روی مردمان نگاه نکردن .

از جلوی دیگران غذا نکشیدن آنگاه که بر سر سفره، جمعی نشسته  
اند .

شروع با نمک و ختم با نمک .

و اینک نمونه‌های از استفتائات ویژه خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها همراه  
پاسخ و فتوای حضرت آیت الله العظمی سیستانی مدظلله العالی .

**مسئله ۱۷۳** — جمله ((ذبح به روش اسلامی)) بر روی گوشت‌های تولیدی کشورهای اسلامی توسط شرکت‌های غیر اسلامی، نوشته می‌شود آیا چنان کشت‌هایی را می‌توان خورد که در واقع سفارش کننده، کشوری اسلامی است و یا در یک کشور غیر اسلامی فراهم می‌گردد و اگر به طور کلی سفارش کننده و تهیه کننده هر دو، شرکت و کشور غیر اسلامی باشند چطور می‌شود؟

جواب: چنان نوشته‌ای اعتبار ندارد لیکن اگر تولید کننده آن گوشت‌ها مسلمان باشد و یاد رکشوری تولید شود که غالباً مردم آن، مسلمانند و معلوم نباشد که تولید کننده غیر مسلمان است خوردن چنان گوشتی جایز است و اما اگر تولید کننده آن غیر مسلمان باشد و یا در کشوری تولید شود که اکثریت مردم آن مسلمان نباشند، خوردن آن گوشت جایز نیست .

**مسئله ۱۷۴**— وارد برخی بازارهای بزرگ اروپایی می‌شویم و در آنها کنسروهای گوشت را مشاهده می‌کنیم که تولیدی شرکت‌های اروپایی می‌باشد اما بر روی آنها جمله ((حلال)) و یا ((ذبح به روش اسلامی)) نوشته شده است آیا خرید و خوردن چنین گوشت‌های جایز است؟

جواب: اگر آن نوشته‌ها مورد وثوق و اطمینان نباشد اعتبار و اثری ندارد.

**مسئله ۱۷۵**— برخی شرکت‌ها مقدار زیادی مرغ یکجا می‌کشند اگر بر سر ماشین ذبح، مسلمانی بایستد و هنگام ذبح برای همه شان یکبار و یکجا نام خدا را بر زبان آورد آیا خوردن آنها حلال می‌شود و اگر در حیلت آنها شک کنیم می‌توانیم آنها را پاک بدانیم و بخوریم؟

جواب: اگر مسئول ماشین مدام که ماشین کار می‌کند به طور مکرر نام خدا را بر زبان آورد کافی است و در صورت شک در حیلت از ناحیه این که آیا بسم الله گفته شده است یا نه آنها پاکند و خوردن‌شان هم حلال می‌باشد.

**مسئله ۱۷۶**— آیا می‌توان گوشتی را از سوپر مارکتی خرید که صاحب آن مسلمان است و به عنوان گوشت تذکیه شده می‌فروشد با علم به اینکه او شراب هم می‌فروشد؟

جواب - بله، جایز است و خوردن آن گوشت حلال می‌باشد هر چند که قبل از دست غیر مسلمان بوده، به شرط آنکه احتمال بدھیم که فروشنده مسلمان تذکیه شرعی آن را احراز کرده است اما بدون چنین احتمالی، حلال نیست.

**مسئله ۱۷۷** — برخی پنیرها که در دولت‌های غیر اسلامی درست می‌شود مایه آنها از شکمبه گوساله یا هر حیوان دیگر است و مانمی‌دانیم آیا شکمبه برگرفته شده از حیوانی است که به روش اسلامی ذبح شده است و یا از غیر آن؟ و آیا آن مایه اصولاً استحاله پیدا کرده است یا نه، چنین پنیرهایی را می‌توان خورد؟

جواب — خوردن اینگونه پنیرها از این جهت که گفته شد، اشکال ندارد و خدا داناست.

**مسئله ۱۷۸** — در غرب، چیزی به نام ژلاتین ساخته می‌شود و آن را در بسیاری نوشیدنی و خوراکی‌ها داخل می‌کنند، ما که نمی‌دانیم آن ژلاتین از چه چیز گرفته شده است از گیاه یا حیوان؟ و اگر از حیوان گرفته شده باشد آیا آن، از استخوان او برگرفته شده و یا از بافت‌های محیط بر استخوان، چنان چیزی را می‌توانیم بخوریم در حالی که نمی‌دانیم آن حیوان، حلال گوشت بوده یا حرام گوشت؟

جواب — اگر شک داشته باشیم که آن، از گیاه برگرفته شده و یا از حیوان، خوردن آن جایز است ولی بنابر احتیاط اگر بدانیم که از حیوان گرفته شده و تذکیه شرعی آن محرز نباشد خوردن آن جایز نیست حتی اگر از استخوان‌های حیوان فراهم شده باشد. بلی اگر علم و یقین داشته باشیم که مواد آن استحاله پیدا کرده و در ضمن عملیات شیمیایی دگرگون شده است خوردن آن مطلقاً بی اشکال است و می‌توان آن را خورد. چنانکه می‌توان

مقداری از آن را داخل غذای دیگر کرد که در آن مستهلک شود با وجود شک در تذکیه آن حیوان.

**مسئله ۱۷۹** — کشتی‌های بزرگ ماهیگیری، تورهای خود را می‌اندازند و چند تن ماهی یکجا صید می‌کنند و در بازارها به فروش می‌رسانند و معروف شده است که در روش جدید ماهیگیری، ماهی‌ها را زنده از آب بیرون می‌آورند و حتی خود شرکت‌ها برای رعایت بهداشت، ماهی‌ها مرده را دوباره به دریا می‌ریزند، آیا ما می‌توانیم از چنان محل‌های عرضه ماهی که فروشنده غیر مسلمان است و یا از محل‌های دیگری که عرضه کننده و فروشنده مسلمان است لیکن ملتفت به مسائل شرعی نیست آنگونه ماهی‌ها را خریداری کنیم؟ با علم به اینکه محرب نیست آیا ماهی‌ها ی که جلو چشم ماست زنده از آب بیرون کشیده شده اند یا نه و به دست آوردن اطلاع از طریق شاهد مورد وثوق، بسیار دشوار است بلکه عملی نیست.

و آیا در اینجا راه حلی برای مسلمانان وجود دارد که احراز تذکیه گوشت مرغ و گاو و گوسفند برای ایشان مشکل است و لذا به گوشت ماهی پناه می‌برند؟

جواب — خرید آن گونه ماهی‌ها از فروشنده مسلمان و یا غیر مسلمان اشکالی ندارد هم چنانکه اگر احراز شود که صید آنها به همان طریق مذکور در سؤال صورت گرفته و ماهی پولک دار می‌باشد، گوشت آنها حلال است.

**مسئله ۱۸۰** — گاهی روی قوطی‌های کنسرو ماهی نام و یا عکس آن چاپ شده است و از همین راه می‌فهمیم که ماهی درون قوطی ماهی پولک دار است آیا شایسته است که ما به نام و عکس روی قوطی اعتماد کنیم با علم به اینکه دروغ در اینگونه امور شرکت‌ها را با ضرر و خسارت بزرگ و شاید خیلی سخت‌تر، روبرو می‌سازد؟

جواب — اگر به صدق و راستی آنچه در روی قوطی‌ها نوشته شده است، اعتماد داشته باشیم مطابق آن می‌توانیم عمل کنیم.

**مسئله ۱۸۱** — آیا گوشت انواع خرچنگ را بدین لحاظ که مانند میگو هستند می‌توان خوردن؟

جواب: خوردن گوشت خرچنگ جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۱۸۲** — آیا ماهی را می‌توان از یک مسلمان سُنّی خرید در حالی که نمی‌دانیم آن پولک دارد یا نه؟

جواب — خریداری، جایز است لیکن اگر پولک دار بودن آن احرار نشود خوردن آن جایز نیست.

**مسئله ۱۸۳** — خوردن طعام حلالی که بخار گوشت تذکیه نشده پخته شده است، جایز است؟

جواب — جایز نیست و آن طعام، نجس زیرا با آب و بخار گوشت نجس در آمیخته و نجس شده است.

**مسئله ۱۸۴** — می‌دانیم که نشستن بر سر سفره‌ای که در آن شراب نهاده اند حرام است و مسلمان در چنان مکانی نباید بنشیند اما مقصود از

سفره در اینجا چیست؟ آیا از آن، یک مجلس است هر چند که میزها و سفره‌های متعدد چیده و یا گشود شود و یا این مقصود، سفره و میز واحد است طوری که اگر میزها و سفره‌ها از یکدیگر فاصله داشته باشند می‌توان بر سر سفره و یا میزی که در آن شراب نیست، نشست؟

جواب — یکی بودن سفره و یامیز، معتبر است با علم به اینکه حرمت نشستن بر سر سفره و یا میزی که در آن شراب نهاده اند، مبنی بر احتیاط است بلی خوردن و نوشیدن بر سر چنین میز و سفره‌ای بنابر اقوی، حرام است.

**مسئله ۱۸۵** — اگر مسلمانی وارد قهوه خانه شود و بنشیند تا چای بخورد اتفاقاً کسی بیاید و برای شرابخواری در همان میز او نشسته، بنشیند آیا بر او واجب می‌شود که دست از خوردن چای بکشد و بیرون رود؟

جواب — بلی، همانگونه که گذشت، واجب می‌شود او از چای خوردن منصرف و از سر آن میز بلند شود.

**مسئله ۱۸۶** — آبجویی را می‌توان خورد که روی بطری آن نوشته شده خالی از الکل است؟

جواب — خوردن آبجو که موجب سکر و مستی هر چند سبک می‌شود حلال نیست اما اگر مراد از آن، ماء الشعیر باشد که اصلاً سکر و مستی آور نیست، اشکال ندارد.

**مسئله ۱۸۷** — الکل در ترکیب بیشتر داروها وجود دارد آیا آنها را می‌توان خورد و آیا آنها پاکند؟

جواب — آنها پاکند و چون الكل موجود در آنها، بسیار اندک است  
خوردن آنها هم جایز می‌باشد.

**مسئله ۱۸۸** — سرکه ای از شراب به عمل آمده است بدین معنی که آن، شراب بوده و در کارخانه کاری کرده اند که به سرکه تبدیل شده است و لذا روی بطری آن نوشته می‌شود (سرکه مویز) تا آن را از سرکه حاصل از جو و دیگر انواع سرکه جدا سازند و از علایم این سرکه آن است که در مغازه‌ها آن را در ردیف (ویترین) سرکه‌ها می‌گذارند نه مشروبات الکلی و ما مکرر آزمودیم و ندیدیم حتی یکبار و در یکجا آن را کنار مشروبات الکلی گذاشته باشند. فرق این سرکه با سرکه با سرکه ای که در عراق از خرما، می‌سازند چیست؟ آیا این شرابی که به سرکه تبدیل شده همانند آن است که خود به خود منقلب شده باشد؟

جواب — اگر عرفابه آن سرکه گویند چنانکه در سؤال چنان فرض شده است، حکم سرکه را دارد.

**مسئله ۱۸۹** — سازندگان اغذیه، کنسروها و حلواجات موظف اند ترکیبات و مواد به کار رفته در داخل قوطی را روی آن بنویسد تا خریدار بداند محتوای آن چیست، و چون برخی خوراکی‌ها در معرض فسادند بر آنها جمله ((مواد نگاه دارنده)) اضافه شده است و خود آن ماده از حیوان گرفته شده است و با علامت اختصاری «E» همراه عدد «۴۵۰» و «۴۷۲» چاپ می‌شود و همینطور حکم این کالاها چیست:  
الف - مصرف کننده، حقیقت این ترکیبات را نمی‌داند.

ب - مصرف کننده لیستی را مشاهده می کند و او که چیزی از استحاله نمی داند فقط در آن لیست می خواند که رقم های فلان حرام اند چون از حیوان برگرفته شده است.

ج — نتیجه تحقیقات آن است که برخی از آن مواد و ترکیبات، در حال نخست باقی نمانده بلکه صورت نوعی اش به چیزی دیگر بدل شده است.

جواب: الف - خوردنی های که آن ترکیبات را دارند حلال می باشند.  
ب — اگر محرز نباشد که آن مواد از حیوان گرفته شده هر چند که ادعا بشود که خوردن آنها جایز است و همچنین است اگر از حیوان بودن محرز باشد لیکن از حیوان مردار، بودن معلوم نباشد و مقدار اضافه شده بر خوراکی، آنقدر کم باشد که در خوراکی مستهلك بشود.

ج — و با صدق عنوان استحاله و دگرگونی با تغییر صورت نوعی باقی نماندن ترکیب اولی در پاکی و حلیت آن تردیدی نیست.

مسئله ۱۹۰ — آیا ژلاتین، پاک است؟ و اگر شک کنیم که استحاله و دگرگونی تحقق یافته است یا نه تردید داریم (شبهه مفهومی) آیا استصحاب نجاست سابق، جاری می شود یا خیر؟

جواب: ژلاتین حیوانی اگر نجاست اصل آن، محرز نباشد مثل آنکه احتمال بدھیم از حیوان تذکیه شده فراهم شده است، محکوم به طهارت و پاکی است اما آن را نمی توان به خوراکی ها زد مگر به اندازه ای کم باشد که در آن مستهلك شود و یا معلوم باشد که از حیوان حلال گوشت و تذکیه

شده گرفته شده و یا استحاله آن محرز باشد و رد اینجا فرق نمی‌کند که ژلاتین زا اعضايی گرفته شده باشد که حیات در انها حلول می‌کند مفصل غضروف و یا از اعضای فاقد حیات مثل استخوان بنابر احتیاط در آخری، و اگر نجاست اصل ژلاتین محرز و معلوم باشد کما اینکه بدانیم آن، از حیوان نجس العین و یا از غضروف حیوان تذکیه نشده و یا از استخوان آن حیوان، قبل از شستشو، به دست آمده است در این صورت‌ها ژلاتین فراهم شده به سبب ملاقات با نجس مرطوب، نجس است و جواز استفاده از آن در خوراکی‌ها منوط به احراز استحاله است و این، به عرف برミگرد و ضابطه آن قبلًا یاد آوری شد.

می‌ماند استصحاب، و آن هر چند که در مورد شباهات مفهومی جاری نمی‌شود نه در ذرات خود موضوع و نه در وصف موضوع حکم و نه در خود حکم — چنانکه در علم اصول تحقیق شده است — ولی از آنجا که موضوع برای نجاست، صورت‌های نوعی عرفی است و بقای آنها به نظر عقلاء، باقی خواص مهم آنجاست پس شک در تحقیق استحاله زا جهت شک در مفهوم آن از حیث وسعت و ضيق آن، بر می‌گردد به بقای صورت نوعی به بقای خواص مقوم آن، و چنان چیزی از امور خارجی است و از اجرای استصحاب در مورد آن مانع وجود دارند و خدا عالم است.

**مسئله ۱۹۱** — وارد بازارهایی در کشورهای غربی می‌شویم که در آنجا انواع خوراکی‌ها را می‌فروشنند و ما نمی‌دانیم محتويات آنها چیست؟

شاید آنها خالی از چیزی باشند که خوردن و نوشیدن آن حرام است و شاید هم چنان چیزی نباشد آیا برای ما شایسته است بدون در نظر گرفتن محتويات آنها و یا پرس و جو، انها را بخوریم و یا چنان امری شایسته نمی‌باشد؟

جواب: مادام که نمی‌دانیم در آنها مواد گوشتی و یا پی و یا چربی و مشتقات آنها وجود دارد خوردن آنها جایز می‌باشد.

**مسئله ۱۹۲** — آیا از روغن ماهی که از ماهی‌های حرام گوشت تهیه می‌شود و (قواقع) مرغان دریایی در خوراکیها و جز آنها می‌توان استفاده کرد؟

جواب: خوردن آنها جایز نیست لیکن در غیر موارد خوردن می‌توان از آنها استفاده کرد و خدا داناست.

**مسئله ۱۹۳** — آیا مسلمانی می‌تواند در مجالسی شرکت کند که در آنجاها شراب می‌خورند؟

جواب: خوردن و آشامیدن در چنان مجالسی حرام است اما بنابر احتیاط واجب، حضور در آنجاها نیز حرام می‌باشد مگر آنکه بتواند نهی از منکر کند که به آن قصد، مانعی ندارد و می‌تواند حضور پیدا کند.

**مسئله ۱۹۴** — آیا خوردن خرچنگ دریایی، شاه میگو، قواقع دریایی حلال است؟

جواب: از جاندار دریایی جز ماهی پولک دار و آنچه میگو نامیده می‌شود بقیه اعم از خرچنگ و غیره حرام می‌باشد

- 
- ۱ بنگرید: استفتاءات ویژه این فصل و پاسخ آیت الله العظمی سیستانی دام ظله العالی.
- ۲ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.
- ۳ در آخر کتاب لیست ماهی های پولک دار آمده است، رجوع شود.
- ۴ بنگرید: نمونه استفتاءات ویژه این فصل.
- ۵ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.
- ۶ سوره مائده آیه ۹۰ و ۹۱: ای مؤمنان! جز این نیست که شراب، قمار و نشان های بتان (انصاب) و تیرهای فال (ازلام) پلید، از کردار شیطان است پس از او اجتناب کنید شاید رستگار شوید. جز این نیست که شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمرا در میان شما دشمنی و کین بیندازد و شما را از یاد خدا و از نماز باز بدارد آیا شما رها کننده و دست بردار هستید؟!
- ۷ الکافی، ج ۶، ص ۳۹۶
- ۸ من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴. و در اینجا احادیث فراوان وجود دارد بنگرید به کافی و دیگر کتب حدیث و فقهی.
- ۹ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.

## فصل ۲

### جامگان

پوشیدن پوستین های طبیعی یک مشکل حقیقی است و هر مسلمانی در کشورهای غیر اسلامی با آن روبه رو است. زیرا آنان در ممالک اسلامی خود عادتاً نیازمندی پوستی خود را با خیال آسوده می خرند چون می دانند که آنها از پوست حیواناتی فراهم شده که به طریق شرعی تذکیه شده اند پس بدون هیچ شک و نگرانی آنها را می پوشند و با آنها نماز می گزارند و با رطوبت به آنها دست می زنند. اما در کشورهای غیر اسلامی، مسئله کاملاً فرق می کند و لذا نیکوست که ما احکام ذیل را در اینجا توضیح دهیم:

**مسئله ۱۹۵** — اشیای پوستی، نجس اند و با آنها نماز نمی توان خواند اگر بدانیم که آنها از پوست جاندارانی تهیّه شده اند که برابر مقررات شرعی، تذکیه و ذبح نشده اند اما اگر چنان علمی نباشد و احتمال بدھیم که آنها از پوست حیوان حلال گوشتی که به طریق اسلامی ذبح و تذکیه شده است، فراهم گردیده اند، پاکند و نماز با آنها جایز می باشد.

**مسئله ۱۹۶** — نماز با اشیای پوستی ساخته شده از پوست جانداران درنده مانند شیر، بیر، پلنگ، روباه و شغال و امثال آنها، جایز نیست. چنانکه بنابر احتیاط واجب با پوست حیوانات حرام گوشت هر چند غیر درنده مثل میمون و فیل، هر چند که پوست آنها در اثر تذکیه، پاک باشد و یا احتمال تذکیه شدن را بدھیم نماز خوانده نشود.

بلی، از کمربند و امثال آن که ستر عورت با آن ممکن نیست و از چنان پوست‌هایی تهیه شده است می‌توان استفاده کرد ولی اگر یقین داشته باشیم که آن، از پوست جاندارن تذکیه نشده درست شده است نجس است و نماز با آن بنابر احتیاط، جایز نمی‌باشد اگر چه آن، کمربند و یا هر چیز دیگری باشد که ستر عورت با آن ممکن نیست و همینطور است اگر احتمال تذکیه حیوان به اندازه‌ای ضعیف باشد که عقلایاً معمولاً به آن اعتنا نمی‌کنند مانند احتمال ۲٪.

**مسئله ۱۹۷** — اشیاء و لوازم پوستی که در کشورهای غیر اسلامی از پوست مارها و تماسح‌ها ساخته شده اند و در مغازه‌ها در معرض فروش قرار دارند همگی پاکند و خرید و فروش و استعمال آنها حتی آنجا که طهارت و پاکی شرط است جایز می‌باشد.

**مسئله ۱۹۸** — اشیای تهیه شده از پوست که در کشورهای اسلامی ساخته شده و در کشورهای غیر اسلامی عرضه می‌شوند پاکند و نماز با آنها جایز می‌باشد.

**مسئله ۱۹۹** — اشیای پوستی ساخته شده در کشورهای غیر اسلامی که نمی‌دانیم آیا از پوست طبیعی و یا مصنوعی فراهم شده اند همگی پاکند و نماز با آنها جایز می‌باشد.

**مسئله ۲۰۰** — کفش ساخته شده از پوست حیوان تذکیه نشده پا را نجس نمی‌کند مگر با رطوبت ناقل نجاست پس اگر با عرق کند و جوراب

در اثر عرق کردن پا، خیس شود اماً رطوبت به کفش نجس نرسد، پا و یا جوراب، آلوده و نجس نمی‌شوند.

**مسئله ۲۰۱** — نماز با کاپشن و یا با کلاه و یا با کمربند پوست ساخته شده در کشورهای غیر اسلامی و آنچه که از محل‌های خرید و فروش غیر اسلامی خریداری می‌شود جایز است هر گاه احتمال بدھیم که این اشیاء، از پوست حیوان حلال گوشت تذکیه شرعی شده، ساخته شده اند چنانکه در بخش‌های سابق گذشت.

**مسئله ۲۰۲** — استفاده از طلا برای مردان جایز نیست اعم از انگشت‌تری، حلقه ازدواج، ساعت مچی و یا جز آنها و اعم از آنکه در نماز باشد و یا غیر آن.

**مسئله ۲۰۳** — مردان نمی‌توانند پلاتین که طلای سفیدش نامند، در دست کنند.

**مسئله ۲۰۴** — بانوان در همه حالات می‌توانند طلا برتن کنند در حال نماز و غیر آن.

**مسئله ۲۰۵** — مردان نمی‌توانند حریر و ابریشم خالص بپوشند نه در حال نماز و نه در غیر آن حال. مگر در مواردی که جواز آن تصريح شده است.

**مسئله ۲۰۶** — بانوان می‌توانند همه وقت و در حال نماز و غیر آن حریر و ابریشم بپوشند.

**مسئله ۲۰۷** — مردان می‌توانند جامه‌هایی را که حریر و ابریشم بودن آنها مشکوک است و قطعی نیست که آنها ابریشم طبیعی و یا مصنوعی اند برتن کنند.

بنابراین نماز با چنان جامه‌هایی، جائز می‌باشد.

هم چنانکه مردان می‌توانند لباس‌های پنبه‌ای، پشمی و یا نایلونی را که با ابریشم و غیره آمیخته است بر تن کنند به شرط آنکه حریر و ابریشم قاطی شده به اندازه‌ای کم باشد که به آن جامه، حریر و ابریشم صدق نکند. و همچنین مردان می‌توانند لباسی را که ممزوج بودن آن با حریر و ابریشم مشکوک است بپوشند و با آن نماز بخوانند.

**مسئله ۲۰۸** — بنابر احتیاط واجب، مرد نمی‌تواند از مدهای بانوان و کلاه گیس استفاده نماید.

**مسئله ۲۰۹** — بنابر احتیاط واجب، جائز نیست مسلمانان، لباس‌های ویژه کافران را بپوشند و به آنها تشبّه کنند. واينک به برخی استفتائات ویژه البسه و پاسخهای حضرت آیت الله العظمی سیستانی دام ظله العالی توجه کنید.

**مسئله ۲۱۰** — ما مسلمان در کشورهای اروپایی، کفس، کمربند، و دیگر پوشیدنی‌هایی را که از پوست درست شده اند می‌خریم و احتمال هم می‌دهیم که پوستهای آنها از کشورهای اسلامی وارد گردیده و یا حتی از کشتارگاه‌های مخصوص مسلمین، تهیه شده اند و چنان احتمال، ضعیف باشد، پاکند؟

جواب — اگر این که پوست اشیاء مذکور در سؤال، به دست مسلمان و یا کشور اسلامی، فراهم شده به اندازه ای احتمال ضعیف و ناچیزی باشد که عقلاً به آن اعتنا نمی‌کنند مثل ۲٪ که احتمال خلاف، بیشتر مورد اطمینان است، به چنان احتمالی ترتیب اثر داده نمی‌شود و جز در آن صورت می‌توان آنها را پاک دانست و خدا عالم است.

**مسئله ۲۱۱** — فقهاء به حرمت پوشیدن حریر و ابریشم طبیعی خالص برای مردان فتوا می‌دهند، آیا یک مرد می‌تواند حریر و ابریشم آمیخته به جز آن را بر تن کند مثل کروات . وانگهی بستن کروات برای مردان به طور کلی آن از حریر خالص چطور است؟

جواب - بستن کروات حتی اگر ابریشم و حریر خالص هم باشد حرام نیست زیرا به آن، لباس صدق نمی‌کند و ستر عورت با آن ممکن نیست و اما آنچه حریر و ابریشم خالص نیست و به غیر آن آمیخته است و حریر به آن گفته نمی‌شود، پوشیدن آن جایز است و هر چند که با آن ستر عورت ممکن باشد .

**مسئله ۲۱۲** - برخی شرکت‌ها روی برخی پارچه‌ها و منسوجات خود می‌نویسند «ابریشم خالص» با این وجود، ما در صحبت چنان چیزی، شک داریم چون بهای آنها خیلی ارزان است و حریر و ابریشم به آن ارزانی نیست، پوشیدن آنگونه لباس‌ها چگونه است و می‌توان با آنها نماز خواند؟

جواب - با وجود شک، می‌توان آنها را پوشید و نماز هم خواند .

**مسئله ۲۱۳** — پوشیدن جامه‌هایی که به هدف تبلیغات، عکس شراب

روی آنها چاپ شده جایز است وداد و ستد آنها چطور؟

جواب — پوشیدن وداد و ستد آنها حرام می‌باشد.

**مسئله ۲۱۴** — آیا مردان می‌توانند ساعتی را که برخی ابزار درونی و

یا بند آن طلاست به دست خود بینند و با آن نماز بخوانند؟

جواب — به دست بستن اوّلی و نماز با آن جایز است اما با دومی (با ساعت بند طلا) نماز جایز نمی‌باشد و نباید به دست کرد.

### فصل ۳

#### رفتار و همزیستی با قوانین اجرایی کشورهای غربی

هر کشوری برای اداره شئون زندگی ملت خود، قوانین و مقرراتی تصویب و به اجرا در می‌آورد. او به انجام کاری فرمان می‌دهد و یا ترک چیزی را می‌خواهد. گاهی انجام کاری را محدود و دیگر گاه آن را مقید و مشروط اعلام می‌کند.

و از جمله آن قوانین و مقررات، سلسله قوانین و مقرراتی است که به اماکن عمومی و در ارتباط با زندگی روز مردم در محدوده جغرافیایی خاصی، مربوط می‌شود طوری که تجاوز به آنها، جامعه را به هرج و مرج می‌کشد.

توضیح مسائلی در این زمینه، شایسته و بجاست.

**مسئله ۲۱۵**— جایز نیست در سر راه مردمی که از آنجا عبور و مرور می‌کند اعم از سواره و یا پیاده، در کشور اسلامی و یا غیر اسلامی، چیزی قرار دهیم و مانع به وجود آوریم و به اصطلاح سد معتبر کنیم.

**مسئله ۲۱۶**— مسلمان نباید، اعلانات و هر نوع آگهی را بر در و دیوار مردم بچسباند و یا از جایگاه خاص اعلانات، که ملک خاص آنها می‌باشد استفاده کند مگر با احراز رضایت صاحبان آن.

**مسئله ۲۱۷**— مسلمان نباید در مال و کار کسی خیانت کند و چنان عملی، حرام مسلمان نباید در مال و اگر صاحب مال و کار، کافر باشد بلکه بر هر مسلمانی واجب است امانت‌ها را نگهدارد و به طور کامل به صاحبانشان

برگرداند. پس هر که در کارخانه، مغازه و سوپر مارکتی کار می‌کند و یا حسابدار شرکتی است، حق ندارد خیانت کند و از آنچه در اختیار دارد بردارد. (۱)

**مسئله ۲۱۸**—از اموال عمومی و خصوصی کافر و یا مسلمان نمی‌توان دزدید و یا آنها را تلف نمود بویژه اگر به حیثیت و آبروی اسلام و مسلمین به طور کلی، لطمہ وارد سازد.

**مسئله ۲۱۹**—از اموال عمومی و خصوصی کافران و یا مسلمان نمی‌توان دزدید و تلف کرد حتی اگر چه فرضًا چنان کاری به آبروی اسلام و مسلمین لطمہ نزنده و لکن چون خیانت و فریبکاری، بر خلاف اهانتداری است و مهاجران هنگام ورود به یک کشور و اجازه اقامت در آنجا امین شناخته شده اند پس خیانت در امانت نسبت به هر کس که باشد حرام است و تفاوت دین، عقیده و نژاد در این مسئله فرق نمی‌کند. (۲)

**مسئله ۲۲۰**—مسلمان نمی‌تواند به هنگام ورود به یک کشور غیر اسلامی اموال و دارایی غیر مسلمانان را بدزدید.

**مسئله ۲۲۱**—هیچ مسلمانی نمی‌تواند، مساعدت‌های ماهانه را جز از طریق قانونی بگیرد او نمی‌تواند در این زمینه، اطلاعات نادرست بدهد و پرسشنامه‌ها را غلط و غیر واقعی، پر کند.

**مسئله ۲۲۲**—هر مسلمانی می‌تواند با شرکت‌های بیمه، قرارداد بینند اعم از بیمه عمر، دارای، آتش سوزی، غرق، دزدی و امثال آن. و چنان قرار

داد و معامله‌ای، محترم و درست است و آن را جز به رضای دو طرف نمی‌توان به هم زد.

**مسئله ۲۲۳**— هیچ مسلمانی نمی‌تواند برای به دست آوردن مالی که استحقاق آن را ندارد، به شرکت بیمه اطلاعات نادرست بدهد همچنانکه به آن نیت نمی‌تواند حادثه مصنوعی بیافریند و صحنه سازی کند مانند آتش سوزی عمده تا مالی را بگیرد. و چنان عملی درست نمی‌باشد. (۳)

**مسئله ۲۲۴**— گاهی مصالح عالیه مسلمان ایجاب می‌کند که مسلمانان در یک کشور غیر اسلامی اعضای یک حزب سیاسی باشد و یا در کابینه دولتی و یا در وزارت‌خانه‌ای وارد شوند و یا به مجلس شورا راه یابند در چنین موقعیتی و بر حسب اقتضای مصالح، برای هر مسلمانی این کارها جائز می‌شود اما باید در تشخیص آن به افراد آگاه و مورد وثوق مراجعه کنند.

**مسئله ۲۲۵**— تقلب در امتحانات مدارس و دانشگاه‌ها جایز نیست اعم از اینکه آن از طریق کمک گرفتن از دانش آموز و یا دانشجوی بغل دست باشد و یا از راه پخش ورقه‌ها به طور پنهانی و یا از طریق اشتباه انداختن و اغفال ناظرین و یا هر و طریق نا مشروع دیگر که بر خلاف نظام است. (۴) و اینکه به نمونه‌هایی از استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی - دام ظله - می‌پردازیم:

**مسئله ۲۲۶**— اگر مسلمانی بخواهد از ماشین حساب بانکی خود مبلغی از موجودیاش را بکشد اتفاقاً پولی بیشتر در آید و بلنک، آن را نداند آیا گرفتن چنین پولی جایز است؟

جواب: جایزنیست.

**مسئله ۲۲۷**— مسلمانی از یک شرکت اجنبی در کشورهای غیراسلامی کالایی خریده است و فروشنده و حسابدار شرکت اشتباه کرده و پولی بیشتر به او پس داده است آیا جایز است او مبلغ زاید را بگیرد یا باید فروشنده و حسابدار را از اشتباه خود آگاه کند.

جواب: او نمی‌تواند مبلغ اضافه را بگیرد و اگر گرفته است واجب است برگرداند.

**مسئله ۲۲۸**— کارمندی در یک شرکت اجنبی و متعلق به غیر مسلمان، کار می‌کند آیا او کم می‌تواند برخی نیازمندی‌های خود را بدون اطلاع شرکت، برداشت کند و چنان کاری جایز است؟

جواب: چنان عملی، جایزن نیست.

**مسئله ۲۲۹**— در کشورهای غیر اسلامی، می‌توان کنتورهای آب و برق و یا گاز را دست کاری کرد و احیاناً از کار باز داشت؟ جواب: چنان کاری جایزن نیست.

**مسئله ۲۳۰**— مسلمانی در یک کشور غیر اسلامی مدعی می‌شود که او در میهن خود سال‌ها سابقه رانندگی داشته است او سخن خویش را با نامه و استشهادیه ای توأم می‌کند تا موقعیتش را در خصوص بیمه، بالا برد و فایده بیشتری عایدش گردد آیا خلاف حقیقت گفتن در این خصوص هر چند به صورت توریه جایز است و یاری کردن به چنین شخصی روا می‌باشد؟

جواب — دروغ گفتن به آن نیت جایز نیست هم چنانکه پول به دست آوردن به آن طریق و یاری کردن به چنان کسی جایز نمیباشد و از موارد اعانت بر اثم و گناه محسوب میگردد.

**مسئله ۲۳۱** — آیا میتوان شرکت‌های بیمه را در کشورهای غیر اسلامی، فریب داد با علم به این که چنان کاری به آبروی اسلام و مسلمانان لطمه ای نمیزند؟

جواب — جایز نیست.

**مسئله ۲۳۲** — مسلمانی در اثر سهل انگار، نوعی آتش سوزی عمدی به وجود میآورد تا از شرکت بیمه در کشور غیر اسلامی، مبالغی دریافت کند آیا چنین کاری جایز است و آیا او چنان پولی را مالک میشود؟

جواب — تلف کردن و هدر دادن مال، جایز نیست و دروغ گفتن و خلاف حقیقت وانمود کردن هم جایز نمیباشد و گرفتن چنان مال و پولی حلال نمیباشد.

**مسئله ۲۳۳** — آیا در مدارس دولتی در اروپا و یا آمریکا، میتوان تقلب کرد؟ در مدارس غیر دولتی چطور؟ اعم از اسلامی و غیر اسلامی؟

جواب — به طور کلی، تقلب در هیچ جا و در هیچ موردی، صحیح و جایز نمیباشد.

**مسئله ۲۳۴** — در برخی اتوبوس‌ها و دیگر وسایل نقلیه نوشته میشود استعمال دخانیات ممنوع است آیا سیگار کشیدن در چنین اماکنی جایز است؟

جواب — اگر این امر به منزله شرط ضمنی باشد که سوار شونده به آن وسیله، پذیرفته است و یا چنان چیزی قانون دولتی می‌باشد که پس از ورود به کشور ملتم شده است که آنها را رعایت کند لازم است مطابق تعهد، عمل کند و مخالفت جایز نیست.

**مسئله ۲۳۵** — کسی که از یک کشور غیر اسلامی ویزا گرفته و به آنجا سفر کرده است آیا موظف است که قوانین و مقررات آنجا از جمله قوانین و مقررات رانندگی را رعایت کند؟

جواب — اگر به آنان هر چند ضمنی، تعهد داده است، باید تا آنجا که با قوانین شریعت اسلامی منافی نباشد وفا کند و مقررات راهنمایی و رانندگی چیزی است که تعهد به آ، لازم می‌باشد بخصوص که مراعات نکردن آنها معمولاً به اشخاص که مال و جانشان محترم است، ضرر و آسیب می‌رساند.

**مسئله ۲۳۶** — برخی دولت‌های غربی برای مهاجران و یا پناهندگان، مساعدت‌هایی می‌کنند به شرط آنکه آنان یکار باشند و در آمدی نداشته باشند آیا جایز است در صورت کار کردن و داشتن در آمد، آن مستمری را بگیرند و آیا مالک چنان پولی می‌شود؟

جواب — آنان می‌توانند کار کنند و با دستمزدی که می‌گیرد زندگی کنند اما جایز نیست آن مساعدت و مستمری را با وجود کار کردن، بگیرند مگر آنکه دولت و یا اداره آن را مطلع کرده و آنان بدانند که او کار می‌کند و مستمری هم می‌گیرد.

**مسئله ۲۳۷** — آیا مسلمان می‌تواند در یک کشور اروپایی و یا آمریکایی از دارایی کفار بذد؟ و آیا او می‌تواند برای به دست آوردن پول از راههایی که نزد خود آنان معمول است، چاره اندیشی کند؟ و بدان وسائل توسل جوید؟

جواب - به طور کلی سرقت اموال عمومی و خصوصی جایز نیست؛ و نیز تلف کردن آن هم جایز نیست حتی اگر چنان عملی به آبروی اسلام و مسلمانان لطمه وارد نسازد ولی نسبت به تعهد ضمنی ای که هنگام گرفتن ویزا از آن دولت داده است خیانت و فربیکاری و برخلاف امانتداری محسوب گردد،

زیرا عهده‌شکنی و فربیکاری به هر کس و به هر صورت باشد، حرام است.

**مسئله ۲۳۸** — آیا مسلمانان می‌توانند به نیت دستیابی بر مزایا و تسهیلات مادی و معنوی از راههای قانونی پذیرفته شده در نزد کشورهای غیر اسلامی، اطلاعات نادرستی به ادارات دولتی کشورهای مذبور بدهنند؟

جواب - چنان کاری جایز نیست زیرا دروغ می‌باشد و آنچه در سؤال فرض شده است از موارد تجویز دروغ به حساب نمی‌آید.

## فصل ۴

### کار و گردش سرمایه

هر مسلمانی حق دارد به فعالیت‌های حیاتی مختلف پردازد و به انواع کار و کوشش و سرمایه گذاری در زمینه‌های متفاوت و انجام کار مفید برای آنان که به مصالح ایشان گرچه مسلمان نباشد، تلاش می‌کند، دست یازد تا سود خود را ببرد و مردمان دیگر نیز از عملکرد او بهرمند شوند به شرط آنکه:

- ۱— چنان کاری در شریعت اسلامی، حرام و ممنوع نبوده باشد.
- ۲— در اثر آن کار و کوشش، آسیب و ضرر نییند.
- ۳— چنان کار و تلاشی در خدمت به اجرای نقشه‌های دشمنان اسلام و مسلمین، نبوده باشد پس بجا و نیکوست که ما به بیان برخی احکام شرعی در این زمینه پردازیم.

**مسئله ۲۳۹**— هیچ مسلمانی نباید خود را در برابر انسان دیگر اعم از این که او مسلمان باشد و یا غیر مسلمان خوار و زبون سازد، پس کاری که یک مسلمان انجام می‌دهد اگر او را در مقابل شخص نامسلمانی خفیف و بی مقدار کند پرداختن به چنان کار خفت بار، جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۲۴۰**— برای هر مسلمانی جایز است گوشت‌های حیوان تذکیه شرعی نشده را در اختیار کسانی که آنگونه گوشت‌ها را حلال می‌پندارند اعم از یهودی، مسیحی و دیگران— بگذارد. هم چنان که برای هر مسلمانی جایز است در جایی که چنین گوشت‌های تهیه می‌شود و یا آنها را می‌پزند و

می فروشنده، کار کند و این عده کارگران برای توجیه مالکیت خود نسبت به پولی که از راه این کار به دست می آورند می توانند آن را بابت کنار رفتن از حق اختصاص خود به سود کفار تلقی نماید.

**مسئله ۲۴۱** — هیچ مسلمانی نمی تواند گوشت خوک را به کسانی که آن راحلال می شمارند مسیحی باشند و یا جز آنان، بفروشد و احتیاط واجب آن است که چنان گوشتی را هر چند از طریق فروش، در اختیار آنان هم فرار ندهد. (۱)

**مسئله ۲۴۲** — برای هیچ مسلمانی جایز نیست شراب را حتی برای کسانی که آن را حلال می شمارند تقدیم بدارد چنانکه شستشوی پیاله‌ها، جام‌ها و به طور کلی خدمت در زمینه شرابخواری که مقدمه آن محسوب باشد، جایز نمی باشد. (۲)

**مسئله ۲۴۳** — جایز نیست مسلمان خود را برای شراب فروشی و سرو کردن آن در رستوران هاو یا برای نظافت و شستشوی ظروف و جام‌های شراب، اجیر کند چنانکه گرفتن دستمزد برای چنین کاری حرام می باشد و توجیه برخی به این که آنان به پول نیازمند و چنان کاری را ضرورت قلمداد می کند توجیه منطقی نیست و پذیرفته نمی باشد. خدای سبحانه و تعالی فرموده:

((وَ مَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّل عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ)) (۳): هر کس تقوای الهی

پیشه داشته باشد خدا برای او راه خرجی قرار می‌دهد و از آنجا که به گمان نمی‌آید، او را روزی می‌دهد و هر کس برخدا توکل کند خدا او را بس است. و باز خدای - برتر از هر گوینده ای - فرمود:

((إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمٌ إِنَّفْسِهِمْ قَالُوا فَيْمَا كُنْتُمْ  
قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً  
فَتَهاجِرُوا فِيهَا فَأَولَئِكَ مَا وَيْهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا إِنَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ  
مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوَالِدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ  
سَبِيلًا)) (۴). همانا کسانی را که فرشتگان روح آنان را می‌گیرند در حالی که برخویشتن ستم کرده بودند فرشتگان گفتند: شما کجا بودید؟ گفتند: مادر زمین، مستضعف و ناتوان بودیم. گفتند: آیا زمین خدا گسترده است نبود تا در آن به مهاجرت بپردازید؟ پناهگاه ایشان جهنم باشد و چه مصیر بدی است. جز مردان، زنان و کودکان ضعیف و ناتوانی که چاره ای نداردو راه برای نجات پیدا نمی‌کنند.

از پیامبر اکرم محمد (صلی الله علیه و آله) روایت شده که در حجۃ الوداع در خطابه ای فرمود: بدانید روح الامین برمن وحی کرد که هیچ انسانی نمی‌میرد مگر آنکه بهره اش را از رزق و روزی، به کمال دریابد پس تقوا پیشه کنید و به جستجوی نیکو و پسندیده بپردازید و تأثیر روزی، شما را بر آن واندارد که روزی را از راه معصیت خدا طلب کنید زیرا خدای تبارک و تعالی روزی را در میان خلق به صورت حلال تقسیم کرده نه حرام، پس هر کس پارسایی کند روزی او از راه حلال می‌رسد و هر کس پرده را

بدرد و آن را از طریق حرام بجوید زا روزی حلالش بریده می شود و در روز  
قیامت از او حسابرسی به عمل می آید . (۵)

**مسئله ۲۴۴**— جایز نیست مسلمان در جاهای لهو و لعب و به طور کلی  
اماکن معصیت و فساد که بالاخره به حرام کشیده می شود کار کند. (۶)

**مسئله ۲۴۵**— هر مسلمانی می تواند در زمینه انواع دادوستدها و  
بازرگانی های حلال در شریعت اسلام (خرید و فروش، واردات، صادرات،  
پیمان نامه ها و غیره) با غیر مسلمان اعم از یهودی و مسیحی، شریک باشد.

**مسئله ۲۴۶**— برای هر مسلمانی جایز است در بانکهای غیر اسلامی  
اعم از دولتی و یا خصوصی حساب باز کند و پول به ودیعت بنهد هر چند به  
نیت سود زیرا گرفتن ربا از نا مسلمان جایز است .

**مسئله ۲۴۷**— اگر مسلمانی بخواهد از بانکهای غیر مسلمین وام با بهره،  
بگیرد نباید با چنان نیتی اقدام کند زیرا سود دادن به کافر، حرام است بلکه  
پول را به قصد استنقاذ (۷)، بگیرد هر چند که می داند آن پول را با اصل و  
فرع پس خواهند گرفت.

**مسئله ۲۴۸**— هر مسلمانی می تواند به دیگری اجازه دهد تا از نام و  
اعتبار او در خرید سهام بانک یا شرکت و یا هر موسسه ای، استفاده کند و  
در برابر آن مبلغی بدهد و یادبگیرد که طرفین برآن راضیاند.

**مسئله ۲۴۹**— هیچ مسلمانی نمی تواند از محصولات یک کشور غیر  
اسلامی که در حال جنگ با مسلمین است مثل اسرائیل بخرد. (۸)

**مسئله ۲۵۰**— برای هر مسلمانی جایز است هر نوع ارزی را به قیمت بازار، تبدیل کنده کم و یا به زیاد، بدون این که میان نقد و نسیه فرقی باشد.

**مسئله ۲۵۱**— داد و ستد با پول‌های تقلیبی و جعلی و یا آنچه که از اعتبار ساقط شده است حرام می‌باشد اگر طرف معامله بی‌اطلاع باشد زیرا چنان کاری، فریبکاری است.

**مسئله ۲۵۲**— هیچ مسلمانی نمی‌تواند به قصد دستیابی به جایزه انواع بليط‌های بخت آزمایي را خریداری کند اما به نيت شركت در امر خيری مثل ساختن بيمارستان، پرورشگاه ايتام، و امثال آن که مورد رضايت اسلام است، خريد آنها جایز است لیکن چنین فرضی در کشورهای غير اسلامی، بعيد است زیرا بسياري از کارهای حرام در شريعت اسلامی را در آن کشورها از جمله کارهای خير تلقی می‌کنند. به هر حال، گرفتن جایز از دست کافر پس از برنده شدن جایز است آن هم از باب استنقاذ مال از کافر. (۹)

**مسئله ۲۵۳**— خريد و فروش جانداران حرام گوشت مثل بير، كفتار روباء، فيل، شير، خرس، گربه، و انواع ماهی‌ها جایز است اگر دارای فايده حلال بوده باشند که در بازار هر چند در نزد متخصصان، ارزش دارند از اين حکم کلی خوک و سگ غير شکاري استثناست. (۱۰)

**مسئله ۲۵۴**— خريد و فروش ظرف‌های طلا و نقره به قصد زينت و آرایش خانه، جایز است لیکن استفاده از آنها در خوردن و نوشیدن حرام است.

**مسئله ۲۵۵**—بورسیه و حواله بانکی ارسالی از یک دولت اسلامی و در کشور اسلامی به حساب یک شخص مدام که به دست او نرسیده است خمس ندارد هر چند که از هزینه سالانه اش بیشتر باشد. (۱۱) و اینک نمونه‌های از استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی ویژه مسائل این فصل:

**مسئله ۲۵۶**—آیا هر مسلمانی می‌تواند در کشورهای غیر اسلامی انواع حساب‌های بانکی که دارای سودهای بالا و یا پائین، هستند باز کند و آیا انسان می‌تواند حسابی با سود بسیار بالا باز کند به شرط آنکه اگر بانک چنان سودی را به وی نپرداخت، مطالبه نکند و اگر گشودن چنین حسابی جایز نباشد چه راه حلی وجود دارد با علم به اینکه انسان در ته دل به دنبال سود است؟

جواب: مسلمان می‌تواند در بانک، هر نوع حسابی را بگشاید و مبالغی را در آن حساب، سپرده کند و شرط سود بنماید اگر آن بانک دولتی باشد و یا مردمی و خصوصی که سرمایه آن غیر مسلمان اند.

**مسئله ۲۵۷**—بانک‌ها در کشورهای غربی، به کسانی که پول کافی برای خرید خانه ندارند وام می‌دهند و آن را با سود بالا طی اقساط پس می‌گیرند مورکث پول کافی برای خرید خانه مسکونی ندارد؟

جواب: هر مسلمانی می‌تواند از بانک‌های کشورهای غربی اعم از دولتی و یا ملی که سرمایه گذaran آن مردمان غیر مسلمانند، مال و پولی

بگیرد اما نه به قصد وام بلکه به نیت استنفاذ و علم به این که بانک اصل و فرع آن پول را پس خواهد گرفت، ضرری ندارد.

**مسئله ۲۵۸**— برخی دولت‌ها خود را موظف می‌دانند خانه‌هایی را تحت شرایط خاصی برای اقامت کنندگان نیازمند، فراهم کنند آیا یک مسلمان می‌تواند برای خود خانه‌ای بخرد و مدت کوتاهی در آن سکونت کند تا خمس از گردش ساقط شود سپس آنجا را اجاره دهد و درخانه‌ای که دولت اجاره می‌دهد ساکن شود؟

جواب: با سکونت کوتاه مدت در آن خانه خریداری شده، خمس ساقط نمی‌شود اگر در واقع به آن خانه نیاز نداشته است چنانکه در سؤال چنین فرض شده است.

**مسئله ۲۵۹**— برخی شرکت‌های بازرگانی و صنعتی از بانکهای ملی و یا دولتی اسلامی و یا غیر اسلامی وام‌ها بهره دار ربوی می‌گیرند و در اثر کار کردن ببانک‌ها سودهای کلان به دست می‌آورند، آیا ما می‌توانیم از چنان شرکت‌هایی سهام بخریم و یا در پروژه‌های آنها شرکت کنیم؟  
جواب: اگر خرید سهام و یا شرکت در پروژه‌ها، نوعی شرکت در داد و ستد های ربوی باشد چنان عملی جایز نیست، بلی اگر شرکت از آن مسلمانان باشد و آنان از بانک‌های غیر اسلامی سودهای را به دست می‌آورند از این جهت مانعی نیست.

**مسئله ۲۶۰**— برخی دولت‌ها و یا شرکت‌ها در کشورهای غیر اسلامی و حتی اسلامی، حقوق ماهانه کارمندانشان را به طور مستقیم به شماره

حساب خاص آنان می‌ریزند و کارمند پول را نقد دریافت نمی‌کند ولی می‌توان از حساب خود برداشت کند. اگر مبلغ پول واریز شده از هزینه سالانه او بیشتر باشد، خمس به آن پول تعلق می‌گیرد یا نه؟

جواب: کلیه درآمدهای زاید از هزینه سال، خمس دارد مگر آنکه شخص، کارمند یک دولت اسلامی باشد و حقوق ماهانه او به بانک دولتی و یا نیمه دولتی حواله می‌شود در این صورت تا او پول را نگرفته است خمس ندارد و با اجازه حاکم شرع آن را مالک می‌شود پس آن، از درآمدهای سالی حساب می‌شود که در آن سال آن را گرفته است و اگر زاید بر هزینه سالانه اش باشد، باید خمس آن را پردازد.

**مسئله ۲۶۱**— مسلمانی از یک مسلمان دیگر وام گرفته است پس از مدتی ارزش پول در بازار پائین آمده است در این صورت وامدار چقدر باید پردازد؟ همانقدر که گرفته است یا برابر بهای روز پرداخت و آیا اگر وام دهنده کافر باشد چه طور است؟

جواب: او همان مبلغی را که وام گرفته است باید پردازد و فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست.

**مسئله ۲۶۲**— آیا مسلمان می‌تواند در شرکت‌هایی سهیم باشد که از جمله شراب تولید می‌کنند؟ با این فرض که مال از مال دیگران جدا نیست و امکان جدایی وجود ندارد؟

جواب - مسلمان باید در تولید و خرید و فروش شراب، شرکت کند.

**مسئله ۲۶۳** — به بنا و یا بساز بفروشی مسلمان در یک کشور غیر اسلامی، پیشنهاد ساختن معبد و امثال آن می‌شود آیا او می‌تواند پذیرد اقدام کند؟

جواب - جایز نیست چون کاری ترویج ادیان باطله است.

**مسئله ۲۶۴** — خطاط و هنرمند مسلمان می‌تواند تابلویی بنویسد و یا رسم کند که در آن، نوعی شراب و یا مجلس رقص و یا گوشت خوک اعلان و آگهی می‌شود؟

جواب — چنین کاری برای او جایز نیست چون آن، اشاعه گناه و ترویج فساد و تباہی است.

**مسئله ۲۶۵** — آیا جایز است از مغازه‌هایی خرید کرد که آنها قسمتی از سود کار خود را برای کمک به اسرائیل اختصاص داده اند؟  
جواب - جایز نیست.

**مسئله ۲۶۶** — یک مسلمان، ساختمانی را خریده است که در آن، مغازه شراب فروشی وجود دارد و او نمی‌تواند آن را تعطیل و مستأجر را بیرون کند لطفاً به چند سؤال در آن زمینه پاسخ بفرمایید:  
اولاً: گرفتن کرایه و وجه الاجاره از میخانه جایز است  
و ثانیاً: اگر چنان کاری جایز نباشد و خود آن شخص نتواند وجه الاجاره دریافت کند آیا با اجازه حاکم شرع چطور و به چه عنوان؟ و ثالثاً: آیا او می‌تواند با علم به وجود میخانه در این ساختمان و عدم اخراج او، آن را بفروشد؟

جواب: اولاً: اونمیتواند بابت اجاره میخانه، وجه الاجاره بگیرد. و ثانياً: او به اندازه اجرت المثل چنان مکانی برای مقاصد حلال، استحقاق گرفتن وجه الجاره را دارد اما به قصد تقاض (۱۲) آنچه به عنوان کرایه میخانه به او میپردازد هم چنانکه او میتواند وجه الاجاره را به قصد استنفاذ دریافت بدارد آنجا که مستأجر و پرداخت کننده وجه الاجاره مسلمان نباشد.

و ثالثاً: او میتواند آن ساختمان را با علم به وجود مستأجر میفروش و عدم امکان اخراج او، به فروش میرساند.

**مسئله ۲۶۷** — آیا جایز است یک کارفرمای مسلمان، شخص غیر مسلمان را به کار مشغول کند در حالی که در میان مسلمان، مردمان بیکار و نیازمند درآمد دارد؟

جواب: چنین علمی در حد ذات خود جایز است لیکن بهتر آن است که همکیشان مسلمان را مقدم بدارد و حق برادری اسلامی را رعایت کند و تا آنجا که ممکن است نا مسلمان را بر مسلمان جلو نیدارد.

**مسئله ۲۶۸** — آیا در برخی مجله فروشی‌ها و محل‌های دیگر که نشریه‌ها و مجله‌هایی با صور قبیحه و عکس‌های برهنه و نیمه برهنه، به فروش میرسد، میتوان کار کرد و اصولاً داد و ستد آنها و چاپ چنان نشریاتی جایز است؟

جواب: هیچکدام از آن کارها، جایز نمیباشد زیرا آنها ترویج حرام و اشاعه فساد است.

**مسئله ۲۶۹**— در کشورهای غربی خرید و فروش سگ، بازارویژه‌ای وجود دارد آیا خرید و فروش سگ فقط برای مأнос شدن و زندگی همراه آن، جایز است؟ جواب: جایز نیست.

**مسئله ۲۷۰**— آیا خرید و فروش و یا کرایه سگ نگهبان و یا سگانی که برخی بانوان غربی برای اینمی و آرامش، همراه خود دارند جایز است؟ جواب: خرید و فروش سگ جایز نیست لیکن آن کس که چنان سگی را دارد حق اختصاص پیدا کرده است در این صورت مانع نیست که او در برابر دریافت مبلغی از آن حق صرف نظر کند و پرداخت کننده وجه، صاحب آن حق شناخته می‌شود و سگ به او اختصاص پیدامیکند هم چنانکه اگر سگ دارای منافع حلال باشد که حراست و نگهبانی از آن جمله است، اجاره دادن آن مانع ندارد.

**مسئله ۲۷۱**— آیا داد و ستد سگانی که در مغرب زمین تعلیم دیده می‌شوندو نابینایان را در خیابان‌ها و راه‌ها، همراهی می‌کنند، جایز است؟ جواب: پاسخ این سؤال همانند سؤال پیشین است.

**مسئله ۲۷۲**— مسلمانی در یک کشور غیر اسلامی و در یک دفتر و یا اداره دولتی، به طور رسمی و ساعتی کار می‌کند و یا در موسسه‌ای به صورت قراردادی مشغول کار است و حقوق و دستمزد می‌گیرد آیا او می‌تواند کم کار کند و بایستی کم کار نماید کن کار کند و یا سستی و کم کاری نماید و هر گاه چنین کرد تمام حقوق و دستمزد را مستحق می‌شود؟

جواب: چنان کاری جایز نیست و اگر کم کاری کرد، همه حقوق و دستمزد را استحقاق پیدا نمی‌کند.

**مسئله ۲۷۳**— عده‌ای از مسلمانان، برخی نسخه‌های نفیس خطی قرآن کریم را از کشورهای اسلامی به کشوری غیر اسلامی می‌برند و می‌فروشند، آیا چنین کاری جایز است؟ و اگر فروش قرآن به کافر، مشکل است آیا بدون قید خرید و فروش مشکل حل می‌شود؟ و بر فرض جواز، راه حل چیست؟

جواب— هرگز به چنین کاری اجازه نمی‌دهیم زیرا آن، آسیب زن به میراث و ذخایر اسلامی است.

**مسئله ۲۷۴**— آیا بازارگانی با خرید و فروش کتب خطی و اثار باستانی اسلامی و اشیای عتیقه، جایز است؟ به این صورت که آنها را از کشورهای اسلامی بیرون ببرند و در بازارهای اروپایی با قیمت‌های گران به فروش برسانند؟ و یا چنین کاری ضرر به ثروت اسلامی است و جایز نمی‌باشد؟

جواب— به همان علت که گذشت، به چنین کاری اجازه نمی‌دهیم.

**مسئله ۲۷۵**— در بعضی شب‌ها میخانه‌ها از مردمان کافر پر می‌شود و آنگاه که همه سرمست شدند بیرون آمدند و به دنبال طعام و خوراکی هستند، آیا یک مسلمان می‌تواند از این فرصت استفاده کند و رستورانی باز کند و در آن، همین مردمان مست و خمار و دیگران را از طعام حلال، سیر کند؟

آیا چنین کاری با وجود حلال بودن طعام گناه است با این که می‌گویند این طعام اثر شراب را در وجود آنان می‌کاهد. و امثال این.

جواب - این کار، در حد ذات خود مانع ندارد.

**مسئله ۲۷۶**— آیا فروش گوشت خوک برای یهود و نصاری و به طور کلی اهل کتاب که آن را حلال می‌پندارند، جایز است؟

جواب - کسب و کار با گوشت خوک به طور کلی جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۲۷۷**— انسان یقین دارد که روزی چیز حرامی از تلویزیون و یا ویدیو خواهد دید در این صورت خریداری آن جایز است؟

جواب - از دیدگاه عقل لازم است چنان چیزی فراهم و تهیه نشود.

**مسئله ۲۷۸**— آیا جایز است در یک مغازه قصابی که گوشت خوک می‌فروشد کار کرد؟ حتی در این حد که مسلمانی به یکی از کارگرانش دستور بدهد که به فلان مشتری گوشت خوک خود بده؟

جواب - فروش گوشت خوک حتی برای کسانی که آن را حلال می‌انگارندن جایز نیست و فرق نمی‌کند با واسطه و یا بی واسطه باشد و اما بدون فروش و فقط در اختیار گذاشتن گوشت خوک برای کسی که آن را حلال می‌داند آن هم اشکال دارد و احتیاط واجب ترک آن است.

**مسئله ۲۷۹**— فرمودید خرید بلیط بخت آزمایی به قصد کمک به یک موسسه خیریه و بدون نیت برنده شدن و دستیابی به جایزه، اشکال ندارد اگر یک مسلمان با قسمتی از بهای بلیط چنین نیتی کند و با قسمتی دیگر

قصد برنده شدن نماید آیا خرید بليط بخت آزمایي به اين شکل چطور است؟ جواب - جاييز نيست.

**مسئله ۲۸۰**—آيا يك مسلمان بالغ می تواند بچه اي را وادارد که بليط بخت آزمایي بخرد و به او بدهد؟ و يا يك شخص كتابی (يهود، نصارى و غيره) را به چنین کاري وادار کند و قصدش آن باشد که برنده شود؟  
جواب - حرمت خريد بليط بت آزمایي با اين کارها بر طرف نمی شود و وکيل کردن همانند خريد و اقدام مستقيم است.

**مسئله ۲۸۱**—آيا می توان عسلی را خريد که روی آن برگ بخت آزمایي چسبانده اند و احتمال دارد که در صرت خريد، برنده شويم؟ جواب —اگر تمام بها را در مقابل عسل پردازد نه به قصد عوض جاييزه احتمالي چنان کاري حلال است.

**مسئله ۲۸۲**—يکي از مسلمانان بليط بخت آزمایي خريد و برنده شده است و قرار گذاشته است که قسمتی از آن را اگر به دستش رسيده در راه خير به مصرف برساند ايا آن خيري چنان مالي را می تواند بگيرد و آن را در مصالح مسلمين خرج کند؟ و اگر چنین تصميمی را پيش از خريد بليط داشته باشد، مسئله فرق می کند؟

جواب - اگر آن مال و پول به اشخاصی بر می گردد که اموالش محترم نیست تصرف در چنان مال و پولی جاييز می باشد.

**مسئله ۲۸۳**—اگر مسلمانی با خریدن بليط بخت آزمایي و برنده شدن حج بگزارد و آن مبلغ را پس از رد مظالم آن به يك فقير مسلمان، در حج هزينه کند، آيا چنان حجی صحيح است؟

جواب - پاسخ اين مسئله از جواب مسئله پيش، معلوم می شود.

**مسئله ۲۸۴**—اگر يك مقام مسئول غاصب و ستمگر، هزينه حج کسی را بذل کند، حکم چنان حجی چيست؟

جواب — اگر غصبيت عين مال بذل شده، معلوم نباشد، ظالم بودن باذل، ضرری به حج او نمی رساند.

**مسئله ۲۸۵**—در برخی کشورهای اروپايی، فروشگاه‌هایي وجود دارد که لوازم منزل می فروشند و مشتری حق دارد دو هفته پس از خرید اگر خواست آن را پس آورد. آيا مشتری به نيت استفاده دو هفتگی و نه قصد خريد چنان کاري را می تواند انجام دهد و سپس آن را پس دهد؟ که در واقع قصد او خريد نبوده است. و اگر صاحب فروشگاه، مسلمان باشد، مسئله فرق می کند؟ و در صورت جواز به چه نيت و قصد، صحيح می باشد؟

جواب — اگر مالک فروشگاه مسلمان باشد چنان کاري جائز نمی باشد، و اما با غير مسلمان می توان چنان رفتار رد به شرط آنکه قصد خريد نکند بلکه به قصد استنقاذ از کافر، آن را انجام دهد و از ضرر و آسيب هم ايمن باشد.

**مسئله ۲۸۶**— آیا می‌توان در رستورانی که به مشتریان، مشروبات الکلی سرو می‌شود، کار کرد بخصوص اگر شخصاً شراب برای مشتری نمی‌آورد بلکه فقط در زمینه شستشوی جام‌ها و پیاله‌ها کار می‌کند؟

جواب - نظافت جام‌ها و پیاله‌ها از مقدمه شربخواری باشد، شرعاً حرام است.

**مسئله ۲۸۷**— مسلمانی که علاقمند به حفظ دین و ایمان خویش است ناگزیر می‌شود در اداره ای کار کند که احياناً فعل حرام مرتكب می‌شود اما ممکن است او در همان اداره در آنینده موقعیتی پیدا کند که بدان وسیله خدمتی اساسی به دین خود انجام دهد که آن خدمت را به مراتب از آن حرام‌های ارتکابی، مهم‌تر می‌داند آیا کار کردن در چنین جایی و با این ویژگی جایز است؟

جواب - انجام فعل حرام، تنها به امید آینده، جایز نمی‌شود.

**مسئله ۲۸۸**— آیا کسی که دارای دکترای حقوق است می‌تواند رد یک کشور غیر اسلامی و کالت پذیرد که با قوانین آن کشور داوری بعمل می‌آید و او در میان مردمان غیر مسلمان به قضاؤت بپردازد و هم و غم او فقط قضاؤت و داوری باشد هر چه شد؟

جواب - اگر وکالت و داوری او تضییع حق کسی نباشد و دروغ و یا حرام دیگری را به دنبال نداشته باشد مانعی ندارد.

**مسئله ۲۸۹** — آیا کسی که گواهینامه حقوقی دارد و کارشناس امور قضایی است می‌تواند رد یک کشور غیر اسلامی با قوانین موجود آنها میان مردم قضاوت و داوری کند؟

جواب — کسی که برای قضاوت شایستگی ندارد نباید قضاوت کند و جز با قوانین اسلامی، نمی‌توان قضاوت و داوری کرد.

**مسئله ۲۹۰** — یک مهندس برق در کشور اروپایی برای اصلاح و تعمیر بلندگو و دیگر لوازم صوتی و برقی فراخوانده می‌شود و احیاناً آن مکان، جای لهو و لعب است آیا او می‌تواند در چنان جایی به تعمیر و اصلاح پرداز با علم به اینکه اگر یکی دوبار، دعوت به کار را نپذیر از زندگی ساقط می‌شود و مشتری‌های خود را از دست می‌دهد؟

جواب — جایز است.

**مسئله ۲۹۱** — شخصی در یک رستورانی کار می‌کند که گاهی گوشت غیر حلال و دیگر گاه گوشت خوک برای مشتری غیر مسلمان، سرو می‌کند جواب بخش نخست را فرموده اید سؤال در بخش دوم است و آن سرو کردن گوشت خوک است در کنار گوشت حرام دیگر آیا چنین کاری جایز است و اگر او از این کار خودداری کند ممکن است از کار و تلاش بر کنار و رانده شود؟

جواب — گوشت خوک را هر چند برای کسی که آن را حلال می‌انگارد نمی‌توان، سرو کرد و احتیاط ترک آن است.

**مسئله ۲۹۲** — آیا برای یک مسلمان جایز است در یک بقالی و یا سوپر مارکتی که در گوشه ای از آن شراب فروخته می شود، کار کند در حالی که از او فقط صندوقداری گرفتن پول است؟

جواب — اگر خریدار و فروشنده هر دو نامسلمان باشند او می تواند در چنان جایی کار کند و بهای شراب و غیر آن را بگیرد.

**مسئله ۲۹۳** — چاپخانه ای در یک کشور غیر اسلامی لیست خوارکی های رستورانی را چاپ می کند که در میان آنها گوشت خوک هم دیده می شود ایا کار در چنان چاپخانه ای جایز است؟ و ایا او می تواند آگهی های تبلیغاتی برای معرفی میخانه ها و محل های فساد دیگر، چاپ کند؟ با علم به این که اگر این کارها را نکند، از نظر کار متضرر خواهد شد؟

جواب — جایز نیست چنان چیزهایی را چاپ کند اگر چه به تعطیلی محل کار بینجامد.

---

۱ بنگرید: بخش نمونه استفتاءات ویژه این فصل.

۲ بنگرید: بخش نمونه استفتاءات ویژه این فصل.

۳ سوره طلاق، آیات ۲ و ۳.

۴ سوره نساء آیات ۹۷ و ۹۸.

۵ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۴

۶ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.

۷ معنای لغوی استنفاد، خلاص و رها کردن چیزی است و گویا او مال خود را که در بند افتاده است رها می کند.

۸ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.

- ۹ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.
- ۱۰ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.
- ۱۱ بنگرید: بخش استفتاءات ویژه این فصل.
- ۱۲ تقاضا به معنای قیچی کردن و بریدن است گویا او حق خود را به نحوی از طرف می‌برد.

## فصل ۵

### روابط اجتماعی

هر جامعه‌ای فضای ویژه خود را دارد، سنت‌ها، عرف‌ها، عادت‌ها و ارزش‌ها از محیط‌تای محیط دیگر فرق می‌کند و طبیعی است که جامعه‌های اسلامی با محیط‌های اروپایی از جهات مزبور تفاوت داشته باشد. و همین امر ره مسلمان را با این سؤال روبه رو می‌کند که چه کاری رواست و چه کاری نارواست؟ او در این محیط و جامعه نو با مجموعه‌ای از ارزش‌ها زندگی می‌کند که کاملاً با ارزش‌ها زادگاهش در تباين و تضاد می‌باشد.

این از یک سو و از دیگر سو زندگی در چنین محیط‌ها با ارزش‌های ناشناسخه و شگفت، راه فردی را که از یک کشور اسلامی به آنجا آمده است تا بانوی مبارزه در زمینه آن ارزش‌های تازه مواجه می‌سازد تا خود و فرزندانش تدریجاً در آن فرهنگ ذوب نشوند و بدیهی است که چنین امری، کوشش فراوان لازم دارد تا بدان وسیله او خود، خانواده و فرزندانش را از آثار ویرانگر آن، نگاه دارد.

**مسئله ۲۹۴**— صله رحم و پیوند با خویشاوندان بر هر مسلمانی، واجب و قطع رحم از گناهان کبیره است.

و بعد از آن که دانستیم صله رحم واجب و قطع رحم از گناهان کبیره ای است که خدا بر آن وعده آتش داده این مسئله در کشورهای مغرب زمین از اهمیت فراوانی برخوردار است و مراعات آن لازم‌تر می‌باشد زیرا در آنجا برادران دینی اند کند و خانواده‌ها زا همدیگر گستته و دور می‌باشد و

به همان اندازه که ارزش‌های مادی در حد طغیان اند انگیزه‌های دینی با تأکید بیشتری باید مطرح باشند.

خدای سبحانه و تعالی از قطع رحم نهی فرموده است و در قرآن محکم فرمود:

((فَهُلْ عَسِيْتَمْ آنَّ تُولِيْتَمْ آنَّ تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقْطُعُوا أَرْحَامَكُمْ أَوْلَئِكَ الَّذِينَ لَعْنَهُمُ اللَّهُ فَاصْمَهُمْ وَ اعْمَى إِبْصَارَهُمْ)): شاید اگر پشت کرید در روی زمین فساد کنید و از خویشاوندان خود ببرید. اینان را خدا نفرین کرده، گوش‌هایشان کر و چشمانشان را نابینا ساخته است.

و امام علی (علیه اسلام) فرمود: گاهی، خانواده‌ای با آنکه بد کار و اهل فسق و فجور هستند ولی در کنار هم قرار دارند و با مسوات زندگی می‌کنند هدا هم به ایشان روزی می‌دهد و دیگر گاه، خانواده‌ای به سبب پراکندگی و بردگی از یکدیگر با این که پارسا و پاکند، از رزق خدامحروم می‌شوند.

واز امام باقر (علیه اسلام) روایت شده است که فرمود: در کتاب علی (علیه اسلام) چنین آمده است:

دارنده سه خصلت نمی‌میرد مگر آنکه آن که اثر آن سه خصلت را در دنیا ببیند. ستم، قطع رحم و قسم دروغ. چنین شخصی گویا با خدا به جنگ برخاسته است همچنانکه سریع ترین پاداش‌ها، پاداش صله رحم است گاهی اوقات مردمانی فاسق و نابکار چون با همدیگر صله رحم می‌کنند و

پیوند دارند دارایی‌هایشان رشد کرده و ثروتمندتر می‌شوند و همانا قسم دروغ و قطع رحم سرزمین‌ها را از سکنه خالی می‌کند.

**مسئله ۲۹۵** — قطع رحم، حرام است حتی اگر چه او جلوتر بریده باشد، نمازخوان نباشد، شرابخوار هم باشد و یا به برخی احکام دینی بی‌اعتنای باشد مثل حجاب و جز آن، طوری که موعظه و ارشاد و راهنمایی هم سود نبخشد. البته به شرط آنکه چنان صله رحم و پیوندی، موجب نشود که او برکار حرام تأثیر و تشویق شود.

پیامبر بزرگوار ما (صلی الله علیه و آله) فرمود:

((افضل الفضائل آن تصل من قطعك، و تعطى من حرمك، و تعفو عن ظلمك)): با فضیلت ترین ارزش‌ها و خصلت‌های خوب آن است که با خویشاوند نزدیک که از تو بریده است پیوند برقرار کنی و به کسی که تو را محروم ساخته، عطا و بخشش کنی و از شخصی که به تو ستم رواداشته، در گذری .

و باز فرمود: ((لاتقطع رحمك و آن قطعك)) از خویشاون خود مبر هر چند که او پیش‌تر از تو بریده است.

**مسئله ۲۹۶** — شاید کمترین عملی که یک مسلمان بدان وسیله می‌تواند با خویشاوندان نزدیک خود در صوت امکان، صله و پیوند برقرار کند زیارت و دیدار ایشان باشد که با آنان ملاقات کند، احوالپرسی نماید هر چند از راه دور.

پیامبر بزرگوار ما محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: سریع‌ترین پاداش یک عمل خیر و نیک، پاداش صله رحم است.  
و امیر مؤمنان (علیه اسلام) فرمود: صله ارحام کنید هر چند با سلام گفتن، خدای سبحانه و تعالی فرمود:

و اتّقوا الله الذی تَسأّلُون بِهِ وَالاَرْحَامَ آنَ اللهُ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيَاً :  
از خدایی پروا کنید که به وسیله او از یکدیگر می‌پرسید و درخواست می‌کنید و از خدا در مورد ارحام و خویشاوندان نزدیک خود پروا کنید و از ایشان مباید که همانا خدا مراقب شماست.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا صله رحم و نیکی، دو عملی هستند که حساب را آسان می‌کنند، و از گناهان باز می‌دارند پس با خویشاوندان خود پیوند داشته باشید و به برادران دینیتان احسان و نیکی کنید هر چند با یک سلام و جواب سلام زیبا و خوب.

**مسئله ۲۹۷**— بدترین نوع قطع رحم عاق والدین شدن است همان والدین و پدر و مادری که خدای — عز و جل — نکویی و احسان به ایشان را سفارش کرده آنجا که در قرآن کریم فرمود — عز من قائل — و قضی ربک الٰٰ ایاه و بالو المدين احساناً اما يبلغنَ عندک الكبر آحدُهُما او کلاهما فلا تقل لهما اف و لا تنهه هما قل لهما قولًا کریماً : پروردگار تو چنان حکم کرده و فمران داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر، احسان و نیکویی کنید اگر آنان نزد تو به کهنسالی برسند یکی

از ایشان یا هر دو، به آنان اف مگو و با ایشان، تندی مکن و بر ایشان سخنی بزرگوارانه بگو.

و امام (علیه السلام) فرمود: حد اقل و کمترین مرتبه عقوق، گفتن کلمه اف است و اگر خدای عزوجل چیزی، کمتر از آن می‌دانست از آن نهی و منع می‌فرمود.

امام ابو جعفر (علیه السلام) فرمود: نگاه پدرم به شخصی افتاد که همراه پسرش راه می‌رفتند و فرزند بر زانوی پدر تکیه داده بود پدرم آن اندازه از او بدهش آمد که تا آخر عمر با او سخن نگفت.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود که هر کس با نگاه خشم آلود به پدر و مارش بنگرد هر چند در حق او ستم کرده باشند خدا برای او نمازی را نمی‌پذیرد.

**مسئله ۲۹۸**— در برابر عقوق والدین نکویی و احسان به ایشان قرار دارد که آن با فضیلت ترین کارهای قرب آمیز به خدای تعالی است. خدا - عزّ من قائل - در قرآن کریم فرمود:

و اخْفَضْ لَهُمَا جَنَاحَ الْمَذَلَّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنَى  
صغیراً : بال تواضع مهربانی برای ایشان بگستر و بگو: پروردگارا به ایشان رحم فرما که مرا در خردسالی پروردم.

ابراهیم بن شعیب به امام ابو عبدالله (علیه السلام) گفت: پدرم، بسیار پیر شده و ناتوان گشته است و ما او را به هنگام قضای حاجت، به دوش می‌کشیم.

امام فرمود: آنچه که می‌کنی ادامه بده و با دست خود غذا را لقمه  
لقمه به دهان او بگذار که فردا برای تو سپر و مانع بلا خواهد شد.  
در احادیث شریف، صله مادریش از صله پدر مورد تأکید قرار گرفته  
است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردی نزد رسول الله (صلی الله علیه و  
آل‌ه) آمد و گفت: ای رسول خدا، به چه کسی نکویی کنم؟  
پیامبر (صلی الله علیه و آل‌ه): به مادرت.

مرد: سپس به چه کسی.

پیامبر (صلی الله علیه و آل‌ه): به مادرت.

مرد بار سوم پرسید: باز به چه کسی نکویی کنم؟  
پیامبر (صلی الله علیه و آل‌ه): به مادرت.

مرد در مرتبه چهارم که پرسید به چه کسی نکویی کنم. پیامبر (صلی  
الله علیه و آل‌ه) فرمود: به پدرت نکویی کن.

**مسئله ۲۹۹** — به مفاد برخی روایات، برادر بزرگ بر برادر کوچک،  
حق دارد و لازم است آن را نگهدارد و بدان اهتمام بورزد تا رشته‌های مهر و  
محبت در درون خانواده محکم گشته و مراتب لطف و صفا در شرایط  
استثنایی که پیش می‌آید، دوام یابد.

از محمد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آل‌ه) نقل است که فرمود: حق  
برادر بزرگ بر برادران کوچک، همانند حق پدر است بر فرزندانش.

**مسئله ۳۰۰** — جزوی طفل و یا کسی که از سوی او اجازه دارد  
نمی‌تواند به قصد تربیت، طفلی را به سبب انجام کار حرام و نادرست و یا

فراهم کردن اسباب زحمت دیگران، بزند و اما ولی<sup>\*</sup> طفل و یا آن کس که از طرف او اجازه دارد، طفل را به هدف تربیت و به طور آرام که بدن او سرخ نشودمی تواند بزند به شرط آنیکه بیش از سه بار نباشد آن هم در صورتی که راه تربیت صحیح، فقط زدن باشد بنابر این برادر جوان نمی توان برادر خردسالش را بزند مگر آن که ولی<sup>\*</sup> او و یا معجاز از سوی او باشد و به طور قطع آموزگاران و اولیای مدرسه بدون اجازه ولی<sup>\*</sup> طفل نمی توانند با زدن او را تربیت و ادب کنند.

**مسئله ۳۰۱**—بنابر احتیاط واجب، انسان بالغ را برای بازداشت از منکر و فعل حرام، نمی توان زد مگر برابر قوانین امر به معروف نهی از منکر و با اجازه حاکم شرع.

**مسئله ۳۰۲**—پیامبر بزرگوار، حضرت محمد (صلی الله علیه وآلہ) ما را به احترام و بزرگداشت پیرها و سالمندان فراخوانده و فرموده است: ((من عرف فضل شیخ کبیر فوقه لسنه آمنه الله من فزع يوم القیمه)) هر کس ارزش کهن‌سالی را بشناسد و او را به سبب کبر سن احترام بگذارد خدا او را از هول و هراس روز قیامت ایمن گرداند، و باز فرمود: احترام و بزرگداشت مؤمن ریش سفید، بخشی از بزرگداشت خدا- عزوجل - است.

**مسئله ۳۰۳**—در پاره‌ای از روایات شریف نسبت به دیدار و مهربانی میان مردم مؤمن از پیامبر (صلی الله علیه و آلہ) و امامان (علیهم اسلام) ترغیب و تشویق فراوانی رسیده است و همچنین بر دلشاد کردن و رفع نیاز و

حاجت و عیادت بیمار و تشییع جنازه و در خوشی و ناخوشی با مردم بودن، تأکید زیاد شده است.

امام صادق (علیهم السلام) فرمود: هر کس برای خدا برادر دینی اش را دیدار کند و به زیارت او بستابد خدا — عز و جل — فرماید: مرا زیارت کردی و پاداش تو بر عهده من است و برای تو کمتر از بهشت را خشنود نمی‌شوم.

همان امام همام به خیثمه فرمود: به دوستداران ما سلام برسان و آنان را به تقوای خدای بزرگ سفارش کن و بگو داراهما، فقیران را و توانمندان، ضعیفان را عیادت کنند و این که زنده‌ها بر جنازه مرده‌ها، حضور یابند و درخانه‌هایشان به دیدار هم بستابند.

**مسئله ۳۰۴** — حق همسایه، به حق رحم، بسیار نزدیک است اعم از آنکه همسایه مسلمان، یا نا مسلمان باشد. رسول خدا چنان حقی را برای همسایه نا مسلمان اثبات کرده است. آنجا که فرمود: همسایگان سه قسمند، برخی دارای سه حقند: حق اسلام، حق همسایگی و حق خویشاوندی، و برخی دیگر دارای دو حقند: حق اسلام و حق همسایگی، و قسم سوم فقط یک حق دارند و آن شخص کافر است که حق همسایگی اش محفوظ است. و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: با هر کس همسایه شدی همسایگی نیکو کن قطعاً مؤمن خواهی بود.

و امام علی (علیهم السلام) به امام حسن و امام حسین (علیه اسلام) پس از آنکه توسط ابن ملجم لعین مضروب شد همسایگان را سفارش کرد

و فرمود: خدارا، خدا رادرباره همسایگانتان که آن وصیت پیامبر شماست  
و همواره آنان را سفارش می کرد به حدی که ما پنداشتیم برای آنان ارث قائل  
خواهد شد

و امام صادق (علیهم السلام) فرمود: ملعون، ملعون است هر آنکه  
همسایه اش را بیازارد. و فرمود: از ما نیست هر کس که با همسایه اش  
همسایگی نکو نکند

**مسئله ۳۰۵**— از صفات مردمان مومن و صالح آن است که برای تاسی و  
پیروی از پیامبر بزرگوار، محمد (صلی الله علیه و آله) با مکارم اخلاق  
موصوف باشند همان خلق‌هایی که خدا – سبحان و تعالی – در قرآن کریم اورا  
توصیف کردو فرمود:  
(وانک لعلی خلق عظیم)).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: به روز قیامت در ترازوی  
اعمال، چیزی با ارزشتر از خلق و خوبی نیک، نهاده نمی‌شود. و در حدیثی از  
آن بزرگوار پرسیدند: در میان مردمان مؤمن کدام با فضیلت تر است، فرمود:  
هر کدامتان که خوش اخلاق تر هستید.

**مسئله ۳۰۶**— از جمله صفات مردمان مؤمن، راستگویی و درستکاری  
و وفای به عهد است خدای متعال پیامبرش اسماعیل را ثنا گفت آنجا که  
فرمود:

از جمله صفات مردمان مؤمن، راستگویی و درستکاری و وفای به  
عهد است خدای متعال پیامبرش اسماعیل را ثنا گفت آنجا که فرمود:

اَنَّهُ كَانَ صَادِقُ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا . هَمَانَا أَوْ رَاسْتَ وَعْدَهُ وَفَرَسْتَادِهُ وَپَیَامِبر بُود.

وَرَسُولُ الْأَكْرَمِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَرَمِودَ: هَرَّ كَسْ بَهْ خَدَا وَرَوزْ جَزا  
ایمان دارد اگر به کسی وعده داده است باید وفا کند.  
اَهْمِيَّتِ رَاستِيِّ وَصَدْقَ وَعْدِهِ آنَّگَاهِ اَشْكَارَ مَيْ شَوَدَ كَهْ مَا بَدَانِيم  
بَسِيَارِيِّ اَزْ غَيْرِ مُسْلِمَانَانِ اَزْ نَوْعِ رَفَتَارِ مُسْلِمِينِ، در باره اسلام قضاوت می کنند  
وَچَهْ بَسَا اَزْ خَلَالِ حَسَنِ رَفَتَارِ وَكَرْدَارِ يَكَ مُسْلِمَانَانِ اَسْلَامَ بَرَايِ نَا مُسْلِمَانَانِ  
زَيْبَا شَنَاسَانَدِهِ شَوَدَ وَبَرْ عَكْسِ، اَزْ سَوَءِ رَفَتَارِ وَعَملَكَرْدِ يَكَ مُسْلِمَانَ بَيِّ  
تعهد، اسلامن بد معرفی می شود.

**مَسَأَلَهُ ۳۰۷**— اَزْ صَفَاتِ نِيَكَ يَكَ هَمَسِرِ صَالِحَهِ آنَّ اَسْتَ كَهْ او  
شَوَهْرَشِ رَا نِيَازَارَدَ وَبَا او بَدْرَفَتَارِيِّ نَكَنَدَ وَاوَا رَا اَزْ خَودَ نَرْنَجَانَدَ هَمْ چَنَانَكَه  
اَزْ صَفَاتِ خَوْبِ يَكَ شَوَهْرَ شَايِسَتِهِ آنَّ اَسْتَ كَهْ او هَمَسِرَشِ رَا اَزارَ وَاذِيت  
نَكَنَدَ وَبَهْ وَيِّ بَدَى نَكَرَدَه وَرَنْجَشِ نَدَهَدَ رَسُولِ خَدَا فَرَمِودَ: هَرَ زَنِي كَه  
شَوَهْرَشِ رَا مَيِّ آزارَدَ خَداونَدَ نِماَزَ وَهِيَچَ كَارِ نِيَكَ رَا اَزْ او نَپَذِيرَدَ هَرَ چَنَدَ  
كَهْ هَمَهِ رَوْزَهِ، رَوْزَهِ بَگِيرَدَ وَتَمَامِ شَبَ رَا بَهْ نِماَزَ اِيَسْتَدَ وَبَنَدَهَهَا آزادَ كَنَدَ وَ  
ثَرَوْتَ زَيَادَى در رَاهِ خَدَا خَرَجَ وَانْفَاقَ نِمَائِيدَ وَاوِّلِينَ كَسْ باشَدَ كَهْ وَارَدَ  
آتشَ شَوَدَ.

رَسُولِ خَدَا سِپَسَ فَرَمِودَ: سَرْنَوْشَتِ شَوَهْرَ بدِ نِيزَ هَمِينَ طَورَ اَسْتَ اَگَرْ  
او هَمَسِرَشِ رَا اَزارَ دَهَدَ وَبَهْ وَيِّ سَتَمَ كَنَدَ.

**مسئله ۳۰۸** — هر مسلمانی می‌تواند با غیر مسلمان دوست و آشنا گردد که در میانشان اخلاص حکمفرما باشد و در بر اوردن نیازهای دنیوین یکدیگر را یاری برسانند.

خدا - سبحانه و تعالی - در قرآن کریم فرمود:

لَا ينْهِيْكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يَقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ آنَ تَبَرُّوهُمْ وَتَقْسِطُوا إِلَيْهِمْ آنَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ : خدا شما را از دوستی و نیک رفتاری و احسان با کسانی که با شما نجنگیده اند و شما را از شهر و دیارتان بیرون نرانده اند، منع و نهی نمی‌فرماید همانا خدا اهل عدالت و قسط را دوست می‌دارد.

اگر از چنین صداقت‌ها و دوستی‌ها درست بهره برداری شود کافی است که ما اسلام و ارزش‌های دینی را به آن دوست، همسایه و رفیق و شریک غیر مسلمان معرفی کنیم و هر چه بیشتر او را به دین اسلام نزدیک‌تر سازیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: این که خدا به وسیله تو بنده ای از بندگانش را هدایت فرماید برای تو بهتر از هر آن چیزی است که در شرق و غرب آفتاب بر آن می‌تابد.

**مسئله ۳۰۹** — می‌توان به افراد یهودی، مسیحی و دیگر اهل کتاب و حتی کفار غیر اهل کتاب در مناسبت‌هایی مانند سال نو، میلاد حضرت مسیح و عید الفصح، عید گذر و یا نجات، تبریک و تهنیت گفت.

**مسئله ۳۱۰**—امر به معروف و نهی از منکر دو تکلیف عبادی هستند که بر هر مرد و زن مومن هر گاه شرایط جمع باشند، واجب می شود، خدا - سبحانه و تعالی - ذر قرآن کریم خود فرمود:

و لتكن منکم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون که باید از میان شما مردمی باشند که به خیر و نیکی فرا خوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و اینان رستگارانند.  
و باز خدای - جل و علا - فرمود:

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض يذمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر : مردان و زنان با ایمان، اولیا و دوستداران یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

و پیامبر بزرگوار ما محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: امت من همواره بر خیر و نیکی اند تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در نیکی همدیگر را یاری می نمایند هر گاه چنان نکنند بر کات از ایشان بر رفته می شود و بعضی بر بعض دیگر سلطه می یابند آن وقت است که نه در آسمان و نه در زمین یاوری بر ایشان نیست.

و از امام جعفر صادق (علیه السلام) و جدش رسول الله (صلی الله علیه و آله) چنین روایت شده است: چگونه اید آن زمان که زنانタン فاسد شوند و جوانانتان رو به فسق و فجور گذارند و شما امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید.

پرسیدند: یا رسول الله، چنین چیزی می شود؟

فرمود: بلی از آن هم بدتر می شود! چگونه اید آن هنگام که به بدی امر می کنید و از خوبی و نیکی منع و نهی به عمل می آورید؟ پرسیدند: مگر چنان وضعیتی پیش می آید؟

فرمود: بلی، از آن هم بدتر می شود. چگونه هستید زمانی که خوبی را بدی و بدی را خوبی بدانید.

این دو فرضیه و واجب شرعی، آنگاه که ترک کننده واجب و یا انجام دهنده منکر و حرام، یک از اعضای خانواده باشد با تأکید بیشتری مطرح اند. شما در میان خانواده خود فردی را می بینید که وضوی درست و صحیح نمی گیرد و یا با طرز تیمّم آشنا نیست و یا قرائت حمد و سوره و یا ذکرهای واجبات نماز را نمی داند و یا خمس و زکات مال و دارایی اش را نمی دهد و حتی در میان اعضای خانواده شما ممکن است اشخاصی پیدا شوند که برخی گناهان را مرتکب می شوند مثل استمنا، قمار بازی، گوش دادن به موسیقی حرام و نوشیدن شراب، خوردن گوشت مردار و حرام خیانت و مال مردم خوری و یا دزدی.

و در میان بانوان یک خانواده ممکن است کسانی یافت شوند که حجاب درست و حسابی نداشته باشند و موهای خود را خوب نپوشانند و یا به هنگام وضو لاک بر انگشتان خود داشته و آن را پاک نکنند و یا برای غیر شوهران خود عطر زنند و یا پسر عموم، پسر عمه، پسر خاله، پسر دایی، برادر شوهر و دوست شوهر به این بهانه که با آنان در یک خانه زندگی می کنند

اندام و یا موی سر را نپوشانند و آنان را برادر خود پندارند و عذرهاي واهی و سست دیگر آورند.

ارى گاهى در ميان اعضای يك خانواده، کسانى پيدا مى شوند که دروغ مى گويند و غيبت مى کنند و به حقوق ديگران تجاوز مى نمایند و اسراف و ولخرجى کرده و به ستمگران ياري مى رسانند و همسایه را مى آزارند و ... وقتی با چنین منکرات و گناهانی مواجه مى شويد امر به معروف و نهی از منکر کنید البته از مراتب پاين تر شروع کنید اول اظهار کراحت کنید و با زبان جلوگیری نمایي و در مرحله اخر با اجازه حاكم شرع، به منع عملی و يدي بپردازيد. و آن نيز خود دارای مراحلی است ه به تدریج به شدت عمل مى رسد نه آنکه از اول، شدت عمل نشان دهيد.

و اگر کسی نسبت به حکم و مسئله اى جاھل باشد واجب است او را آموزش داد اگر در صدد آموختن و عمل به آن باشد.

**مسئله ۳۱۱** — مدارا کردن و سازگاري با مردم از مستحبات شرعاً است و دين استوار ما به آن ترغيب کرده است. رسول خدا (صلی الله عليه و آله) فرمود: پروردگار من مرا به سازگاري با مردم فرمان داده است هم چنانکه به انجام فرایض و واجبات دستور داده است.

و باز فرمود: سه چيز است که اگر در انسان نباشد، عمل او کامل نیست: تقوا و پارسايی که او را از معصیت و نافرمانی خدا باز بدارد و خلق نیکویی که بدان وسیله با مردم بسازد و حلم و نرمشی که با آن جهل جاهلان و نابخدا را رد کند.

و سازگاری با مردم، عمومی است و اختصاص به مردم مسلمان ندارد بلکه با غیر مسلمانان نیز باید مدارا کرد و رفتار مناسب داشت.

روایت شده که علی امیر المؤمنین (علیه السلام) روزی در راه کوفه با یک شخص غیر مسلمانی همراه شده بود به یک دو راهی رسیدند که می‌بایستی از همدیگر جدا شوند امیر مؤمنان چند قدم با آن شخص همراهی کرد، آن شخص پرسید: مگر شما به کوفه نمی‌رفتید؟ امیر المؤمنین پاسخ داد: چرا، ولی حق هم صحبتی آن است که انسان چند قدمی رفیق خود را بدرقه کند و این، کمال مصاحبته و همراهی است و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ما چنین دستوری داده است. در اثر این رفتار خوب، آن مرد به اسلام گروید و مسلمان شد.

و از شگفت‌ترین چیزهایی که در باره عدالت امیر مؤمنان در ارتباط با مردم غیر مسلمان نقل شده چیزی است که شعبی روایت کرده است.

روزی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب — رضوان خدا بر او — به بازار رفت، اتفاقاً یک مرد نصرانی را دید که زرهی می‌فروخت.

علی (علیه السلام) زره را شناخت و فرمود: این زره مال من است و داور میان من و تو قاضی شهر باشد. گویند قاضی در آن زمان، شریح بود و خود علی (علیه السلام) او را بر کرسی قضاوت نشانده بود، وقتی در نزد قاضی حضور یافتند شریح پرسید یا علی چه می‌فرمایید؟ علی (علیه السلام): این، زره مال من است مدتی است که از من دزدیده شده و اکنون در دست این مرد می‌بینم.

شريح: هان، تو چه می گويي؟

مرد نصراني: من على را دروغگو نمی شناسم اما زره مال خود من است.

شريح: يا على! زره در دست اوست آبا شما شاهد و گواهی بر گفتار خود داريد؟

على (عليه السلام): شاهد و گواهی ندارم.

مرد نصراني: من شهادت می دهم که اينگونه قضاوت و داوری فقط از پیامبران ساخته است امير نزد قاضی حاضر می شود و قاضی بر ضد او حکم می کند. يا امير المؤمنین به خدا سوگند اين زره مال شماست و من هنگامی که شما در اردو و سپاه خويش حرکت می کردید شما را دنبال کردم و آن را که از روی شتر خاکستری افتاد برشتم و اکنون به وحدانيت خدا و رسالت محمد (صلی الله عليه و آله) گواهی می دهم.

على (عليه السلام) فرمود: حالا که مسلمان شدی آن زره مال تو باشد و علاوه بر آن او را بريک اسب نجیب هم سوار کرد.

شعبي گفت: آن مرد را ديدم که با مشرکان می جنگيد و اين حدیث ابوزكرياست.

از امير المؤمنان (عليه السلام) چيزی نقل شده است که پيشينه تاريخي قانون تأمين اجتماعي به حساب می آيد، همان که امروزه در کشورهای غربی مورد عمل است و على (عليه السلام) در آن قانون ميان شهروند مسلمان و غير مسلمان فرق نگذاشته است.

راوی گفت: مرد سالخورده و نابینایی از مردم سؤال می کرد و کمک می خواست. علی (علیه السلام) گفت: چیه؟ گفتند: ردی نصرانی است. علی (علیه السلام) گفت: از او کار کشیدید وقتی پیر شد او را رها کردید؟! از بیت المال برای او مستمری بدھید.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: حتی یک نفر یهودی هم اگر با تو همنشین شد با او نیکو همنشینی کن.

**مسئله ۳۱۲**— برای اصلاح میان مردم و حل اختلافات ایشان و تعمیم مهر و محبت در میان انسان‌ها و برطرف کردن اختلافات و دشمنی‌ها، ثواب فراوانی و عده شده است.

در کشورهای غربت که مردم از میهن و خویشاوندان و دوستان و آشنایان دور هستند ساماندهی امور و توسعه مهر و صفا، تأکید بیشتری دارد. و طبعاً ثواب بیشتری دارد امیرالمؤمنین، به فرزندانش امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) اندکی قبل از شهادتش آنگاه که ابن ملجم لعین خارجی آن حضرت را مضروب کرد چندین وصیت فرمود که از آن جمله است توصیه به تقوای الهی، نظم امور و اصلاح ذات البین، و درباره سفارش اخیر فرمود: شنیدم جد شما (صلی الله علیه و آله) می فرمود:

صلاح ذات البین افضل من عامّة الصلة و الصيام :

سامان دادن میان انسان‌ها از عموم نماز و روزه با فضیلت تر است.

**مسئله ۳۱۳**— نصیحت و خیرخواهی و خواستن ماندگاری صفات الهی برای برادران دینی و کراحت رسیدن بدی به ایشان و تلاش در زمینه

راهنمایی آنان به آنچه خیر و صلاح و سعادتشان در آن است، از کارهای دوست داشتنی نزد خدا - عزّ و جلّ - است و احادیث در این باره، بسیار زیاد است. رسول خدا (صلی الله عليه و آله) فرمود:

ان اعظم الناس منزله عند الله يوم القيمة امشاهم في ارضه بالنصيحة لخلقه : منزلت و رتبه آن کسی نزد خدا به روز قیامت بزرگ‌تر است که او در روی زمین برای خیرخواهی خلق خدا، بیشتر قدم برداشته است.  
واز امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: یکی از شما باید آنگونه خیر خواه برادر دینی اش باشد که خیرخواه خویشتن است.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: از حقوق واجب انسان مؤمن بر برادر دینی اش آن است که در حضور و غیاب خیرخواه او باشد.  
و امام ششم باز فرمود: برای خدا خیرخواه مردم باش که هیچ عملی را در ملاقات خدا بهتر از آن نخواهی یافت.

**مسئله ۳۱۴** — جستجو گری و دنبال کردن آنچه را که یک مسلمان آن را پوشیده می‌دارد و درین پرده اسرار و رازهای پنهانی مردم در شریعت اسلامی، حرام می‌باشد.

خدا سبحانه و تعالی در کتاب کریم خود فرمود:  
((يا ايها اليها الذين امنوا اجتنبوا كثيرا امن الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا)): ای مردمان با ایمان از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید که برخی از گمان‌ها، گناه است و تجسس مکنید.

یکی از یاران امام صادق به نام اسحاق بن عمار می‌گوید: شنیدم ابو عبدالله گفت، رسول خدا فرموده است: ای کسانی که به زبان مسلمان گشته اید لیکن ایمان خالص به دل‌هایتان راه نیافته است، مسلمانان را نکوهش نکنید و اسرار و رازهای آنان را فاش نسازید و هر کس چنان کند خدا اسرار و رازهای او را فاش کند و در خانه اش هم باشد او را رسوا فرماید.

**مسئله ۳۱۵**— غیبت آن است که انسان مؤمنی را به داشتن عیبی در غیاب او یاد کنی اعم از آنکه قصد عیب جوی باشد یا نه و اعم از آنکه چنان عیبی در اندام، نسب، خلقت، عملکرد، سخن، دین، دنیا، و یا دیگر امور باشد، به هر حال، چیزی است که از مردم پوشیده است چنانکه فرق ندارد یاد آن عیب و نقص از راه گفتار باشد یا عمل مشعر بر وجود آن.

خدا چنین عمل زشت را در قرآن کریم خود، مورد نکوهش قرار داده و آن را به شکلی چندش آور به تصویر کشیده است. خدا— جل و علا— فرمود: ((و لا یغتب بعضکم بعضاً ایحب احد کم ان یأکل لحم اخیه میتا فکر هتمو))؛ بعضی از شما غیبت دیگری را نکند آیا یکی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ شما چنان کاری را خوش نداشته اید.

و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: از غیبت کردن بپرهیزید که آن از زنا بدتر و سخت‌تر است زیرا شخص گاهی زنا می‌کند و توبه می‌نماید و خدا او را می‌آمرزد اماً غیبت کننده آمرزیده نشود تا غیبت شونده او را ببخشد.

و نیکو نیست که انسان به غیبت برادر دینی اش گوش کند بلکه بر اساس احادیث نبوی و روایات امامان معصوم - علیهم افضل الصلوٰة و السلام - بر شنونده را غیت واجب است که غیت شونده را یاری کرده و از او دفاع نماید و اگر چنان نکند خدا او را در دنیا و آخرت خوار و زبون سازد و او گناهی به همان اندازه گناه غیت کننده دارد.

**مسئله ۳۱۶** – تا سخن از غیت به میان می آید عادتاً یک عمل زشت دیگر هم به ذهن می آید و آن نمامی و سخن چینی است که کسی به دیگری بگوید فلانی درباره شما چنین و چنان می گفت و هدف سخن چین آن است که ارتباط با صفاتی دو برادر ایمانی را تیره سازد و یا تیرگی را عمیق تر کند.

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل است که فرمود:

الا انّبئكم بشراركم...؟ : آیا به شما خبر دهم که بدترین ها کیستند؟

فرمود: کسانی هستند که برای سخن چینی راه می افتد و میان دوستان جدایی می افکنند.

و امام باقر (علیه السلام) فرمود: بهشت بر غیت کنندگان و سخن چینان حرام است.

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: سه تن وارد بهشت نشود: بسیار خونریز، دائم الخمر، و سخن چین.

**مسئله ۳۱۷**— خدا سبحانه و تعالیٰ ما را از سوء ظن و بدگمانی هم نهی کرده است و در کتاب محکم و کریم خود فرمود: ای مؤمنان از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید که برخی از آنها گناه است.

به مفاد این آیه قرآن، هیچ مؤمنی حق ندارد بدون دلیل کافی و روشن، به برادر دینی خود گمان بد ببرد که از درون دل‌ها فقط خدا آگاه است بس، و ما تا می‌توانیم باید کار انسان مؤمن را به صورت صحیح آن حمل کنیم مگر آن که خلاف آن ثابت شود.

امیر مؤمنان فرمود: کار برادر ایمانی خود را حمل بر صحت کن مگر دلیلی داشته باشی که تو را از آن برگرداند و به هر کلامی که از دهان یک فرد مؤمن بیرون می‌آید گمان بد مبر در حالی که تو می‌توانی محمل صحیح برای آن بیابی.

**مسئله ۳۱۸**— اسراف و تلف گردن مال و دارایی دو رفتار بسیار بدی هستند که خدا سبحانه و تعالیٰ آنها را سخت مورد نکوهش قرار داده و او که برتر از هر گوینده است فرمود: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسراف کننده گان را دوست نمی‌دارد.

و در نکوهش تلف کنند گان و ریخت و پاش کنند گان اموال، فرمود: انَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا أخوان الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا : همانا آنان که اهل تبذیر و ریخت و پاش هستند همان‌ها برادران شیطان هستند و شیطان برای پروردگارش، بسیار ناسپاس است.

و امیر مؤمنان در نامه‌ای به زیاد درباره نگوهش اسراف از جمله چنین نوشته است: راه اقتصاد و صرفه جویی پیش بگیر و اسراف را رها کن و در هر روز، فردا را یاد بیاور و از مال به اندازه لازم و ضروری، نگاهدار و مازادی برای فردای نیازمند، ذخیره کن و پیش فرست، آیا تو امید آن داری که خدا برای تو پاداش فروتنان عطا کند در حالی که تو نزد او از مستکبران می‌باشی و طمع به لطف و پاداش تصدیق کنندگان داری در حالی که در میان نعمت‌ها غرق می‌باشی اما ضعفا و بیوه‌ها را از آن باز می‌داری؟ جز این نیست هر انسانی به آنچه پیش فرستاده و بر آنچه که قبلًا فراهم آورده است پاداش و جزا می‌بیند.

**مسئله ۳۱۹**— خدا سبحانه و تعالی در کتاب کریم خود مارا به انفاق در راه تشویق فرموده است و آن را بازرگانی و داد و ستدی پر منفعت، توصیف فرموده است:

((الْأَذِينَ يَتَلَوُنُ كِتَابَ اللَّهِ وَ اقْامُهُ اصْلُوَةً وَ انْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سَرَا وَ عَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لُّنْ تِبُورُ لَيْوَفِيهِمْ أَجْوَرُهُمْ مِمَّا يَرْزُقُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ)): همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و از آنچه ما روزیشان کرده ایم آشکار و پنهان، انفاق می‌نمایند امید به تجارت و داد و ستدی دارند که زیان و ضرر ندارد تا پاداش ایشان را به طور کامل بدهد و از فضل خویش بر ایشان بیفزایند که او آمرزنده و سپاسگزار است.

و در سوره دیگر خدای - جل<sup>۱</sup> و علا - فرمود: ((من ذا الَّذِي يَقْرَضُ اللَّهُ قَرْضاً حَسَناً فِي ضَاعِفَه لَه))؛ کیست به خدا قرض دهد قرضی نیکو و خدا برای او چندین برابر کند و برای او پاداشی بزرگوارانه هست روزی که زناسین و مردان با ایمان را می‌بینی که نورشان پیشاپیش و از سمت راستشان می‌درخشد، مژده باد شما را امروز بهشت‌هایی که از زیر درختان آن جوی‌ها روان است، و در آنها جاویدانید و رستگاری بزرگ همین است.

خدا در سومین آیه انسان را به شتاب در امر انفاق احسان پیش از فوت فرصلت فرمان می‌دهد:

((و انفقوا مِمَّا رزقناكم مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتَ فَيَقُولُ رَبِّ لَوْلَا أَخْرُجْتَنِي إِلَى أَجْلِ قَرِيبٍ فَاصْدُقْ وَاكْنُ مِنَ الصَّالِحِينَ وَلَنْ يُوْخِرَهُ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلَهَا وَاللَّهُ خَيْرُ بِمَا تَعْمَلُونَ)): از آنچه شما را روزی داده ایم انفاق و احسان کنید قبل از آنکه مرگ به سراغ یکی از شما بیاید آنگاه او بگوید پروردگارا چرا اجل مرا کمی تأخیر نیداختی تا صدقه داده و احسان می‌کردم و از صالحان می‌بودم ولی خدا اجل هیچ انسانی را وقتی که فرا رسید عقب نمی‌اندازد و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

سپس خدا سرانجام کسانی را که ثروت اندوزی کرده در راه خدا اصلاً انفاق نمی‌کنند و گنج و طلا و نقره فراهم می‌نمایند مورد توجه قرار داده و فرمود:

((وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الْذَّهَبَ وَالْفَضَّةَ وَلَا يَنْفَقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرُهُمْ بِعَذَابٍ الْيَمِينَ يَوْمَ يَحمى عَلَى هَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكُوئُ بِهَا جَاهَهُمْ وَجَنُوبَهُمْ وَ

ظهورهم هذا ما کنترتم لانفسکم فذوقاما کنتم تکترون)): و کسانی که طلا و نقره را گنج می کنند و آن را در اره خدا انفاق و خروج نمی کنند عذاب دردنایی را به ایشان بشارت بده! روزی که بر همانها که با آتش جهنم گرم شده اند، پیشانی‌ها، پهلوها و پشت هایشان داغ می شود و این است آن چیزی که برای خود می اندوختید پس به کیفر آنچه می اندوختید، عذاب را بچشد.

و امیر مؤمنان علی (علیه اسلام) مبادی بزرگ اسلام را تجسم بخشد.

پس آنچه در دست داشت از این دنیای فانی کرد و برای زهد و اعراض از این زروزیورها، آن روز که بیت المال در اختیار او بود توجهی نکرد و دریان حال خود، فرمود: ((ولو شئت لاهتدیت الطريق الى مصفی هذا العسل ولباب هذا القمح ئ نسائج هذا القز و لكن هیهات ان یغلبني هوای و یقودنی جشعی الى تخیر الاطعمه و لعل بالحجاز او القیامه من لا طمع له فی القرص و لا عهد له بالشیع او ایت مبطانا و حولی بطون غرثی و اکباد حری، او اکون کما قال القائل:

و حسبک داءَ ان تبیت بیطنة  
و حولک اکباد تحن الى القد))

اگر می خواستم راه به انتخاب این عسل مصفا و مغز گندم و بافته ابریشمی داشتم اما هرگز هوای من بر من غلبه نکند و مرا به گزینش خوراکی‌ها نکشاند و شاید در حجاز و یا یمامه کسانی سر به بالین گذارند کخ یک شکم سیر نخورند و به یک تکه نان نیازمندند و یا من با شکم پر بخوابم در حالی که در اطراف من شکم‌های خالی و جگرهای تشنه وجود

دارد و چنان باشم که شاعر گفت: چه دردی از این بالاتر که تو با شکم پر بخوابی و در اطراف تو کسانی باشد که سخت گرسنه و به تکه گوشی نیازمند باشد.

در احادیث نبوی و روایات امامان معصوم به صراحة آمده است که آثار دنیوی انفاق برای کسی که در راه خدا خرج می‌کند در همین حیات دنیوی آشکار می‌شود اما در آخرت پاداشی عظیم را باید انتظار بکشد.  
((یوم لا ینفع مال و لا بنون الامن اتی الله بقلب سليم)): روزی که نه دارایی‌ها و نه فرزندان سود نبخشد مگر آنکه انسان با دلی پاک و سالم خدا را دیدن کند.

از جمله آثار دنیوی انفاق، وسعت روزی برای خود انفاق کننده است پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ((استنزلوا الرزق بالصدقة)): روزی را بدادن صدقه، پایین آورید، و از جمله آثار انفاق در راه خدا شفای مریض‌ها بدان وسیله است، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ((دواوا مرض‌اکم بالصدقه)) بیمارهایتان را با دادن صدقه مدوا کنید. و از جمله آثار دنیوی انفاق و صدقه عبارت است از طول عمر و دفع مرگ بد. امام باقر (علیه اسلام) فرمود: همانا احسان و نکو کاری و صدقه دادن، فقر و نداری را بر طرف می‌کند و بر عمر می‌افزاید و احسان کننده و صدقه دهنده را از هفتاد نوع مرگ بد فرجام رهایی می‌بخشند.

و از دیگر آثار مثبت دنیوی صدقه و احسان، برکت مال و توفیق پرداخت قرضه‌است، از امام صادق (علیه اسلام) منقول است که فرمود

((الصدقه تقضى الدين و تخلف البر كه)): صدقه، پرداخت وام را فراهم می کند و برکت باقی می گذارد.

و همچنین صدقه آینده فرزندان انسان را تأمین می کند. امام صادق فرمود: هیچ بنده ای در دنیا به طریق نیکو صدقه نداد مگر آن که خدا پس از او در مورد فرزندانش، به نکویی جانشین ساخت.

و امام باقر (علیه اسلام) فرمود: این که من خانواده ای مسلمان را کفالت کنم و شکم آنان را سیر کنم و اندامشان را بپوشانم و مانع از آن باشم که دست به سوی مردم دراز کنم، دوست داشتنی تر است در نزد من از این که دهها بلکه هفتاد بار حج بگذارم.

**مسئله ۳۲۰**— رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) بزرگان و سرپرستار خانواده‌ها را تشویق فرموده است که برای اهل و عیال خود هدایایی بدنهندو بدان وسیله دل آنان را شاد کنند. ابن عباس گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس به بازار رود و هدیه ای بخرد و آن را به اهل عیال خود ببرد مانند آن است که صدقه ای را برای مردم نیازمند حمل کرده است.

**مسئله ۳۲۱**— اهتمام ورزیدن به امور مسلمانان از چیزهای است که شریعت اسلام به آن تشویق و مردم را به سوی آن فراخوانده است.

رسول خدا فرموده: ((من اصبح و لم یهتم بامور المسلمين فليس بمسلم)): هر که سب را سحر کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام نورزیده است مسلمان نیست.

و نیز فرمود: هر که صبح کند در حالی که در سر، اهتمام به امور مسلمانان را ندارد از آنان نیست.

و اینک برعی استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی — دام ظله — که ویژه این فصل است.

**مسئله ۳۲۲**— آیامی توان در تشیع جنازه همسایه غیر مسلمان، شرکت جست؟

جواب: هرگاه او و کسان و منسوبینش به عدوات مسلمانان و اسلام معروف نباشد، مانعی از شرکت نیست ولی افضل آن است که به دنبال جنازه حرکت کند نه جلوتر.

**مسئله ۳۲۳**— آیا با یک شخص غیر مسلمان اگر او همسایه، شریک و امثال آن بود می‌توان طرح دوستی ریخت؟

جواب: اگر او با اسلام و مسلمین دشمنی نمی‌ورزد و با کلام و یا در عمل، خصومت، آشکار نمی‌کند مانعی نیست که با او به مهر و محبت برخورد شود و در حقش احسان و نکویی به عمل آید خدای متعال فرمود: ((لا ينهيكم الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين ولم يخرجوكم من دياركم ان تبروهם و تقسووا اليهم ان الله يحب المقطفين)): خدا شما را از احسان و نکویی به کسانی که با شما نجنگیده و شما را از میهن و خانه و کاشانه تان بیرون نکرده اند، نهی نمی‌کند زیرا خدا اهل قسط و عدالت را دوست می‌دارد.

**مسئله ۳۲۴**— آیا پیروان ادیان و کتابهای آسمانی و با دیگر کفار که اهل کتاب نیستند، می‌توانند وارد مساجد و دیگر اماکن عبادت و مشاهد مقدس شوند و بر فرض جواز ورود، آیا بانوان بی حجاب ایشان را به رعایت حجاب باید الزام کرد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، ورود آنان به مساجد جایز نیست اما دیگر اماکن مقدس، مانعی ندارد وزنان باید به رعایت حجاب و پوشش اسلامی معتقد باشند در صورتی که بی حجابی آنان نوعی بی احترامی تلقی شود.

**مسئله ۳۲۵**— آیا همسایه یهودی، مسیحی و یا همسایه دیگری را که اصلاً دین ندارد و به آینینی دلبستگی ندارد می‌توان آزار داد؟

جواب: بدون سبب، جایز نیست او را آزار رسانید.

**مسئله ۳۲۶**— آیا به بینوایان کافر اعم از کتابی و غیر کتابی، صدقه می‌توان داد چنان کاری ثواب دارد؟

جواب: به هر کسی که با حق مردم محق، سرعنا德 و دشمنی ندارد می‌توان صدقه داد و خدا به چنان عملی، پاداش می‌دهد.

**مسئله ۳۲۷**— آیا امر به معروف و نهی از منکر با وجود احتمال تأثیر و اینمی از ضرر در مورد کسی که از دوستدران اهل بیت نیست و یا کافر است، واجب است؟

جواب: بلی، اگر همه شرایط فراهم باشد واجب است. و از جمله شرایط آن است که شخص در ارتکاب منکر و یا ترک واجب، معدوم نبوده

باشد و جاهم مقصو و معذور نیست پس اورا نخست باید ارشاد و راهنمایی کرد سپس اگر مخالفت ورزید مورد امر و نهی قرار داد. و این، در صورتی است که منکر از چیزهایی نباشد که شارع مقدس به هیچ وجه راضی به وقوع آن نیست مثل فساد در روی زمین و آدم کشی و خونریزی و امثال آن و گرنه جلو آنگونه کارها باید گرفته شود هر چند که کننده، جاهم قاصر بوده باشد.

**مسئله ۳۲۸**—در یک مدرسه اروپایی، در جلو شاگردان، خدا را انکار می‌کند، آیا جایز است بچه‌های مسلمان در چنان مدرسه درس بخوانند در حالی که تأثیرات القائات آن معلم بسیار جدی است؟

جواب: چنان کاری جایز نیست و اولیای اطفال مسئولیت کامل دارند.

**مسئله ۳۲۹**—آیا در دبیرستان‌ها، دختر و پسر می‌توانند مختلط باشند با علم به اینکه چنان اختلاطی، روزی به فعل حرام می‌کشد هر چند که آن، نگاه حرام باشد.

جواب: در آن صورت جایز نیست.

**مسئله ۳۳۰**—آیا یک شخص مسلمان می‌تواند به استخرهای شنا برود که مردوzen در آن مختلط اند و خصوصاً زنان در آنجا آنچنان پرده حیا را بریده که به تذکر اعتنا نمی‌کنند؟

جواب: حضور در چنان جاهایی بنابر احتیاط، مطلقاً جایز نیست هر چند که نگاه بدون لذت جنسی به زنان که پوشش ندارند و پس از نهی هم خودداری نمی‌کنند، جایز می‌باشد.

**مسئله ۳۳۱**— کسانی که در کشورهای غربی سکونت دارند، می‌توانند دختر با حجاب خود را برای آموزش اجباری به مدارس مختلط بفرستند با علم به اینکه مدارس غیر مختلط هم وجود دارد هر چند در مکانی دور و گران، و یا در سطح آموزش پایین؟

جواب: اگر اخلاق دختران در آن مدرسه فاسد شود تا چه رسد که اعتقادات و باورهای دینی را از دست بدهند که عادتاً چنین است، رفتن به آن مدارس جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۳۳۲**— دخترانی که در دانشگاه‌های کشورهای بیگانه درس می‌خوانند می‌توانند با پسران مسلمان در سفرهای تفریحی و گردش‌های علمی همراهی کنند؟

جواب: جایز نیست مگر آنکه از وقوع در حرام ایمن باشند.

**مسئله ۳۳۳**— آیا یک صحنه عشقی طبیعی را می‌توان در خیابان تماشا کرد؟

جواب: احتیاط آن است که به طور مطلق به چنین صحنه‌هایی نگاه نکند هر چند که اگر با نظر شهوت و لذت جنسی همراه نباشد می‌توان نگریست.

**مسئله ۳۳۴**— آیا می‌توان به سینماهای مختلط و دیگر اماکن لهو و ناشروع رفت با این وجود که مطمئن نیستیم در حرام نیفتیم؟ جواب: جایز نیست.

**مسئله ۳۳۵**— آیا شنا در استخر مختلط که هدف، لذت نمی‌باشد،

جایز است؟

جواب: بنابر احتیاط، رفتن به اماکن لهو و فساد، به طور مطلق جایز

نمی‌باشد.

**مسئله ۳۳۶**— آیا در روزهای آفتابی، می‌توان به کنار دریا و یا

پارک‌های عمومی رفت در حالی که در آنجا صحنه‌های خلاف عفت

عمومی وجود دارد؟ جواب: با وجود عدم اطمینان و خوف و وقوع در حرام،

جایز نیست.

**مسئله ۳۳۷**— در کشورهای اروپایی، توالتهای بهداشتی متناسب با

معیارهای خود می‌سازند و هرگز رو به قبله و یا پشت به قبله بودن را که ما

در ساختمانهای خود در میهن اسلامی، رعایت می‌کنیم ملحوظ نمی‌کنند.

آیا از چنان توالتهای می‌توان استفاده کرد به خصوص که سمت قبله را

ندانیم و اگر سمت قبله را بدانیم چطور؟ راه چاره چیست؟

جواب: در صورت نخست، بنابر احتیاط، از چنان توالتهای استفاده

نشود مگر آنکه از شناخت سمت قبله نومید شود و نتواند انتظار کشد و یا

منتظر ماندن برای او رنج آور و پر زحمت و یا آسیب زا باشد واما در صورت

دوم بنابر احتیاط رو به قبله و یا پشت به قبله نشینید و در موقع ضرورت و

ناچاری پشت به قبله بودن را برگزیند.

**مسئله ۳۳۸**— اگر یک مسلمان در کشورهای اروپایی و یا آمریکایی

وامثال آنها، جامه دانی پیدا کند که دارای علامت است و بدان وسیله

می توان صاحب آن را شناخت و یا اصلاً دارای علامت نباشد، تکلیف  
چیست؟

جواب: جامه دان معمولاً دارای علامتی است که بدان وسیله صاحب آن را می توان شناخت، پس اگر معلوم شود که صاحب آن مسلمان و یا در حکم مسلمان است که داراییشان محترم می باشد و یا چنین چیزی محتمل به احتمال، معقول و در خور توجه باشد لازم است یک سال صبر کند و آن را معرفی نموده و پس از آنکه از یافتن صاحب آن نویسیدی حاصل شد آن را صدقه داد و اما اگر معلوم گردد که صاحب آن، غیر مسلمان است جایز است آن را تملک نمود مگر آنکه کشور از کشورهایی باشد که مسلمانان تعهد داده تحت شرایط پیشنهادی آنان زندگی کند و از جمله است تحويل یافته‌ها و گمشده‌ها به صاحبانشان که در این صورت تملک آن جایز نیست و باید مطابق تعهدات قانونی عمل کرد.

**مسئله ۳۳۹**— هرگاه مبلغ زیادی پول در یک کشور اروپایی پیدا کنیم و علامتی هم نداشته باشد می توانیم آن را تملک کنیم؟

جواب: اگر آن پول دارای علامت نباشد که بدان وسیله صاحبیش را شناسایی کنیم هر چند آن علامت، مقدار و مبلغ آن باشد می توان آن را تملک کرد مگر آنکه مورد از مسائلی باشد که در پیش گفته‌یم که در آن صورت برابر مقررات قانونی آن کشور باید عمل شود.

**مسئله ۳۴۰**— در کشورهای غربی، هرگاه لوازم گران قیمت را باقیمت‌های خیلی پایین وارزان، در معرض فروش می گذارند طوری که

انسان مطمئن می‌شود که آن مال، مال دزدی است، اگر یقین و گمان قوی داشته باشیم که آن، مال دزدی است اعم از آنکه از مسلمان دزدیده شده و یا از کافر، فروشنده مسلمان باشد یا کافر، خرید و فروش چنان مالی جایز است؟

جواب: اگر انسان بداند و یا اطمینان داشته باشد که آن مال از یک شخصی که مالش محترم است دزدیده شده اعم از آنکه مسلمان باشد یا غیر مسلمان، خرید و فروش و تملک چنان مالی، جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۳۴۱**— قیمت سیگار در کشورهای غربی و اروپایی، بسیار گران است، آیا خرید آن از باب حرمت اسراف و تبذیر حرام است به ویژه آنکه می‌دانیم سیگار فایده‌ای ندارد که هیچ، ضرر هم دارد؟

جواب: خرید آن، جایز است و نتها بدان علت که در سؤال فرض شده، استعمال آن حرام نمی‌شود، بلی اگر سیگار کشیدن برای شخصی به طور جدی ضرر کند و ترک آن، برایش آسیبی نرساند و یا ضرر ترک سیگار از ضرر خود سیگار کشیدن کمتر باشد، در این صورت اجتناب لازم است.

**مسئله ۳۴۲**— برای ظبط مکالمه‌های تلفنی اشخاص، دستگاه‌های اختراع کرده اند که بدون توجه صحبت کننده، سخنان او ظبط می‌شود تا به هنگام لزوم و نیاز به آنها احتجاج و استشهاد شود. آیا چنین کاری جایز است؟

جواب: در ضبط سخنان کسی که در پشت تلفن صحبت می‌کند اجازه گرفتن واجب نیست اما پخش آنها و به اطلاع دیگران رساندن، اگر اهانت به مؤمن و افسای راز او محسوب می‌شود جایز نیست مگر این که آن هم با واجبی دیگر برابر و یا مهم‌تر، تراحم پیدا کند.

### مسئله ۳۴۳— عکس برداری را به مجلس جشن عروسی که در آن

شراب می‌خورند دعوت می‌کنند آیا پذیرفتن چنین دعویی جایز است؟

جواب: جایز نیست از صحنه‌های شرابخواری و امثال آن که از

محرومات اند، فیلمبرداری شود.

### مسئله ۳۴۴— حدود اطاعت از پدر و مادر چیست؟

جواب: فرزند در برابر پدر و مادر دو نوع واجب دارد:

اول: نکویی و انفاق به ایشان اگر بینوا و تهییدست اند و تأمین نیازمندی‌های زندگیشان و برآوردن خواسته‌های مشروعان در حدود شئون عادی زندگانی آنگونه که فطرت سالم ایجاب می‌کند. و ترک این وظیفه نوعی انکار نکویی‌های ایشان است.

و این نکویی بر حسب اختلاف حال پدر و مادر از حیث تنگنایی و گشايش و نیرو و ضعف فرق می‌کند.

دوم: نیک رفتاری و خود داری از بد رفتاری در سخن و عمل اگر چه به او ستم کرده باشد و در روایت آمده است که اگر پدر و مادرت تورا زدند باید به آنان تندي کنی بلکه باید بگویی خدا شما را بیامرزد.

این دو وظیفه نسبت به شئون پدر مادر است و اما در شئون فرزند نیز  
امر دو نوع است:

اول: اذیت شدن پدر و مادر از این ناحیه باشد که دلسوز فرزندشان  
هستند و از کاری که او انجام می‌دهد هر چند در ارتباط با ایشان نباشد، رنج  
می‌کشند، فرزند، چنین کاری را باید بکند اعم از اینکه او را نهی کنند و یا  
نه.

دوم: اذیت شدن پدر و مادر از این جهت باشد که آنان برخی  
خلاصهای نکوهیده دارند مثلاً دوست نمی‌دارند فرزندانشان به دنبال خیر  
دنيا باشد چنین اذیت شدنی اثری برای فرزند ندارد و واجب نیست فرزند در  
مقابل این نوع توقعات تسلیم آنان باشد. و از همین مطلب معلوم می‌شود که  
اطاعت از پدر و مادر در خصوص او امر و نواهی شخصی شان در حد ذات  
خود واجب نیست. و خدا عالم و داناست.

**مسئله ۳۴۵**— برخی پدران می‌ترسند فرزندانشان امر به معروف و نهی  
از منکر کنند مباداً زیانی به آنان رسد، آیا اطاعت آنان در این موارد واجب  
می‌شود با علم فرزند به اینکه عمل او مؤثر واقع می‌شود و بیم ضرر هم  
برخود نمی‌برد؟

جواب: اگر چنان کاری با شرایط، بر فرزند واجب باشد لازم است  
انجام دهد و باید به خاطر اطاعت مخلوق، نا فرمانی خالق کند.

**مسئله ۳۴۶**— پسری با پدر و مادرش هر روز در یک امر حیاتی بگو  
مگوی تندی می‌کنند طوری که پدر و مادر می‌رنجدند. آیا جایز است

فرزندان چنین کنندو حدود چنین رفتاری چیست فرزند تا کجا باید آن  
حدود را رعایت نماید؟

جواب: هر فرزندی می‌توان درباره نظرات پدر و مادر که به صحبت آنها عقیده ندارد بحث و گفتگو کند اما باید آرامش داشته باشد و ادب را رعایت نماید و به آنان تندوتیز ننگرد و صدایش را برآنان بلند نکند تا چه رسید به کار بردن کلمه‌های رکیک و خشن که هرگز جایز نیست.

**مسئله ۳۴۷**— مادری به فرزندش می‌گوید برو همسرت را طلاق بده و گرنه عاقت می‌کنم چون او با عروس خود نمی‌سازد آیا اطاعت مادر در این خصوص واجب است؟

جواب: اطاعت از مادر در این مورد واجب نیست و آن کلام که تورا عاق می‌کنم، بی اثر است البته باید از بد گفتاری با مادر اجتناب کرد.

**مسئله ۳۴۸**— پدری فرزند خود را طوری زده است که بدن او را سرخ و یا سیاه کرده است آیا بر پدر، دیه واجب می‌شود و اگر جز پدر کسی دیگر بزند حکم فرق می‌کند؟

جواب: دیه واجب می‌شود اعم از آنکه زننده، پدر باشد و یا دیگری .  
**مسئله ۳۴۹**— مسلمانی اطمینان دارد که پدرش از ته قلب به خارج مسافرت کردن او راضی نیست اما او آن را از زبان پدر نشنیده است آیا در این صورت سفر را که به مصلحت او هم هست باید ترک کرد؟

جواب: اگر نکویی به پدر در همان حدی که در مسائل گذشته اشاره کردیم چنان کاری را ایجاب کند و یا پدر از مسافرت فرزندش به سبب

دلسوزی، اذیت می‌شود لازم است او چنان مسافرتی را رها کند مگر آن که از ترک آن سفر ضرر و زیان ببیند که در این صورت لازم نیست ترک سفر کند تا آنان نرنجد.

**مسئله ۳۵۰**— آیا زن به پدر و مادر و برادر و خواهر شوهر باید نکویی و خدمت کند و یا شوهر لازم است که به پدر، مادر، برادر و خواهر همسرش خدمت و نیکی کند خصوصاً در سرزمین‌های غریب؟

جواب: در این که چنان کاری، احسان و نیکی و نکویی به زن و شوهر به حساب، می‌آید خوب است، با این وجود واجب نیست.

## فصل ۶

### مسائل پزشکی

نظر به پیشرفت علم و تکنولوژی در کشورهای غربی و آمریکایی، بیشتر مسلمانان بای دیدن دوره تخصص‌های پزشکی به ان کشورها وارد می‌شوند هم چنانکه مسلمانان ساکن در آن کشورها همانند دیگر شهروندان، آنجا که سلامتیشان ایجاب کند نیازمند معالجه و مراجعه به مراکز پزشکی می‌شوند و به همین سبب، نیکوست که ما برخی احکام شرعی را توضیح دهیم.

**مسئله ۳۵۱**— تشریح اندام مسلمان به قصد آموزش و دیگر اغراض، جایز نیست اما اگر حیات یک مسلمان هر چند در آینده به آن عمل، موقوف باشد، چنان کاری، جایز می‌شود.

**مسئله ۳۵۲**— جایز است عضوی از اعضای یک حیوان و حتی سگ و خوک را به بدن انسان پیوند بزنند و برآن عضو پیوندی آثار و احکام بدن خود انسان مترتب است یعنی: آن، پاک است و نماز با آن جایز می‌باشد. بعد از آن که حیات در آن عضو حلول کرده باشد، و عضو بدن انسان به حساب آید.

**مسئله ۳۵۳**— هیچ پزشکی نمی‌تواند دستگاهی را که برای ادامه حیات یک مریض مسلمان کار گذاشته شده و ضربان قلب او را راه انداده است هر چند که حیات گیاهی بوده و اگر چه مغز از کار افتاده باشد بکشد و از کار بیندازد زیرا جان مسلمان احترام دارد.

همچنین هیچ پزشکی نباید به تقاضا و در خواست مریض و یا خویشاوندان او از کمک و معالجه مریض مسلمان خودداری کند و اگر پزشکی آن دستگاه را راه بیندازد و مریض بمیرد، آن پزشک قاتل شناخته می‌شود.

**مسئله ۳۵۴** — شایسته نیست دانشجوی پزشکی، به هنگام آموزش به آلت تناسلی کسی نگاه کند مگر زمانی که با نگاه او، ضرر و آسیبی بزرگ از مسلمانی هر چند در آینده، برطرف می‌شود.

**مسئله ۳۵۵** — واجب نیست مسلمان قبل از خوردن دوا جستجو کند که آیا آن دوا مشتمل بر مواد حرام هست یا نه هر چند که چنان تفحصی سهل و آسان باشد.

و اینکه برخی استفتائهای ویژه این فصل و پاسخ‌های حضرت آیت الله العظمی سیستانی دام ظله.

**مسئله ۳۵۶** — معروف است که مواد مخدر به استعمال کننده آن و یا به طور کلی بر جامعه ضرر و زیان قابل توجه دارد اعم از اعتیاد دائم یا جز آن. ولذا پزشکان و خانه‌های بهداشت یک صدا به آن حمله می‌کنند و قوانین اجتماعی و کشوری هم با عامل‌های آن به مبارزه بر می‌خیزند، نظر شریف شما در آن باره چیست؟

جواب: استعمال مواد مخدر که دارای ضرر و زیان قابل توجهی است اعم از آنکه ضرر از ناحیه اعتیاد دائم باشد و یا جز آن حرام است. بلکه احتیاط واجب، آن است که به طور کلی از آنها پرهیز شود مگر در هنگام

ضرورت‌های پزشکی و امثال آن، پس به همان اندازه ضروری تجویز می‌شود و خدا داناست.

**مسئله ۳۵۷**— توصیه‌های پزشکی می‌گوید سیگار کشیدن عامل اصلی بیماری‌های قلبی و سرطان است و گاهی هم سبب کوتاهی عمر می‌شود پس حکم سیگار کشیدن بالنسبه به اشخاص ذیل چیست؟

۱- کسی که تازه شروع کرده است.  
۲- به سیگار کشیدن معتاد شده است.

۳— در کنار کسی نشسته ایم که او سیگار می‌کشد و پزشکان می‌گویند آن کس که در کنار شخص سیگاری می‌نشیند ضرری قابل توجه، به او می‌رسد.

جواب:

۱— کشیدن سیگار اگر موجب ضرر و زیان می‌شود هر چند در آینده واعم از اینکه آن ضرر معلوم باشد و یا گمان ضرر وجود داشته باشد طوری عقلاً بر سلامت شخص بیناک باشند، حرام است. و اما اگر این از ضرر و زیان شدید باشد هر چند بدین جهت که کمتر می‌کشد، مانعی ندارد.

۲— اگر ادامه کشیدن سیگار ضرر شدیدی می‌آورد باید دست بردارد مگر آنکه ترک سیگار موجب ضرر دیگری شود مثل ضرر حاصل از سیگار کشیدن و یا سخت‌تر از آن و یا اینکه ترک سیگار برای او حرجی باشد طوری که عادتاً تحمل ناپذیر است.

**۳—چنین شخصی همانند شخص مبتدی است، و جواب بخش اول شامل حال او هم می‌شود.**

**مسئله ۳۵۸—** به عقیده بعضی، مرگ مغز برابر با مرگ انسان است، هر چند که نبض او بزند اما پس از مدتی نبض هم می‌ایستد - آنگونه که پزشکان می‌گویند - آیا چنان انسانی مرده حساب می‌شود و یا باید نبض از حرکت باز ایستد؟

جواب: در صدق عنوان ((مرده)) که موضوع عده‌ای از احکام شرعی است، نظر عرف شرط است که او را مرده نامند و در فرض سؤال چنین نیست.

**مسئله ۳۵۹—** کار طبابت ایجاب می‌کند که پزشکان بعضی خانمهای بیمار را با دقت معاينه کنند و چون در کشورهای اروپایی در آوردن لباس‌های رویی به هنگام معاينه، معمولی است آیا پرداختن به شغل پزشکی در آنجاهای و به این صورت جایز است؟

جواب: با اجتناب از نگاه کردن و دست زدن که حرام می‌باشد جایز است، مگر به مقداری که تشخیص بیماری به آن بستگی دارد.

**مسئله ۳۶۰—** گاهی پزشک معالج، لازم می‌بیند که بخشی از بدن زن نامحرم را باز کند و احياناً ممکن است آنجا، از جاهای حساس باشد جز آلت تناسلی آیا باز کردن بدن نامحرم به هنگام معاينه و یا معالجه جایز است؟  
اولاً: با وجود پزشک زن هر چند با پرداخت ویزیت گران؟

ثانيًا: بيماري چندان مهم نیست ولی به هر حال او مريض شده و به پزشك مراجعه کرده است.

ثالثًا: اگر پزشك بخواهد به آلت تناسلي نگاه کند حکم آن چيست؟

جواب:

۱— با وجود پزشك زن، مراجعه به پزشك مرد جاييز نیست مگر آنكه حق ويزيت آنقدر زياد باشد که او از عهده پرداخت آن نتواند بيرون آيد.

۲— و اگر در آن صورت ترک معالجه به ضرر و زيان افتاد و يا به رنجي گرفتار شود که تحمل پذير نیست، جاييز است.

۳— به هر تقدير باید به اندازه ضرورت و ناچاري اكتفا شود و اگر معالجه بدون نگاه مستقيم ميسر باشد مانند نگاه در صفحه تلوزيون و يا در آينه، احتياط ترک نشود.

**مسئله ۳۶۱**— در دانش ژنيك برخى دانشمندان مدعى اند که می توانند نوع انسان را به واسطه تغيير ژنها و تأثير بر آنها، زيباتر کنند. اولاً: رشتى صورت را بطرف می کنندو ثانياً به جاي آن، زيبايي قرار مى دهند و ثالثاً: هر دو کار را انجام مى دهند. آيا دانشمندان حق چنين کاري را دارند و آيا مسلمان حق دارد ابه پزشك اجازه دهد که ژن هاي ارثي را، زيبا سازد  
جواب: اگر مشكل جنبي نداشته باشد چنان عملی در حد ذات خود بلامانع است.

**مسئله ۳۶۲**— برخى شركت هاي غربي،دواهایی را قبل از آنکه رسماً به بازار آيد تجربه می کنند.

آیا یک پزشک می‌تواند چنان دوایی را به وسیله مریض خود بیازماید  
بدون اینکه مریض بداند بخصوص اگر پزشک گمان دارد که پیش از  
حصول نتیجه نهایی برای آن شرکت دربرای مریض مفید خواهد افتاد؟  
جواب: باید بیمار را مطلع ساخت و موافقت او را در تجربه دوا به  
دست آورد مگر آنکه پزشک مطمئن باشد که آن دوا بر مریض، اثر جانبی  
ندارد و همین اندازه که فقط در مفید بودن آن شک دارد.

**مسئله ۳۶۳**— برخی اداره‌ها (پزشکی قانونی) در مواردی می‌خواهند  
جنازه‌ای را برای فهم علت مرگ و یا قتل، تشریح کنند آیا چنین اجازه‌ای  
هست یانه و چه موقعی جایز نمی‌باشد؟

جواب: ولی میّت، نمی‌تواند به تشریح جنازه مرده‌ای برای مقصد یاد  
شده، اجازه دهد. و در صورت امکان، باید از آن جلو گیری به عمل آورد.

**مسئله ۳۶۴**— هدیه کردن کلیه مثلاً از آدمی زنده برای زنده دیگر و یا  
با وصیت مرده‌ای برای زنده اعم از مسلمان برای کافر و یا به عکس، جایز  
است؟ و آیا فرقی میان اعضاء هدیه شده وجود دارد؟

جواب: بخشیدن عضوی از شخص زنده برای زنده دیگر و پیوند آن  
به بدن دیگری اگر او را با خطر جدی روبرو نکند مانع ندارد مانند آنکه  
شخصی که کلیه دیگرش سالم است و کار می‌کند کلیه دومش را به بیمار  
کلیوی اهدا کند. و همچنین بریدن عضوی از اندام مرده با وصیت او و پیوند  
دادن آن به شخص دیگر هر گاه میّت، مسلمان و یا در حکم مسلمان نباشد  
باز مانع ندارد. زیرا نجات یک انسان مسلمان موقوف به آن است، و اما در

غیر این دو صورت در نفوذ وصیت و در صحت آن و در جواز قطع عضوی از وی، اشکال هست اما به هر حال اگر طبق وصیت عضوی بریده شد برای قطع کننده آن، دیه واجب نمی‌شود.

**مسئله ۳۶۵**— اگر عضوی را از بدن ملحدی به بدن مسلمانی پیوند بزنند آیا پس از عمل پیوند و بعد از آنکه عضو بدن مسلمان شد، آن عضو پاک است؟ جواب: عضوی که از بدن زنده جدا می‌شود بدون فرق میان مسلمان و غیر مسلمان نجس است و پس از آنکه جزیی از بدن مسلمان و یا کسی که در حکم مسلمان است، گردید و روح در آن حلول کرد محکوم به طهارت و پاکی است.

**مسئله ۳۶۶**— ماده انسولین که در معالجه بیماری قند تزریق می‌شود احیاناً از بنکر بایس خوک، گرفته می‌شود آیا استعمال آن جایز است؟ جواب: مانعی نیست که در عضله یا رگ یا زیر پوست با سوزن، تزریق شود.

**مسئله ۳۶۷**— آیا پیوند کلیه خوک به انسان جایز است؟

جواب: جایز است و خدا عالم است.

**مسئله ۳۶۸**— آیا کشت نطفه جایز است بدین معنی که تخمک زن و نطفه مرد را منتقل می‌کنند و تخمک را دز بیرون رحم تلحیق کرده و آنگاه در داخل بدن قرار می‌دهند؟!

جواب: این کار در حد ذات خود جایز است.

**مسئله ۳۶۹**— برخی بیماری‌های ارثی هستند که از پدران به فرزندان انتقال می‌یابند و زندگانی آنها را به مخاطره می‌اندازد. علم جدید راه نجات

برخی از مرض‌ها را یافته است بدین ترتیب که تخمک زن را در لوله خارجی کشت می‌کنند و جنین‌های به وجود آمده را کنترل می‌کنند و سالم را از بین آنها انتخاب و در رحم مادر کشت می‌کنند، بقیه را از میان می‌برند آیا چنین عملی شرعاً جایز است؟

جواب: مانعی ندارد

**مسئله ۳۷۰**— در عمل تلقیح تخمک در داخل دستگاه مصنوعی، گاهی چندین جنین شکل می‌یابد و چه بسا کشت همه آنها در رحم مادر برای او مرگ آور و یا خطرناک است آیا می‌توان یک جنین را برگزید و بقیه را تلف کرد؟

جواب: کشت تخمک پروردۀ شده که در دستگاه آزمایش، به عمل می‌آید واجب نیست پس در فرض سؤال می‌توان یکی را برگزید و بقیه را تلف کرد و از بین برداشت.

**مسئله ۳۷۱**— آیا می‌توان با عمل جراحی، صورت و یا قسمت‌های دیگر بدن را زیبا ساخت؟

جواب: با پرهیز از لمس و نظر حرام، جایز است.

بیماری ایدز (Aids) و یا ضعف سیستم ایمنی بدن از خطرناکترین بیماری‌های بشری است که بر حسب آمار ۱۹۹۶، هشت میلیون قربانی در جهان داشته است و فعلاً بیست و دو میلیون انسان حامل ویروس این بیماری وجود دارد و آمارهای اخیر نشان می‌دهد که تلفات این بیماری در سال ۱۹۹۶ به یک میلیون و نیم انسان بالغ شده است و بنابر این آمار، تعداد مرگ

و میر حاصل از ایدز تا ۱۹۹۸ به شش میلیون نفر می‌رسد و همین رقم را سازمان بهداشت جهانی به مناسبت روز جهانی ایدز که مصادف با ۱۹۹۶/۱۲/۱ است اعلام کرده است.

پزشکان راههای عمدۀ سرایت این بیماری را به قرار زیر اعلام کرده

اند:

الف — ارتباط جنسی میان افراد هم جنس و یا از دو جنس و این خطرناک‌ترین وسیله شیوع بیماری ایدز است و ابتلا از این طریق ۸۰٪ می‌باشد.

ب — ورود میکروب از راه خون اعم از طریق آمپول‌های آلوده و خصوصاً آلوده به مواد مخدر و یا از طریق زخم‌های قابل نفوذ و پیوند اعضا و حتی در عملیات جراحی اگر ابزار جراحی کاملاً ضد عفونی نشده باشند.

ج — از طریق مادر مبتلا هنگام بارداری و یا در موقع زایمان، ویروس به چنین انتقال می‌یابد.

آمارهای، گویای این حقیقت هستند که تمام کشورهای جهان به این بیماری مبتلا هستند و ملتی از آسیب آن، در امان نیست هم چنان که شماره بیماران به طور مرتب بالا می‌رود و بیشتر در میان جنس مرد است و هم چنین از آثار بداین بیماری (ایدز) شیوع برخی بیماری‌هایی است که در حال ریشه کن شدن در عالم بوده اند مثل سل ریه.

پس از این مقدمه، برخی استفتاء‌ها را تقدیم می‌کنیم:

**مسئله ۳۷۲**— کسی که به بیماری ایدز مبتلاست آیا واجب است

شخصاً خود را منزوی کند و یا خانواده اش او را منزوی نمایند؟

جواب: بر او واجب نیست که خود را منزوی کند و بر خانواده او نیز

واجب نمی‌باشد که او را منزوی نمایند بلکه اگر خطر سرایت به دیگران

نباشد نمی‌توان او را از حضور در مساجد و دیگر اماکن عمومی منع کرده

بلی واجب است در خصوص راههای سرایت قطعی و یا احتمالی مراقبت و

پیشگیری به عمل آید.

**مسئله ۳۷۳**— حکم سرایت دادن عمدی چیست؟

جواب: چنان کاری جایز نیست و اگر آن عمل موجب مرگ شخص

سرایت شده، شود هر چند پس از مدتی، ولی مردہ می‌تواند نقل کننده

عمدی را قصاص کند به خصوص اگر می‌دانست که چنان کاری به مرگ

طرف می‌کشد و اما اگر جاهم بوده و یا از اثر آن غفلت داشته است فقط دیه

و کفاره واجب می‌شود و بس.

**مسئله ۳۷۴**— آیا شخص مبتلا به بیماری ایدز می‌تواند با شخص سالم

ازدواج کند؟

جواب: آری، ولی نمی‌تواند طرف را فریب دهد یعنی خود را به

هنگام خواستگاری سالم معرفی کند با این که خود می‌دانسته است که بیمار

است. همچنانکه بر او جایز نیست با همسرش مقارت کند که به سرایت

ویروس منتهی می‌شود و اما مجرد احتمال سرایت با وجود عدم یقین،

اجتناب از نزدیکی واجب نیست البته پس از توافق و تحصیل رضایت طرف.

**مسئله ۳۷۵**— حکم ازدواج کسانی که هر دو حامل ویروس ایدز هستند

چه طور است؟

جواب: مانعی ندارد اما اگر روابط جنسی میان آنها سبب تشديد بيماري در حد خطرناك باشد، اجتناب، لازم است.

**مسئله ۳۷۶**— مجتمع با کسی که به بيماري ايدز مبتلاست چطور است؟ آیا شخص سالم باید از او اجتناب و دوری کند زیرا معاشرت، یکی از عمدۀ ترین راه‌های سرايّت ویروس اين بيماري است؟

جواب: همسري که سالم است می‌تواند از شوهرش که مبتلا به ايدز است و مقاربت موجب سرايّت ویروس می‌شود هر چند که احتمالاً، تمکين نکند بلکه واجب است او از عمل مقاربت که موجب انتقال ویروس ایدز به وی می‌شود خود داری کند.

و اگر ممکن باشد، احتمال سرايّت را هر چند با استعمال کاندوم و يا دیگر وسائل پيشگيري تا ۲٪ پائين آورد جلوگيری از بارداری جاييز می‌شود بلکه بنابر احتياط خود داری از مقاربت جنسی جاييز نمی‌باشد.؟

واز همين مسئله حکم شوهر سالم نسبت به همسر مبتلا به ايدز معلوم می‌شود، يعني مرد نمی‌تواند با همسرش که مبتلا به ايدز است نزديکی کند با احتمال سرايّت ویروس به وی، البته باید اين احتمال معقول و قابل قبول باشد و حق شرعی مقاربت در هر چهار ماه ساقط می‌شود مگر اينکه بتوانند از وسائل ايمنی استفاده کنند و جلو سرايّت را بگيرند.

**مسئله ۳۷۷**- زن و یا شوهری که سالم است حق دارد طلاق و جدایی را مطرح کند؟

جواب: اگر به هنگام عقد، فریب صورت گرفته باشد یعنی در وقت خواستگاری و عقد خوانی زن و یا مرد خود را سالم معرفی کرده است و عقد مبني بر سلامت طرفین واقع شده است در این صورت آن کس که فریب خورده حق دارد عقد را بهم بزند و فریبی که موجب حق اختیار می شود، تنها با سکوت زن و یا ولی او ثابت نمی شود اگر مرد عقیده داشته که بیماری وجود ندارد. اما اگر فریب کاری در میان نبوده و یا مرض او بعد از عقد پیدا شود مرد می تواند همسرش را مرض ایدز دارد طلاق دهد و اما همسر سالم آیا به مجرد این که شوهرش مريض است و با او نمی تواند مقاربت کند، می تواند طلاق بخواهد؟ در این مسئله دو وجهه است. واحتیاط ترک نشود البته اگر شوهری به کلی همسرش را ترک کند طوری که او بلا تکلیف بمانداو می تواند به حاکم شرع مراجعه کرده و شوهرش را به یکی از دو امر الزام کند یا طلاقش دهد و یا به کلی او را ترک نکند.

**مسئله ۳۷۸**- وقتی که شوهر به بیماری ایدز مبتلا باشد حکم طلاق از سوی زن چگونه است؟

جواب: پاسخ این سوال گذشت (زن می تواند به حاکم شرع مراجعه کند و تقاضای طلاق دهد...)

**مسئله ۳۷۹**: آیازنی که به بیماری ایدز مبتلاست می تواند سقط جنین کند؟

جواب: این کار جایز نیست بخصوص پس از آنکه روح به جنین دمیده شده اما اگر ادامه حاملگی برای مادر ضرر داشته باشد قبل از حلول روح در جنین، اسقاط آن جایز است اما پس از آن نه.

### **مسئله ۳۸۰—حق حضانت طفل سالم برای مادر مبتلا به ایدز و دادن**

شیر آغوز و یا جز آن چیست؟

جواب: حق حضانت و سرپرستی مادر نسبت به فرزندش، ساقط نمی شود لیکن لازم است، مراقبت به عمل آید تا از سرایت بیماری پیشگیری شود و اگر احتمال سرایت ویروس، احتمالی معقول باشد و شیر خوردن مستقیم از پستان مادر برای طفل خطرناک باشد، اجتناب لازم است.

### **مسئله ۳۸۱—آیا می توان بیمار ایدز را بیماری مرگ کلّی کرد؟**

جواب: چون دوران این مرض، خیلی طولانی است و زمان زیادی طول می کشد، نمی توان آن را مرض موت حساب کرده اما مرحله های پایانی آن که مرگ بیمار نزدیک می شود مانند مرحله شدت هیجان، و فقدان کامل نیروی دفاعی و یا عوارض عصبی کشنده دیگر، آن را مرض موت می توان تلقی نمود.

### **مسئله ۳۸۲—آیا برای پزشک جایز و یا واجب است که بیماری ایدز را به کسان بیمار مانند همسران و شوهران، آشکار بیان کند و آنان را مطلع سازد؟**

جواب: هر گاه بیمار و یا ولی او اجازه دهند اعلام مرض و بیماری توسط پزشک جایز است. و اگر تأمین حیات برای او به مدت طولانی

موقوف به اعلام مرض باشد چنان که نگفتن آن ممکن است عوارضی را به دنبال داشته باشد مانند ترک احتیاط لازم و سرایت مرض، در این صورت اعلام مرض برای کسان بیمار واجب می‌شود و خدا داناست.

**مسئله ۳۸۳**—اگر مسلمانی بداند که او به مرض ایدز مسربی، گرفتار است آیا جایز است او با همسرش، عمل زناشویی انجام دهد و آیا واجب است او را مطلع سازد؟

جواب: هرگاه او بداند که با عمل زناشویی، ویروس مرض به همسرش سرایت می‌کند زناشویی به طور مطلق جایز نیست و همچنین است اگر چنان امری را احتمال دهد و آن احتمال قابل توجه باشد. مگر آنکه همسرش از بیماری شوهر مطلع باشد و با رضایت خود، تمکین کند.

## فصل ۷

### ازدواج

در باره زناشویی و ازدواج در شریعت اسلامی، قوانین و مقررات ویژه‌ای وجود دارد که همگی جنبه حیاتی دارند و از این نظر که نیازهای مختلفی را از انسان رفع می‌کنند هر یک حاوی نکته‌های کلی و جزئی می‌باشند و تأمین کننده بسیاری از خواسته‌هایی هستند که با زندگی فردی و جمعی او پیوند پیدا می‌کنند. احکام در رابطه با مسائل جنسی مرد و زن، بسیار است و ما به آن اندازه که به زندگی یک مسلمان در یک کشور غیر اسلامی ارتباط زیاد دارد و دانستن آنها برای او مهم و لازم است، می‌پردازیم.

**مسئله ۳۸۴**— ازدواج از مستحبات مؤکد است از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت است که فرمود: هر کس ازدواج کرد نیمی از دین خود را حفظ کرد.

و در روایت دیگر فرمود: هر کس می‌خواهد از سنت من پیروی کند، نکاح از سنت من است.

و در حدیث سوم فرمود: هیچ مسلمانی، پس از اسلام، همانند همسر مسلمانی که به هنگام نگاه، او را شاد کند و از دستوراتش فرمان برد و در عیاب حافظ ناموس وی باشد، بهره‌ای به دست نیاورده است.

**مسئله ۳۸۵**— شایسته است مردی که می‌خواهد همسر برگزیند برخی صفات را در نظر بگیرد و جز بازن عفیف، پاکدامن، بزرگوار، ریشه دار و صالحه‌ای که در امور دین و دنیا یار و یاور او باشد، ازدواج نکند و سزاوار

نیست که مرد فقط به جمال ظاهری بسنده کند در حدیث آمده که پیامبر (صلی الله و علیه وآلہ) فرمود: از سبزی مزبله پرهیزید. پرسیدند: مراد شما چیست؟ فرمود زن زیبای بد تربیت.

**مسئله ۳۸۶**— شایسته آن است که زن و اولیای دختر که او می خواهد ازدواج کند، مردی دارای صفات ذیل را برای شوهری انتخاب کند و جز مرد متدين، عفیف و پاک نظر، خوش اخلاق که هرگز لب به شراب نزده و به منکرات و گناهان کبیره آلوده نشده است را انتخاب نکند.

**مسئله ۳۸۷**— بهتر است اگر خواستگار، مردی متدين و خوش اخلاق است جواب رد به وی داده نشود رسول خدا فرمود: اگر کسی به خواستگاری شما آمد و از دین و اخلاق او خشنود بودید با او ازدواج کنید و اگر نکنید در روی زمین فتنه و فسادی بزرگ روز خواهد داد.

**مسئله ۳۸۸**— مستحب است هر انسانی در امر ازدواج دیگران وساطت کند و طرفین را بدان امر راضی کند.

**مسئله ۳۸۹**— مردی که می خواهد با دختر یا زنی ازدواج کند قبل از خواستگاری می تواند به زیبایی های او نظر اندازد و با وی هم صحبت شود و از جمله زیبایی های: صورت، مو، گردن، دست، پا بازوan، و دیگر جاهای زیبایی به شرط اینکه به قصد لذت جنسی نباشد.

**مسئله ۳۹۰**— ازدواج در شریعت اسلامی دو نوع است ۱— دائم ۲-

موقع

ازدواج دائم آن است که مدت تعیین نمی‌شود و همسر دائمی است.  
ولی در ازدواج موقت، زمان معین می‌شود مثل یک سال، بیشتر و یا کمتر،  
چنانی همسر، همسر موقت و یا متعه نامیده می‌شود.

**مسئله ۳۹۱**— در هر دو نوع ازدواج باید صیغه عقد بخوانده شود در  
ازدواج دائم، زن به طور مستقیم می‌گوید خود را به عقد ازدواج شما در  
آورم با فلان مهر (و مقدار مهر ذکر شود) و مرد می‌گوید پذیرفتم.  
و در عقد موقت زن می‌گوید: خود را برای فلان مهری و برای فلان  
مدت به ازدواج تو در آورده ام و مرد می‌گوید پذیرفتم.

**مسئله ۳۹۲**— کسی که نمی‌تواند صیغه ازدواج را با زبان عربی بخواند  
با هر زبانی که قابل فهم باشد می‌تواند بخواند هر چند که وکیل او بتواند  
صیغه را به عربی اجرا کند.

**مسئله ۳۹۳**— زن و مرد می‌توانند صیغه عقد خود بخوانند و یا به کسی  
وکالت دهند و حضور شهود در مجلس عقد، شرط نیست هم چنانکه  
حضور عالم دینی هم شرط صحت عقد ازدواج نمی‌باشد.

**مسئله ۳۹۴**— هر مسلمانی می‌تواند بازن یهودی یا مسیحی به طور  
موقع ازدواج کند و احتیاط واجب آن است که با غیر مسلمان، ازدواج دائم  
نکند، چنانکه ازدواج با زن کافر غیر کتابی به طور مطلق جایز نمی‌باشد و  
بنابر احتیاط واجب، با زن مجوسيه هم ازدواج نکند هر چند، موقعت باشد. اما  
زن مسلمان به طور قطع و یقین با هیچ مرد کافر — کتابی و غیره — نمی‌تواند  
ازدواج کند.

**مسئله ۳۹۵**— در ازدواج دوشیزه مسلمان یا اهل کتاب، موافقت پدر و یا جد پدری در صورتی که در امور زندگی مستقل و مالک امور خویش نباشد، شرط است و بنابر احتیاط واجب اگر مستقل هم باشد، رضایت و موافقت یکی از آن دو (پدر یا جد پدری) راجلب کند اما اجازه و رضایت مادر، برادر خواهر و دیگر خویشاوندان نزدیک، شرط نمی‌باشد.

**مسئله ۳۹۶**— در ازدواج دوشیزه بالغ و رشید اگر پدر و یا جد، او را از ازدواج با همگن خود باز می‌دارندشرط مزبور، متفی است و نیز اگر خود را به طور کلی از زندگانی آن دوشیزه کنار بکشد و یا دوشیزه دسترسی به ایشان نداشته و تحصیل اجازه آن میسر نگردد چنان شرطی ساقط است پس او می‌تواند با مردی همگن است بدون اجازه پدر و یا جد پدری ازدواج کند.

**مسئله ۳۹۷**— اجازه پدر و یا جد پدری در مورد ازدواج دختری که قبل ازدواج شرعی نموده شرط نمی‌باشد اما اگر آن دختر، بکارت خود را در اثر زنا یا به وسیله دیگر از دست داده باشد، اجازه پدر و یا جد پدری هم چنان شرط است.

**مسئله ۳۹۸**— در کشورهایی که کافر کتابی و غیر کتابی و ملحد وجود دارد مسلمانی که می‌خواهد با دختری ازدواج کند باید از دین و مذهب او سؤال کند تا اطمینان پیدا کند که او با دختری بی دین ازدواج نمی‌کند و نکاح او باطل نمی‌باشد و در این خصوص، سخن آن دختر پذیرفته است.

**مسئله ۳۹۹**— مسلمانی که با یک زن مسلمان ازدواج نموده است

نمی‌تواند بدون اجازه او با یک زن دیگر کتابی مانند یهودی و یا مسیحی، ازدواج مجدد کند و بنابر احتیاط واجب ازدواج موقت هم بپرهیزد هر چند که همسر او اجازه داده باشد و در این مسئله میان دور بودن و یا همراه بودن همسرش فرقی نیست.

**مسئله ۴۰۰**— هیچ مرد مسلمانی با یک زن کتابی مثل یهودی و یا

مسیحی، نمی‌تواند بدون ازدواج قانونی عمل جنسی انجام دهد هر چند که دولت متبع آن زن کتابی، در حال جنگ با مسلمانان باشد.

**مسئله ۴۰۱**— بنابر احتیاط واجب انسان با کسی که به زنا مشهور است،

ازدواج نکند مگر پس از توبه او هم چنانکه بنابر احتیاط واجب مرد زنا کار با زنی که با او زنا کرده، ازدواج ننماید مگر بعد از توبه آن زن.

**مسئله ۴۰۲**— ازدواج غیر مسلمان که مطابق قوانین دین و آئین خود

آنان صورت گرفته است، ازدواجی صحیح می‌باشد اعم از آنکه زن و شوهر هر دو کتابی باشند مثل یهودی و مسیحی و یا غیر کتابی باشند مانند گروههای کفار و یا یکی کتابی و دیگری غیر کتابی باشد حتی اگر آنان در یک زمان هر دو مسلمان گشتند، نیازی به عقد مجدد نیست و ازدواج سابقشان به قوت خود باقی می‌ماند.

**مسئله ۴۰۳**— وقتی پدری ولايت خود را از دخترش برداشت واو را

در سن هیجده سالگی در شئون زندگی، خود مختار و در تصرف امور، مستقل کرد چنانکه در برخی کشورهای اروپایی و یا آمریکایی و یا غیر آنها

چنین وضعیتی حاکم است. و در این صورت دوشیزه می‌تواند بدون اجازه پدر و جلب رضایت او ازدواج کند.

**مسئله ۴۰۴**— هر یک از زن و شوهر می‌توانند به ظاهر و باطن اندام یکدیگر نظر اندازند حتی آلت تناسلی و نیز می‌توانند به هر عضوی از اعضای یکدیگر دست یزنند با لذت و بدون آن.

**مسئله ۴۰۵**— در ازدواج دائم هزینه زندگی زن به عهده شوهر است به شرط آنکه او در اموری که باید از شوهر اطاعت کند، فرمان ببرد پس شوهر باید خوراک، پوشاك و مسكن و دیگر ملزمات زندگی او را از قبیل وسائل گرم و سرد کننده و یا فرش و اثاث و غیر آنها مطابق شئون همسر بالنسبة به شوهر، فراهم سازد و این امر، با اختلاف زمان و مکان و حال و عرف و عادت و سطح زندگی اشخاص، فرق می‌کند.

**مسئله ۶۰۴**— بر شوهر واجب است که هزینه سفرهایی را که همسرش با او همراه است، پردازد همچنین اگر او تنها سفر رود و آن سفر، ضروری بوده وخارج از شئون زندگی هم نباشد مثل آنکه مریض باشد و احتیاج به هزینه پیدا کند و یالازم باشد که به پزشک مراجعه نماید در این صورت بر شوهر واجب است که همه هزینه‌ها را پردازد.

**مسئله ۷۰۴**— جایز نیست با زن جوان بیش از چهار ماه ترک هم خوابیگی شود مگر در صورت داشتن عذر مانند حرج و ضرر و یا آنکه همسرش راضی باشد و با در حین عقد، آن را شرط کرده باشد و بنابر احتیاط این حکم به زن دائم اختصاص ندارد پس زن موقت هم، چنین است هم

چنان که این حکم به وطن اختصاص ندارد در سفر نیز آن حکم صادق است پس مرد نمی تواند بدون عذر شرعی، سفری طولانی رود طوری که حق همسرش ضایع شود خصوصاً اگر چنان سفری، ضرورت هم نداشته باشد مانند آنکه برای تفریح و گردش می رود.

**مسئله ۴۰۸**— هیچ زن مسلمانی نمی تواند با یک مرد کافر به طور دائم و یا وقت، ازدواج کند.

**مسئله ۴۰۹**— اگر شوهری بدون دلیل شرعی، همسرش را اذیت و آزار کند او می تواند به حاکم شرع مراجعه کند تا شوهر، ملزم به حسن رفتار گردد و اگر سودمند واقع نشد به هر گونه که حاکم صلاح بداند او را تنبیه می نماید و اگر آن هم فایده نبخشید، زن می تواند درخواست طلاق کند و اگر شوهر، اورا طلاق نداد واجبار به حسن معاشرت، میسر نشد، حاکم شرع آن زن را طلاق می دهد.

**مسئله ۴۱۰**— جایز است منی شوهر را به همسرش تلقیح مصنوعی کنند به شرط آنکه این کار مستلزم فعل حرام نشود مانند نگاه کردن به جاهایی که حرام است و امثال آن.

**مسئله ۴۱۱**— زن می تواند با استفاده از داروهای گیاهی و پزشکی مانع بارداری شود به شرط آنکه ضرر و زیان جدی پیش نیاورد و در این کار رضایت و عدم رضایت شوهر، شرط نمی باشد.

**مسئله ۴۱۲**— هر زنی می تواند با استفاده از aud و یا هر وسیله دیگر مانع از بارداری شود به شرط آنکه استفاده از آن، موجب ضرر و زیان جدی

نگردد و قراردادن آن، مستلزم فعل حرام نباشد مثل نگاه و لمس نامحرم به بدن زن و همچنین نگاه و لمس بدون دستکش توسط زنی که این دستگاه را در بدن زن دیگر قرار می‌دهد که همه اینها فعل حرام می‌باشد و دیگر اینکه قرار دادن آن دستگاه موجب سقط جنین نشود.

**مسئله ۱۳**—زن نمی‌تواند جنینی را که روح در آن حلول کرده است

به هیچ عنوانی بیندازد.

**مسئله ۱۴**—اگر مادری جنین خود را ساقط کند باید دیه بپردازد و همچنین است پدر و یا هر شخص دیگر مانند پزشک که حق ندارد سقط جنین کنند و اگر کردند دیه بر آنان لازم می‌شود.

واینک نمونه‌ای از استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی دام ظله در این خصوص.

**مسئله ۱۵**—آیا سهم امام (علیه السلام) را می‌توان به عنوان مساعدت در امر ازدواج یک جوان در کشور غربی به مصرف رسانید؟ با علم به این که با ارز پرداختی در این کشورن امر ازدواج بیش از یک یا دو مؤمن را که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و نیازمند هم هستند، می‌توان سامان داد و آیا شایسته نیست از آن سهم امام (علیه السلام) چندین شخص مستحق بهرمند گردد؟

جواب: تزویج مردان مؤمن و محتاج هر چند که از جمله مصارف سهم امام (علیه السلام) است اما صرف آن جز بالجازه مرجع و یا نماینده او جایز نیست و هزینه کردن آن، در باره چندین نفر واجب نمی‌باشد بلکه اهم

و مهم و یا الاهم فالاهم را باید مراعات کرد و این، با اختلاف موارد فرق می‌کند.

**مسئله ۱۶**— آیا خواندن صیغه ازدواج با زبان عربی توسط غیر عرب کافی است؟ بدون آن که معانی آن کلمات را بداند باعلم به این که در حقیقت، مقصود اجرای عقد ازدواج است؟ و آنگهی صیغه ازدواج را با لغت و زبان غیر عربی نمی‌توان خواند؟

جواب: توجه اجمالی به مفاد معنای صیغه، کافی است و بنابر احتیاط، اجرای آن با لغت و زبان دیگر جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۱۷**— آیا عقد ازدواج را با تلفن می‌توان خواند؟

جواب: صحیح است.

**مسئله ۱۸**— آیا شهادت و گواهی به وسیله تلفن، فاکس و نامه پستی ممکن است؟

جواب: احکامی برای شهادت نزد قاضی قابل اثبات است که حضوری باشد اما نقل و حکایت آن به هروسیله ممکن است و از آن جمله است تلفن امثال آن به شرط آنکه از اشتباه و تقلب کاری ایمن باشیم.

**مسئله ۱۹**— آیا به اندام کسی که می‌خواهیم با ازدواج کنیم، می‌توانیم با دقت تمام با قصد لذت و یا بدون آن، جز آلت تناسلی، نگاه کنیم؟ جواب: می‌توان به زیبایی‌های مانند صورت، مو، دست‌ها، بدون قصد لذت، نگاه کرد هر چند بداند که چنان لذتی ناخودآگاه حاصل خواهد شدو پس از آنکه وضع را با یک نگاه فهمید، تکرار جایز نیست.

**مسئله ۴۰**— در برخی کشورهای غربی، دختران پس از شانزده سالگی، استقلال مالی و سکنی دارند و عملاً از خانه پدر جدا می‌شوند و شخصاً به اداره شئون زندگی می‌پردازند و اگر احیاناً با پدر و یا مادر در برخی مسائل مشورت کنند فقط به عنوان ادب است آیا این چنین دوشیزه ای می‌تواند بدون اذن پدر به طور دائم و یا وقت ازدواج کند؟

جواب: این وضع زندگی اگر به این معناست که پدر به او اجازه ازدواج با هر مردی را داده است و یا نوعی کناره گیری از دخالت در شئون زندگی دختر تلقی می‌شود پس او می‌تواند ازدواج کند و گرنه، جایز نیست.

**مسئله ۴۱**— زنی که سن او از سی سال گذشته است و هنوز دوشیزه باقی مانده است به هنگام ازدواج همچنان اجازه ولی خودنیاز دارد؟

جواب: اگر در شئون زندگیش مستقل نیست، اجازه لازم است بلکه بنابر احتیاط واجب اگر مستقل هم باشد باز اجازه بگیرد.

**مسئله ۴۲**— آیا دوشیزه گان می‌توانند با آرایش خفیف و استفاده از پودرهای زیبایی برای جلب توجه بانوان در مجالس ویژه و یا برای زیبایی بیشتر، حاضر شوند و قصدشان آن باشد که خواستگار پیدا شود و آیا چنین کاری عیب پوشی به حساب می‌آید؟

جواب: آن چنان آرایشی را جایز است انجام دهنده و آن، پنهان کردن عیوب، محسوب نمی‌شود با این وجود اگر عیب پوشی هم به حساب آید باز هم حرام نیست مگر آنکه فریبکاری برای خواستگاران تلقی شود.

## **مسئله ۴۲۳ — چه زمانی، زن می‌تواند از حاکم شرع، در خواست طلاق کند؟**

آیا زنی که شوهرش دائم با او بدرفتاری می‌کند و یا نیاز جنسی او را ارضاء نمی‌کند به طوری که بیم آن می‌رود که به او نگاه افتد، می‌تواند پیشنهاد طلاق دهد و آیا در چنین صورت، طلاق داده می‌شود؟

جواب: اگر شوهری از انجام حقوق همسرش خود داری کندو پس از اجبار حاکم شرع به رعایت یکی از دو امر (طلاق و یا حسن معاشرت)، نتیجه گرفته نشود زن می‌تواند از حاکم شرع در خواست طلاق کند و مواردی که زن می‌تواند از حاکم شرع در خواست طلاقی کند به قرار ذیل است:

۱— موقعی که شوهر، نفقه و هزینه زندگی همسرش را نپردازد و حاضر به طلاق دادن هم نشود و همچنین اگر شوهری قادر به پرداخت هزینه نباشد و از دیگر سو، طلاق هم ندهد.

۲ — اگر شوهری همسرش را بیازارد و برابر دستور خدا با وی رفتار نیکو کند.

۳ — هرگاه مردی همسرش را رها کرده و او بلا تکلیف گذارد طوری که گویا شوهر ندارد.

و اما در صورتی که مرد فقط نیاز جنسی همسرش را نمی‌تواند بطور کامل برآورده سازد و بیم آن رود که زن به گناه افتاد هر چند که بنابر احتیاط واجب شوهر هر طور که شده از نظر مسائل جنسی همسرش را ارضاء کند و

یا او را طلاق دهد با این وجود اگر چنین نکرد بهتر ان است که زن شیوه صبر و انتظار پیشه کند.

**مسئله ۴۲۴**— زن مسلمانی مدت زمانی است که از شوهرش جدا رندگی می کند و معلوم نیست که این وضع تا چه وقت ادامه داشته باشد مضافاً بر این که اگر زن در مغرب زمین، تنها و بدون شوهر بماند بر جان خود از دزدان و آدم ربایان و هجوم به خانه اش ایمن نمی باشد آیا او در این صورت می تواند در خواست طلاق کند و با ازدواج مجدد، با یک شوهر دیگر به آرامی زندگی کند؟

جواب: اگر شوهر او را رها کرده و تنها یش گذاشته است او می تواند به حاکم شرع مراجعه کند و درخواست طلاق کند و حاکم شرع شوهر را مجبور می کند تا باوی زندگی کند و یا آزادش کند تا او همسری دیگر برگزیندو اگر شوهر به یکی از این دو وظیفه عمل نکند زن می تواند به حاکم شرع رجوع نماید و طلاق خود را مطرح سازد.

و اما اگر زنی بدون مجوز شرعی، شوهرش را رها کند و جدا از او زندگی نماید در این صورت زن چنان حقی را ندارد و حاکم شرع هم نمی تواند او را طلاق بدهد.

**مسئله ۴۲۵**— برای یک مرد مسلمانی چنان پیش آمده که مدت زمان طولانی جدا از همسرش زندگی می کند آیا او می تواند با یک زن کتابی ازدواج دایم کند بدون آنکه همسر مسلمانش را آگاه سازد و اگر همسرش را مطلع کرد و از وا اجازه گرفت، چنین ازدواجی صحیح می باشد؟

جواب: یک مرد مسلمان نمی‌تواند با یک زن کتابی به طور دائم ازدواج کند اما ازدواج موقت در صورت نداشتن همسر، مجاز است و با وجود همسر مسلمان بدون اجازه او ازدواج موقت نیز جایز نیست و بنابر احتیاط واجب در صورت اجاره همسر هم از آن کار خودداری کند.

**مسئله ۴۲۶**— مسلمانی که دارای همسر مسلمان می‌باشد سالهاست از کشور خود مهاجرت کرده و نیاز به ازدواج دارد آیا پس از طلاق همسرش در زمان عده طلاق، می‌تواند با یک زن کتابی ازدواج متعه نماید؟

جواب: چنان متعه‌ای باطل است زیرا زن در زمان عده طلاق رجعی، در حکم همسر است و در مسائل پیش گفته که متعه زن کتابی با وجود همسر مسلمان، جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۴۲۷**— آیا واجب است کسی را که می‌خواهد با یک زن کتابی و یا حتی مسلمان، ازدواج کند او را مطلع می‌سازیم که آن زن در عده همسر سابقش می‌باشد و یا اصلاً عده نگاه نداشته است؟

جواب: اطلاع دادن، واجب نیست.

**مسئله ۴۲۸**— آیا یک مرد مسلمان می‌تواند با زن کافری که همسر یک مرد کافری است، ازدواج کند؟ و آیا اگر آن زن از شوهر کافر عده دارد؟ و زمان عده چقدر است؟ و آیا جایز است در زمان عده، با او همبستر شدو اگر آن زن، مسلمان شد برای ازدواج با یک مرد مسلمان، چقدر باید عده نگاه دارد؟

جواب: مردمسلمان نمی‌تواند با زن کافری که دارای شوهر قانونی و برابر شریعت خود می‌باشد، ازدواج کند زیرا او شوهر دار است اما پس از طلاق و انقضای عده – و نه قبل از آن – ازدواج موقت جایز است و زمان عده زن غیر مسلمان همانند عده زن مسلمان می‌باشد و هر گاه آن زن، مسلمان شود پس از آنکه با شوهر غیر مسلمان همبستر شده بوده و شوهرش مسلمان نگردیده احتیاط آن است که قبل از انقضای عده با آن زن ازدواج نشود اما اگر آن زن قبل از همبستر شدن با آن شوهر غیر مسلمان به اسلام بگردد، عقد ازدواج خود به خود فسخ می‌شود و عده ندارد.

#### **مسئله ۴۲۹— معنی رعایت عدالت میان همسران چیست؟**

جواب: عدالتی که رعایت آن واجب است، تقسیم وقت و شبهاست بدین معنی گه اگر یک شب با یکی بود شب بعد با همسر دیگر باشد در هر چهار شب، و اما عدالت مستحبی عبارت از آن است که در هزینه کردن و توجه نمودن و در برآوردن نیاز جنسی و با روی باز و خندان روبه رو شدن برابر عمل کند.

#### **مسئله ۴۳۰— اگر یک زن مسلمانی زنا کند شوهرش می‌تواند او را به قتل برساند؟**

جواب: بنابر احتیاط واجب، جایز نیست او را به قتل برساند هر چند که او را در حال زنا کردن ببیند.

#### **مسئله ۴۳۱— در رساله‌های علمیه، جمله ((زن مشهور به زنا)) آمده است معنای آن جمله چیست؟**

جواب: معنای آن جمله این است که آن زن در میان مردم به عمل زنا شناخته شده و بدان صفت مشهور گشته است.

**مسئله ۴۳۲**— آیا با زن مشهور به زنا می‌توان ازدواج موقت کرد؟ در صورتی که یک جوان به شدت به ازدواج نیاز دارد و جز آن زن زنی دیگر نیست.

جواب: بنابر احتیاط واجب با زن مشهور به زنا قبل از توبه، ازدواج نشود.

**مسئله ۴۳۳**— معنای این که فقهاء می‌گویند زن زنا کار بعد از عمل زنا، عده ندارد چیست؟

جواب: معنای جمله آن است که زن زنا کار بعد از زنا می‌تواند ازدواج کند و عده نگاه ندارد و اگر آن زن زنا کار شوهردار باشد، می‌توانند همبستر شوند بی آنکه به سبب زنا عده نگاه دارد مگر آنکه وطی به شباهه صورت بگیرد که نگاه داشتن عده در این وقت لازم است.

**مسئله ۴۳۴**— مردی با یک زن بدون عقد شرعی، به قصد ازدواج بعدی، همبستر می‌شود و دارای فرزند می‌گردد و سپس او را به عقد شرعی در می‌آورد آیا روابط گذشته آنان، مشمول عقد شرعی می‌شود و آیا عقد بعدی عطف به ما سبق می‌شود؟ به هر حال وضع بچه‌ای که در حال ارتباط بدون عقد شرعی به وجود آمده است چیست؟

جواب: در تحقق ازدواج، علاقه زن و شوهری با ایجاب و قبول لفظی انشاء می‌شود و هیچ چیز دیگر هر چند که به ایجاب و قبول دلالت نماید

جای عقد لفظی را نمی‌گیرد. نتیجه آنکه چنین ازدواجی صحیح نمی‌باشد مگر پس از اجرای عقد لفظی و اثر آن به زمان پیش برنمی‌گردد. و فرزند حاصل از چنین ازدواجی در صورت جهالت و نادانی پدر و مادر، حلال زاده است زیرا همبستری از روی اشتباه رخ داده است و اما اگر هر دو می‌دانسته اند، عملشان زنا و فرزند نیز ولد زنا شناخته می‌شود اگر یکی از آنان بداند و دیگری ندانند فقط نسبت به آن کس که نمی‌دانسته، فرزند حلال زاده محسوب می‌شود.

**مسئله ۴۳۵**— برخی اوقات، زن و شوهر به تلقیح مصنوعی که پزشکی آن را اجراء می‌کند نیاز پیدا می‌کنند و آن عمل، مستلزم دیدن آلت تناسلی آنان توسط پزشک است آیا چنین عملی جایز است؟

جواب: دیدن آلت تناسلی و مشاهده آن توسط فرد نامحرم، تنها به سبب یاد شده در سؤال، جایز نمی‌باشد و اما اگر نیاز به فرزند، ضروری باشد و آن، به دیدن آلت تناسلی موقوف باشد در آن صورت جایز می‌شود و از موارد ضرورت آن است که پدر و مادر آنچنان برای فرزند داشتن بی‌صبری می‌کنند که تحمل آن وضع برایشان فوق العاده دشوار و طاقت فرساست.

**مسئله ۴۳۶**— زنی که نمی‌خواهد فرزند دار بشود به پزشک مراجعه کرده و از او می‌خواهد تا لوله‌های رحم او را بیند اعم از آن که باز کردن آن لوله‌ها بعداً ممکن باشد و یانه و اعم از آنکه شوهر راضی باشدو یا نه، آیا چنین کاری جایز است؟

جواب: چنان عملی برای زن جایز است به شرط آن که اگر به دست زدن و نگاه نامحرم نکشد اعم از ان که باز کردن لوله‌ها بعداً امکان داشته باشد یانه. و اجازه شوهر از این جهت که بستن لوله‌های رحم، از فرزندداری، مانع می‌شود، لازم نیست بلی گاهی اجازه شوهر لازم می‌شود و آن، جهت خروج از خانه برای مراجعه به پزشک می‌باشد زیرا خروج از خانه بدون اجازه شوهر جایز نیست.

**مسئله ۴۳۷**— در برخی کشورهای غربی چنان رایح شده که تخمک زن را از نطفه مرد می‌گیرند و آن را در یک رحم مصنوعی می‌کارند و سپس جنین بارور شده را به رحم مادر صاحب تخمک منتقل می‌سازند و آن گاه جنین در رحم مادر بزرگ، پرورش یافته و وضع حمل پیش می‌آید.

اولاً: آیا کشت جنین در رحم مادر بزرگ جایز است؟

و ثانیاً مادر شرعی این طفل کیست؟

جواب: جواز این کار مشکل است قطع نظر از این که چنان عملی احیاناً به دست زدن و نگاه نا محرم موقوف می‌شود و اگر تلقیح مصنوعی، عملی شد در این که مادر نسبی آن طفل کیست؟ دو احتمال وجود دارد و نسبت به هر دو، زن صاحب تخمک و مادر او، احتیاط ترک نشود.

**مسئله ۴۳۸**— گاهی منی یک مرد را در بانک ویژه، نگاهداری می‌کند آیا یک زن مسلمان طلاق گرفتن می‌تواند منی مرد بیگانه ای را با اجازه او و بدون عقد، برای خود تلقیح کند؟

واگر آن منی، از شوهر قبلی خود او باشد و این کار در ایام عده صورت بگیرد جایز است و پس از پایان عده چطور؟

جواب: تلقیح منی یک مرد بیگانه، برای زن جایز نمیباشد اما منی شوهر در ایام عده رجعی، جایز است و پس از انقضای عده جایز نمیباشد.

**مسئله ۴۳۹**— شخصی بین راضی نگاه داشتن خانواده و همسرش به مشکل برخورده است آیا او برای رضایت خانواده اش میتواند همسر خود را طلاق دهد و یا به عکس، شوهر برای رضایت خاطر همسرش خانواده خود را رها سازد؟

جواب: باید به آنچه صلاح دین و دنیای او ایجاب میکند عمل نماید و عدالت و انصاف را پیش بگیرد و از ظلم و تعدی و تضییع حقوق دیگران، اجتناب ورزد.

**مسئله ۴۴**— مقصود از هزینه و نفقة ای که هر شوهر برای همسرش باید پردازد چیست؟ آیا آن، باید با وضع اجتماعی شوهر متناسب باشد؟ و یا با موقعیت خانوادگی همسر مطابق باشد؟ و یا، نه آن است و نه این؟

جواب: ملاک، شئون زن است به نسبت موقعیت شوهر.

**مسئله ۴۵**— هر زنی بر عهده شوهرش حقوقی دارد که باید آنها را ادا کند پس اگر شوهری از انجام آنها سر باز زد آیا زن میتواند مانع همبستر شدن وی شود؟

جواب: زن چنان حقی راندارد اما اگر پند و هشدار برای مرد مفید واقع نشود زن به حکم حاکم شرع رجوع می کند و از او تعیین و تکلیف می خواهد.

**مسئله ۴۲**— آیا جایز است مسافر مسلمان به هنگام سفر، در تودیع و استقبال، همسرش را در انتظار مردم ببوسد و یا بغل کند؟

جواب: اگر تحریک کننده نباشد و حجاب و پوشش رعایت شود، چنان کاری حرام نیست ما بهتر آن است که به طور کلی اجتناب شود.

**مسئله ۴۳**— یک زن و شوهر در کشور غیر اسلامی برابر مقرر آن کشور طلاق قانونی گرفته اند اما مرد، حق قانونی و شرعی همسرش را نمی دهد و حرف واسطه ها را نمی پذیرد تکلیف چنین زنی چیست با علم به این که صبر و شکیابی بر این وضع برای او فوق العاده طاقت فرسا می باشد؟

جواب: آن زن به حاکم شرع و یانماینده او مراجعه می کند و آنان شوهر را به رعایت یکی از دو کار الزام می کنند یا هزینه پردازدو یا طلاق شرعی دهد هر چند با وکالت دادن به یک شخص ثالث. و هر گاه شوهر از هر دو کار خود درای کرد و پرداخت نفقه، از دارایی شوهر امکان نداشت حاکم شرع و یا نماینده او، وی را طلاق می دهند.

**مسئله ۴۴**— آیا همبستر شدن با یک زن کافر — اعم از کتابی و غیر کتابی — بدون عقد شرعی و قانونی جایز است؟ با علم به این کشور متبع آن زن مستقیم و یا غیر مستقیم در حال جنگ با مسلمان است؟

جواب: جایز نیست.

**مسئله ۴۴۵**— همسری از شوهر خود اطاعت نمی‌کند و به مسئولیت‌ها و وظایف شرعی خود در برابر شوهر عمل نمی‌نماید. و همچنین بدون اجازه شوهر از خانه خارج شده و تا هفت ماه در خانه پدری به سرمی برداشته باشد. همانجا به جای پناه آوردن به احکام اسلامی به یک دادگاه غیر اسلامی، مراجعه می‌کنندتا هزینه زندگی خود و فرزندان را بگیرد ضمن آن که از شوهرش طلاق هم می‌خواهد، آیا اینگونه همسری، دارای حق است؟ و آیا با این وضع، از شوهرش حقی طلب دارد؟ به ویژه آن که به یک دادگاه غیر اسلامی رجوع کرده و تقاضای طلاق و حق و حقوق خود و فرزندانش را کرده است، چنین بانوی استحقاق همه حقوق شرعی یک همسر را دارد؟

جواب: چنان همسری که در سؤال اشاره شده، مستحق هزینه و نفقة شرعی نیست و اما مهریه و حق حضانت و سرپرستی فرزندان را در دو سال کامل دارد و آنها با نشووز و نافرمانی ساقط نمی‌شوند.

**مسئله ۴۶**— زن جوانی باعمل جراحی، رحم خود را بیرون آورده و در نتیجه از عادت ماهانه افتاده است و مدت پانزده سال است که حیض نمی‌بیند. او برای مدتی متوجه کسی شده است آیا عده نگاه داشتن بر او پس از انقضای مدت، واجب است و زمان عده او چقدر است؟

جواب: اگر او در سن و سال زنانی باشد که حیض می‌بیند باید عده نگاهدارد و زمان آن، چهل و پنج روز می‌باشد.

**مسئله ۴۷**— گاهی یک زن غیر مسلمان به قصد ازدواج با مردی مسلمان، شهادتین می‌گوید بدون آن که ما یقین داشته باشیم که آن شهادتین قلبی است. آیا شنونده آن شهادتین می‌تواند او را مسلمان بداند؟

جواب: بلی. بر چنان شهادتین، آثار مثبت بار می‌شود مگر آنکه سخن و یا عمل منافی از او سربزند.

**مسئله ۴۸**— گاهی طی عمل جراحی تخمک یک زن را به زن دیگر تلقیح می‌کنند آیا چنان عملی جایز است و اگر آن زن، باردار شد طفل از آن کدامیک است؟

جواب: با اجتناب از لمس و نگاه حرام، چنان عملی مانع ندارد اما این که مادر جنین کدام است؟ (صاحب تخمک و یا رحم) در احتمال وجود دارد و بنابر احتیاط واجب هر دو جانب احتیاط را رعایت کنند.

**مسئله ۴۹**— جنین در رحم مادر در میان مایعی شناور است که به هنگام ولادت و یا قبل از آن، خارج می‌شود گاهی همراه با خون است آیا این مایع اگر بدون خون باشد پاک است؟

جواب: بلی، در صورتی همراه خون نباشد پاک است.

**مسئله ۵۰**— چه موقعی سقط جنین جایز است؟ آیا برای آن سن خاصی مطرح است؟

جواب: پس از انعقاد نطفه، سقط جنین به هیچ وجه جایز نمی‌باشد مگر زمانی که مادر بر جان خود بترسد و یا ماندن جنین در شکم او انقدر پر زحمت باشد مه غیر قابل تحمل گردد و خلاصی از آن، جز سقط جنین

راهی دیگری ندارد، در این صورت تا روح در جنین دمیده نشده است سقط، جایز است و اما پس از دمیده شدن روح در جنین سقط آن به هیچ وجه جایز نیست.

**مسئله ۴۵۱** — گاهی پزشکان، چنان تشخیص می‌دهند که جنین بیماری خطرناکی دارد و اگر زاده شود او ناقص الخلقه خواهد بود و یا پس از اندک زمانی، خواهد مرد و پزشکان، ترجیح می‌دهند که جنین را ساقط کنند آیا چنان حقی را دارند؟ و آیا مادر می‌تواند خود را در اختیار پزشکان قرار دهد تا جنین او را در آورند؟ و سرانجام دیه او به عهده کیست؟

جواب: تنها بدین جهت که جنین ناقص الخلقه و یا پس از تولد، فقط مدت کوتاهی زنده خواند بود، مجوز سقط جنین نمی‌شود پس مادر نمی‌تواند اجازه چنین کاری را به پزشکان بدهد و آنان نیز نمی‌توانند جنین را خارج کنند و دیه بر عهده کسی است که عملاً به چنان کاری دست زده است.

**مسئله ۴۵۲** — آیا مادری که فرزندنمی خواهد می‌تواند جنین خود را قبل از حلول روح بیندازد در حالی که ماندن جنین، خطری جدی برای مادر ندارد؟ جواب: او چنان حقی را ندارد مگر آن که بقای جنین برای مادر موجب زحمت فوق العاده و طاقت فرسا باشد.

## فصل ۸

### مسائل جوانان

بسیاری از جوانان مسلمان به قصد تحصیل، به برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی وارد می‌شوند و به طور موقّت و یا دائم در آنجا می‌مانند. و چون هر جوان مسلمان خود را متعهد می‌داند خواه ناخواه با مشکلات و سؤالات خاصی رو به رو می‌شود و خواهان پاسخ مناسب است. و به همین سبب، من پاره ای احکام شرعی را برای آن جوانان متعهد که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند، توضیح می‌دهم.

**مسئله ۴۵۳**—فقها به صراحة فرموده اند: به زنان نامحرم نمی‌توان به قصد ریبه و لذت نگریست، و منظورشان از لذت، نگاه شهوت آلود و مرادشان از ریبه، بیم و قوع در حرام است.

**مسئله ۴۵۴**—نگاه کردن به زنان بی حجابی که اگر آنان منع شوند، اعتنا نمی‌نمایند، جایز است اماً نه به قصد لذت جنسی. پس می‌توان به رو، دو دست، دو پا و هر عضوی از اندام را که معمولاً باز می‌گذارند، اگر چه باز هم باشد نمی‌توان نگریست. و انگهی نگاه نباید از روی شهوت و میل جنسی باشد و بیننده، بیم و قوع در گناه، نداشته باشد.

**مسئله ۴۵۵**—مرد به مرد و زن به زن نمی‌توانند از روی شهوت جنسی بنگرنند.

**مسئله ۴۵۶**—لواط و هم جنس بازی حرام است چنانکه مساحقه که هم جنس بازی زنان است، حرام می‌باشد.

**مسئله ۴۵۷**—استمنا، به هر وسیله باشد حرام است.

**مسئله ۴۵۸**—بنابر احتیاط واجب، نگاه به عکس‌های قبیح و فیلم‌های باز اگر چه بالذت جنسی و یا ریبه هم نباشد، حرام است.

**مسئله ۴۵۹**—خانه‌های فساد، دستگاهی تولید کرده اند که ویژگی‌های دستگاه تناسلی زن را دارد و مرد می‌تواند آن را به هنگام خواب روی آلت تناسلی خود قرار دهد و با آن مأнос شود بنابر احتیاط واجب آن را استعمال نکند اگر چه قصد ارزال هم نداشته باشد و در این مسئله همسر داشتن و نداشتن فرق نمی‌کند.

**مسئله ۴۶۰**—مرد می‌تواند برای جلوگیری از بارداری همسرش از کاندوم (کاپوت) استفاده کند اماً بنابر احتیاط واجب، باید رضایت او را به دست آورد.

**مسئله ۴۶۱**—هیچ مرد مسلمانی نمی‌تواند به استخرهای مختلف و یا دیگر اماکن فساد برود در صورتی که گناه به دنبال آن باشد بلکه بنابر احتیاط واجب هر چند حرام هم به دنبال نداشته باشد از رفتن به آنگونه جاها خودداری کند.

**مسئله ۴۶۲**—هیچ مرد مسلمانی نمی‌تواند با یک زن نامحرم دست بدهد مگر با مانعی مثل دستکش و غیره، و اگر دست ندادن، وی را به ضرر و زحمت غیر قابل تحمل بیندازد در این صورت مصاحفه و دست دادن، فقط به اندازه ضروری جایز می‌شود.

**مسئله ۶۳**—یک مرد جوان می‌تواند خواهر جوان و یا خاله، عمه و یا دختران کوچک را از روی مهر و محبت و بدون شهوت بیوسد اماً توأم با شهوت، جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۶۴**—بازی با شطرنج حرام است اعم از آنکه با پول و برد و باخت باشد و یا بدون آن. و همچنین بازی مزبور به وسیله دستگاه کامپیوتر در صورتی که هر دو طرف بازی، دستگاه باشند حرام می‌باشد و بنابر احتیاط واجب اگر یک طرف بازی شخص و طرف دیگر دستگاه کامپیوتر باشد باز چنان بازی، ترک شود.

**مسئله ۶۵**—بازی با همه انواع آلات قمار، حرام است مانند ورق، اگر گرو در میان بگذارند و بنابر احتیاط واجب اگر چه گرو هم در میان نباشد باز، ترک شود.

**مسئله ۶۶**—بازی و مشاهده ورزش‌هایی مثل فوتبال، بسکتبال، والیبال، کایت، پینگ‌پونگ و جز آنها چه در میدان‌های ورزش، باشگاه‌ها و استادیوم‌ها و یا بر روی صفحه تلویزیون جایز است اعم از آن که پولی پرداخت شود و یا نه به شرط آن که چنان کاری، به عمل حرام نکشد مثل نگاه شهوت و هوس آلود و یا ترک نماز.

**مسئله ۶۷**—تمرین کشتی و بوکس، بدون گرو و با پول اگر موجب ضرر و آسیب جدی بدنی نباشد جایز است.

**مسئله ۶۸**—بنابر احتیاط واجب، مرد نباید ریش خود را بتراشد هم چنانکه جایز نیست موی چانه را نگاهدارد و بقیه موی صورت را بتراشد هم.

**مسئله ۴۶۹**— مرد اگر به قصد معالجه و امثال آن و یا به سبب ضرر و زیان و یا زحمت فوق العاده و یا استهzae و مسخره مردم که غیر قابل تحمل است، ناچار شود ریش خود را بترشد، چنان کاری جایز است.

و اینک نمونه هایی از استفتائها و پاسخ های آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی:

**مسئله ۴۷۰**— پدری به دوست فرزند خود می سپارد که رفتار او را زیر نظر بگیرد و پس از مدتی از آن دوست راجع به نوع رفتار فرزندش سؤال می کند آیا آن دوست جایز است برخی خصوصیات پسران را که دوست ندارد پدر از آنها آگاه شود برای پدر وی باز گو کند؟

جواب: جایز نیست مگر زمانی که آن خصوصیات، گناهی باشد که جلو گیری از آن واجب است و با کمتر از افشاری راز میسر نباشد.

**مسئله ۴۷۱**— مقصود از این جمله که گویند: نگاه اول برای تو و نگاه دوم به ضرر تو می باشد چیست؟  
و آیا نگاه نخست را می توان طول داد و در زن دقت کرد طوری که هنوز نگاه اول باشد چنانکه برخی می پندارد؟

جواب: ظاهراً، مقصود از آن جمله فرق گذاشتن میان دو نوع نگاه است به این معنی که نگاه اول معمولاً اتفاقی و گذراست و هرگز به هدف لذت جویی نیست برخلاف نظر دوم که هدف دار و همراه نوعی شهوت است و بدین جهت مضر می باشد چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمود: نگاه پس از نگاه، در دل تخم شهوت افسانده و بیننده را به فتنه اندازد و به هر

حال مقصود از نگاه اول، اوّل عددی نیست هر چند در شروع هدف دار بوده باشد چنانکه منظور از نگاه دوم نگاهی است که به هدف چشم چرانی و معصیت صورت بگیرد نه آنکه یک لحظه به دور از شهوت بنگرد.

**مسئله ۷۲**— در حرمت نگاه به زن نامحرم عبارت‌هایی به کار می‌رود که لا اقل برای عده‌ای چندان واضح نیستند مثل ریبه، لذت و شهوت، لطفاً توضیح دهید آیا همه این عبارت به یک معنی است؟

جواب: مقصود از کلمه‌های لذت و شهوت، لذت جویی و شهوت جنسی است و نه هر لذت و شهوت طبیعی که از نگاه به منظرهای زیبا و دل انگیز حاصل می‌شود و منظور از ریبه، بیم گرفتاری به گناه است.

**مسئله ۷۳**— مرز لذت حرام چیست؟

جواب: پایین‌ترین مرز لذت حرام، نخستین مرتبه احساس جنسی است.

**مسئله ۷۴**— در مدارس رسمی انگلستان و شاید برخی کشورهای غربی دیگر برای دختران و پسران جوان، ماده درسی ویژه‌ای در زمینه مسائل جنسی می‌گنجانند و آن را با تصویر و مانکن آلت تناسلی همراه می‌کنند آیا شاگردان جوان در چنین کلاسی می‌توانند حاضر شوند و آیا والدین باید جلو فرزندان را بگیرند هرگاه جوان خود به شرکت در آن کلاس رغبت نشان دهد و پندارد که این اطلاعات در آینده برای او مفید خواهد بود؟

جواب: اگر حضور در این کلاس همراه با حرام نباشد مانند نگاه شهوانی و یا در اثر آموزش جنسی به انحراف اخلاقی کشیده نشود مانع ندارد.

**مسئله ۴۷۵** — آیا در مجالس بانوان و در حضور آنان می‌توان غزل‌های عاشقانه خواند اعم از آنکه هدف عشق بازی با آنان باشد یا نه؟ به ویژه اگر آن زنان دارای همسر نباشند و آن اشعار غزلی در وجود آنان موثر واقع شود؟

جواب: چنان کاری جایز نیست.

**مسئله ۴۷۶** — آیا جایز است با بانوان، عاشقانه بدون لذت جنسی و یا ریبه و یا فرخوانی به فعل حرام، صحبت کرد؟  
جواب: بنابر احتیاط جایز نیست.

**مسئله ۴۷۷** — آیا غزل‌سرایی به شعر و یا غیر شعر، با یک زن معین و یا عموم زنان، جایز است؟

جواب: اگر در آن غزل‌ها، — درخواست حرام نباشد و یا مفسده دیگر را در پی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

**مسئله ۴۷۸** — آیا جایز است با بانوانی بدون لذت جنسی هم صحبت شد به آن قصد که نسبت به یکی از ایشان شناخت پیدا کند و سپس پیشنهاد ازدواج موقّت دهد؟

جواب: اگر صحبت، از اندازه خارج نباشد و طوری نشود که با زن بیگانه و نامحرم آنگونه صحبت نمی‌کنند، مانع ندارد.

**مسئله ۴۷۹**— در اروپا چنان مدد شده است که مردان گوشواره‌های زنانه در یک و یا هر دو گوش می‌آویزند آیا تچنین عملی، جایز است؟  
جواب: اگر طلا باشد جایز نیست و بنابر احتیاط، به طور مطلق جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۴۸۰**— اگر کسی اولین بار ریش خود را بتراشد و حرام مرتکب شود آیا او در نوبت‌های بعدی می‌تواند تیغ بر صورتش بگذارد؟  
جواب: احتیاط واجب تر ک آن است.

**مسئله ۴۸۱**— گاهی برخی شرکت‌های اروپایی برای استخدام در شرکت خود امتیازی برای افراد ریش تراشیده قابل می‌شوند آیا جایز است برای استخدام در آن شرکت، ریش را تراشید؟

جواب: بنابر حرمت ریش تراشی، چنانکه مقتضای احتیاط است مطلب فرضی سؤال، جایز نمی‌شود.

**مسئله ۴۸۲**— آیا تراشیدن موی صورت و باقی گذاشتن مو بر چانه حرام است؟

جواب: بنابر احتیاط، ریش تراشی حرام است و تراشیدن موهای صورت که بر روی دو فک روییده مشمول حکم ریش تراشی است اما تراشیدن موی گونه‌ها، اشکال ندارد.

**مسئله ۴۸۳**— آیا انواع قمار را می‌توان با ماشین حساب و یا کامپیوتر، بازی کرد بدون برد و باخت و یا حتی با وجود برد و باخت؟ جواب: جایز نیست و آن در حکم قمار بازی با وسائل معمولی است.

**مسئله ۴۸۴**— برخی بازی‌های حلال و از آن جمله بازی زر، جایز است؟

جواب: اگر زر از وسائل مخصوص قمار نباشد مانعی ندارد که بدان وسیله بازی کنند.

**مسئله ۴۸۵**— آیا نگاه کردن به قسمت‌هایی از اندام زنان غیر مسلمان که در تابستان عادت به پوشاندن آن ندارد جایز است؟

جواب: اگر لذت جنسی و یا خوف وقوع در حرام نباشد، مانعی ندارد.

**مسئله ۴۸۶**— آیا نگاه کردن به عکس زن با حجابی که در عکس بدون حجاب است، جایز است؟

جواب: احتیاط آن است که به غیر از صورت و دو دست از آن عکس نگاه نشود و امّا صورت و دو دست بدون ریه و لذت جنسی، جایز می‌باشد.

**مسئله ۴۸۷**— آیا نگاه به تصویر تلویزیونی و غیر تلویزیونی زنان غیر مسلمانی که پوشش ندارد و بر هنر و یا شبه بر هنر هستند جایز است؟ آن هم به قصد کنجکاوی و امثال آن، با این که اطمینان نداریم لذت جنسی حاصل شود. و در خیابان‌ها نگاه به زنان نه به آن قصد که گذشت بلکه به نیت تحریک شدن مرد نسبت به همسر خود، چطور است؟

**جواب:** نگاه کردن به صحنه‌های برهنه، به طور مستقیم و یا در صفحه تلویزیون و امثال آن جایز نیست بلکه احتیاط واجب آن است به طور مطلق به آن مناظر نگاه نکند.

**مسئله ۴۸۸**— آیا دیدن میان پرده‌های تحریک کننده با این که مطمئن نیستیم در ما اثر نگذارد جایز است؟

**جواب:** اگر در آن میان پرده‌ها، برهنه باشند بنابر احتیاط نگاه نشود.

**مسئله ۴۸۹**— آیا به فیلم‌های جنسی بدون لذت جنسی می‌توان نگریست؟

**جواب:** به طور مطلق جایز نیست.

**مسئله ۴۹۰**— در برخی کشورها، ایستگاه‌های تلویزیونی ویژه‌ای وجود دارد با کانال‌های اختصاصی که ماهانه حق اشتراک دریافت می‌کنند و در غیر نیمه شب برنامه‌هایی که به فساد اختصاص ندارد ارائه می‌دهند اما از نیمه شب به بعد فیلم‌های باز و برهنه پخش می‌کنند آیا شرکت در چنان امر و پرداخت حق اشتراک جایز است؟

**جواب:** جایز نیست مگر آن که به خود و دیگران اطمینان داشته باشد که برنامه‌های فاسد را نگاه نخواهند کرد.

**مسئله ۴۹۱**— در برخی کشورها کسی که وارد مجلسی می‌شود با همه و حتی بانوان بدون لذت جنسی دست می‌دهد و اگر از دست دادن با زنان خودداری کند چنان رفتاری خارج از نزاکت به حساب آمده و غالباً

توهین به زن و تحقیر او شمرده می‌شود و به نظر ایشان عکس العمل منفی به دنبال دارد آیا در این صورت دست دادن با زنان نا محروم جایز است؟

جواب: جایز نیست و باید موقعیت را بسنجد یا با هیچ کس دست ندهد و یا دستکش به دست کند و اگر چنین چیزی ممکن نشد و امتناع از دست دادن هم رحمت فوق العاده ایجاد کرد در این صورت جایز است و همه این حرف‌ها در جایی است که حضور در چنان مجلسی لازم و ضروری باشد و در غیر این صورت حضور در آن مجلس که مستلزم فعل حرام است، جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۴۹۲**— در کشورهای اروپایی دست دادن به عنوان سلام و درود مطرح است گاهی ترک آن کار به محرومیت و اخراج از کارخانه و مدرسه و امثال آن می‌کشد، آیا یک مرد و یا یک زن مسلمان می‌تواند در چنین حالات استثنایی دست بدهد؟

جواب: اگر با پوشیدن دستکش و امثال آن نمی‌شود از آن مشکل رهایی یافت جایز است مرد و یا زن مسلمان با دیگری مصافحه کند آنجا که ترک چنان کاری موجب ضرر و زیان طاقت رسا می‌شود.

**مسئله ۴۹۳**— آیا مسلمانی که در اروپا زندگی می‌کند می‌تواند با یک زن غیر مسلمان ازدواج کند آنجا که زن مسلمان پیدا نمی‌شود و اختلاف زبان، دین و تعلیم و تربیت و ارزش‌ها و عادت و آداب اجتماعی فراوان فرق می‌کند؟!

جواب: بنابر احتیاط، ازدواج دائم با زن کتابی جایز نیست و اماً ازدواج موقّت هر چند که جایز است اماً توصیه می کنیم که آن نیز ترک شود زیرا به تولید مثل منتهی می شود و این در صورتی است که او دارای همسر مسلمان نباشد اعم از حضور و یا غیاب. و گرنه بدون اجازه او ازدواج موقّت هم جایز نیست بلکه بنابر احتیاط واجب اگر همسرش اجازه هم بدهد باز جایز نمی باشد.

**مسئله ۴۹۴**— بعضی شرکت‌ها، دستگاهی ساخته اند مانند آلت تناسلی زن که بعضی مردان به هنگام خواب و به قصد لذت جنسی آن را روی آلت تناسلی خود می گذارند آیا این کار نوعی استمنای حرام به حساب می آید؟

جواب: اگر عادتاً موجب خروج منی می شود و یا مقصود او خروج منی باشد و منی بیرون آید حرام است بلکه احتیاط واجب آن است که با وجود اطمینان به عدم خروج منی باز اجتناب شود.

**مسئله ۴۹۵**— روبوسی و معانقه مردان با یکدیگر از روی شهوت جنسی چطور است؟ و اگر مسئله از این حد هم بگذرد و به برخی کارهای ناشایست بر سر چطور است؟

جواب: همه این کارها حرام است هر چند که درجه حرمت‌ها، متفاوت می باشد.

## فصل ۹

### مسائل بانوان

در شریعت اسلام برای بانوان احکام ویژه‌ای وجود دارد که در کتاب‌های مفصل فقهی طی باب‌های مختلف آمده است. و در نتیجه زندگی کردن بانوان در یک محیط غیر اسلامی آنگونه که در آمریکا و اروپا هم اکنون پیش آمده شرایط تازه‌ای به وجود آورده است که مسائل نو و پاسخ‌های متناسب می‌طلبد و من الآن برخی از آنها را ذکر می‌کنم شاید خوانندگان محترم از آنها بهره ببرند.

**مسئله ۴۹۶**—هر زنی می‌تواند صورت و دو دست خود را در مقابل مرد نامحرم باز بگذارد به شرط آنکه خوف و قوع در حرام نباشد تحریک نامحرمان به نگاه و به طور کلی فتنه انگیزی هدف نباشد و گرنه پوشاندن آنها حتی از محرم‌ها نیز واجب می‌شود.

**مسئله ۴۹۷**—زن نمی‌تواند روی پاهای خود را برای نامحرم باز کند

اماً در نماز رو و کف هر دو پارا اگر مرد بیگانه‌ای نبیند می‌تواند باز بگذارد.

**مسئله ۴۹۸**—زنان می‌توانند بر چشمان خود سرمه بکشند و در دست خود انگشت‌تر کنند به شرط آنکه قصد و نیشان از این کار تحریک شهوت مردان بیگانه نباشد و نیز از وقوع در حرام ایمن باشند و گرنه واجب است آنها را حتی از محرم‌ها نیز پوشانند.

**مسئله ۴۹۹**— زنان می‌توانند برای انجام کارهایی از خانه بیرون روند و از عطر برای خوشبو کردن بدن خود استفاده کنند هر چند که ممکن است مردان نامحرم بو را استشمام کنند به شرط آن که چنان کاری، مردان بیگانه را تحریک نکند و یا قصد زنان، جلب توجه مردان و گرفتار کردن آنان نباشد.

**مسئله ۵۰۰**— زن می‌تواند به تنها بی سوار اتومبیلی شود که راننده آن مرد بیگانه ای است به شرط آن که از افتادن در شرّ و فتنه ایمن باشد.

**مسئله ۵۰۱**— جایز نیست زن با آلت تناسلی خود بازی کند تا به اوج لذت جنسی برسد و انزال کند و اگر چنین کرد غسل بر او واجب می‌شود به شرط رسیدن به اوج لذت و خروج مایع به بیرون و آن غسل از وضو کفایت می‌کند.

**مسئله ۵۰۲**— زن نازا نمی‌تواند آلت تناسلی خود را پیش پزشک باز کند مگر آن که ضرورت ایجاب کند و اولاد دار شدن مستلزم چنان کاری باشد و یا بی فرزندی او را در زحمت طاقت فرسایی که تکلیف از میان می‌برد بیندازد.

**مسئله ۵۰۳**— شایسته است که بچه از شیر مادر تغذیه کند و در حدیث آمده است شیری که طفل از پستان مادر می‌نوشد از هر چیزی برایش با برکت تراست و نیکو آن است که طفل بیست و یک ماه شیر مادر بخورد و سزاوار نیست که کمتر از آن باشد و چنان که سزاوار نیست دوران

شیرخوارگی بیشتر از دو سال باشد و اگر پدر و مادر توافق کنند که طفل را قبل دو سالگی از شیر بگیرند، بهتر است.

**مسئله ۵۰۴**— کارهایی مثل آشپزی، خیاطی و نظافت و شستن جامه‌ها که ربطی به مسائل جنسی ندارد بر همسر واجب نمی‌باشد بلی مستحب است او به چنان کارها و آماده سازی خانه برای زندگی بپردازد.

**مسئله ۵۰۵**— شنیدن صدای زن نامحرم بدون لذت شهوانی و نبودن ریبه و خوف واقع شدن در حرام جایز است. و هم چنین زن می‌تواند صدایش را به گوش مردان نامحرم برساند به شرط آنکه خوف وقوع در حرام در میان نباشد ولی زن نمی‌تواند صدایش را نازک و زیبا سازد طوری که برای شنونده تحریک کننده باشد هر چند برای محارمش.

**مسئله ۵۰۶**— اگر زنی برای درمان بیماری اش ناچار شود که به پزشک حاذق مرد مراجعه کند و آن مستلزم نگاه و لمس باشد چنان کاری جایز است و در صور امکان کفایت کردن به یکی، دومی جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۵۰۷**— بعضی از علماء برای مصلحت زن و شوهر و خانواده و برای آنکه لذت‌های جنسی را در چهارچوب خانواده، مهار کنند، حجاب و پوشش را برای بانوان لازم می‌دانند.

**مسئله ۵۰۸**— فیلمساز مشهور جهانی (آلفرد هیچکاک) می‌گوید: زن شرقی ذاتاً جاذبه جنسی بیشتری دارد و این جاذبه مایه نیرومندی او گشته است اما در اثر کوشش‌هایی که زن شرقی خواسته است بدان وسیله خود را

همانند زن غربی کند و کم کم حجاب را کنار گذاشته به همان نسبت که از حجاب فاصله گرفته از جاذبه جنسی اش کاسته شده است.

### مسئله ۵۰۹— ویل دو رانت در بررسی اصول رفتار جنسی زن

می‌گوید:

زن از اوّل دانست که نباید خود را دست کم گرفته و خویشتن را خوار و زبون قلمداد کند و همین را به دخترانش یاد داد پس زن با تمايل غریزی به عفّت و حیاء و پوشاندن اندام خویش، ارزش خود را بالا برد و در نظر مردان، عزیز و دارای موقعیت گردید.

و اینک برعی استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه العالی.

مسئله ۵۱۰— در آغوش گرفتن، بوسیدن و بازی به قصد لذت جنسی، زنی با هم جنس خودش، چه حکمی دارد؟ و اگر کار از این مراحل بگذرد و به کارهای ناشایست دیگر برسد چطور است؟

جواب: همه این کارها حرام است با اختلاف و شدّت و ضعف در درجات حرمت.

مسئله ۵۱۱— بیشتر اوقات، بانوان نیاز به پرسش مسائل از یک عالم دینی پیدا می‌کنند آیا آنان می‌توانند با صراحة و بی‌پرده سؤال کنند؟ و آیا آن عالم هم حق دارد صریح، جواب دهد؟

جواب: بلی هر دو طرف به قصد آموزش مسائل شرعی می‌تواند سؤال و جواب صریح و بی‌پرده مطرح کنند اما بر هر دو واجب است که صدق نیت داشته و عفت کلام را حفظ کنند.

**مسئله ۵۱۲**— از آلت تناسی زن، به هنگام ملاعبة، مایعی لزج و چسبنده ترشح می‌شود که اگر بازی ادامه پیدا کند چه به اوج هیجان جنسی که به عربی آن را قذف نامند می‌رسد و ترشح آن مایع رو به فرونی می‌نهد آیا در اولین مرحله ترشح، غسل بر او واجب می‌شود؟ و در مرحله نهایی که غسل بر او واجب می‌شود آیا آن غسل، کفايت از وضو می‌کند؟  
جواب: به مجرد جريان مایع لزج، غسل بر او واجب نمی‌شود و در مرحله نهایی که غسل بر او واجب است، آن غسل در مواردی که طهارت از جنابت شرط است، از وضو کفايت می‌کند.

**مسئله ۵۱۳**— در موسم حج، برخی بانوان، داروهای طبی می‌خورند تا عادت ماهانه را با تأخیر اندازد اما در همان روزهای عادت، به طور منقطع خون می‌بینند آیا چنان خونی، حیض است؟

جواب: اگر سه روز پی در پی خون بینند اگر چه در درون رحم باشد حیض است و گرنه احکام حیض را ندارد.

**مسئله ۵۱۴**— عده‌ای از زنان با حجاب مسلمان، عادت کرده اند که جانه و قسمتی از زیر چانه را باز می‌گذارند اما گردن را می‌پوشانند. آیا چنین کاری جایز است؟ و چه اندازه‌ای از صورت را می‌توان باز گذاشت و آیا گوش‌ها را هم می‌توان بیرون گذاشت.

جواب: صورت شامل دو گوش نمی‌شود، پس پوشاندن آنها واجب است اماً چانه و مقدار اندکی از زیر چانه، در حکم صورت می‌باشد.

**مسئله ۵۱۵**—آیا با پیر زنان بیگانه و کهنسال که امیدی با ازدواج ندارند، می‌توان دست داد؟ و عمر تقریبی باز نشستگی زنان چیست؟

جواب: دست زدن به بدن زن بیگانه به طور مطلق مگر به هنگام ضرورت، جایز نیست و بازنشستگی، زمان تقریبی ندارد و آن بستگی به حالات زنان دارد ولی ملاک باز نشستگی در قرآن کریم، نومیدی از نکاح و زناشویی به علت کهنسالی است.

**مسئله ۵۱۶**—اگر پوشیه و نقاب زدن بر چهره در یک شهری مایه شگفتی و پرس و جوشود و لباس شهرت تلقی گردد واجب است آن را کنار گذاشت؟ جواب: واجب نمی‌شود مگر زمانی که پوشیه زدن بر صورت توجه بیشتری را جلب کند و یا مردم شهر آن را زشت و غیر عادی بشمارند و لباس شهرت به حساب آید که کنار گذاشتن آن واجب است.

**مسئله ۵۱۷**—آیا زن با حجاب تنها می‌تواند از مرد نامحرم راندگی یاد بگیرد در صورتی که هنگام آموزش، بیم وقوع در حرام هم نباشد؟

جواب: با وجود اینمی از فساد، جایز است.

**مسئله ۵۱۸**—برخی آرایشگاههای زنانه به کارگر زن، احتیاج دارند آیا یک زن مسلمان می‌تواند در چنین آرایشگاهی مشغول کار شود و زنان بی حجاب را اعم از مسلمان و غیر مسلمان که در برابر مردان نامحرم، آرایش کرده ظاهر می‌شوند، آرایش کند؟

جواب: اگر آرایش کردن آنان، نوعی ترویج فساد و اشاعه گناه، محسوب گردد او چنان حقی را ندارد اما تحقیق این عنوان، بعید به نظر می‌رسد.

**مسئله ۵۱۹**- زنی که روی خود رانمی گیرد می‌تواند موهای صورت و ابروان را بردارد و پودر طبیعی و سبک بر صورت بزند؟

جواب: برداشتن موی صورت، و باریک کردن ابروان، مانع از بازگذاشتن رونمی‌شود به شرط آنکه از وقوع در حرام، اینم باشد و بازگذاشتن صورت به انگیزه نگاه نامحرمان، نباشد اما پس از به کار بردن پودر و وسایل آرایشی، پوشاندن صورت واجب است.

**مسئله ۵۲۰**- رنگ کردن همه و یا قسمتی از مو به نیت جلب توجه در مجالس بانوان برای ازدواج، جایز است؟

جواب: اگر، تنها برای آرایش باشد و جنبه فربکاری و عیب پوشی و یا کم نشان دادن سن نباشد، مانعی ندارد.

**مسئله ۵۲۱**- اگر زنی کلاه گیس بر سر گذارد و بدانو سیله موی حقیقی را پوشاند آیا او می‌تواند صورت خود را به نیت آرایش و استتار، گریم کند و خود را به غیر آنچه هست نشان دهد؟

جواب: استفاده از کلاه گیس به نیت زینت به شرط آن که آن را از نامحرمان پوشاند جایز است.

**مسئله ۵۲۲**- آیا یک زن جوان می‌تواند جوراب نایلون به رنگ پا که ساق پا را زیباتر نشان می‌دهد به عنوان حجاب پوشد؟

جواب: پوشیدن چنان جورابی اشکالی ندارد اماً اگر آن، زینت به حساب آید باید آن را از دید نامحرمان پوشاند.

**مسئله ۵۲۳**— آیا پوشیدن جورابی که ساتر است اماً پا را مجسم می‌کند، جایز است؟

جواب: پوشیدن چنان جورابی فی حد ذاته جایز است.

**مسئله ۵۲۴**— پرستاری مسلمان، در یک کلینیک کار می‌کند و به مقتضای شغلش به اندام مردان اعم از مسلمان و غیر مسلمان دست می‌زند آیا چنین عملی جایز است؟ با علم به اینکه او ناگزیر است کار کند و کار، کمتر پیدا می‌شود و انگه‌ی آیا فرقی میان لمس اندام مسلمان و غیر مسلمان، هست؟

جواب: جایز نیست زن به اندام مرد نامحرم دست بزند اعم از مسلمان و غیر مسلمان مگر آنکه ضرورتی پیش آید که برطرف کننده حرمت باشد.

**مسئله ۵۲۵**— بانویی کفش پاشنه بلند می‌پوشد و به هنگام راه رفتن، صدا تولید می‌کند و توجه بر انگیز است آیا پوشیدن چنین کفشی جایز است؟ جواب: اگر به انگیزه توجه مردان و یا فته انگیزی باشد، جایز نیست.

**مسئله ۵۲۶**— آیا زن می‌تواند از انگشت‌تر زیستی و یا دست بند و یا گردن بند به قصد آرایش استفاده کند و آیا چنان کاری حلال است یا حرام؟ جواب: چنان کاری حلال است اماً پوشاندن آنها از نامحرم، واجب می‌باشد مگر انگشت‌تر و النگو به شرط این بودن از وقوع در حرام و یا آشکار کردن آنها به انگیزه جلب توجه نامحرمان نباشد.

**مسئله ۵۲۷**— در کشورهای غربی متداول شده که لنزهای رنگی بر چشم می‌چسبانند آیا چنان کاری به قصد آرایش و آشکار شدن دربرابر انتظار مردان نا محروم، جایز است؟

جواب: اگر زینت حساب شود جایز نیست.

**مسئله ۵۲۸**— آیا خرید و فروش تخمک زن، جایز است؟  
جواب: جایز است.

**مسئله ۵۲۹**— موی سر برخی بانوان در شرایطی می‌ریزد آیا آنان می‌توانند به پزشک مرد مراجعه کنند و به قصد درمان، موهای خود را به او نشان دهند اعم از آنکه ریزش مو برایشان زحمت داشته باشد و یا فقط به نیت زیبایی مراجعی کنند؟

جواب: با وجود زحمت طاقت فرسا جایز است والا جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۵۳۰**— آیا یک زن مسلمان می‌تواند در مغرب زمین به دانشگاه‌هایی برود که میان دختران و پسران، روابط آزاد وجود دارد؟  
جواب: اگر او مطمئن است که می‌تواند دین خود را حفظ کند و به مسئولیت‌های شرعی از جمله: حجاب، و دوری از لمس حرام و تأثیر ناپذیر از محیط فاسد و انحراف، مواظبت نماید، جایز است و گرنه جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۵۳۱**— در برخی کشورهای غربی، صورتگرانی در ازاء دریافت مبلغی، با دقت در چهره اشخاص تصویر آنها را رسم می‌کنند آیا یک زن باحجاب می‌تواند در مقابل چنین صورتگرانی قرار بگیرند تا با دقت در چهره او صورتش را ترسیم کنند؟

جواب: شایسته نیست یک زن با حجاب چنان کند.

**مسئله ۵۳۲** — آیا بانوان می‌توانند به انواع مختلف ورزش کشته پردازند و آیا آنان می‌توانند اندام لخت کشته گیران را مستقیم و یا در صفحه تلویزیون بدون لذت جنسی تماشا کند؟

جواب: هر چیزی که به انسان ضرر بزند حرام است و بنابر احتیاط واجب، زن، اندام مردناحرم را بدون لذت حتی در صفحه تلویزیون هم تنگرد مگر دست و پا آنچه که معمولاً، پوشانده نمی‌شد.

**مسئله ۵۳۳** — آیا بانوان می‌توانند اندام مردانی را که برای عزاداری (سینه زنی و زنجیر زنی) لباس خود را در می‌آورند، نگاه کنند؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، چنان نکنند.

**مسئله ۵۳۴** — کسی برای رضای خدا دختر خردسالی را سرپرستی کرده واکنون او به سن بلوغ رسیده است آیا دختر برای این مرد نامحرم است؟

جواب: بلی، او همانند دیگر زنان اجنبي برای او نامحرم است.

**مسئله ۵۳۵** — بارداری نا مشروع یک دختر برای او بسیار سخت و احیاناً به آبروی خانوادگی او لطمeh وارد می‌کند آیا او می‌تواند جنین را ساقط کند؟

جواب: اگر بارداری به اندازه‌ای زحمت داشته باشد که طاقت فرسا شده و راه نجاتی جز سقط جنین، وجود نداشته باشد قبل از حلول روح در جنین، چنان عملی جایز است.

**مسئله ۵۳۶**—آیا یک زن می‌تواند کت و شلوار بپوشد و در خیابان‌ها و

بازارها راه بیفتد؟

جواب: اگر آن جامه بر جستگی‌های اندام او را مشخص کند و یا سبب فته انگیز شود، جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۵۳۷**—بر سر گذاشتن کلاه گیس به نیت خوشگل‌تر شدن

ومورد توجه بانوان قرار گرفتن در مجالس ویژه خانم‌ها جهت پیدا شدن خواستگار، جایز است؟ و آیا چنان کاری عیب پوشی به حساب می‌آید؟

جواب: اگر تنها به نیت آرایش باشد و نه فریبکاری و عیب پوشی از چشم خواستگاران، چنان کاری اشکال ندارد.

**مسئله ۵۳۸**—آیا بانوان حائض می‌توانند بیشتر از هفت آیه از قرآن

بخوانند به جز آیات سجده و اگر چنان کاری جایز و مکروه باشد معنی کراحت آن چیست؟

جواب: تلاوت بیش از هفت آیه به جز آیات سجده که به کلی نیست کراحت دارد و معنای کراحت در اینجا کمتر بودن ثواب می‌باشد.

## فصل ۱۰

### احکام موسیقی

برخی از مردمان مسلمان در کشورهای غیر اسلامی و حتی احياناً در خود کشورهای اسلامی معمولاً به آهنگ‌ها، موسیقی‌ها، آوازهای خوانندگان، پایکوبی رقصان در گوش و کنار خیابان‌ها، مدرسه‌ها، خانه‌های همسایگان و در اتوبویل‌ها و اتوبوس‌ها در حال حرکت، گوش می‌کنند و چون گاهی اوقات، آن صدای گوش خراش است خود به خود این سؤال پیش می‌آید آیا این آهنگ‌ها آوازهارا می‌توان گوش کرد؟ آیا رقص برای ماجایز است؟

مادر ذیل، به این سؤالات پاسخ می‌دهیم.

**مسئله ۵۳۹**— موسیقی، هنر و فنی است از هنرها و فنون بشری و در زمان‌های اخیر رواج بیشتری دارد. برخی از انواع آن حلال است و می‌توان به آن گوش داد و برخی دیگر حرام می‌باشد و گوش دادن به آن جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۵۴۰**— موسیقی حلال، آن است که با مجالس لهو و لعب تناسب ندارد و به عکس آن، موسیقی حرام به موسیقی ای گفته می‌شود که با مجالس لهو و لعب هماهنگی دارد.

**مسئله ۵۴۱**— مقصود از جمله ((متناوب با مجالس لهو و لعب)) این نیست که آن موجب آرامش روحی و تغییر حالت و وضع انسان می‌شود که چنان چیزی خوب است و احياناً موسیقی و آواز حلال نیز آن وضع را به

وجودمی آورد بلکه مقصود از آن، این است که شنونده آن خصوصاً اگر باهنر و فن موسیقی آشنا باشد می داند که کدامیک با مجالس لهو و لعب و مشابه آنها، تناسب دارد و آنها یک ندارد.

**مسئله ۵۴۲**— رفت و آمد به جاهایی که در آنها موسیقی حلال پخش می شود، جایز است و گوش دادن به آن حتی مدت طولانی، مادام که به حرام نینجامد بی اشکال می باشد.

**مسئله ۵۴۳**— به اماکن عمومی که در آنها موسیقی حرام پخش می شود، می توان رفت و آمد کرد به شرط آنکه به آن موسیقی از روی عتمدو قصد، گوش ندهند مانند سالن هاستقبال و بدרכه مسافران، پاویون ها، پارک های عمومی، رستوران ها، قهوه خانه ها، و امثال آنها، زیرا گوش دادن به موسیقی حرام، ممنوع است نه کشیدن هر صدایی هر چند که از روی عمد گوش ندهیم، حرام باشد.

**مسئله ۵۴۴**— موسیقی حلال را در آموزشگاههای ویژه و یادیگر جاهای مناسب، می توان آموخت.

اعم از آنکه یادگیرنده بزرگسال باشد و یا کوچک، به شرط آنکه آمد و رفت به آن اماکن در تربیت و بنیاد دینی او اثر منفی نگذارد.

**مسئله ۵۴۵**— غنا و آواز خوانی حرام است و گوش دادن و کاسب کاری به وسیله ان نیز حرام می باشد و مقصود از غنا و آواز خوانی حرام، آن سخنان لهوي است که به آهنگ های مبتذل در نزد اهل لهو و لعب، می انجامد.

**مسئله ۵۴۶**— خواندن قرآن، دعا، ذکر و ورد با آهنگ‌های شناخته شده در نزد اهل و لهو و لعب، جایز نیست و بنابر احتیاط واجب، جز آنها نیز به صورت شعر و نثر با همان آهنگ، خوانده نشود.

**مسئله ۵۴۷**— حرمت استماع موسیقی و غنای حرام در سنت نبوی مورد توجه قرار گرفته است.

رسول خدا در یک حديث شریف فرمود: خواننده، زناکار، نی نواز، دف زن، همگی کرو کور و لال از قبر به عرصات محشر وارد کی شوند. و فرمود: هر کس به لهو و غنای حرام گوش دهد در گوش او به روز قیامت مس مذاب، می‌ریزند.

و باز فرمود: غنا و موسیقی حرام و مبتذل، وسیله و راهی به سوی زناست.

**مسئله ۵۴۸**— زن در برابر شوهرش به قصد لذت و تحریک او و جز آن، جایز است بر قصد اما در مقابل مردان دیگر نباید رقص کند و بنابر احتیاط واجب در برابر زنان نیز نرقصد.

**مسئله ۵۴۹**— دست و کف زدن در جشن‌ها، عروسی‌ها و میلادی‌های مذهبی برای همه زنان و مردان جایز است. واينک به نمونه‌های از استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی توجه کنید:

**مسئله ۵۵۰**— راجع به موسیقی حلال و موسیقی حرام، سؤال فراوان می‌شود. آیا می‌توانیم بگوییم:

موسیقی ای که غریزه جنسی را تحریک می‌کند و مبتذل و شهوت بر انگیز است، حرام می‌باشد و اما موسیقی ای که آرام بخش اعصاب بوده و روح و روان را راحتی بخشد و یا آهنگ‌هایی که با فیلم‌ها همراه است (موسیقی متن) و موسیقی‌های حماسی و رزمی، موسیقی حلال می‌باشد؟

جواب: موسیقی حلال، آن است که با مجالس لهو و لعب مناسب نبست هر چند که ممکن است آرام بخش اعصاب نباشد مانند مارش نظامی و عزای.

**مسئله ۵۵۱** - هم چنانکه از موسیقی حلال و حرام سؤال فروان می‌شود از آوازخوانی حلال و حرام نیز پرسش فراوان به عملی آید آیا در این باره نیز می‌توان گفت: آواز خوانی ای که غریزه جنسی و شهوانی را بر می‌انگیزد و در سطح گسترده به ارضای شهوت جنسی بینجامد، آن آواز خوانی حرام است و اما آواز خوانی‌هایی که غرائز سالم خفته را بیدار می‌کند و نفوس آدمی و افکار انسان را در سطح بالایی ارتقا می‌بخشد مثل آوازهای دینی، که سیره نبوی و ستایش امامان را زمزمه می‌کند و یا آوازهای حماسی و سرودهای نشاط آور و سازنده اخلاقی، عرفانی، حلال می‌باشند؟

جواب: غنا و آواز خوانی به طور کلی حرام است و آن بنابر نظر و رأی برگزیده ما، عبارت است از کلام بیهوده و لھوی که با آواز و آهنگ متناسب در نزد اهل لھو و لعب، اجرا می‌شود و تلاوت قرآن، دعا و ثنای انبیاء و اولیاء و امامان اهل بیت هم با همین وضع و آهنگ حرام است و خواندن چیزهای دیگر از انواع کلمات غیر لھوی مانند سرودهای حماسی،

رزمی با همان لحن و آهنگ غنایی که یاد شد، بنابر اختیاط واجب حرام است. و اما آوازهایی که تعریف مابر آن صدق نکند، ذاتاً حرام نمی‌باشد.

**مسئله ۵۵۲**— آیا به آوازخوانی‌های دینی و مدح و ثنای امامان که

همراه موسیقی اجراء می‌شود می‌توان گوش داد؟

جواب: حکم این سؤال از حکم مسئله قبل، معلوم می‌شود.

**مسئله ۵۵۳**— آیا به قرائت قاریی که صدایش را ترجیع می‌دهد و

می‌لرزاند، بدون قصد لذت می‌توان گوش داد؟

جواب: اگر آهنگی که در قرائت، از آن آهنگ استفاده می‌شود از

نوع غنای حرام نباشد شنیدن آن، مانع ندارد.

**مسئله ۵۵۴**— برخی خوانندگان و سرودخوانان، آهنگ و لحن

مردمان فاسق و فاجر را تقلید می‌کنند و قصیده‌هایی در مدح امامان معصوم

می‌خوانند پس مضمون، مخالف آن چیزی است که اهل فسق و فجور بدان

مأنوس اند لیکن اصل لحن و آهنگ مربوط به آنان است آیا چنین آواز

خوانی جایز است و گوش دادن به آن چطور است؟

جواب: بنابر اختیاط، حرام است.

**مسئله ۵۵۵**— آیا بانوان در شب زفاف و عروسی می‌توانند با هر نوع

آهنگی آواز خوانی کنند حتی با آهنگ‌های متناسب مجالس لهو و لعب؟ و

آیا آنان می‌توانند از آلات و ابزار موسیقی استفاده کنند؟ و آیا آن وضع را

می‌توان در مجلس عقد خوانی، شب حنابندان و یا مناسبت‌های دیگر، تکرار

کرد یا مخصوص شب عروسی است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، چنان آواز خوانی‌ها حتی در شب زفاف و عروسی هم ترک شود تا چه رسد به شب‌ها و مناسبت‌های دیگر و حکم موسیقی و آواز خوانی حلال و حرام در مسائل قبل توضیح داده شد.

**مسئله ۵۵۶**— آیا به سرودهای انقلابی همراه پیانو، ساز، دف و نی و پیانو برقی می‌توان گوش داد؟

جواب: اگر موسیقی و آهنگ پخش شده، از نوع موسیقی متناسب با مجالس لهو و لعب، باشد، گوش کردن به آن، جایز نیست.

**مسئله ۵۵۷**— مقصود از جمله متعارف نزد اهل فسوق و فجور چیست؟

جواب: این جمله، در فتاوای ما نیامده است و آنچه ما در تعریف غنا و آهنگ گفته‌یم عبارت از جمله آهنگ شناخته شده نزد اهل لهو و لعب است و معنای آن، واضح است.

**مسئله ۵۵۸**— مسلمانی، سهل انگار بوده و اکنون، ملتزم و متعهد گشته است. آیا او می‌تواند، تنها و یا با دوستانش همانند گذشته بعضی آوازها و موسیقی‌ها را که گوش می‌داده همچنان گوش دهد و آنها را زمزمه کند؟

جواب: با صدق عنوان موسیقی و آوازخوانی حرام، جایز نیست.

**مسئله ۵۵۹**— آوازهایی هستند با لغت بیگانه و با صدای اجنبي و استادان زبان می‌گويند که يادگيزی زبان همراه آن آواز و موسیقی، آسان‌تر است آیا به هدف آموزش زبان به چنان موسیقی و آواز می‌توان گوش داد؟

جواب: اگر غنا و موسیقی حرام بر آن صدق کند گوش دادن به آن، جایز نمی باشد.

**مسئله ۵۶۰**— ابزار و آلات موسیقی، بسیار فراوان و گوناگونند. و در مجالس موسیقی و خوانندگانی مورد استفاده قرار می گیرند و گاهی هم، فقط برای راحتی و آرامش روحی نواخته می شوند آیا ساختن و خرید و فروش و نواختن آنها به قصد آرامش روحی و گوش دادن به نوازنده‌گی آن کس که بر آنها می نوازد جایز است؟

جواب: داد و ستد آلات و ابزار موسیقی حرام و ساختن و گرفتن دستمزد بر آنها، جایز نمی باشد و مقصود از آلت لهو حرام آن است که آن، برای چنان کاری ساخته شده و مالیت آن بستگی به چیزی دارد که به آن هدف ساخته شده و جز در لهو حرام مصرف ندارد.

**مسئله ۵۶۱**— آیا ساختن و خرید و فروش آلات موسیقی که برای بازی بچه‌ها و آرام کردن آنها فراهم گشته است جایز است؟ و آیا بزرگسالان می توانند از آنها استفاده کنند؟

جواب: اگر موسیقی حاصل از آنها، همان موسیقی متناسب با مجالس لهو و لعب باشد داد و ستد آنها جایز نیست و افراد بالغ و مکلف نمی توانند از آنها استفاده کنند.

**مسئله ۵۶۲**— در برخی مدارس رسمی انگلستان برای دانش آموزان رقص یاد می دهند و آن را روی آهنگ موزیکی تنظیم و همراه می کنند که حرکت رقص کننده را به هنگام رقص توجیه می کند آیا در چنین کلاس

درسی می‌توان حاضر شد؟ و اگر دختر و یا پسر جوان برای شرکت در چنان کلاسی، شوق و رغبت نشان دهنده بود و مادر واجب است که آنان را منع کنند؟

جواب: حضور دانش آموزان نوجوان، در چنین کلاس‌هایی اگر بر تربیت دینی آنان اثر منفی باقی بگذارد که غالباً چنین است، جایز نمی‌باشد بلکه بنابر احتیاط، به طور مطلق جایز نیست.

**مسأله ۵۶۳**—آیا یادگیری هنر رقص جایز است؟

جواب: بنابر احتیاط به طور مطلق جایز نمی‌باشد.

**مسأله ۵۶۴**—آیا می‌توان مجالس رقصی به پا کرد که در آنها زن و شوهر با هم و با آهنگ موزیک آرام و جامه‌های رسمی، می‌رقصند؟

جواب: جایز نیست.

**مسأله ۵۶۵**—آیا رقص زنان در جلوی زنان و مردان در جلوی مردان در یک جشن، آن هم جداگانه با موزیک و یا بدون آن، جایز است؟

جواب: رقص زن و یا مرد به طور کلی، محل اشکال است و احتیاط در ترک آن است و حکم موزیک در مسائل قبل، گفته شد.

**مسأله ۵۶۶**—آیا زن می‌تواند دربرابر شوهرش با موزیک و یا بدون آن، برقصد؟

جواب: بدون موزیک، جایز می‌باشد.

**مسأله ۵۶۷**—در برخی کشورهای غربی دانش آموزان دختر و پسر را به آموختن هنر رقص، مجبور می‌کنند و این گونه رقص با موزیک متعارف

همراه نیست و جنبه لھوی نداردو فقط ماده درسی محسوب است آیا پدران و مادران می توانند به فرزندان دختر و یا پسر خود اجازه حضور در آن کلاس ها را بدھند؟

جواب: اگر چنان کاری با تعلیم و تربیت دینی فرزندان، منافات داشته جایز نیست بلکه بنابر احتیاط و با فرض بلوغ فرزندان، اجازه حضور در چنان کلاسی به طور مطلق حرام می باشد مگر آنکه آنان برای خود حجت شرعی داشته باشند مثلاً از کسی تقلید کنند که او حضور در چنان کلاسی را جایز می شمرد در این صورت، دادن اجازه حضور بلامانع است.

## فصل ۱۱

### مسائل متفرقه

شما خواننده گرامی در این فصل برخی مسائل و استفتائات شرعی در امور مختلف حیاتی را می خوانید که در فصول گذشته کتاب، کمتر می گنجید زیرا تناسبی با آن فصل‌ها نداشت و به همین سبب آنها را در عنوان مسائل متفرقه آوردیم.

**مسئله ۵۶۸**— مستحب است فرزندان خود را با نام‌هایی که بندگی خدا - عز و جل - را یاد می آورد، بنامیم. هم چنانکه نامگذاری با نام محمد (صلی الله علیه و آله) و نام‌های دیگر پیامبران و رسولان و نام علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، حمزه، و فاطمه، استحباب دارد و نامگذاری با نام دشمنان اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) کراحت دارد.

**مسئله ۵۶۹**— سرپرستی طفل، دختر باشد و یا پسر تا دو سال هجری، حق مشترک پدر و مادر است پس هیچ پدری در طول دو سال اوّل زندگی نمی‌تواند طفل را از مادرش جدا کند پس از دو سال حق سرپرستی متعلق به پدر است و بنابر احتیاط مستحبی، طفل تا هفت سالگی از مادر جدا نشود.

**مسئله ۵۷۰**— اگر پدر و مادر یک طفل با فسخ عقد و یا طلاق، از همدیگر جدا شوند تا فرزندان آنان اعم از دختر و یا پسر دو ساله نشده‌اند، حق حضانت و سرپرستی مادر، تا شوهر نکرده باشد، ساقط نمی‌شود و پدر و

مادر هر دو در حق سرپرستی مشترکند و به شکلی که به توافق بررسند آن را اعمال می کنند.

**مسئله ۵۷۱**—اگر مادر طفل، پس از طلاق و جدایی از شوهر قبلی، شوهری دیگر اختیار کند حق سرپرستی او ساقط می شود و آن، به عهده پدر می باشد.

**مسئله ۵۷۲**—حق سرپرستی بر طفل، با بلوغ و رشد او پایان می یابد و پس از آن، هیچ کس حق سرپرستی او را ندارد و فرزند چه پسر باشد و یا دختر، مستقل است و مالک جان خود می باشد و پدر و مادر و هیچ کس مدعی حقی بر او نیست پس او با هر کس بخواهد، پدر، مادر و یا شخص ثالث، می تواند زندگی کند مگر آنکه جدایی او از پدر و مادر موجب اذیت و آزار آنان شود و به سبب محبت و دلسوزی که نسبت به وی دارند، رنجیده خاطر شوند که در این صورت مخالفت آنان جایز نیست و اگر پدر و مادر در این خصوص نیز اختلاف کنند مادر بر پدر مقدم است.

**مسئله ۵۷۳**—اگر پدر، بمیرد حق سرپرستی طفل به مادر می رسد تا او به سن بلوغ و رشد برسد و هیچ کس بر او مقدم نیست.

**مسئله ۵۷۴**—اگر مادر، در زمانی که حق حضانت و سرپرستی طفل را داشته از دنیا برود، پدر به سرپرستی طفل می پردازد.

**مسئله ۵۷۵**—سرپرستی، وظیفه پدر و مادر است و حق فرزند به حساب می آید و اگر آنان از سرپرستی طفل سرباز زنند به قبول چنان مسئولیتی وادار می شوند.

**مسئله ۵۷۶**—اگر طفلی پدر و مادر را یکجا از دست بدهد، حق

سرپرستی او به جدّ پدری می‌رسد.

**مسئله ۵۷۷**—پدر، مادر و هر کسی که حق سرپرستی طفل را دارد

می‌تواند آن را به شخص دیگر که مورد اطمینان است، واگذارد تا او به  
وظایف و مسئولیت‌های شرعی، قیام کند.

**مسئله ۵۷۸**—کسی که سرپرستی طفلی را به عهده می‌گیرد اعم از  
پدر، مادر و یا شخص ثالث، باید مسلمان، عاقل و امین بر سلامت طفل باشد  
پس اگر پدر، کافر و مادر مسلمان و طفل محکوم به اسلام بود، حق  
سرپرستی به مادر اختصاص پیدا می‌کند و به عکس، اگر مادر کافر باشد و  
پدر مسلمان، آن حق، از آن پدر می‌شود.

**مسئله ۵۷۹**—بر پسر واجب است که هزینه زندگی پدر و مادرش را

بپردازد.

**مسئله ۵۸۰**—بر پدر واجب است که هزینه زندگی فرزند خود را پسر

باشد و یا دختر بپردازد.

**مسئله ۵۸۱**—در وجوب انفاق بر رحم و خویشاوند نزدیک، فقر و

ناداری شرط است به این معنا که او نیازمندی‌های زندگی را فعلًا نداشته  
باشد مثل خورد و خوراک، جامه، مسکن، رختخواب، لحاف و امثال آنها.

**مسئله ۵۸۲**—نفقه واجب شرعی، اندازه معینی ندارد بلکه مقدار

واجب آن است که زندگی او در زمینه‌های خورد و خوراک، لباس، مسکن،  
و دیگر نیازمندی‌ها برابر شئون او و به تناسب زمان و مکان، فراهم باشد.

**مسئله ۵۸۳** — کسی که نفقه و هزینه زندگی او بر عهده دیگری واجب است، اگر او از پرداخت آن، خودداری کند، صاحب حق می‌تواند او را به پرداخت آن حق، وادارد و دعوی را نزد حاکم و زمامدار وقت ببرد هر چند که او حاکم جائز باشد و اگر از آن طریق به حق خود نرسید هر گاه، مالی نزد او بود می‌تواند به اذن حاکم شرع و به اندازه نیاز خود از آن، برداشت کند و اگر آن هم میسر نگردید به اجازه حاکم، از سوی آن شخص که نفقه بر او واجب است، وام می‌گیرد آنگاه ذمّه او به آن وام مشغول می‌شود و او باید آن را پردازد و هر گاه مراجعته به حاکم به طور کلی ممکن نبود به برخی مومنان عادل ودادگر مراجعته می‌کند تا او برایش قرض کند و آن شخص مسئول که از پرداختن نفقه خودداری کرده است، باید وام را پردازد.

**مسئله ۵۸۴** — اگر حفظ دین حنیف و احکام مقدسه آن و صیانت نوامیس مسلمین و نگهبانی بلاد اسلامی موقوف بر این باشد که شخص و یا اشخاصی از دارایی خود، خرج کنند، چنان خرج و انفاقی واجب می‌شود و او نمی‌تواند از کسی، عوض بطلبد.

و اینک برخی استفتائات و پاسخ‌های آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه:

**مسئله ۵۸۵** — صور تگری و یا صحنه سازی از زندگانی محمد (صلی الله علیه و آله) و یا دیگر پیامبران گذشته و یا معصومین (علیهم السلام) و یا

هر راز و رمز مقدس تاریخی و نشان دادن آنها بر پرده سینما و یا صفحه تلویزیون و یا تئاتر و غیره جایز است؟

جواب: اگر اصل حرمت و بزرگداشت آنان رعایت شود و شخصیت مقدس آنان را در اذهان مردم خدشه دار نکند مانعی ندارد.

**مسئله ۵۸۶**— آیا قرآن، دعاها و ذکرهای ویژه محافظت، روزی و یا عافیت و سلامت را می‌توان به کافران هدیه داد؟

جواب: اگر جانب احترام رعایت شود و آنها در معرض بی‌حرمتی قرار نگیرند، مانعی ندارد.

**مسئله ۵۸۷**— بر روی برخی ورقه‌های کاغذ نامهای جلاله، اسمی معصومین (عليهم السلام) و یا برخی آیه‌های قرآنی نوشته شده است و ما نمی‌توانیم آنها را به دریا و رودخانه بریزیم آنها را چه کنیم؟ با علم به این که نمی‌دانیم با کیسه‌های زباله چه می‌شود و آنها را کجا می‌ریزند؟

جواب: ریختن آنها در کیسه‌های زباله جایز نیست که بی‌احترامی به حساب می‌آید اما می‌توان نوشته‌ها را هر چند با مواد شیمیایی، از بین برد و یا در جایی پاک دفن کرد و یا بسیار خرد کرد مانند خاک.

**مسئله ۵۸۸**— آیا استخاره به طریقی که امروزه در میان ما متداول است، شرعاً وارد و پسندیده است؟ و آیا تکرار آن ضرری دارد اگر با تصدق همراه شود تا با خواسته استخاره کننده، برابر گردد؟

جواب: استخاره به هنگام حیرت و تساوی احتمالات و رجحان نداشتن یک احتمال، به قصد رجاء انجام می‌شود آن هم پس از فکر و

مشورت، اما تکرار آن به سبب حیرت، صحیح نیست مگر در صورت تغییر موضوع و دادن صدقه به مقدار از مال.

**مسئله ۵۸۹**— حدود مبلغی که به وکلای خود اجازه می‌دهید از وجوه شرعی، به مصرف برسانند چقدر است؟

جواب: آنچه در اجازه‌های ما آمده است یک سوم و یا نصف است که مجاز به مصرف آن می‌باشند و معنای جمله آن نیست که آن سهم مذکور، به مجاز اختصاص دارد بلکه آن در مصارف مقرر باید هزینه شود که گاهی خود او مورد آن مصرف نیست مثل این که شخص مجاز، علوی است و زکات اشخاص غیر علوی را گرفته است. و در پرتو این بیان، اگر شخص مجاز، بین خود و خدا خویشتن را مورد مصرف آن سهم دید و مطابق ضوابط شرعی، عمل کرد مثل اینکه او فقیر به معنای شرعی کلمه است و یا او از مصارف زکات یا سهم سادات و یا رد مظالم باشد می‌تواند به اندازه احتیاج و در شأن خود برداشت و هزینه کند نه زیادتر. به این ترتیب اگر او خدمت شرعی کرده و در اعلای کلمه دین کوشیده است به تناسب عملکرد و خدمت دینی اش استحقاق دریافت سهم امام (ع) را دارد. اما اگر او استحقاق وجهی را که دریافت کرده است نداشته باشد فقط می‌تواند سهم تعیین شده در اجازه نامه را در موارد مقرر شرعی به مصرف برساند.

**مسئله ۵۹۰**— اگر اطمینان انسان نسبت به نماینده یک مرجع تقلید به سبب خطاهایی که در مصرف وجوه شرعی به او منسوب می‌دارند متزلزل شود.

اولاً جایز است چنان چیزی را با مردم در میان گذاشت و در آن باره صحبت کرد؟ در حال که صحبت آن نسبت‌ها معلوم نیست و اگر صحبت و درستی آنها به دست آمد چطور؟

و ثانیاً تا اطمینان به صحبت آن نسبت‌ها حاصل نشده می‌توان وجهه شرعی را به او داد؟

جواب: درباره قسمت اول سؤال باید گفت: در هر دو صورت، جایز نیست و در صورت دوم یعنی احراز صحّت نسبت‌ها، او می‌تواند به طور مستقیم، آن هم با پنهان کاری تمام مرجع تقلید را در جریان بگذارد تا او را به نماینده‌ای بدهد که پاکی و صحّت عمل او برابر اجازه نامه محرز است یعنی او مقداری را در مصارف مقرر در اجازه نامه هزینه می‌کند و باقیمانده را به مرجع تقلید می‌رساند.

**مسئله ۵۹۱**— آیا بدون اجازه مرجع تقلید، می‌توان مقداری از سهم امام را برای مصرفی که امام (ع) بدان خشنود است، هزینه کرد؟

جواب: چنان کاری، جایز نیست و احراز رضای امام (ع) در زمینه مصرف سهم او بدون اجازه گرفتن از مرجع تقلید اعلم با احتمال دخالت اذن او در رضای امام، ممکن نمی‌باشد.

**مسئله ۵۹۲**— آیا سهم امام (ع) را می‌توان در بنیادهای خیریه خرج کرد در حالی که دهها هزار از مسلمانان به پاره‌ای نان و یک دست لباس برای پوشاندن اندام خود محتاجند؟

جواب: در مصرف سهم امام (ع) باید الاَّهُمَّ فَالاَّهُمَّ را مراعات کرد و تشخیص آن بنابر احتیاط موکول به تشخیص فقیه اعلم است که از جهات عمومی، مطلع می باشد.

**مسئله ۵۹۳** — گاهی دانه ای برنج به هنگام شستشوی ظروف در راه فاضلاب می ریزد آیا چنین کاری جایز است و یا اجتناب از آن، کم باشد و یا زیاد، واجب می باشد با علم به اینکه اجتناب از چنین عملی بسیار دشوار است؟

جواب: اگر مقدار برنج تضییع شده به اندازه ای است که می توان حتی حیوانی را با آن تغذیه کرد چنان عملی جایز نیست اماً اگر بسیار اندک و یا کثیف باشد، ریختن آنها در آشغال دانی هرگاه اهانت و بی حرمتی به نعمت های الهی نباشد، اشکال ندارد.

**مسئله ۵۹۴** — آیا شاعری می تواند مجلس شعر خوانی (شب شعر) برای خود ترتیب دهد در حالی که او می داند در چنان مجلسی بانوانی برای شنیدن اشعار او بی حجاب و نیمه برهنه حضور خواهد یافت؟

جواب: این کار در حد ذات خود مانعی ندارد اما بر آن شاعر لازم است که امر به معروف و نهی از منکر کند هرگاه شرایط چنان تکلیفی فراهم باشد.

**مسئله ۵۹۵** — در مدرسه ها از دانش آموزان می خواهند که انسان و حیوان را رسم و نقاشی کنند طوری که دانش آموز نمی توانند مخالفت کند

آیا چنین کاری جایز است و اگر موضوع، مجسمه سازی و پیکر تراشی باشد  
چه طور است؟

جواب: صورتگری و نقاشی به طوری مطلق جایز است، و بنابر  
احتیاط واجب، مجسمه سازی و پیکر تراشی در زمینه موجودات جاندار،  
ترک شود و تکلیف دبساتانی در مورد عملی که به احتیاط واجب باید ترک  
شود، مجوز محسوب نمی‌گردد، مگر آنکه صورت ایجاد کند مثل این که  
ارگ چنان نکند او را از مدرسه بیرون می‌کند و آن برای او کار پرزمتی  
است که معمولاً نمی‌توان تحمل کرد.

**مسئله ۵۹۶**— آیا خرید مجسمه آدمی و برهنه اعم از مجسمه زن و یا  
مرد جایز است؟ و خرید مجسمه و تندیس حیوانات که برای زینت می‌تراشند  
چه طور است؟

جواب: دومی بی اشکال است اما اولی اگر ترویج فساد باشد، جایز  
نیست.

**مسئله ۵۹۷**— کف و یا فال فنجان بین، پیشگویی‌هایی می‌کند و  
می‌گوید که برای شخص در حال و آینده چه پیش خواهد آمد؟ آیا چنین  
کاری جایز است به ویژه اگر صاحب فنجان به آنچه گفته می‌شود ترتیب اثر  
بدهد؟

جواب: چنان پیشگویی‌هایی اعتبار ندارد و او هم نباید به طور جزم و  
یقین، سخنی بگوید هم چنانکه دیگران هم در مواردی که وجود حجت  
شرعی و عقلی لازم است، نباید بر آن پیشگویی‌ها، اثربار کنند.

**مسئله ۵۹۸**— خوبای مغناطیسی و احضار ارواح جایز است؟

جواب: هر آنچه به انسانی که نباید به او صدمه زد ضرر و آسیب می‌رساند، حرام است و جایز نمی‌باشد.

**مسئله ۵۹۹**— آیا تسخیر جن برای حل مشکل مردمان مؤمن، جایز است؟

جواب: حکم این سؤال همانند حکم سؤال پیشین است.

**مسئله ۶۰۰**— راه انداختن جنگ خروس و یا گاو بازی در صورتی که موافقت صاحبجان و مالکان آنها به دست آمده است جایز است؟

جواب: اگر تضییع مال محسوب نشود، مکروه است.

**مسئله ۶۰۱**— حرجی که موجب رفع حرمت می‌شود چیست و اندازه آن چقدر است؟ و آیا گرانی قیمت با وجود قدرت بر تهیه، هر چند با زحمت و قرض، موضوع حرام را حرجی می‌کند و آن را شرعاً جایز می‌سازد؟

جواب: حالات متفاوت است و معیار، زحمت فوق العاده است که معمولاً نمی‌توان آن را تحمل کرد.

**مسئله ۶۰۲**— وزن یک ینخود با معیار مثقال و یا گرم که در سنجش طلا در زمان ما به کار می‌رود چقدر است؟

جواب: یک ینخود یک جزء از بیست و چهار جزء از مثقال صیرفی است و مقدار آن معلوم می‌باشد.

## لیست مواد خوراکی حرام و لیست نام برخی ماهی های فلس دار و حلال

شریعت مقدس اسلام خوردن تعدادی از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را بر مسلمانان حرام کرده است. و چون شرکت‌ها و مؤسسه‌های غیر اسلامی و سازنده انواع مواد غذایی طبعاً خود را معهود نمی‌دانند و از وارد کردن آن مواد حرام در تولیداتشان خودداری نمی‌کنند شایسته است که مسلمانان ضمن رعایت حدود شرعی، از تولیدات و کنسروهای ساخته شده به وسیله غیر مسلمانان اجتناب کنند و در ذیل، برخی اطلاعاتی را که در زمینه مواد خوراکی حرام به دست آورده ایم به خوانندگان تقدیم می‌داریم و ترجیح دادیم که در آن باره سخن را طولانی نکنیم تا مسلمانی که گرفتار زندگی‌های مغرب زمین است در حد امکان به مشکل برنخورد زیرا شریعت اسلام با دقّت و سخت گیری‌هایی که احياناً دارد در عین حال سهل و آسان باقی بماند. نخست تذکر دو نکته مهم، سودمند است:

۱- برخی مواد اولیه که در ترکیب قسمتی از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها وارد می‌شوند گاهی در اثر تحولات شیمیایی، خصوصیت اولیه خود را به طور کلی از دست می‌دهند، طوری که عرفاً مواد جدید به حساب می‌آیند و همین دگرگونی، آنها را اگرچه در اصل حرام بوده اند از حرمت بیرون

می آورد، و این همان استحاله‌ای است که در رساله عملیه عنوان شده و یکی از مطهرات و پاک کننده‌ها به حساب می‌آید. مثلاً یک ماده اصلی حیوانی که خوردن آن حرام می‌باشد، اگر به ماده دیگری تحول پیدا کند حلال می‌گردد.

۲- در اینجا مواد اولیه‌ای وجود دارد که در صنعت غذایی مورد استفاده اند و درباره آن احتمال داده می‌شود که قسمتی از آنها حلال و قسمتی دیگر حرام می‌باشد، در این صورت با نبود علم و یقین به اصل این ماده، جستجو واجب نیست و خوردن چنین ماده مشکوک جایز است (این حکم در مورد گوشت که در تذکیه و عدم آن، شک داریم صادر نمی‌باشد).

مثلاً اگر در ترکیب بعضی از کنسروها، ماده (Mono et diglycerides) که ممکن است از روغن حیوانی گرفته شده و احتمال هم دارد که از روغن نباتی به دست آمده باشد، در اینجا مدامی که یقین نکنیم که از روغن حیوانی گرفته شده است، پرس و جو از حقیقت آن واجب نیست و آن محکوم به حلّیت است و اکنون برخی اطلاعات مربوط به مواد حرام را که به معنای انگلیسی و فرانسوی آنها هم احیاناً اشاره خواهیم کرد یادآوری می‌کنم.

روغن‌های حیوانی و نباتی: دو کلمه (Shortening) و (Fat) انگلیسی و واژه (Matieres grasses) فرانسوی به معنای روغن و یا چربی است و معمولاً بر حسب

عرف، به روغن‌های آمیخته با چند نوع روغن حیوانی اطلاق می‌گردد که به آن مخلوط، به نسبت معینی روغن نباتی هم احیاناً اضافه می‌شود. البته روغن گرفته شده از خوک در انگلیسی (Lard) و در فرانسه (Saindoux) نام دارد.

در مورد برخی محصولات آمریکایی عبارت:  
(Vegetable shortening)

دیده می‌شود که معادل عربی آن سَمن نباتی یا دُهن نباتی (روغن نباتی) است. این جمله، اطمینان بخش است زیرا برابر قانون آمریکا شرکت‌های تولیدی، کافی است که هشتاد تا نود درصد از روغن نباتی استفاده کرده و بقیه را روغن حیوانی قاطی کنند و با این وجود اسم آن، روغن نباتی است.

واما جمله ای که بیشتر موجب اطمینان است عبارت است از:  
Pure vegetable Ghee یا Pure vegetable shortening  
و آن به معنای روغن نباتی خالص است.

در حالی که روغن نباتی خالص به (Pure vegetable oil) تعبیر می‌کنند. و سودمند است به این نکته اشاره کنم که روغن نباتی در اصل روغنی است مایع و لکن آن را با هیدروژن غنی می‌کنند تا از مایع بودن به جامد تبدیل می‌شود.

و اما کره یا روغن برگرفته از شیر که به انگلیسی (Butter) و به فرانسه (Beurre) گفته می‌شود و کره‌ای که در بازارها عرضه می‌شود فقط کره برگرفته از شیر است آنها اشکال ندارند و نوعی دیگر هم وجود ندارد. اما انواع پنیرها:

در ساختن آنها روغن خوک وارد نمی‌شود آنگونه که برخی می‌پندارند اما در به عمل آوردن آن، از مایه بهره می‌گیرند و آن چیزی است که از معده برخی حیوانات مثل گاو، گوساله و خوک گرفته می‌شود و در انگلیسی به آن (Pepsin)، (Renin) و در فرانسه (Presure) گفته می‌شود.

و مایه خوک حرام است. اما مایه به دست آمده از گاو و یا گوساله مردار و تذکیه نشده هرچند در اصل پاک است و استعمال آن جایز می‌باشد ولی ظرف آن (شکمبه، سیرابی) با ملاقات آن نجس می‌شود. چون سایر اعضای حیوان مرطوب و خیس بوده است. اگر ندانیم که ظرف متنجس، در ساختن پنیر، مورد استفاده قرار گرفته مانعی از خوردن آن نیست و شایسته است که به انواع دیگری از آنچه که در ساختن پنیر مورد استفاده قرار می‌گیرد توجه کرد که برخی از آنها نباتی و برخی دیگر شیمیایی (آنزیم میکربی) است. و در حلّیت و پاکی آنها تردیدی نیست و هنگامی که در ماده به کار رفته در ساختن چنین پنیرهایی شک و تردید کنیم که آیا از مایه طبیعی حرام و یا ناپاک تهیه شده و یا دیگر اشیاء بنابر حلّیت آن، می‌گذاریم، اما ژله‌ای که در ساختن ژلاتین مورد استفاده قرار می‌گیرد آن

نیز ماده ای است از اصل حیوانی. اما می‌ماند سؤال از نوع خاصی از ژله که در ساختن آن برخی ماده‌ها که از نباتات و گیاهان دریایی به دست می‌آید به کار می‌رود. اما نوشابه‌های گازداری که دارای الكل نمی‌باشند مانند کوکا کولا، پیسی کولا، سون آپ و کانادا درای، در آنها هیچ گونه ماده حیوانی و یا الكلی به کار نرفته است.

در اینجا تذکر دو نکته مهم است:

الف - در تهیّه این لیست به طور اساسی به سخنان دکتر احمد حسین صقر رئیس دانشگاه شرق و غرب در شیکاگو، آمریکا، اعتماد کرده ایم.

ب - در فراهم کردن این ستون به منابع ذیل مراجعه شده است:  
۱- موسوعه ای در علوم طبیعی، ادوارد غالب (ج ۱ و ۲) بیروت ۱۹۶۵

. ۱۹۶۶ -

Le Guide marabout de la peche en mer Michel -۲

- FRANCE ۱۹۸۲ van Havre -

۱۹۷۶ Les Poissons Deau Douce - Jiri Cihar -۳

FRANCE

Guide des Poissons D'eau Douce et Pe'che -۴

- SUISSE ۱۹۸۱ Bent J. Muvs et Preben Dahstrom

Encyclopedie Illustree des Poissons Stanislav -۵

Frank PARIS

(Les Encyclopedie du Monde Animal Tome -  
et Les reptiles) Maurice Burton. \Poissons  
.Bibliotheque Marabout PARIS

## لیست نام برخی ماهی های فلسف دار و حلال

نام علمی (به لاتین)	نام انگلیسی	نام فرانسوی	نام عربی
Alosa Sardina , Clupea Sardina	Sardine	Sardines - Sarda	سردین
-----	Pilchard	Pilchard -célan	البلشار (نوعی شبیه سردین)
-----	Coal Fish	Colin - Lieu noir	نازلی
Cyprinus - Carpio	Carp	Carpe	شبتوط
Mugil	Mugil - Grey , Mulet	Muge - Mulet , Mullet	بوری/ بیاچ (بیشتر از صد نوع)
Thynnus , Alaionga	Tunny - Tuna	Thon	تون / تون / طون
Thynnua Alaionga	White Tunny Fish	Thon Blanc Germon	تون ابيض/ طون ابيض/ کنعد/ کعند
Salmo Sairar	Salmon	Saumon	سمک سلیمان / سلمون
Trutta	Trout	Truite	تروتة / أطروط
Solea	Sole	Sole	سمک موسی
Clupea	Herring	Hareng	رنکة
Perca fluvatalis	Perch	Perche	سمک الفرخ
Gadus	cod - codfish	Morue - Gede	غادس/ غدیدس/ موره
-----	Cod	Cabillaud	غادس آسمر
Platycephalus	Flathead	Platycéphale	راقود
Morone Labrax	Sea Bass	Bar - Loup Louvine Loubine	قاروس/ ڨروس
Cobitis - Fossilis	Pond Loach	Loche D'étang	لُخ / كَبِيت
Lucioperca , Lucioperca	Pike - Perch	Sandre	صَنْدر

<i>osmerus</i> , <i>Eperlanus</i>	Smelt	Eperlan	سمك البنفسخ
<i>Thymallus</i> , <i>Thymallus</i>	Graylig	Ombre	عننم
<i>Alosa</i>	Allice Shad	Alose	شابل
<i>Priacanthus</i>	Catalufa Bigeeye	Priacantha	حُسْنَرٌ / حُسْنَرٌ / أبو عين
<i>Tinca Tinca</i>	Tench	Tanche	كمهة
<i>Barbus Barbus</i>	Barbel - Barbus	Barbeau Commun , Barbot	بُثْتَى / بَرْبِيس
<i>Scardinius</i> , <i>Eryhophtalmus</i>	Rudd	Rotengle	برغان أحمر
<i>Rhodeus</i> <i>Amarus</i> , Bloch	Bitterling	Bouviére	قنومه
<i>Leucespius</i> , <i>delineatus</i>	Rain - Bleak	Able de , Stymphale	سمكة بيضاء
<i>Alburnoides</i> <i>Bipunctatus</i>	Stream - Bleak	Ablette Riviére spirlin	سمكة بيضاء (نوع دوم)
<i>Alburnus</i> <i>Alburnus</i>	Bleak	Ablette	سمكة بيضاء (نوع دبگر)
<i>Rutilus Pigus</i>	Danube Roach	Gardon Galant	برغان (دانوبى)
<i>Pelecus</i> <i>Cultratus</i>	Sabre Carp	Rasoir	-----
<i>Abramis</i> - <i>Ballerus</i>	Zope	Zope	-----
<i>Chrysophrys</i>	Gilt - Head	Daurade	رباك
<i>Platichthys</i> - <i>Flesus</i>	Flounder	Flet	سمك الترس
-----	Brill	Barbue	سمك البريل
<i>Aspius</i> - <i>Aspius</i>	-----	Aspe	مطروقة / ام حسند
<i>Acerina Cernua</i>	Ruffe - Pope	Grémille	فرخ غجومى

Chondrostoma Nanus	Common Nose	Nase Commun	-----
Micropterus Salmoidea	Black - Bass	Black - Bass	فرخ أسود
Squaalius - Leuciscus	Dase	Vandoise	فاندوازة
Pagrus	Porgy	Pagre	قُجاج
Rutilus - rutilus	Roach	Gardon Commun	بر عان
Abramis Vimba	Zaerthe	Zahrte	-
Leuciscus Idus Idus Idus	Ide	Ide - Mélanote	سمك الارجوان
Phoxinus Phoxinus	Minnow	Vairon	فيرون
Squalius Cephalus Leuciscus Cephalus	Chub	Chevine Chevenne	سمك الطحان
Scomber Scombrus	Maquerel Mackerel	Maquereau	إسقمرى / طراخور
Abramis- Brama	Abramis - Bream	Braine - Bremer	أبراميس / براميس
Pagellus	Braise - Braize Red Porgy	Pagel - pageau Pageul	فرَيدى
Sargus	Sargo - Sargue	Sargue	سرغوس



 <p>Truite تروتة / اطراف</p>	 <p>Mullet بورى / بياخ (أكبر من سمك شيرطا)</p>
 <p>Saumon سمك سلمون / سليمان</p>	 <p>Carpe شيرطا</p>

 <p>Loche d'étang لُجَّ / كِبْتَ</p>	 <p>Aloie شَابِلٌ</p>
 <p>Perche سَمَّاكٌ اِنْدَرِيٌّ</p>	 <p>Sandre صَنْدرٌ</p>

Rotengle



برغان أحمر

Bouviere



نمرمة

Tanche



كمبة

Barbeau Commun

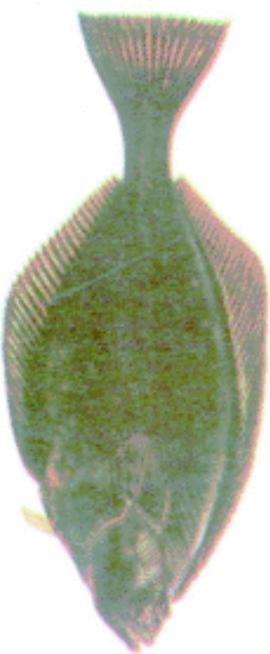


بَرْبَاعِي / بَرْبَاعِي

Rasoir



Flet



Spirlin



سمكة يضاه (نوع ثانٍ)

Zope



فاندوازة



Vandoise

Aspe

نطروة / أم حسبرد



Gardon Commun



بر عان

Black-bass



فريخ أسود

Vairon



فِرْن

Eblette



سمكة بيفد، ( نوع آخر )

Chevenne



سمك الفدان

Zahrite



غزلان



قرچ



برaine / بream

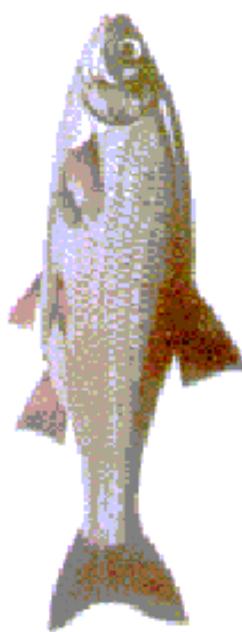
براءس / براءس

نمسه قمراني



سلمه ملائمه

سلمه ارجوان





## فهرست

۰.....	مقدمه مترجم
۸.....	مقدمه نویسنده کتاب
۱۱ .....	طرح مؤلف و تمہید
۴۱ .....	فصل ۱ عبادات هجرت به مغرب زمین و زندگی در بلاد غیر اسلامی
۵۱ .....	فصل ۲ تقلید
۵۷ .....	فصل ۳ طهارت و نجاست
۵۷ .....	مقدمه
۶۶ .....	فصل ۴ نماز
۶۶ .....	مقدمه
۸۰ .....	فصل ۵ روزه
۹۰ .....	فصل ۶ حج و زیارت خانه خدا
۹۷ .....	فصل ۷ احکام میت
۱۰۵ .....	باب دوم : معاملات
۱۰۵ .....	فصل ۱ - خوردنی ها و نوشیدنی ها
۱۲۳ .....	فصل ۲ جامگان
۱۲۹ .....	فصل ۳ رفتار و همزیستی با قوانین اجرایی کشورهای غربی
۱۳۶ .....	فصل ۴ کار و گردش سرمایه
۱۵۰ .....	فصل ۵ روابط اجتماعی
۱۹۲ .....	فصل ۶ مسائل پزشکی
۲۰۶ .....	فصل ۷ ازدواج

فصل ۸ مسائل جوانان ..... ۲۲۸
فصل ۹ مسائل بانوان ..... ۲۳۹
فصل ۱۰ احکام موسیقی ..... ۲۵۰
فصل ۱۱ مسائل متفرقه ..... ۲۵۹
لیست مواد خوراکی حرام و لیست نام برخی ماهی های فلس دار و حلال ..... ۲۶۹
لیست نام برخی ماهی های فلس دار و حلال ..... ۲۷۵
فهرست ..... ۲۸۷